

انتشارات انصار امام مهدی علیه السلام

پاسخ‌های روشنگر

بر بستر امواج

(جلد ششم)

سید احمد الحسن علیه السلام

گردآوری و تنظیم

هیأت علمی انصار امام مهدی علیه السلام

مترجم

گروه مترجمان انتشارات انصار امام مهدی علیه السلام

نام کتاب	پاسخ‌های روشنگر بر بستر امواج (جلد ششم)
نویسنده	احمد الحسن <small>رحمته</small>
گردآوری و تنظیم	هیأت علمی انصار امام مهدی <small>علیه</small>
مترجم	گروه مترجمان انتشارات انصار امام مهدی <small>علیه</small>
نوبت انتشار	دوم
تاریخ انتشار	۱۳۹۴
کد کتاب	125/۲
ویرایش ترجمه	دوم

جهت کسب اطلاعات بیشتر در خصوص دعوت مبارک سید احمد الحسن علیه به
تارخ‌های زیر مراجعه نمایید.

www.almahdyoon.co/ir

www.almahdyoon.co

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست

- پیش‌گفتار..... ۷
- بخش اول: پاسخ‌های سید احمد الحسن علیه‌السلام..... ۱۳
- محور اول: پرسش‌های اعتقادی..... ۱۳
- محور دوم: پرسش‌های فقهی..... ۵۷
- محور سوم: مسایل متفرقه..... ۸۷
- محور چهارم: تعبیر خواب..... ۱۲۱
- بخش دوم: پاسخ‌های انصار امام مهدی علیه‌السلام..... ۱۶۹

پیش‌گفتار

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليمًا

هر کسی که این مجموعه‌ی جدید از پاسخ‌های امام احمد الحسن (علیه السلام) را مطالعه می‌کند، شاید برایش مفید باشد که به پرسش، و هدف نهایی یا غایتی که از آن انتظار می‌رود، توجه نماید؛ چرا که شایسته است پرسش با این انگیزه پرسیده شود که جهلی را برطرف سازد و آدمی را به معرفتی برساند که بتواند آن را به عملی که او را به خدای سبحان نزدیک و از راه شیطان (لعنت الله) دور بدارد، تبدیل نماید.

اهل این زمان عادت کرده‌اند که برای کسب اطلاعات، سؤال بپرسند و آنها خود، خویشتن را بر اساس نوعی سیستم شناختی که معرفت را به دو بخش نظری و عملی تقسمی می‌کند، تنظیم می‌نمایند و گویی این تقسیم‌بندی بی‌پایه و ساختگی چنین می‌نماید که بخش نظری را منزلتی معرفتی است که با مقام شناخت عملی متفاوت است. از این رو، این توهم بیشتر ریشه دوانید؛ به این صورت که بخش نظری، به مسایل فکری و انسانی اعم از واژه‌شناسی، ادبیات، منطقی و دیگر علوم که انسان‌ها با نظریه‌پردازی تصنیف می‌کنند، تعلق یافت و بخش عملی هم به نحوه‌ی عملکرد عناصر و مواد اولیه و صنایع و از این قبیل موارد، می‌پردازد.

تردید نیست که این دسته‌بندی جعلی، در عرصه‌ی عمل هیچ ارزش و اعتباری ندارد. علم یا معرفت لفظی که اندک اثری بر وضعیت اخروی یا دنیوی انسان نداشته باشد، بی‌بها است. واژه و عبارت اگر در واقعیت مردم، ثمره‌ی عملی به بار نیآورد، هیچ سودی نخواهد داشت. مردم به طور پیوسته و در هر لحظه از زندگی خود، با اطرافیان خویش چنین مراوده دارند که: من فقط حرف نمی‌خواهم، عمل می‌خواهم!!

آری، واژگان ارزش و بهایی ندارد اگر نتواند حیات دنیوی یا اخروی را به گونه‌ای قاعده‌مند سازد که انسان از طریق آن احساس نماید که به به طور عملی جلو گام برمی‌دارد؛

چرا که آدمی در زندگی بر اساس معرفت و شناختی که دارد به جنبش و تکاپو درمی‌آید، و عمل او، آشکار کننده‌ی حقیقت معرفت او است؛ بر همین اساس معیار ارزش‌گذاری او مقدار معلوماتش نیست. معلومات فراوان و عظیمی که صاحبش، آن را در میدان عملی خود، منعکس نکند و یا چه بسا بسیار نمود کمی داشته باشد، چه ارزشی دارد؟! و به این صورت صاحب این همه معلومات، عالم است ولی عامل نیست و از این رو، حال و روزش بسیار عجیب است!!

چه بسیار شگفت‌انگیز است که انسان عالم باشد ولی از علمش بهره‌ای نبرد و یا حتی علم او وبال و حجتی بر گردنش باشد؛ علمی که در اینجا مورد نظر من است، همان علمی است که سعادت انسان در دنیا و آخرت را به دنبال دارد و نزدیکی بنده به پروردگار سبحانش را موجب می‌گردد. خداوند متعال می‌فرماید: «مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا اِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ وَالَّذِينَ يَمْكُرُونَ السَّيِّئَاتِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَكْرُ اَوْلِيكَ هُوَ يُورُ» (هر که خواهان عزت است (بداند که) عزت، همگی از آن خدا است. سخنان پاک، به سوی او بالا می‌رود و کردار نیک است که آن را بالا می‌برد و برای آنان که از روی مکر به تبهکاری می‌پردازند عذابی است سخت و مکرشان نیز از میان می‌رود.)^۱

لذا باید به هوش باشیم و قبل از آن که از قائم آل محمد علیهم‌السلام سؤال کنیم، پرسش را به نفس خویش عرضه داریم، چرا که این نفس، دربرگیرنده‌ی سؤال است و او است که سؤال را در پیشگاه ایشان قرار می‌دهد؛ ایشان علیهم‌السلام قبل از آن که در سؤال بنگرد، به آن نفس نگاه می‌اندازد، و برایش روشن می‌گردد که: آیا پرسش محملی برای برطرف‌سازی جهل و به بار نشاندن عقلی است یا خیر؟ آیا این نفس دربرگیرنده‌ی پرسش، فقط به دنبال آن است که حجم اطلاعات خود را افزایش دهد، و هم و غمش علم است و نه عمل به آن؟!!

چه رئوف و مهربان است قائم آل محمد علیهم‌السلام؛ وقتی می‌بینیم ایشان با ما سؤال‌کنندگان نهایت مدارا و نرمی را پیشه می‌کند، و گاهی بی‌ادبی ما در پرسش و گاهی اوقات جهل ما در چند و چون پرسیدن را تحمل می‌فرماید و با عطفی بزرگوارانه، اولی را به ما گوشزد می‌کند و زمانی که شیوه‌ی سؤال پرسیدن را تصحیح می‌نماید یا از سؤال‌کننده می‌خواهد که منظورش از سؤال را معین و محدود نماید، دومی را با نرمی به ما می‌آموزاند. در همه‌ی این

موارد، ایشان ما را تربیت می‌کند و می‌آموزد و پیرایش می‌نماید؛ زیرا هدف غایی، برتر از پاسخ‌گویی به سؤال است و این غایت، همان وصول به خدای سبحان می‌باشد؛ این وصول تا آن‌گاه که آدمی درنیاید که باید به ادب الهی تربیت شود، حقیقی نخواهد بود و نشانه‌ی این ادب نیز در چگونگی رفتار او با حجت‌های خدای سبحان بر خلقش هویدا می‌گردد. در مقام ارایه‌ی دلیل بر مطلب بالا، به سؤالی که از امام احمد الحسن علیه السلام پرسیده شد و نیز پاسخ ایشان علیه السلام اشاره می‌کنم:

پرسش ۵۹۷:

والسلام علیکم ورحمة اللہ وبرکاتہ

مولای ما! حال شما چه‌طور است؟ به من افتخار بدهید و به این سؤالات پاسخ دهید: آن سه پیامبری که خداوند به آنان قدرت زنده کردن مردگان عطا نمود، چه کسانی می‌باشند؟ کدام نماز به وضو و تیمم نیاز ندارد؟ یکی از فرشتگان حارث نام دارد، وظیفه و تکلیف او چیست؟ کدام آفریده است که به قومش هشدار داد در حالی که او نه از جن بود و نه از آدمیان؟ شومان کیست؟ سه پیامبری که برای قوم خود به پیامبری محمد صلی الله علیه و آله شهادت دادند چه کسانی هستند؟

با تشکر فراوان، و بابت زیادی سؤالات عذر می‌خواهم و من اطمینان دارم که پاسخ وافی و شافی از شما دریافت خواهم نمود.

پاسخ:

بسم اللہ الرحمن الرحیم

والصمد للرب العالمین، و صمد الله عنصره و آل صمد الائم و الصمدین و سلم تسلیماً.

خداوند شما را بر هر خیری موفق بگرداند! کتاب‌های زیادی منتشر شده که در آنها علوم زیادی درج شده است. شما اگر طالب حق هستی، با مطالعه‌ی این کتاب‌ها می‌توانی این علم را بشناسی و مصدر و منبع آن را بدانی. گمان نمی‌کنم شما بر این باور باشی که کسی نداند مورچه به قومش هشدار داد در حالی که این قصه در قرآن ذکر شده است! آیا شما بر این باوری که من نمی‌دانم نماز بر میت بدون وضو یا تیمم ممکن است، با این که این مطلب را در کتاب شرایع الاسلام بیان نموده‌ام؟!

از خداوند برای شما در جست و جویت توفیق خواهانم و این که خداوند حق را به شما بشناساند و گام‌هایت را استوار سازد.

والسلام علیکم ورحمة اللہ وبرکاتہ.

از خدای عزوجل مسئلت داریم که ما را از توشه‌ی تقوا — که یمانی آل محمد علیهم‌السلام ما را به آن تجهیز می‌فرماید — بهره‌مند سازد و ما را جزو کسانی که این بخشش بزرگوارانه‌ی الهی را به عملی خالص برای وجه او و یاری رساندن به ولیّ مظلومش تبدیل می‌کنند، قرار دهد؛ همان ولیّ مظلومی که خداوند سبحان از جنس نوع بشر، برای رهایی نوع انسان ارسال فرموده است؛ ولی افسوس که انسان‌ها آن را به گونه‌ای کم‌نظیر انکار کرده‌اند، هر چند که امر او و دلایلش چون روز، روشن است.

وَالصِّدْقُ لِلْهَوَالِ وَالْكَفْرَةُ وَالظَّاهِرَةُ وَالْبَاطِنُ

وَصِدْقُ الْعَدْلِ مَعَهُ وَكُلُّ مَعْدٍ لَلْإِثْمِ وَالْمَهْرَبِينَ وَسَلْمٌ تَسْلِيَةً

هیأت علمی انصار امام مهدی علیه‌السلام
 (خداوند در زمین تمکینش دهد!)
 استاد زکی الانصاری
 ۱۱/ربیع الاول/۱۴۳۳ هـ.ق.^۱

پاسخ‌های روشنگر بر بستر امواج
جلد ششم

که شامل دو بخش است:

بخش اول: پاسخ‌های سید احمد الحسن علیه السلام

که شامل محورهای زیر است:

اول: پرسش‌های اعتقادی

دوم: پرسش‌های فقهی

سوم: پرسش‌های متفرقه

چهارم: تعبیر خواب

بخش دوم: پاسخ‌های انصار امام المهدی علیه السلام

بخش اول:

پاسخ‌های سید احمد الحسن (علیه السلام)

محور اول:

پرسش‌های اعتقادی

پرسش ۵۲۲:

بسم الله الرحمن الرحيم

ستایش از آن خدا است

و صلوات و درود خداوند بر محمد و آل او ائمه و مهدیین و سلم تسلیما کثیرا.

بدون پنج زاد و توشه‌ای بر کریمی
داردمم از کارهای خوب و قلب سلیم

امازشت‌ترین چیز همراه بدون زاد و توشه
است هنگام وارد شدن بر شخص کریم

السلام علیکم و رحمه اللهو برکاته....

خداوند شما و تمام انصارتان را بر فرمان‌روایی ثابت قدم بدارد و به برکت دعای تان مرا

نیز با شما ثابت قدم گرداند!

سرور و مولایم! به قصد ارتباط برقرار کردن با شما، برای تان می‌نویسم تا جدایی به وجود

نیاید.... سرورم! چهار نامه دارم و پاسخ فقط از سوی شما است و لاغیر!

سؤال:

۱- معنای «ص» در قرآن چیست؟ آیا «ص» نام رودخانه‌ای در بهشت است؟

۲- در حدیثی از پیامبر خدا حضرت ابراهیم علیه السلام روایت شده که: «در اینجا درختی مانند

درخت آدم علیه السلام در بهشت عدن خواهد رویید.»

با اجازه‌ی شما، من این عبارت را در تالار گفت و گو نوشتم.... از شما خواهش می‌کنم مطلب را توضیح دهید. آیا این دلیلی نیست بر متولد شدن شخصی در آخرالزمان که در این مکان یعنی محل پیوستن دو رود (عبد صالح)، به وجود خواهد آمد، که داستان آن معروف است؟ و این اشاره‌ی آشکار به احمد الحسن علیه السلام به عنوان قرینه‌ای برای شجره‌ی آدم علیه السلام دارد.... و در تفسیری که در روایات محمد و آل محمد علیهم السلام آمده، درخت آدم نماد علم آنها است، و این همان درختی بود که خداوند آن را بر آدم نبی علیه السلام در بهشت عدن ممنوع ساخت؟ موضوعی که در تالار گفت و گو نوشته شده به شرح زیر می‌باشد:

درخت آدم: «قرنه» و «درخت آدم» در «منطقه‌ی قرنه» (شمال بصره):

این بقعه‌ی مبارکه در محل برخورد دجله و فرات قرار گرفته و جایی است که به زیارت سید ما ابراهیم خلیل علیه السلام در سال ۲۰۰۰ ق.م مشرف شده است. جایی که حضرت ابراهیم ایستاد، نماز خواند و فرمود: **«در اینجا درختی مانند درخت آدم علیه السلام در بهشت عدن خواهد رویید.»** دو رود دجله و فرات قبل از آن که در «قرنه» به هم برسند، زمانی دراز در تاریخ از هم جدا بوده‌اند، و کسی نمی‌داند چه کسی این «درخت آدم» یا درخت ابراهیم خلیل علیه السلام را که برخی اهالی منطقه آن را به این اسم نامیده‌اند، کاشته است. شاید این کار توسط خود ابراهیم نبی علیه السلام صورت گرفته باشد زیرا با خانه‌ی ابراهیم در نزدیکی «زیگورات سومر» در ۸۰ کیلومتری شهر ذی قار یا ناصریه که تا به امروز پابرجا است، فاصله‌ی چندانی ندارد.

در دلتای جنوبی، در محل تلاقی این دو رود بزرگ در قرنه (۷۵ کیلومتری شمال مرکز شهر بصره) درخت آدم رشد یافته، بالا آمده و از ریشه‌ی آن، رودخانه‌ی شهر خالد (شط العرب) جوشیده است. این درختی است استوار که بی‌حرکت باقی مانده است. با وجود به خاک افتادن هزاران عراقی، این درخت همچنان پابرجا است؛ گویی آخرین شاهد انحطاط تمدنی است که در اعماق زمین و تاریخ ریشه دارد.

بیمرد نود ساله‌ای که در آنجا نماز می‌خواند، می‌گوید: «در اینجا همیشه آب جاری بوده و خشکی در کار نبوده است؛ ولی دو رود دجله و فرات در محل قرار گرفتن درخت، گل و لای می‌ریختند و این گل‌ها زیاد و بلند شد تا حدی که درخت خشکید».

توضیح: آن چه که در این خصوص برای من اهمیت دارد، همان روایت ابراهیم نبی علیه السلام است: «در اینجا درختی مانند درخت آدم علیه السلام در بهشت عدن خواهد روید». آیا این دلیلی نیست بر متولد شدن شخصی در آخرالزمان که در این مکان یعنی محل پیوستن دو رود (عبد صالح)، به وجود خواهد آمد، که داستان آن معروف است؟ و این اشاره‌ای آشکار به احمد الحسن علیه السلام به عنوان قرینه‌ای برای شجره‌ی آدم علیه السلام دارد... و در تفسیری که در روایات محمد و آل محمد علیهم السلام آمده، درخت آدم نماد علم آنها است، و این همان درختی بود که خداوند آن را بر آدم نبی علیه السلام در بهشت عدن ممنوع ساخت؟

و علم نزد خدای سبحان است. وحده وحده وحده!

از این که مطلب به دراز کشید مرا ببخشید... چشم انتظار شما هستیم... من مشتاق دیدن شما و ارتباط برقرار کردن با شما هستم، اگر ممکن باشد. در امان و حفظ خدا! و خداوند شما، خانواده‌ی بزرگوارتان و تمام انصار شما را سلامت بدارد!
این لینک موضوع در تالار گفت و گو است:

<http://www.almahdyoon.info/vb/t2414-p7962.html>

فرستنده: محمد الصفار - کویت

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والصلاة لله رب العالمين، و صلواته على محمد و آل محمد الطيبين و سلم تسليمًا.

خداوند شما را بر هر خیری موفق بگرداند! ان شاء الله سعی می‌کنم وقت کافی فراهم آورم تا به فضل خداوند، به نامه‌هایی که به دستم می‌رسد پاسخ دهم.

پاسخ سؤال ۱: خدای متعال می‌فرماید: «ص وَالْقُرْآنِ ذِي الذِّكْرِ» (ص، سوگند به قرآن شریف صاحب اندرز).

«ص» یکی از حروف مقطعه است و به یکی از ائمه اشارت دارد. من بیشتر این موضوع

را بیان کرده‌ام که هر حرف از حروف مقطعه به یکی از معصومین علیهم‌السلام اشاره می‌نماید. همچنین «ص»: نام رودخانه‌ای در بهشت است؛ رودخانه‌ی آب حیات و علم که دل‌ها و ارواح را زنده می‌گرداند، و اگر خداوند در این عالم تجلی و ظهور و جوشش برای آن اراده فرماید، سبب حیات بدن‌های مرده نیز خواهد شد؛ همان‌طور که برای ماهی موسی و یوشع علیهم‌السلام هنگامی که آن را در نزدیکی عبد صالح فراموش کردند حاصل شد. تراوش آب حیات یا علم که در آن لحظه در نزدیکی ماهی ظاهر شد، حیات ماهی را به دنبال داشت؛ لذا ماهی راه دریا پیش گرفت و در آب، روان شد. همچنین این خود نشانه و علامتی برای موسی علیه‌السلام بود که از طریق آن توانست عبد صالحی که با جوشش حیات و رود حیات و علم، دل‌ها را زنده می‌گرداند بشناسد.

این نهر -نهر علم و زندگانی- به خصوص و به طور واضح در امام صادق علیه‌السلام تجلی و بروز یافت و خدا چنین اراده فرمود که از طریق آن حضرت، علم آل محمد علیهم‌السلام منتشر و بین مردم پراکنده گردد. لذا حرف «ص» به امام صادق علیه‌السلام اشاره می‌نماید.

علم و معرفت، به طور خاص ثمره‌ی یقین و صبر است. خدای متعال می‌فرماید: «وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أَئِمَّةً يَهْتَدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يُوقِنُونَ» (از میان آن قوم پیشوایانی پدید آوردیم که چون صبوری پیشه کردند و به آیات ما یقین داشتند، به فرمان ما به هدایت مردم پرداختند).^۱ بنابراین، این حرف به صبر نیز اشاره دارد.

پاسخ سؤال ۲: بابت این که این موضوع مبارک را به نگارش می‌آوری، خداوند جزای خیر به شما عنایت فرماید، ان شاء الله! و این توفیقی است از جانب خدا برای شما به دلیل اخلاصی که داری، ای پاکیزه‌ی مبارک! از خداوند تقاضا دارم که شما را با محمد و آل محمد علیهم‌السلام محسور فرماید!

والسلام علیکم ورحمة‌الله وبرکاته.

^۱ الصمد الصبح - رصب لاصب / ۱۴۴۱ هـ. ق.

پرسش ۵۲۳:

از حضرت تعالی تقاضا دارم این آیه را تفسیر فرمایید: «إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَيَنْزِلُ الْغَيْثَ

۱ - سجده: ۲۴.

۲ - خرداد یا تیر ۱۳۸۹ هـ. ش. (مترجم)

وَيَعْلَمُ مَا فِي الْأَرْحَامِ وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ مَّاذَا تَكْسِبُ غَدًا وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَهْوُو^۱ (علم ساعت^۲ نزد خدا است. اوست که باران می‌باراند و از آن چه در رحم‌ها است آگاه است و هیچ کس نمی‌داند که فردا چه چیز به دست خواهد آورد و کسی نمی‌داند که در کدام زمین خواهد مرد). آیا سید احمد الحسن یمانی می‌داند کجا و چه وقت می‌میرد؟؟؟

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والصمد للرب العاليم، و الصمد للمعلم الصمد و كل مصدر للاثم و المصريح و سلم تسليمًا.

خداوند شما را توفیق دهد! این آیه جدا از دیگر بخش‌های قرآن نیست، و این سخن خداوند که: «عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَىٰ غَيْبِهِ أَحَدًا* إِلَّا مَنِ ارْتَضَىٰ مِنْ رَسُولٍ»^۳ (او دانای غیب است و غیب خود را بر هیچ کس آشکار نمی‌سازد، مگر بر آن فرستاده‌ای که از او خوشنود باشد) محکم کننده‌ی آن است. فقط خداوند سبحان غیب می‌داند و لکن پیامبران و حجت‌های خود از خلقتش را بر هر مقدار از غیب که بخواهد باخبر می‌گرداند؛ همان‌طور که آیه این مطلب را بیان کرده است خداوند توفیق دهد: «إِلَّا مَنِ ارْتَضَىٰ مِنْ رَسُولٍ».

و السلام عليكم و رحمم الله وبركاته.

۱- مصدر الصغ - رجب الاصب ۱۴۳۱ هـ. ق. ۴

پرسش ۵۲۴:

در این آیه‌ی مبارک خداوند چگونه خودش به الوهیت شهادت داده است: «شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ»^۴ (الله شهادت می‌دهد که هیچ خدایی جز او نیست و همچنین فرشتگان و صاحبان علم که هیچ خدایی برپادارنده‌ی عدل جز او نیست. خدایی جز او نیست که پیروزمند و حکیم است). با توجه به این که وی بی‌نیاز از بندگان است و او نیاز ندارد که بر خودش به الوهیت گواهی دهد زیرا وی نزد کسانی که او را می‌شناسند (عارفین به او) حاضر است و بر همین مبنا حسین بن علی علیه السلام می‌گوید: «عمیت

۱ - لقمان: ۳۴.

۲ - علم الساعة: می‌تواند اشاره به زمان قیامت کبری یا صغری (اشاره به زمان خروج قائم) باشد. (مترجم)

۳ - جن: ۲۶ و ۲۷.

۴ - خرداد یا تیر ۱۳۸۹ هـ. ش. (مترجم)

۵ - آل عمران: ۱۸.

عین لاتراک» (کور باد دیده‌ای که تو را نبیند)؛ پس آیا خدایی غیر از او وجود دارد؟ یا آیا مقامی برتر از او سبحانه- یافت می‌شود؟ خداوند از آن چه وصف می‌کند، منزّه است.
فرستنده: ایاد الموسوی - عراق

پاسخ:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

وَصَلِّ عَلَى الْعَلِیِّ بْنِ اَبِی تَالِبٍ وَصَلِّ عَلَى اٰلِهِ وَارْحَمِهِمْ وَسَلِّمْ

خداوند شما را توفیق دهد! گواهی خدا و فرشتگان و بندگان صالحش برای سایر مخلوقات، از طریق وحی در رؤیا یا مکاشفه صورت می‌گیرد. آیا این سخن خدای متعالی را نخوانده‌ای که فرمود: «مَا أَصَابَكَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللَّهِ وَمَا أَصَابَكَ مِنْ سَيِّئَةٍ فَمِنَ نَفْسِكَ وَأَرْسَلْنَاكَ لِلنَّاسِ رَسُولًا وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا»^۲ (هر خیری که به تو رسد از جانب خدا و هر شری که به تو رسد از جانب خود تو است، تو را به رسالت به سوی مردم فرستادیم و خدا برای شهادت دادن کافی است) و همچنین: «لَئِنْ اللَّهُ يَشْهَدُ بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ أَنْزَلَهُ بِعِلْمِهِ وَالْمَلَائِكَةُ يَشْهَدُونَ وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا»^۳ (ولی خدا به آن چه بر تو نازل کرد شهادت می‌دهد که با علم خود نازل کرده است، و فرشتگان نیز شهادت می‌دهند، و خدا برای شهادت بسنده است) و همچنین این سخن خداوند متعال: «وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ»^۴ (کافران می‌گویند که تو پیامبر نیستی، بگو: خدا و هر کس که از کتاب آگاهی داشته باشد، برای شهادت میان من و شما کافی است) و این سخن خداوند متعال: «قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ ۗ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا»^۵ (بگو خدا میان من و شما برای شهادت کافی است، زیرا او به بندگان آگاه و بینا است).

در این آیات تدبیر کن و اندیشه نما که چگونه خدا و فرشتگان برای فرستادگان الهی نزد مردم و نزد قوم‌های‌شان، آن‌گاه که به سوی ایشان مبعوث می‌شوند، گواهی می‌دهد. آیا این کار با رؤیا و مکاشفه انجام نمی‌شود؟ آیا این سخن خدای متعال را نخوانده‌ای که فرمود:

۱ - دعای امام حسین (علیه السلام) در روز عرفه، بحار الانوار: ج ۹۵ ص ۲۶۶.

۲ - نساء: ۷۹.

۳ - نساء: ۱۶۶.

۴ - رعد: ۴۳.

۵ - اسراء: ۹۶.

« وَإِذْ أَوْحَيْتُ إِلَى الْحَوَارِيِّينَ أَنْ آمِنُوا بِي وَبِرَسُولِي قَالُوا آمَنَّا وَاشْهَدْ بِأَنَّنَا مُسْلِمُونَ »^۱ (و به حواریون وحی کردم: به من و به پیامبر من ایمان بیاورید، گفتند: ایمان آوردیم. گواه باش که ما تسلیم هستیم).

خداوند چگونه به حواریون وحی کرد؟ آیا از طریق رؤیا نبود؟!

بنابراین، خدای سبحان، برای پیامبران، فرستادگان و حجت‌هایش نزد مردم، با رؤیا و مکاشفه گواهی می‌دهد. همچنین هنگامی که از طریق رؤیا با مردم سخن می‌گوید و وجود خویش را به آنها می‌شناساند و این که حق تعالی بر هر چیز حاکم و مهیمین است، برای خودش گواهی می‌دهد. نمونه‌ای از گواهی خدای سبحان بر خودش در پیشگاه مردم، این است که حق تعالی برخی امور غیبی را به آنها می‌نمایاند و پس از مدتی آن امور به وقوع می‌پیوندند. او می‌خواهد به این مردم بگوید که او وجود دارد و حاکم و مهیمین است و از آنها می‌خواهد که به او روی آورند و به سوی حضرتش شتاب کنند.

والسلام علیکم ورحمة اللہ وبرکاتہ.

اصد الصغیر - رجب لاصب / ۱۴۴۱ هـ. ق.

پرسش ۵۲۵:

بسم اللہ الرحمن الرحیم . اصد لمر ب العالین

امام و سرورم، امام احمد الحسن (علیه السلام) می‌فرستم به امام اعظم محمد بن الحسن و به وصی و فرستاده‌ی او، و از خداوند امید دارم که سلام من را به شما برساند، ای دو امام انسان و جن! همچنین از خداوند چشم امید دارم که قلب پیامبر اکرم محمد (صلی الله علیه و آله) و آل محمد (علیهم السلام) را از این جهت که من، شما سرورانم را بر دشمنان خدا و دشمنان تان یاری می‌رسانم و به برپاسازی دولت عدل الهی اهتمام می‌ورزم، شاد فرماید.

منظور از حرام بودن فروختن سلاح در روایت یمانی چیست؟ زیرا مخالفین از ما می‌پرسند که این حرمت، تشریحی، مولوی یا تکوینی است؟

فرستنده: ابومرتضی الربیع - استرالیا

پاسخ:

بسم اللہ الرحمن الرحیم

والصد لمر ب العالین، و صلر اللعلر صدر و کل صدر اللثم و المبرین و سلم تسلیم.

قضیه‌ی حرام بودن فروختن سلاح به مخالفین، موضوعی است که آل محمد علیهم‌السلام آن را بیان نموده‌اند و این موضوع مربوط به هنگام ظهور قائم آنها است. بر این اساس قید «حرم بیع السلاح» (فروختن سلاح را حرام می‌کند) در روایت یمانی، شرحی برای کسانی است که سخنان ایشان را درک می‌کنند و می‌فهمند؛ به این صورت که یمانی، همان قائم است؛ زیرا آنها در احادیث، حرمت فروش را به وقت آشکار شدن هنگام خروج قائم محدود کرده‌اند و اکنون می‌گویند اگر یمانی خروج کرد، فروختن سلاح حرام می‌شود. لذا به وضوح روشن می‌شود که یمانی، همان قائم است. امام علیه‌السلام در سخن خود که می‌فرماید: «**هنگامی که یمانی خروج کرد، فروختن سلاح را بر مردم و بر هر مسلمانی تحریم می‌نماید**»، می‌خواهد روشن کند که یمانی، همان قائم است که به هنگام ظهورش و آشکار شدن، فروش سلاح حرمت می‌یابد. این، علاوه بر شرحی است که در روایت مزبور آمده است و طی آن مشخص می‌شود یمانی، همان قائم و حجتی از حجت‌های الهی است، و من این موضوع را پیشتر تبیین نموده‌ام.

در ادامه برخی روایاتی که به حرام بودن فروختن سلاح، در زمان خروج قائم و به هنگام آشکار شدن و وقوع جنگ بین او و دشمنانش اشاره می‌نماید، ذکر شده است:

هند سراج می‌گوید: به امام باقر علیه‌السلام گفتم: خداوند شما را نیکو دارد! من همواره برای شامیان ابزار جنگی می‌بردم و به آنها می‌فروختم. وقتی خداوند مذهب اهل بیت را به من شناساند در تنگنا قرار گرفتم و با خود گفتم: دیگر برای دشمنان خدا اسلحه نمی‌برم. امام علیه‌السلام فرمود: «**برایشان اسلحه ببر؛ زیرا خداوند به وسیله‌ی شامیان، دشمن ما و شما یعنی رومیان را دفع می‌کند. سلاح به شامیان بفروش. اگر در میان ما و شامیان جنگ درگرفت سلاح برای آنان نبرید که (در این صورت) هر کس دشمنان ما را با سلاح نظامی یاری کند مشرک است**».^۱

ابی‌بکر حضرمی می‌گوید: بر امام صادق علیه‌السلام وارد شدیم. حکم سراج به امام گفت: حکم کسی که برای شامیان زین و دیگر ابزار رزمی می‌برد چیست؟ فرمود: «**مانعی ندارد. شما اینک چون یاران پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در وضعیت صلح به سر می‌برید. اگر میان ما و شامیان جنگ درگرفت،**

۱ - غیبت نعمانی: ص ۲۶۴.

۲ - کافی: ج ۵ ص ۱۱۲.

حرام است که برای آنها زین و اسلحه ببرید»^۱.

و السلام علیکم و رحمہ اللہ برکاتہ.

۲. مصدر الصغیر - نیم شعبان / ۱۴۳۱ هـ. ق.

پرسش ۵۲۶:

سؤالی از امور بزرگ: پسر نوح علیه السلام کجا بود وقتی پدرش او را ندا داد که پسر من با ما سوار شو و با گروه کافران مباش؟ در آیه‌ی شریف آمده که وی در گوشه‌ای بوده است. خداوند برترین جزا را به شما عنایت فرماید!

سرور و مولایم! این را هم بگویم که تاکنون هیچ کس به این سؤال من پاسخ نداده است. خداوند، اسلام و مسلمین و ایتم آل محمد علیهم السلام را از شما بهره‌مند گرداند و همواره سالم باشید

فرستنده: رشید الاسدی - عراق

پاسخ:

بسم اللہ الرحمن الرحیم

والصبر للرب العالمین، و صلوات اللہ علیہم و آلہم و سلم تسلیماً.

خداوند شما را بر هر خیری موفق بگرداند! پسر نوح در واقع فرزند صلیبی آن حضرت نبود بلکه فرزندخوانده و فرزند همسر نوح بود. او با نوح و در خانه‌ی او زندگی نمی‌کرد و به نوح علیه السلام نیز ایمان نداشت. مادرش نیز همین طور بود. نوح درباره‌ی همسرش درخواست نکرد و نگفت او از خاندان من است زیرا وی کفرورزی‌اش به دعوت نوح علیه السلام را به طور علنی ابراز می‌نمود ولی پسر وی یا همان ناپسری‌اش (پسر همسرش) از نوح علیه السلام حیا می‌کرد و آشکارا به دعوت نوح علیه السلام کفر نمی‌ورزید. اما هنگامی که سیل آمد و زمان جدایی فرا رسید، این پسر، همراهی با مادرش را ترجیح داد و از پیامبر خدا، نوح علیه السلام روی گردانید و به این ترتیب به هلاکت رسید. درخواست نوح علیه السلام درباره‌ی پسرش، از مهر و عطفوت پسرش با نوح پرده برمی‌دارد و خداوند برای نوح علیه السلام آشکار می‌سازد که وی مؤمن واقعی نبوده بلکه منافقی بوده

۱ - کافی: ج ۵ ص ۱۱۲.

۲ - ۵ مرداد ۱۳۸۹ هـ. ش.

که کفرورزی به دعوت نوح علیه السلام را مخفی می‌کرده است و حیای او از نوح علیه السلام بوده که مانع از علنی شدن کفرورزی او می‌شده است چرا که نوح علیه السلام او را بزرگ کرده بود. این سخن خدای متعال درباره‌ی فرزند نوح که می‌فرماید وی در گوشه‌ای ایستاده بود یعنی در گوشه‌ای از دین نوح علیه السلام به این معنا که وی بر دین نوح علیه السلام نبود. همچنین او از جایگاه نوح علیه السلام نیز کناره گرفته بود زیرا با او زندگی نمی‌کرد. وی از خاندان نوح نیز محسوب نمی‌شد زیرا خاندان نوح علیه السلام کسانی بودند که به دعوتش ایمان آورده بودند.

حق تعالی می‌فرماید: «وَهِيَ تَجْرِي بِهِمْ فِي مَوْجٍ كَالْجِبَالِ وَنَادَى نُوحٌ ابْنَهُ وَكَانَ فِي مَعْزِلٍ يَا بَنِي آرْكَبْ مَعَنَا وَلَا تَكُنْ مَعَ الْكَافِرِينَ * قَالَ سَاوِي إِلَى جَبَلٍ يَعْصِمُنِي مِنَ الْمَاءِ قَالَ لَا عَاصِمَ الْيَوْمَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِلَّا مَنْ رَحِمَ وَحَالَ بَيْنَهُمَا الْمَوْجُ فَكَانَ مِنَ الْمَغْرِقِينَ * وَقِيلَ يَا أَرْضُ ابْلَعِي مَاءَكِ وَيَا سَّمَاءُ أَفْلَعِي وَغِيضَ الْمَاءِ وَقُضِيَ الْأَمْرُ وَاسْتَوَتْ عَلَى الْجُودِيِّ وَقِيلَ بُعْدًا لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ * وَنَادَى نُوحٌ رَبَّهُ فَقَالَ رَبِّ إِنَّ ابْنِي مِنْ أَهْلِي وَإِنَّ وَعْدَكَ الْحَقُّ وَأَنْتَ أَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ * قَالَ يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ فَلَا تَسْأَلْنِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنِّي أَعْطِكُ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ * قَالَ رَبِّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَسْأَلَكَ مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ وَإِلَّا تَغْفِرْ لِي وَتَرْحَمْنِي أَكُنْ مِنَ الْخَاسِرِينَ» (کشتی، آنان را در میان امواجی چون کوه می‌برد. نوح پرسش را که در گوشه‌ای ایستاده بود ندا داد: ای پسر، با ما سوار شو و با کافران مباش! * گفت: من بر سر کوهی که مرا از آب نگه دارد، جا خواهم گرفت. گفت: امروز هیچ نگهدارنده‌ای از فرمان خدا نیست، مگر کسی را که بر او رحم آورد. ناگهان موج میان آن دو حایل گشت و او از غرق شدگان بود. * و گفته شد: ای زمین آب خود فرو بر و ای آسمان باز ایست. آب فرو شد و کار به پایان آمد و کشتی بر کوه جودی قرار گرفت و ندا آمد که لعنت بر مردم ستمکاره باد! * نوح، پروردگارش را ندا داد: ای پروردگار من، پسر من از خاندان من بود در حالی که وعده‌ی تو حق است و نیرومندترین حکم‌کنندگان، تو هستی. * گفت: ای نوح، او از خاندان تو نیست، او عملی است ناصالح! از سر ناآگاهی چیزی از من نخواه! برحذر می‌دارم تو را، که از مردم نادان باشی. * گفت: ای پروردگار من! پناه می‌برم به تو اگر از سر ناآگاهی چیزی بخواهم، و اگر مرا نیامرزی و به من رحمت نیاورزی از زیان‌کردگان خواهم بود).^۱

اصد الصغ - نیم شعبان / ۱۴۳۱ هـ. ق.

پرسش ۵۲۷:

سلام بر انصار خدای متعال! من تعداد زیادی از آیات قرآن کریم را در نظر دارم که مایلیم با فرستادن نامه‌ی «درخواست» به خدمت سید (علیه السلام) تفسیر آنها را به دست آورم. شما را به خدا سوگند می‌دهم این نامه را به ایشان برسانید.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَصَلِّ عَلٰی سَائِرِ الْمُرْسَلِیْنَ وَصَلِّ عَلٰی سَائِرِ الْمُرْسَلِیْنَ وَصَلِّ عَلٰی سَائِرِ الْمُرْسَلِیْنَ

سرور و مولایم! مدت‌ها است که من با قرآن استخاره می‌گیرم و این آیه برایم ظاهر می‌شود: «قَالَ كَذَلِكَ أَتَتْكَ آيَاتُنَا فَنَسِيْتَهَا وَكَذَلِكَ الْيَوْمَ تُنْسَى» (گوید: همچنان که تو آیات ما را فراموش می‌کردی، امروز خود فراموش گشته‌ای) و هنگامی که برای بار دوم قرآن را باز می‌کنم، این آیه می‌آید: «وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ» (جز به وجهی نیکوتر، به مال یتیم نزدیک مشوید تا آن‌گاه که به حد بلوغش برسد). معنای آن چیست؟ من بسیار از این می‌ترسم که عاقبتم «و کذلک الیوم تنسی» (امروز از فراموش‌شدگانی) باشد. ای امام! تقاضا دارم برایم دعا کنید که با شما باشم و شما را بر دشمنان‌تان یاری دهیم. من فقط و فقط در پی اطاعت از خدا هستم؛ ولی نفس من «امارة بالسوء» (امر کننده به بدی) است و دنیا هم پر از مکر و حيله!! ای امام! من کشته می‌شوم همان‌طور که با انصار نزدیک به شما چنین کردند. به حق خدای متعال از شما مسئلت می‌کنم که برایم دعا فرمایید. من به جهت درس خواندن مجبورم با اهل دنیا روبه‌رو شوم ولی همه‌ی ترسم این است که مبدا در امتحان، مردود شوم. من خطاکارم و دعایم محجوب، ولی دعای شما ان شاء الله تعالی مستجاب است. اگر چه من ۱۰۰ درصد یقین دارم که شما بر حق هستید ولی گهگاهی شک و تردید مرا فرامی‌گیرد و بعد از تمام این دلایل روشن، نفس خودم را نتوانسته‌ام قربانی کنم؛ و لذا از شما برای ثابت ماندن بر ولایت‌تان التماس دعا داریم؛ ای فرج الهی و حجت خدا و قائم او! بر تقصیری که در خدمت‌گزاری به شما دارم، پوزش ما را بپذیر، ای سرورم! خداوند فرج شما را تعجیل نماید و شما را با نصرت خویش تایید فرماید!

آیات زیادی دارم که شرح و تفسیر آنها را خواستارم. اگر بر شما دشوار است، نیازی به پاسخ‌گویی نیست؛ ما می‌دانیم که شما بسیار پرمشغله هستید. از این که باعث زحمت شما

شده‌ایم، ما را عفو کنید.

در کتاب خدای متعال آمده است:

۱- « وَمَنْ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ »^۱ (بعضی از مردم خریدار سخنان بیهوده‌اند، تا با نادانی، مردم را از راه خدا گمراه کنند، و قرآن را به مسخره می‌گیرند. نصیب اینان عذابی است خوارکننده). آیا معنای آن، کسی است که سریال‌های مبتذل و وسایل سرگرمی گمراه کننده فراهم می‌آورد؟ منظور از سخنان بیهوده چیست؟ و آیا لقمان (ره) پیامبر بوده است؟ داستان او با آن جوان چه بوده و چرا وی را موعظه می‌کرده است؟

۲- « وَمِنْ قَوْمِ مُوسَى أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ * وَقَطَعْنَا لَهُمْ عَشْرَةَ أَسْبَاطًا أُمَمًا وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ إِذِ اسْتَسْقَاهُ قَوْمُهُ أَنْ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانبَجَسَتْ مِنْهُ اثْنَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَشْرِبَهُمْ وَظَلَلْنَا عَلَيْهِمُ الْعَمَامَ وَأَنْزَلْنَا عَلَيْهِمُ الْمَنَّ وَالسَّلْوَىٰ كُلُّوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَمَا ظَلَمُونَا وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ »^۲ (گروهی از قوم موسی هستند که مردم را به حق راه می‌نمایند و به عدالت رفتار می‌کنند* بنی اسرائیل را به دوازده سبط تقسیم کردیم، و چون قوم موسی از او آب خواستند، به او وحی کردیم که عصایت را بر سنگ بزن. از آن سنگ دوازده چشمه روان شد، و هر گروه آبشخور خویش را بشناخت، و ابر را سایبانشان ساختیم و برایشان من و سلوی نازل کردیم. بخورید از این چیزهای پاکیزه که به شما روزی داده‌ایم، و آنان به ما ستم نکردند بلکه به خودشان ستم کردند). چه کسانی یا کدام گروه بودند که مردم را به حق راه می‌نمایند؟ معنای آیه صد و شصت چیست؟

۳- در سوره‌ی احزاب، معنای هر یک از این آیات چیست: « مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِّنْ قَلْبَيْنِ فِي جَوْفِهِ وَمَا جَعَلَ أَزْوَاجَكُمُ اللَّائِي تُظَاهَرُونَ مِنْهُنَّ أُمَّهَاتِكُمْ وَمَا جَعَلَ أَدْعِيَاءَكُمْ أَبْنَاءَكُمْ ذَلِكَ قَوْلُكُمْ بِأَفْوَاهِكُمْ وَاللَّهُ يَقُولُ الْحَقَّ وَهُوَ يَهْدِي السَّبِيلَ * ادْعُوهُمْ لِأَبَائِهِمْ هُوَ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ فَإِنْ لَّمْ تَعْلَمُوا آبَاءَهُمْ فَاُخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ وَمَوَالِيكُمْ وَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ فِيمَا أَخْطَأْتُمْ بِهِ وَلَكِنْ مَا تَعَمَّدَتْ قُلُوبُكُمْ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا * النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ وَأُولُو الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ إِلَّا أَنْ تَفْعَلُوا إِلَىٰ أَوْلِيَائِكُمْ مَعْرُوفًا كَانَ ذَلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا »^۳ (خدا در درون

۱ - لقمان: ۶

۲ - أعراف: ۱۵۹ و ۱۶۰.

۳ - احزاب: ۴ تا ۶

هیچ مردی دو قلب نهاده است، و زنان تان را که مادران خود می‌خوانید، مادر تان قرار نداد و فرزندخواندگان تان را فرزندان تان نساخت. اینها چیزهایی است که به زبان می‌گویید و سخن حق از آن خدا است و او است که راه را می‌نماید.* پسرخواندگان را به نام پدرشان بخوانید که نزد خدا منصفانه‌تر است، اگر پدرشان را نمی‌شناسید، برادران دینی و موالی شما باشند، اگر پیش از این خطایی کرده‌اید باکی نیست، مگر آن که به قصد دل انجام داده باشید و خدا آمرزنده و مهربان است.* پیامبر به مؤمنان از خودشان سزاوارتر است و زانش مادران مؤمنان هستند و در کتاب خدا خویشاوندانی نسبی از مؤمنان و مهاجران به یکدیگر سزاوارترند، مگر آن که بخواهید به یکی از دوستان خود نیکی کنید و این حکم در کتاب خدا مکتوب است).

« وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُمِئَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلًّا مُبِينًا »^۱ (هیچ مرد مؤمن و زن مؤمنی را نرسد که چون خدا و پیامبرش در کاری حکمی کردند، آنها را در آن کارشان اختیاری باشد، هر که از خدا و پیامبرش نافرمانی کند سخت در گمراهی افتاده است).

« وَإِذْ أَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّينَ مِيثَاقَهُمْ وَمِنْكَ وَمِنْ نُوحٍ وَإِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَأَخَذْنَا مِنْهُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا »^۲ (و آن هنگام که از پیامبران پیمان گرفتیم، و از تو و از نوح و ابراهیم و موسی و عیسی بن مریم و از همه‌ی آنها پیمانی سخت گرفتیم). این پیمان سخت چیست؟

« وَوَقُرْنٌ فِي بَيْوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا »^۳ (و در خانه‌های خود بمانید و چنان که در زمان پیشین جاهلیت می‌کردند، زینت‌های خود را آشکار مکنید و نماز بگزارید و زکات بدهید و از خدا و پیامبرش اطاعت کنید، ای اهل بیت، خدا می‌خواهد پلیدی را از شما دور کند و شما را چنان که باید پاک دارد). آیا همسران پیامبر ﷺ نیز جزو اهل بیت ﷺ محسوب می‌شوند؟

« مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّنْ رِّجَالِكُمْ وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا »^۴ (محمد، پدر هیچ یک از مردان شما نیست. او رسول خدا و خاتم پیامبران است و خدا به هر چیزی

۱ - احزاب: ۳۶.

۲ - احزاب: ۷.

۳ - احزاب: ۳۳.

۴ - احزاب: ۴۰.

دانا است). در این صورت، معنای این سخن پیامبر ﷺ چیست که فرمود: «یا علی انا وانت ابوا هذه الأمة»^۱ (ای علی، من و تو پدران این امتیم)؟

۴- معنای سخن حضرت الیاس علیه السلام در سوره‌ی صافات چیست: «أَتَدْعُونَ بَعْلًا وَتَذَرُونَ أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ»^۲ (آیا بعل را به خدایی می‌خوانید و بهترین آفرینندگان را وامی‌گذارید؟).

۵- معنای این سخن خدا درباره حضرت سلیمان علیه السلام که در سوره‌ی «ص» آمده است، چیست: «وَوَهَبْنَا لِدَاوُدَ سُلَيْمَانَ نِعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ* إِذْ عَرَضَ عَلَيْهِ بِالْعِشِيِّ الصَّافِنَاتِ الْجِبَادِ* فَقَالَ إِنِّي أَحْبَبْتُ حُبَّ الْخَيْرِ عَن ذِكْرِ رَبِّي حَتَّى تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ* رُدُّوهَا عَلَيَّ فَطَفِقَ مَسْحًا بِالسُّوقِ وَالْأَعْنَاقِ* وَلَقَدْ فَتَنَّا سُلَيْمَانَ عَلَى كُرْسِيِّهِ جَسَدًا ثُمَّ أَنَابَ* قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَهَبْ لِي مَلَكًا لَا يُبَغِّي لِي أَحَدٍ مِّنْ بَعْدِي إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ»^۳ (سلیمان را به داوود عطا کردیم، چه نیکو بنده‌ای بود، و روی به خدا داشت * آن‌گاه که به هنگام عصر اسبان تیزرو را که ایستاده بودند به او عرضه کردند * گفت: من دوستی این اسبان را با یاد پروردگارم بگزیدم تا آفتاب در پرده‌ی غروب پوشیده شد * آن اسبان را نزد من بازگردانید، پس به بریدن ساق‌ها و گردنشان آغاز کرد * ما سلیمان را آزمودیم و بر تخت او جسدی را افکندیم و او روی به خدا آورد * گفت: ای پروردگار من! مرا پیامرز و مرا ملکی عطا کن که پس از من کسی سزاوار آن نباشد، که تو بخشاینده‌ای).

۶- معنای این آیات چیست: «أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا فَإِنْ يَشَأِ اللَّهُ يَخْتِمْ عَلَى قَلْبِكَ وَيَمْحُ اللَّهُ الْبَاطِلَ وَيُحِقُّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ»^۴ (یا می‌گویند که بر خدا دروغ می‌بندد. اگر خدا بخواهد بر دل تو مهر می‌نهد، و خدا با کلمات خود باطل را محو می‌کند و حق را ثابت می‌گرداند، او به هر چه در دل‌ها می‌گذرد دانا است). «وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ»^۵ (و آنان که دعوت پروردگارشان را پاسخ می‌گویند و نماز می‌گزارند و کارشان بر پایه‌ی مشورت با یکدیگر است و از آن چه به آنها روزی داده‌ایم انفاق می‌کنند).

۱ - امالی صدوق: ص ۴۱۱ ؛ بحار الانوار: ج ۲۳ ص ۱۲۹.

۲ - صافات: ۱۲۵.

۳ - ص: ۳۰ تا ۳۵.

۴ - شوری: ۲۴.

۵ - شوری: ۳۸.

۷- این به چه معنا است: «وَجَعَلُوا لَهُ مِنْ عِبَادِهِ جُزْءًا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَكَفُورٌ مُّبِينٌ»^۱ (و برای او از میان بندگانش فرزندی قائل شدند، آدمی به آشکارا ناسیاس است)، «وَ إِذَا بَشَّرَ أَحَدَهُمْ بِمَا ضَرَبَ لِلرَّحْمَنِ مَثَلًا ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ* أَوْ مَنْ يَنْشَأُ فِي الْحَلْيَةِ وَهُوَ فِي الْخِصَامِ غَيْرٌ مُّبِينٌ»^۲ (و چون به یکی از آنها مژده‌ی تولد همان چیزی را بدهند که به خدای رحمان نسبت داده است، رویش سیاه گردد و خشم خود فرو خورد* آیا کسی که به آرایش پرورش یافته و در هنگام جدال آشکار نمی‌گردد، از آن خدا است؟!)

۸- در سوره‌ی احقاف آمده: «وَ إِذْ صَرَّفْنَا إِلَيْكَ نَفَرًا مِّنَ الْجِنِّ يَسْتَمِعُونَ الْقُرْآنَ فَلَمَّا حَضَرُوهُ قَالُوا أَنْصِتُوا فَلَمَّا قُضِيَ وَلَّوْا إِلَىٰ قَوْمِهِمْ مُّندِرِينَ* قَالُوا يَا قَوْمَنَا إِنَّا سَمِعْنَا كِتَابًا أُنزِلَ مِن بَعْدِ مُوسَىٰ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ يَهْدِي إِلَىٰ الْحَقِّ وَإِلَىٰ طَرِيقٍ مُّسْتَقِيمٍ* يَا قَوْمَنَا أَجِيبُوا دَاعِيَ اللَّهِ وَآمِنُوا بِهِ يَغْفِرَ لَكُمْ مِّنْ ذُنُوبِكُمْ وَيُجِرْكُمْ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ* وَمَنْ لَا يُجِبْ دَاعِيَ اللَّهِ فَلَيْسَ مِعْجَزٍ فِي الْأَرْضِ وَلَيْسَ لَهُ مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءُ أُولَٰئِكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ»^۳ (و گروهی از جن را نزد تو روانه کردیم تا قرآن را بشنوند، چون به حضرتش رسیدند گفتند: گوش فرا دهید، چون به پایان آمد همانند بیم‌دهندگانی نزد قوم خود بازگشتند* گفتند: ای قوم ما، ما کتابی شنیدیم که بعد از موسی نازل شده، کتاب‌های پیشین را تصدیق می‌کند و به حق و راه راست راه می‌نماید* ای قوم ما، این دعوت‌کننده‌ی به خدا را پاسخ گوید و به او ایمان بیاورید تا خدا گناهان‌تان را بیامزد و شما را از عذابی دردآور در امان دارد* و هر کس که به این دعوت‌کننده جواب نگوید، نمی‌تواند در روی زمین از خدای بگریزد و او را جز خدا هیچ یاورى نیست و در گمراهی آشکاری است). داستان این جنینان چه بوده؟ و چرا به دعوت حضرت عیسی (علیه السلام) نیز اشاره‌ای نکرده‌اند؟

۹- معنای این آیه چیست: «وَمِنْهُمْ مَّن يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ حَتَّىٰ إِذَا خَرَجُوا مِنْ عِنْدِكَ قَالُوا لِلَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مَاذَا قَالَ آنِفًا أُولَٰئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ»^۴ (بعضی به تو گوش می‌دهند، تا آن‌گاه که از نزد تو بیرون روند از دانشمندان می‌پرسند: این چه سخنانی بود که می‌گفت؟ خدا بر دل‌هایشان مهر نهاده است و از پی هواهای خود رفته‌اند). آیا یعنی آنها بسیار فراموشکارند؟

۱- زخرف: ۱۵.

۲- زخرف: ۱۷ و ۱۸.

۳- احقاف: ۲۹ تا ۳۳.

۴- محمد: ۱۶.

۱۰- داستان مهمان ابراهیم علیه السلام چه بود و چرا او از آنها بی‌مناک شد؟ «هَلْ أَتَاكَ حَدِيثٌ صَيْفِ إِبْرَاهِيمَ الْمُكْرَمِينَ* إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا قَالَ سَلَامٌ قَوْمٌ مُنْكَرُونَ* فَرَأَى إِلَى أَهْلِهِ فَجَاءَ بِعَجَلٍ سَمِينٍ* فَفَرَّبَهُ إِلَيْهِمْ قَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ* فَأَوْجَسَ مِنْهُمْ خِيفَةً قَالُوا لَا تَخَفْ وَبَشَّرُوهُ بِغُلَامٍ عَلِيمٍ* فَأَقْبَلَتْ امْرَأَتُهُ فِي صَرَّةٍ فَصَكَّتْ وَجْهَهَا وَقَالَتْ عَجُوزٌ عَقِيمٌ* قَالُوا كَذَلِكَ قَالَ رَبُّكَ إِنَّهُ هُوَ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ»^۱ (آیا داستان مهمانان گرامی ابراهیم به تو رسیده است؟* آن‌گاه که نزد او آمدند و گفتند: سلام. گفت: سلام، شما مردمی ناشناخته‌اید!* در نهران و شتابان نزد کسان خود رفت و گوساله‌ی فربه‌ی آورد* طعام را به نزدشان گذاشت و گفت: چرا نمی‌خورید؟* و از آنها بی‌مناک شد، گفتند: مترس، و او را به فرزندی دانا مژده دادند* و زنش فریاد زنان آمد و بر روی زد و گفت: من پیرزنی نازایم* گفتند: پروردگار تو این چنین گفته است و او حکیم و دانا است).

۱۱- معنای «باید» در این آیه چیست؟ «وَالسَّمَاءَ بَنِينَهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ»^۲ (و آسمان را به نیرو برافراشتیم و حقا که ما تواناییم).

سرورم! خداوند به بهترین پاداش شما را جزا دهد! سلام مرا به پدرت علیه السلام و به انصاری که اطرافت هستند برسان و به آنها بگو: خوشا به حالتان، ما به شما غبطه می‌خوریم، شما را به آنها سفارش می‌کنیم.

فرستنده: امّ عیسی - امارات

پاسخ:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

وَالصِّدْقَ لِلرَّبِّ الْعَالَمِیْنَ، وَصَلَّى وَالصَّلَاةَ صِدْقًا وَكُلَّ مَعْرَدٍ لِّلْاِثْمِ وَالْمَهْرَبِیْنَ وَسَلَّمَ تَسْلِیْمًا.

«وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللّٰهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ»^۳ (بعضی از مردم خریدار سخنان بیهوده‌اند، تا با نادانی مردم را از راه خدا گمراه کنند، و قرآن را به مسخره می‌گیرند، نصیب اینان عذابی است خوارکننده). از جمله سخنان بیهوده، غنا و جدل اهل باطل با اهل حق و القای شبهه‌ها بر ضد دعوت‌های پیامبران و اوصیا است.

لقمان علیه السلام نه یکی از خلفای الهی بر زمینش است و نه پیامبری فرستاده شده از جانب

۱ - ذاریات: ۲۴ تا ۳۰.

۲ - ذاریات: ۴۷.

۳ - لقمان: ۶.

خدا؛ او دارای مقام نبوت بوده و حکیمی بوده که حکمت بر او وحی می‌شده است. خداوند شما را بر هر خیری موفق بگرداند و بر حق استوار و ثابت قدم بدارد! و او یاور من است و او دوست شایستگان است.

و السلام علیکم و رحمہ اللہ وبرکاتہ.

اصد الصبح - صرم الصرام / ۱۴۳۳ هـ. ق.^۱

پرسش ۵۲۸:

سرورم، اصد الصبح یمانرا! السلام علیکم و رحمہ اللہ وبرکاتہ

و صلوات و سلام خدا بر پدران معصوم تو و بر مادرت زهرا و بر تو و بر مهدیین پس از تو باد. اما بعد....

سؤال اول: سؤال من در مورد آیه‌ای است که در پی می‌آید؛ آیا این آیه به همین صورت بر حضرت محمد ﷺ نازل شده است؟ تفسیر آن چیست؟ و منظور از اهل بیت در آن چه کسانی هستند:

« يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِّنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَّعْرُوفًا * وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا * وَأذْكُرْنَ مَا يُتْلَىٰ فِي بُيُوتِكُنَّ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ وَالْحِكْمَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ لَطِيفًا خَبِيرًا »^۲ (ای زنان پیامبر، شما همانند دیگر زنان نیستید، اگر از خدا بترسید، پس به نرمی سخن مگویید تا آن مردی که در قلب او مرضی هست به طمع افتد، و سخن پسندیده بگویید* و در خانه‌های خود بمانید و چنان که در زمان پیشین جاهلیت می‌کردند، زینت‌های خود را آشکار نکنید و نماز بگزارید و زکات بدهید و از خدا و پیامبرش اطاعت کنید، ای اهل بیت، خدا می‌خواهد پلیدی را از شما دور کند و شما را چنان که باید پاک دارد* آن چه از آیات خداوند و حکمت در خانه‌های شما خوانده می‌شود، یاد کنید. به درستی که خداوند لطیف و خبیر است).

سؤال دوم: در این آیه منظور از اهل بیت چه کسانی هستند: «اتَّعَجِبِينَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ رَحِمَتُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ إِنَّهُ حَمِيدٌ مَّجِيدٌ»^۳ (ایا از فرمان خدا تعجب می‌کنی؟ رحمت و برکات خدا

۱ - آذر یا دی ماه ۱۳۸۹ هـ.ش.

۲ - احزاب: ۳۴ تا ۳۳.

۳ - هود: ۷۳.

بر شما اهل این خانه ارزانی باد، او ستودنی و بزرگوار است).

سؤال سوم: آیا حدیث کسا صحیح است؟ متن آن چیست؟

والسلام علیکم ورحمة اللہ وبرکاتہ.

فرستنده: احمد - امارات

پاسخ:

بسم اللہ الرحمن الرحیم

والصمد للرب العالمین، وهدى الاعداء صمد واکل صمد الاثم والهمیبیح و سلم تسلیماً.

در خصوص ترتیب نزول سوره‌ها و آیات قرآن، هیچ کسی مدعی نیست که آنها به همان صورت که نازل شده مرتب گشته است؛ مگر جاهل! اختلاف ترتیب سوره‌های قرآن، برای همه‌ی مسلمانان ثابت شده است و طبق قرآن‌های صحابه، حداقل بیش از یک چینش برای آیات و سوره‌ها وجود دارد. در این خصوص می‌توانید به کتبی که در موضوع تاریخ قرآن نوشته و آن چه که در این باب روایت شده است، مراجعه نمایید.

در خصوص چینش آیات و این که ترتیب آنها طبق نزول نیست، در این دو آیه تدبر نما. خدای متعال می‌فرماید: « وَالَّذِينَ يَتُوفُونَ مِنْكُمْ وَيَدْرُونَ أَرْوَاجًا يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا فَإِذَا بَلَغَ أَجَلُهُنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ^۱ » (کسانی که از شما بمیرند و زانی بر جای گذارند، آن زنان باید که چهار ماه و ده روز انتظار بکشند، و چون مدتشان به سر آمد، اگر درباره‌ی خویش کاری شایسته و درخور کردند، بر شما گناهی نیست، که خدا به کارهایی که می‌کنید آگاه است).

و نیز می‌فرماید: « وَالَّذِينَ يَتُوفُونَ مِنْكُمْ وَيَدْرُونَ أَرْوَاجًا وَصِيَّةً لِأَرْوَاجِهِمْ مَتَاعًا إِلَى الْحَوْلِ غَيْرِ إِخْرَاجٍ فَإِنْ خَرَجْنَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِي مَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ مِنْ مَّعْرُوفٍ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ^۲ » (مردانی از شما که می‌میرند و زانی بر جای می‌گذارند، باید درباره‌ی زنان خود وصیت کنند که مخارج آنها را به مدت یک سال بدهند و از خانه اخراجشان نکنند، پس اگر خود خارج شوند، در مورد تصمیمی که به نحو شایسته‌ای برای خود می‌گیرند، گناهی بر شما نیست، و خدا غالب و حکیم است).

دو آیه‌ی مذکور ناسخ و منسوخ‌اند. این آیات مربوط به عده‌ی زنی است که شوهرش

۱ - بقره: ۲۳۴.

۲ - بقره: ۲۴۰.

وفات کرده است. در ابتدا حکم این بود که عده، یک سال تمام باشد، همان‌طور که در دین حنیف ابراهیمی چنین مقرر بوده است. سپس این حکم نسخ شد و عده، چهار ماه و ده روز گشت. در نتیجه، آیه‌ی شماره ۲۳۴ ناسخ آیه‌ی ۲۴۰ است؛ یعنی آیه‌ی ناسخ در سوره‌ی بقره، پیش از آیه منسوخ قرار دارد در حالی که اگر شما در این خصوص دقت نظر به خرج دهی، درخواستی یافت که در باب نزول آیات، منسوخ باید بر ناسخ مقدم باشد. بنابراین برای شما آشکار می‌گردد که این دو آیه‌ی سوره‌ی بقره طبق نزول مرتب نشده‌اند. همین موضوع دلیلی کافی است که نمی‌توان به طور قطع مدعی شد قرآنی که امروزه در دسترس ما است، تمام آیات آن طبق تنزیل چینش شده است.

این مقدمه را ارایه کردم تا مطلب بعدی روشن شود. آیه‌ی: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (ای اهل بیت، خدا می‌خواهد پلیدی را از شما دور کند و شما را چنان که باید پاک دارد) که شما در مورد آن سؤال کرده‌ای، در واقع طبق نزول مرتب نشده است و این مکان، مکان صحیح آن نیست. ضمناً پیامبر ﷺ این آیه را به خانمی علی و فاطمه علیها السلام تخصیص داده و حضرت، آیه را بر در خانمی آنها قرائت می‌کرده است. لذا حال که پیامبر آن را تخصیص داده است، دلیلی بر تعمیم آن وجود ندارد، مگر از سر عناد و ستیزه‌جویی!

ولی این آیه که « قَالُوا أَتَعْجَبِينَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ رَحِمَتُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ إِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ » (گفتند: آیا از فرمان خدا تعجب می‌کنی؟ رحمت و برکات خدا بر شما اهل این خانه ارزانی باد، او ستودنی و بزرگوار است)، ابراهیم و همسرش ساره علیها السلام هر دو از یک خانه بودند و ساره، دختر عموی ابراهیم علیها السلام بود.

و السلام علیکم و رحمہ اللہ برکاتہ.

اصول العشق - مصرم الصرام ۱۴۲۳ هـ. ق.

پرسش ۵۲۹:

تفسیر آیات ابتدایی سوره‌های «حم، یس، حم عسق» چیست؟ با تشکر.
فرستنده: شمس الصباح - عراق

پاسخ:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

وَالصّٰدِقِ الرَّسُوْلِ الْعَلِیْبِیْنِ، وَصِدْرِ الْمَعْدِنِ صِدْرٍ وَكَلِمَةِ الْمَعْدِنِ وَالْمُهَرِّیْبِیْنِ وَسَلَمِ تَسْلِیْمًا.

خداوند شما را بر هر خیری موفق بگرداند: در کتاب متشابهات، معنای حروف مقطعه‌ای که در ابتدای سوره‌ها آمده است را بیان نموده‌ام. از شما خواهش می‌کنم آن چه در این کتاب نوشته شده است را مطالعه کنید. می‌توانید آنجا پرسش و پاسخ مربوط به آن را که در همین زمینه مطرح شده است، به دست آورید:

سوال: حروف مقطعه‌ای که در ابتدای سوره‌ها آمده به چه معنا است؟

پاسخ: خدای تعالی می‌فرماید: «الم، المر، حم، یس».

الف: یعنی فاطمه زهرا علیها السلام «الف» اصل و پایه‌ی حروف و نخستین آنها و اولین چیزی است که بعد از نقطه به وجود آمده است، و سایر حروف نیز از آن ترکیب می‌یابند؛ و این، حرف فاطمه زهرا علیها السلام است که پیامبر صلی الله علیه و آله به نقل از خدای سبحان در مورد او فرموده است: «یا احمد لولاک لما خلقت الافلاک، و لو لا علی لما خلقتک، و لو لا فاطمه لما خلقتکما»^۱ (ای احمد! اگر تو نبودی، آسمان‌ها را خلق نمی‌کردم، و اگر علی نبود تو را خلق نمی‌کردم، و اگر فاطمه نبود شما دو تن را خلق نمی‌نمودم). بنابراین در این مقام، حرف زهرا علیها السلام یعنی «ا» بر حرف علی یعنی «ل» و بر حرف محمد صلی الله علیه و آله یعنی «م» برای بیان «لو لا فاطمه لما خلقتکما» (اگر فاطمه نبود شما دو تن را خلق نمی‌نمودم) پیشی گرفته است؛ یعنی اگر آخرت که محل تجلی معرفت حقیقی است، وجود نداشت، و اگر معرفت وجود نداشت، مخلوقات آفریده نمی‌شدند؛ خداوند آنها را آفرید تا بدانند و بشناسند: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»^۲ (جن و انس را جز برای پرستش خود نیافریدم).

لام: متعلق به علی علیه السلام است، هر چند علی علیه السلام در ظاهر، درب است و فاطمه علیها السلام باطن آن. به «ا» و «ل» دقت کن؛ اگر این دو با هم ترکیب شوند، شکل آنها این گونه می‌شود: «لا» یعنی «ا» در باطن «ل» نوشته می‌شود؛ پس «ل» ظاهر و آشکار است و بر «ا» احاطه دارد. این «لا» به معنی رد و نپذیرفتن حاکمیت مردم می‌باشد و همان است که کلمه‌ی توحید یعنی «لا اله الا الله» نیز با آن آغاز می‌شود. این «لا» همان انقلاب حسینی است که بر پایه‌ی نپذیرفتن حاکمیت مردم و برپاداری حاکمیت خدا شکل گرفت. پس «لا

۱ - مستدرک سفینه البحار: ج ۳ ص ۳۳۴.

۲ - ذاریات: ۵۶.

اله الا الله» یا «لا» یعنی حسین (علیه السلام) که باطن آن فاطمه (رحمت) و طلب هدایت برای ستمگران است و ظاهرش علی (قدرت) و نبرد با ظالمین می‌باشد؛ زیرا لام همان الف پیچیده شده با قدرت است، یعنی به قدرت خداوند سبحان اشاره دارد: «وَأَلْنَا لَهُ الْحَدِيدَ»^۱ (و آهن را برایش نرم کردیم). همچنین باطن آن «ا» رحمت برای مؤمنان و ظاهرش «ل» نعمت و عذاب برای کسانی است که به قائم کفر ورزیده‌اند. در برخی روایات چنین تعبیر شده که قائم، همان علی بن ابی‌طالب یا «دابة الارض» (جنبنده‌ی زمین) است و این لقب بین قائم و علی بن ابی‌طالب (علیه السلام) مشترک می‌باشد.

میم: محمد (صلی الله علیه و آله) ۱۷ بار در قرآن تکرار شده است. «میم» قوس صعود است و به شکل واو

برعکس () می‌باشد.

راء: حسن (علیه السلام) است.

حاء: حسین (علیه السلام) است.

و سین: حضرت مهدی (علیه السلام) می‌باشد.

یس: یعنی پایان امر «س»، زیرا یاء در اینجا به خاتمه کار اشاره دارد.

سین پنج بار تکرار شده، به تعداد اصحاب کسا زیرا مهدی (علیه السلام) نماد پنجمین فرد از اصحاب کساء است.

به کلمه‌ی توحید (لا اله الا الله) که در آن سه حرف وجود دارد، بنگر. این حروف عبارتند از: «الف، لام و هـ». «الف» و «لام» را شناختی؛ و اما «هـ» به معنای اثبات ثابت است زیرا اولین حرف از «هو» اسم اعظم می‌باشد. پس «هـ» برای اثبات ثابت و بیان وجود و معرفت و شهود آن می‌باشد. «واو» نیز بیانگر غیبت او و عدم ادراک او می‌باشد چرا که خدای سبحان شاهد غایب است.

بنابراین «هـ» دلیل شهود و معرفت است. به وسیله‌ی محمد (صلی الله علیه و آله) خدا شناخته شده، پس محمد صاحب فتح المبین است: «إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا» (ما برای تو پیروزی نمایانی را مقرر کرده‌ایم). پس او «هـ» است زیرا به وسیله‌ی او خدای سبحان شناخته شده و او شهر کمالات الهی است.

توحید هم مبتنی بر این حروف سه گانه یعنی «ا»، «ل» و «هـ» است که عبارتند از: «فاطمه، علی و محمد»

و السلام علیکم ورحمة اللہ وبرکاتہ.

اصد الصخ - صرم الصرام ۱۴۳۲ هـ - ق.

پرسش ۵۳۰:

بسم اللہ الرحمن الرحیم

الصد للرب العالمین

و الصلاة و السلام علی اشرف المخلوقین و آله الطاهرین و آلہم السلام و سلم تسلیماً کثیراً.

سرور و مولای من! ای قائم آل محمد و یمانی آنها! سلام و رحمت و برکات الهی بر شما و بر اهل بیت شما باد!

عذر مرا پذیرا باش سرورم. معنای این آیه چیست: «ثَانِي اثْنَيْنِ إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا»^۱ (یکی از آن دو هنگامی که در غار بودند به همراهش می‌گفت: اندوهگین مباش، خدا با ما است!) و آیا این درست که ابن ابی‌قحافه در غار همراه پیامبر اکرم ﷺ بوده است؟

خداوند از آل محمد برترین جزا را به شما عنایت فرماید. از شما خواهشمندیم بابت کوتاهی در کار خدا، ما را معذور بداری و برای ما دعا نمایی که خداوند گام‌هایمان را استوار بدارد و از گناهان ما درگذرد که او بر هر چیزی توانا است.

«والحمد لله الذي هدانا لهذا وما كنا لنهتدي لولا ان هدانا الله»^۲ (سپاس خدایی را که ما را به این راه رهبری کرد و اگر ما را رهبری نکرده بود راه خویش را نمی‌یافتیم)

و السلام علیکم ورحمة اللہ وبرکاتہ.

فرستنده: حیدر الموسوی - عراق

پاسخ:

بسم اللہ الرحمن الرحیم

و الصلاة و السلام علی اشرف المخلوقین و آله الطاهرین و آلہم السلام و سلم تسلیماً.

«إِلَّا تَتَصَرَّوهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا ثَانِي اثْنَيْنِ إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ وَأَيَّدَهُ بِجُنُودٍ لَمْ تَرَوْهَا وَجَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَى وَكَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ

۱ - توبه: ۴۰.

۲ - اشاره به قسمتی از آیهی ۴۳ سوره‌ی اعراف (مترجم).

الْعُلْيَا وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ»^۱ (اگر شما یاریش نکنید، آن‌گاه که کافران بیرونش کردند خدا یاریش کرد، یکی از آن دو به هنگامی که در غار بودند به همراهش می‌گفت: اندوهگین مباش، خدا با ما است. خدا به دلش آرامش بخشید و با لشکریایی که شما آن را نمی‌دیدید تاییدش کرد، و کلام کافران را پست گردانید، زیرا کلام خدا بالا و خداوند پیروزمند و حکیم است).

این آیه نه تنها برای کسی که همراه پیامبر ﷺ در غار بود، مدح و ثنایی به همراه ندارد، بلکه متضمن مذمت و نکوهشی آشکار برای او است. در این رویداد، آرامش فقط بر پیامبر نازل شد «فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ» (خدا به دلش آرامش بخشید) و فرشتگان که لشکریان خداوند، فقط برای تایید پیامبر نازل گشتند «وَأَيَّدَهُ بِجُنُودٍ لَّمْ تَرَوْهَا» (و با لشکریایی که شما آن را نمی‌دیدید تاییدش کرد) و این به معنای خارج شدن فرد همراه پیامبر از دایره‌ی ایمان است؛ زیرا در جاهای دیگر که مسلمانان بسیاری همراه پیامبر ﷺ بوده‌اند، آرامش بر گروهی از مسلمانان یا مؤمنان نازل شده و این آرامش فقط به پیامبر ﷺ اختصاص نیافته است. بر این اساس دانستیم که در غار، کسی جز پیامبر ﷺ شایسته‌ی تایید به وسیله‌ی آرامش و لشکریان نبوده است. این متون قرآنی به شما نشان می‌دهد که چگونه آرامش بر پیامبر و مؤمنانی که با آن حضرت بوده‌اند فرود آمده است و چگونه لشکریانی برای تایید پیامبر و مؤمنان همراهش نازل می‌گشته‌اند بدون این که به طور انحصاری به پیامبر ﷺ اختصاص داشته باشد.

« ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَنْزَلَ جُنُودًا لَّمْ تَرَوْهَا وَعَذَّبَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ»^۲ (آن‌گاه خدا آرامش خویش را بر پیامبرش و بر مؤمنان نازل کرد و لشکریانی که آنها را نمی‌دیدند فرو فرستاد و کافران را عذاب کرد، و این است کیفر کافران).

« إِذْ جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةَ الْحَمِيَّةَ فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَلْزَمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوَى وَكَانُوا أَحَقَّ بِهَا وَأَهْلَهَا وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا»^۳ (آن‌گاه که کافران تصمیم گرفتند که دل به تعصب - تعصب جاهلی - بسپارند، خدا نیز آرامش خود را بر دل پیامبرش و مؤمنان فرو فرستاد و به تقوی الزامشان کرد که آنان به تقوی سزوارتر و شایسته‌تر بودند و خدا بر هر

۱ - توبه: ۴۰.

۲ - توبه: ۲۶.

۳ - فتح: ۲۶.

چیزی دانا است).

در این موضوع به دقت تدبر کنید: در این موقعیت‌ها، به همراه پیامبر ﷺ مؤمنانی بودند، و این مؤمنان قسمتی از همراهان آن حضرت را تشکیل می‌دادند (برخی از افرادی که همراه حضرت بودند و نه همه‌ی آنها)، زیرا آنها سزاوار چنین چیزی بوده‌اند؛ بنابراین اگر کسی که در غار بود، مؤمن می‌بود، می‌بایست الزاماً آرامش بر او نیز فرود می‌آمد؛ همان‌طور که در سایر موقعیت‌ها بر مؤمنین همراه پیامبر خدا فرود آمده بود.

اگر کسی گمان برد سخن رسول خدا به همراهش «لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا» (ترس! قطعاً خداوند با ما است) مدحی برای این همراه به شمار می‌رود، در واقع سخنی یاوه بر زبان رانده است. به این فرموده‌ی خدای متعال بنگر: «أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَا يَكُونُ مِنْ نَجْوَى ثَلَاثَةٍ إِلَّا هُوَ رَابِعُهُمْ وَلَا خَمْسَةَ إِلَّا هُوَ سَادِسُهُمْ وَلَا أَدْنَى مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْثَرَ إِلَّا هُوَ مَعَهُمْ إِنْ مَا كَانُوا تُمَّ يُنْبِئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ»^۱ (آیا نمی‌بینی که خدا هر چه را که در آسمان‌ها و زمین است می‌داند؟ هیچ سه نفر با هم نجوا نکنند مگر آن که خداوند چهارمین آنها و هیچ پنج نفر نباشند مگر آن که خداوند ششمین آنها است و نه کمتر از این هر جا که باشند مگر خدا با آنها است و نه بیشتر از این مگر آن که خدا با آنها است، سپس همه را در روز قیامت به کارهایی که کرده‌اند، آگاه می‌کند زیرا خدا بر همه چیز آگاه است). این برای شما روشن می‌سازد که خدا با همگان است، چه آنها متوجه بشوند و چه متوجه نشوند: «وَلَا أَدْنَى مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْثَرَ إِلَّا هُوَ مَعَهُمْ». این، حقیقت ثابت شده‌ای است که مؤمنان یقین‌دار، آن را می‌دانند؛ بنابراین روشن شد که آن شخص موجود در غار، غافل و ناآگاه بود و پیامبر این حقیقت را برای او گوشزد کرد تا شاید آن را دریابد، ولی باقی‌مانده‌ی آیه آشکار می‌سازد که او این حقیقت را فرا نگرفته و از غفلت خود بیدار نشده است؛ پس آرامش بر او نازل نشد بلکه فقط بر پیامبر نازل گشته است. همچنین تأیید به وسیله‌ی لشکریان، فقط مختص پیامبر بوده است. به بیان روشن‌تر در غار، به جز پیامبر ﷺ مؤمن دیگری وجود نداشته است. اما این توصیف که وی یار و مصاحب پیامبر بوده، — با توجه به مطالبی که پیشتر گذشت — گمان نمی‌کنم هیچ فرد عاقلی آن را مدح و ثنایی به شمار آورد. پیامبر با قوم خود که به او کافر بودند نیز مصاحبت داشته است:

«أُولَئِكَ يَتَّفَكَّرُوا مَا بِصَاحِبِهِمْ مِنْ جِنَّةٍ إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ مُبِينٌ»^۱ (آیا فکر نکرده‌اند که در یارشان نشانی از دیوانگی نیست و او آشکارا بیم دهنده‌ی آنها است؟).

قرآن در بیش از یک موقعیت، به کافری اشاره کرده که یار و همدم فردی مؤمن بوده که او را نصیحت می‌کرده است:

«وَكَانَ لَهُ هَمْرٌ فَقَالَ لِصَاحِبِهِ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ أَنَا أَكْثَرُ مِنْكَ مَالًا وَأَعَزُّ نَفَرًا»^۲ (حاصل از آن بود، به دوستش که با او گفت‌وگو می‌کرد گفت: من به مال، از تو بیشتر و به افراد، پیروزترم).

«قَالَ لَهُ صَاحِبُهُ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ أَكَفَرْتَ بِالَّذِي خَلَقَكَ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ سَوَّاكَ رَجُلًا»^۳ (دوستش که با او گفت‌وگو می‌کرد گفت: آیا بر آن کس که تو را از خاک و سپس از نطفه بیافرید و به صورت مردی، استوار کرد، کافر شده‌ای؟).

در بهترین حالت، اگر آن نصیحتی که در غار بوده است یعنی: «إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا» (یکی از آن دو به هنگامی که در غار بودند به همراهش می‌گفت: اندوهگین مباش! خدا با ما است!) مانند نصیحتی باشد که در آیات فوق‌الذکر گذشت، به این معنی که هر دو نصیحتی برای همراهش و یادآوری خدا به او و تلاشی برای جدا کردن او از غفلتی که در آن فرو رفته است، باشد، به هر حال هیچ دلیلی بر مدح این همراه نیست، چه برسد به این که بخواهد منقبت و مایه‌ی فخر و مباهاتی برای او باشد (همان‌طور که عده‌ای چنین گمان کرده‌اند).

و السلام علیکم و رحمہ اللہ برکاتہ.

اصد الصغیر - صرم الصرام ۱۴۳۳ هـ. ق.

پرسش ۵۳۱:

بسم اللہ الرحمن الرحیم

والصمد للرب العالیین، الصمد للوحدان، الصمد للعدل، الصمد و کلمة اللانتم و الصمدین و سلم تسلیماً کثیراً.

سرور و مولایم! السلام علیکم. به مناسب عید فطر، سال نو بر شما مبارک باد!

سرورم، سؤال من درباره‌ی آیاتی از سوره مرسلات است: «... فَإِذَا النُّجُومُ طُمِسَتْ* وَإِذَا

۱ - أعراف: ۱۸۴.

۲ - كهف: ۳۴.

۳ - كهف: ۳۷.

السَّمَاءِ فُرِجَتْ * وَإِذَا الْجِبَالُ نُسِفَتْ * وَإِذَا الرُّسُلُ أُقْتَتَتْ * لِأَيِّ يَوْمٍ أُجِّلَتْ * لِيَوْمِ الْفُصْلِ * وَمَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمُ الْفُصْلِ * وَيَلْ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ...»^۱ (... پس آن گاه که ستارگان خاموش شوند* و آن گاه که آسمان بشکافد* و آن گاه که کوه‌ها پراکنده گردند* و آن گاه که فرستاده‌شدگان را وقتی معین شود* برای چه روزی معین شود؟* برای روز فصل* و چه دانی که روز فصل چیست؟* در آن روز، وای بر تکذیب‌کنندگان...).

سؤال من درباره‌ی روز فصل است.... آیا این عبارت اشاره‌ای به خروج مبارک است؟ و آیا یکی از علامت‌ها می‌باشد؟ و آیا منظور از «المکذبین» (تکذیب‌کنندگان) کسانی هستند که شما را تکذیب می‌کنند؟ با اجازه‌تان، خواهش می‌کنم مطلب را توضیح دهید.

معذرت می‌خواهم.... به امید دیدار، که من در آروزی دیدار شما هستم.

فرستنده: محمد الصفار

پاسخ:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

وَالصِّدْقِ لِلرَّبِّ الْعَالَمِیْنَ، وَصِدْقِ الْعَادِرِ صِدْقًا وَكُلِّ صِدْقٍ لِّلْاٰثِمِ وَالْمُهْرَبِیْنَ وَسَلَمٌ تَسْلِیْمًا.

پیامبران و خلفای الهی در زمینش ﷺ پیام‌های خود را رساندند، اقوام خویش را انذار نمودند و از تکذیب و بی‌خانمانی و کشته شدن، به آنها رسید آن چه که رسید؛ ولی خدای سبحان به آنها وعده داد که آنها و پیام‌هایشان را نصرت می‌بخشد و (کسی که در احقاق حقیقت) ناکام (مانده است) را به آنها ملحق می‌کند. این پیروزی آنها در سه موقعیت خواهد بود: قیامت صغری، رجعت و قیامت کبری؛ یا رویدادهای سه‌گانه‌ی الهی که اولین آنها قیامت صغری است که همان قیام قائم آل محمد و فرستادن او به سوی مردم می‌باشد.

خدای متعال می‌فرماید: «وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ * إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ * وَإِنَّ جُنَدًا لَهُمُ الْغَالِبُونَ * فَتَوَلَّ عَنْهُمْ حَتَّىٰ حِينٍ * وَأَنْبِضْهُمْ فَسَوْفَ يُبْصِرُونَ * أَفَعِدَّابِنَا يَسْتَعْجِلُونَ * فَإِذَا نَزَلَ بِسَاحَتِهِمْ فَسَاءَ صَبَاحُ الْمُنْذَرِينَ»^۲ (ما درباره‌ی بندگانمان که به رسالت می‌فرستیم، از پیش تصمیم گرفته‌ایم* که هر آینه آنان خود پیروزند* و لشکر ما خود غالبند* پس تا مدتی از آنها روی بگردان* عاقبتشان را ببین، آنها نیز خواهند دید* آیا عذاب ما را به شتاب می‌طلبند؟* چون عذاب

۱ - مرسلات: ۸ تا ۱۵.

۲ - صافات: ۱۷۱ تا ۱۷۷.

به ساختشان فراز آید، این بیم داده شدگان چه بامداد بدی خواهند داشت!.

و نیز می‌فرماید: «لَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَاخْتَلَفَ فِيهِ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَفُضِيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مُرِيبٍ»^۱ (به موسی کتاب دادیم. در آن کتاب اختلاف شد؛ اگر نه حکمی بود که از پیش، از جانب پروردگارت صادر شده بود، میانشان داوری شده بود، و ایشان در آن کتاب سخت در تردیدند).

«وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَكَانَ لِزَامًا وَأَجَلٌ مُسَمًّى»^۲ (اگر نه سخنی بود که پروردگارت پیش از این گفته و زمان را معین کرده بود، عذابشان در این جهان حتمی می‌بود).

«لَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَاخْتَلَفَ فِيهِ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَفُضِيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مُرِيبٍ»^۳ (به موسی کتاب دادیم. در آن کتاب اختلاف شد؛ اگر نه حکمی بود که از پیش از جانب پروردگارت صادر شده بود، میانشان داوری شده بود، و ایشان در آن کتاب سخت در تردیدند).

«وَمَا تَفَرَّقُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ إِلَىٰ أَجَلٍ مُسَمًّى لَفُضِيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ أُورِثُوا الْكِتَابَ مِنْ بَعْدِهِمْ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مُرِيبٍ»^۴ (از روی حسد و عداوت فرقه فرقه نشدند، مگر از آن پس که به دانش دست یافتند و اگر پروردگار تو از پیش مقرر نکرده بود که آنها را تا زمانی معین مهلت است، بر آنها حکم عذاب می‌رفت، و کسانی که بعد از ایشان وارث کتاب خدا شده‌اند در باره‌ی آن سخت به تردید افتاده‌اند).

اگر در این آیات بیان‌دیشی، به وضوح درمی‌یابی که منظور از پیروزی خدا برای فرستاده‌شدگان ﷺ و برای راه و رسم الهی آنها که دعوت‌کننده به آن هستند، همان حاکمیت خدا است که تا زمانی که قائم قیام کند به تاخیر می‌افتد؛ او همان کلمه‌ای است که پروردگار تو از پیش مقرر کرده است؛ او همان فرمانده لشکریان پیروز الهی است؛ او همان «یوم الفصل اول» یعنی «قیامت صغری» است.

این به اختصار بود؛ اگر به شرح و تفصیل بیشتری نیاز دارید، می‌توانید بپرسید و ان شاء الله تعالی در خدمت شما خواهم بود.

۱ - هود: ۱۱۰.

۲ - طه: ۱۲۹.

۳ - فصلت: ۴۵.

۴ - شوری: ۱۴.

خداوند شما را توفیق دهد و گام‌های تان را استوار سازد!

و السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

اصحح الصخ - مصرم الصرام ۱۴۳۲ هـ. ق.

پرسش ۵۳۲:

و السلام علیکم ورحمة الله... اللهم صل علی محمد و آل محمد الاثم و المهریح و سلم تسلیما.

سرور، امام و مولای من، ای قائم آل محمد، سلام خدا بر تو باد! خواهشمندیم این آیات را هر چند به اختصار تفسیر فرمایید.

تفسیر این آیه چیست: «إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَيُنزِلُ الْغَيْثَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْأَرْحَامِ وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ مَّاذَا تَكْسِبُ غَدًا وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَهْوَتْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» (علم زمان «ساعت» تنها نزد خدا است و او است که باران را می‌باراند و از آن چه در رحم‌ها است آگاه است و هیچ کس نمی‌داند که فردا چه چیز به دست خواهد آورد و کسی نمی‌داند که در کدام زمین خواهد مرد. خداوند دانا و آگاه است).

فرستنده: حسین التمیمی - عراق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والصمد للرب العالمین، و صلر الامر محمد و آل محمد الاثم و المهریح و سلم تسلیما.

«إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَيُنزِلُ الْغَيْثَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْأَرْحَامِ وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ مَّاذَا تَكْسِبُ غَدًا وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَهْوَتْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» (علم زمان «ساعت» تنها نزد خدا است و او است که باران را می‌باراند و از آن چه در رحم‌ها است آگاه است و هیچ کس نمی‌داند که فردا چه چیز به دست خواهد آورد و کسی نمی‌داند که در کدام زمین خواهد مرد. خداوند دانا و آگاه است). این آیه بیان می‌دارد که خدای سبحان دارنده‌ی علم غیب و ارزاق بندگان و زندگی آنها بر روی این زمین به دست او است و حضرتش هر گونه که بخواهد آنها را جاری می‌سازد؛ زیرا وی به صلاح زندگی دنیوی مردم و آن چه که خیر آخرت‌شان در آن است، دانا و آگاه می‌باشد. البته چنین نیست که این امور فقط منحصر به خدای سبحان باشد، و این امکان منتفی نیست که خداوند، برخی بندگان را بر قسمتی از اینها مطلع گرداند؛ بلکه ممکن است حق تعالی برخی

بندگان را بر آن چه که خود اراده می‌فرماید، از غیب باخبر سازد، چه از طریق اسباب مادی و چه به وسیله عوامل غیبی. حتی این امکان وجود دارد که خداوند آن چه که از مصالح دنیوی و اخروی اراده می‌فرماید، در اختیار آنها قرار دهد تا این بندگان با حول و قوه‌ی الهی در آن مصالح دخل و تصرف نمایند، چه از طریق اسباب مادی و چه به وسیله عوامل غیبی. در نتیجه این آیه بیانگر آن است که هیچ کس از خلاق نمی‌تواند به طور مستقل از خدای سبحان چیزی بداند و کاری انجام دهد، ولی می‌تواند با حول و قوه‌ی الهی، دانشی کسب کند و کاری صورت دهد؛ که او ارحم الراحمین است.

والسلام علیکم ورحمة اللہ وبرکاتہ.

اصم الصغیر - صرم الصرام ۱۴۳۲ هـ - ق.

پرسش ۵۲۳:

بسم اللہ صلوات بر سید ما محمد و خاندان نجیح حضرت.

من پس از مطالعه‌ی اغلب تفاسیر معتبر، نتوانسته‌ام تفسیر کافی و قانع‌کننده‌ای که شک و گمان و حدس در آن راه نداشته باشد درباره‌ی تفسیر سوره «عبس» بیابم؛ لذا آن را از شما تقاضا می‌کنم.

فرستنده: الشراذی یاسر - مراکش

پاسخ:

بسم اللہ الرحمن الرحیم

والصمد للرب العالمین، و صلوات اللہ علیہ و آله و سلم تسلیماً.

خداوند شما را بر هر خیری موفق گرداند! شاید می‌خواهی بدانی در این آیات چه کسی روی ترش کرده است: «عَبَسَ وَتَوَلَّى * اِنْ جَاءَهُ الْأَعْمَى * وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّهٗ يَزْكَى * اَوْ يَدْرُكُ فَتُنَفَعَهُ الدُّرَى * اَمَّا مِنْ اُسْتَعْتَى * فَانْتَ لَهُ تَصَدَّى * وَمَا عَلَيْكَ اَلَّا يَزْكَى * وَاَمَّا مَنْ جَاءَكَ يَسْعَى * وَهُوَ يَخْسَى * فَانْتَ عَنْهُ تَلَهَّى»^۱ (روی ترش کرد و سر برگداندید* چون آن نابینا به نزدش آمد* و تو چه دانی، شاید که او پاکیزه شود* یا پند گیرد و پند تو سودمندش افتد* اما آن که او توانگر است* تو روی خود به سوی او می‌کنی* و اگر هم پاک نگردد چیزی بر عهده‌ی تو نیست* و اما آن که دوان دوان به نزد تو می‌آید* و می‌ترسد* تو از او به دیگری می‌پردازی).

«عبس» (روی ترش کرد): کسی که روی ترش کرد عثمان بن عفان بود. وی نزد رسول خدا ﷺ حضور داشت که ابن امّ مکتوم نابینا آمد؛ حضرت او را بر عثمان مقدم داشت، نزدیک خود جای داد و با او سخن گفتن آغاز کرد. عثمان روی در هم کشید و متکبرانه به آن نابینا پشت کرد، همان‌طور که خدای متعال خبر داده است: «عَبَسَ وَتَوَلَّى * أُنْجَاءَهُ الْأَعْمَى * وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّهُ يَزَّكَّى * أَوْ يَذَّكَّرُ فَتَنْفَعَهُ الذِّكْرَى».

سپس خداوند عمل ناپسند عثمان و تکبری که درونش لانه کرده بود را بیان فرمود؛ به این ترتیب که وقتی کسی می‌آید که در گذشته جاه و مقامی داشته بود، عثمان روی به سوی او می‌کند حتی اگر وی از کسانی باشد که از دعوت پیامبر خدا روی گردانده و بر رسول خدا ﷺ تکبر پیشه نموده باشد، بدون این که کسی از او چنین چیزی خواسته باشد: «أَمَّا مَنْ اسْتَعْنَى * فَأَنْتَ لَهُ تَصَدَّى * وَمَا عَلَيْكَ أَلَا يَزَّكَّى».

خداوند برای عثمان بن عفان و کسانی که همانند او هستند و مثل او رفتار می‌کنند، روشن ساخته است که سزاوار است انسان را براساس حق جویی‌اش و براساس میزان ترشش از خدا ارزشیابی کنند، نه براساس مقام و منزلتش و آن چه که مالک آن است: «وَأَمَّا مَنْ جَاءَكَ يَسْعَى * وَهُوَ يَخْشَى * فَأَنْتَ عَنْهُ تَلَهَّى». ابن امّ مکتوم با آن که نابینا بود، دوان دوان به سوی این مجلس مبارک یعنی مجلس رسول خدا ﷺ و مجلس مسلمین شتافت، پس تو ای عثمان می‌بایست خوشحال می‌شدی و او را بر خویشتن مقدم می‌داشتی، چرا که وی نابینا بود، نه این که چون پیامبر خدا ﷺ او را مقدم داشته بود، در چهره‌اش اخم کنی و از او روی برگردانی. این معنای مختصری از این آیات بود.

والسلام علیکم ورحمة اللہ وبرکاتہ.

اصد الصبح - صرم الامرام ۱۴۳۳ هـ. ق.

پوشش ۵۳۴:

بسم اللہ الرحمن الرحیم....

اللهم صل على محمد وآل محمد اللهم و الصبرين و سلم تسليمًا.

خدای متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّا كَفَيْنَاكَ الْمُسْتَهْزِئِينَ»^۱ (ما مسخره‌کنندگان را از تو بازمیداریم). «کفایت» در اینجا چه صورتی دارد؟ با توجه به این که پیامبر خدا ﷺ و ائمه تا به

امروز از دست مسخره‌کنندگان بسیار رنج کشیده‌اند. همان‌طور که استهزاء مردم به حضرت حجت و وصی او علیه السلام آشکار است. آیا این آیات عملی شده یا این که زمان تاویل آنها هنوز فرا نرسیده است؟

فرستنده: ابویوسف - عراق

پاسخ:

بسم اللّٰه صمخ الرحيم

و الصمد للمرب العالمين، و صدر للعالمين و كل مصره اللائم و المصريح و سلم تسليمًا.

خداوند تاثیر آنها و تاثیر استهزای آنها بر رسالت، رسیدن رسالت به مردم و گرویدن مردم به آن را کفایت کرده است. حق تعالی می‌فرماید: «فَأَصْدَعُ مِمَّا نُوْمَرُ وَأَعْرَضُ عَنِ الْمُشْرِكِينَ* إِنَّا كَفَيْنَاكَ الْمُسْتَهْزِئِينَ»^۱ (به هر چه مأمور شده‌ای صریح و بلند بگو و از مشرکان رویگردان باش* ما مسخره‌کنندگان را از تو بازمی‌داریم). یعنی تو ابلاغ کن و به این معاندین مسخره‌گر توجهی نداشته باش، که کارها و ایرادهای نابخردانه‌ی آنها نمی‌تواند بر رسیدن رسالت الهی به آنجا که خدای سبحان اراده فرموده است، تاثیرگذار باشد.

خداوند سبحان فرشتگان خود را گسیل می‌دارد و آنها مؤمنان را ثبات و استقامت می‌بخشد و وسوسه‌ی ابلیس و ریشخند و ایرادگیری کم‌خردان را از آنها دور می‌گرداند. چه بسا خداوند برخی از این سفیهان را به هلاکت برساند یا آنها را به چیزی مبتلا سازد که از مسخره کردن دعوت الهی، مشغول و سرگرم‌شان سازد، و چه بسا آنها را عبرتی برای سایرین قرار دهد.

و الصمد لاه و السلام علیکم و رحمہ اللہ برکاتہ.

اصمد الصمخ - مصره الصرام ۱۴۲۲ هـ. ق.

پرسش ۵۳۵:

السلام علیکم و رحمہ اللہ برکاتہ

از شما خواهش می‌کنم این آیه را تفسیر فرمایید: بسم الله الرحمن الرحيم «لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَابَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا»^۲ (خدا از

۱ - حجر: ۹۴ و ۹۵.

۲ - فتح: ۱۸.

مؤمنان آن هنگام که زیر درخت با تو بیعت کردند خوشنود گشت، و دانست که در دلشان چه می‌گذرد، پس آرامش را بر آنها نازل کرد و به فتحی نزدیک پادششان داد. منظور از مؤمنین در این آیه چه کسانی است؟

فرستنده: احمد الواسطی - عراق

پاسخ:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ...

وَالصِّدْقِ لِلرَّبِّ الْعَالَمِیْنَ، وَصَلَّى اللّٰهُ عَلَیْكَ وَآلِکَ وَسَلَّمَ وَتَسْلِیْمًا.

« لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَابَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا »^۱ (خدا از مؤمنان آن هنگام که زیر درخت با تو بیعت کردند خوشنود گشت، و دانست که در دلشان چه می‌گذرد، پس آرامش را بر آنها نازل کرد و به فتحی نزدیک پادششان داد).

« وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ »^۲ (از آن گروه نخستین از مهاجران و انصار که پیش قدم شدند و آنان که به نیکی از پیشان رفتند، خدا خوشنود است و ایشان نیز از خدا خوشنودند، برایشان بهشت‌هایی که در آنها نهرها جاری است و همیشه در آنجا خواهند بود، آماده کرده است، این است کامیابی بزرگ).

آیات فوق، هر دو درباره‌ی حاکمیت الهی و بیان خوشنودی خدا از کسانی است که با خلیفه‌ی خدا بر زمینش در زمان خودشان بیعت می‌کنند. این آیات آنها را به دلیل این کار مبارک، مدح و ثنا گفته است، و این گونه نیست که برخی اهل سنت آنها را وارونه فهمیده‌اند و معتقدند این دو آیه، تزکیه‌ای برای تمام کسانی است که در بیعت حاضر شدند، حتی اگر پس از آن، کرده باشند آن چه کرده‌اند!

این سخن خداوند متعال: « لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَابَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا » (خدا از مؤمنان آن هنگام که زیر درخت با تو بیعت کردند خوشنود گشت، و دانست که در دلشان چه می‌گذرد، پس آرامش را بر آنها نازل کرد و به

۱ - فتح: ۱۸.

۲ - توبه: ۱۰۰.

فتحی نزدیک پادشاهان داد)، مدح و ستایش بیعت‌کنندگان در هنگام بیعت است و این که خداوند به خاطر بیعت آنها با خلیفه‌اش در زمینش در زمان خودشان، از ایشان راضی و خوشنود است. این رضایت مشروط به بیعت با خلیفه‌ی خدا در زمینش در زمان آنها (حضرت محمد ﷺ) می‌باشد؛ زیرا آنها با خلیفه‌ی خداوند در زمان خودشان بیعت کردند و اگر آنها از این قانون الهی - یعنی بیعت با خلیفه‌ی خدا در زمان‌شان - روی برتابند نه تنها خدا از آنها راضی نیست بلکه قضیه دگرگون و به خشم و غضب خدای سبحان منجر می‌شود. بنابراین کسانی که پس از محمد ﷺ زنده ماندند، وظیفه داشتند که به جست و جوی خلیفه‌ی الهی درآیند و با او بیعت کنند، تا ایمان آنها و نیز وفای‌شان به عهد و پیمان استمرار یابد و جزو کسانی نباشند که بر قانون تعیین حاکم از سوی خدا که در قرآن به روشنی تمام ذکر شده است پشت پا بزنند و آن را واژگونه سازند: «وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً»^۱ (و چون پروردگارت به فرشتگان گفت: من در زمین خلیفه‌ای می‌آفرینم) و همچنین برای آن که این آیه‌ی قرآن پس از وفات حضرت محمد ﷺ نیز بر آنها منطبق باشد: «تَقَدَّرَ رِضَى اللَّهِ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يَبِيعُونَكَ» (خدا از مومنان آن هنگام که با تو بیعت کردند خوشنود گشت).

حق تعالی می‌فرماید: «إِنَّ الدِّينَ يَبِيعُوكَ إِمَّا يَبِيعُونَ اللَّهَ يَدَ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَنْ نَكَتَ فَإِمَّا يَنْكُتُ عَلَى نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَىٰ بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَمَسِيئَتِهِ أَجْرًا عَظِيمًا»^۲ (آنان که با تو بیعت می‌کنند جز این نیست که با خدا بیعت می‌کنند، دست خدا بالای دست‌هایشان است و هر که بیعت بشکنند، به زیان خود شکسته است و هر که به آن بیعت که با خدا بسته است وفا کند، او را پاداشی عظیم دهد). حداقل چیزی که از این آیه به وضوح فهمیده می‌شود این است که خوشنودی در آیه‌ی مزبور، مشروط به بیعت و استمرار بخشیدن به آن و نیز وفا به عهد الهی است، و نه فقط به بیعت صرف: «فَمَنْ نَكَتَ فَإِمَّا يَنْكُتُ عَلَى نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَىٰ بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَمَسِيئَتِهِ أَجْرًا عَظِيمًا» و به تبع، هیچ خوشنودی مطلق، ابدی و دائمی در کار نیست بلکه خوشنودی، متعلق به رویدادی معین و مشروط می‌باشد، و الزاماً باید به وفای به عهد متصل شود، و حتماً باید به عدم نقض پیمان اتصال یابد و پس از وفات خلیفه‌ی پیشین خدا، این خوشنودی محقق نمی‌شود مگر از طریق بیعت با خلیفه‌ی بعدی، تا به این ترتیب، بیعت‌کننده به عهد خود وفا کرده و میثاق

۱ - بقره: ۳۰

۲ - فتح: ۱۰

حقیقی را نقض نموده باشد.

خدای متعال می‌فرماید: «أَقَمَن يَعْلَمُ أَنَّمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنَ رَبِّكَ الْحَقُّ كَمَنْ هُوَ أَعْمَى ۚ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ* الَّذِينَ يُؤْفُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَلَا يَنْقُضُونَ الْمِيثَاقَ* وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ وَيَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ*..... وَالَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ ۗ أُولَئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ»^١ (آیا کسی که می‌داند آن چه از جانب پروردگارت بر تو نازل شده حق است، همانند کسی است که نابینا است؟ تنها خردمندان پند می‌گیرند* کسانی که به عهد خود وفا می‌کنند و خود پیمان را نمی‌شکنند* آنان که آن چه را خدا به پیوستن آن فرمان داده است، پیوند می‌دهند و از پروردگارشان می‌ترسند و از سختی بازخواست خدا بیمناک‌اند*.... و آنان که پیمان خدا را پس از استوار کردنش می‌شکنند و آن چه را که خدا به پیوستن آن فرمان داده است، می‌گسلند و در زمین فساد می‌کنند، لعنت بر آنهاست و بدی‌های آن جهان نصیب‌شان باد!).

همچنین می‌فرماید: «وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» (از آن گروه نخستین از مهاجرین و انصار که پیش قدم شدند و آنان که به نیکی از بی‌شان رفتند، خدا خوشنود است و ایشان نیز از خدا خوشنودند، برایشان بهشت‌هایی که در آنها نهرها جاری است و همیشه در آنجا خواهند بود آماده کرده است، این است کامیابی بزرگ). این آیه بر استمرار خلافت خدا بر زمینش پس از رسول الله ﷺ دلالت دارد. منظور از پیروی مهاجرین و انصار، خود شخص آنها نیست زیرا ایشان معصوم نیستند؛ همچنین مراد، همه‌ی کارهای آنها نیست زیرا به طور یقین، برخی از اعمال و کردارهای آنها بسیار بسیار مذموم و دوری جستن از آنها الزامی است؛ مثلاً برخی از آنها قبل از ایمان آوردن بت می‌پرستیدند و گروهی بعد از ایمان آوردن شرب خمر می‌کردند. لذا در اینجا مراد از پیروی از آنها، پیروی از مهمترین چیزی است که ایشان را شایسته‌ی دریافت این اسامی - السَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ - کرده است، که همان گرویدن‌شان به محمد ﷺ بوده، به این اعتبار که آن حضرت، حجت خدا در زمان آنها و خلیفه‌ی خدا در زمینش بوده است. آنها به خاطر کردارشان یعنی به جهت ایمان آوردن به حجت الهی در زمانشان و سبقت جستن در گرویدن به او مورد ستایش‌اند؛ این عده

بر کسانی که پس از آنها آفریده می‌شوند فضل و برتری ندارند، زیرا پیشی گرفتن آنها بر اهل زمان خودشان مصداق دارد و لذا مدح شدن آنها - به اعتبار پیش قدمی‌شان - در قیاس با اهل زمان خودشان است؛ چرا که برتری دادن مطلق آنها بر کسانی که قرن‌ها پس از آنها خلق می‌شوند، ستمی است به متاخران نسبت به آنها. حتی این کلامی است که با عدل الهی و فطرت انسان که بر آن آفریده شده است سازگاری دارد و (به ناروا) این شایستگی را به آنها می‌دهد که به طور دائم و ابدی جزو برترین خلائق باشند و بر اسلاف خود، برتری یابند. طبیعی است که شما درباره‌ی دو نفر که در زمان حضرت محمد ﷺ بوده‌اند و یکی پس از دیگری ایمان آورده، بگویید فلانی در ایمان آوردن به محمد ﷺ بر آن یکی سبقت جسته است، ولی درست نیست که درباره‌ی دو نفر که در دو زمان مختلف به وجود آمده‌اند بگویید فلانی در گرویدن به حضرت محمد ﷺ بر آن دیگری پیش افتاده است؛ زیرا یکی از این دو، بر آن یکی در پدیدار شدن در این عالم سبقت گرفته است؛ چه یکی از این دو در زمان پیامبر بوده باشد و یا هر دو پس از زمان آن حضرت ﷺ آمده باشند. پیشی گرفتن از آن رو مورد ستایش بوده است که براساس رقابت و پیشی گرفتن در عمل و اخلاص ورزیدن نسبت به دیگران بوده و نه این که صرفاً به خاطر تقدم زمانی باشد.

بنابراین منظور از آیه‌ی: «وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ يَأْسَرَانِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» (و آنان که به نیکی از پی‌شان رفتند، خدا خوشنود است و ایشان نیز از خدا خوشنودند، برایشان بهشت‌هایی که در آنها نهرها جاری است و همیشه در آنجا خواهند بود آماده کرده است، این است کامیابی بزرگ)، عبارت است از پیروی آنها در گرویدن به خلیفه‌ی خدا در هر زمان. کسانی که به نیکی از پی‌شان رفتند، تمام انسان‌هایی هستند که به خلیفه‌ی الهی در زمانشان ایمان می‌آورند و او را یاری می‌کنند، تا روز قیامت! و آنها نیز بر اساس پیشی گرفتن و کردار و اخلاصی که دارند از فضیلت برخوردارند. لذا این صفت «السابقون» (پیشی گرفتگان) انتهایی ندارد، حتی صفت «مهاجرت» و یاری رساندن نیز تا روز قیامت بی‌انتهاست. «تابعین» فقط به چند نفر در قرن اول، دوم یا سوم گفته نمی‌شود بلکه تابعین گروه نجات‌یافتگان (فرقه‌ی ناحیه) هستند، تا روز قیامت.

اما این ادعا که تابعین تنها به چند تن مشخص و محدود به قرن اول، دوم یا سوم اطلاق می‌شود، ظلم و اجحاف در حق مؤمنان زمان‌های متاخر است؛ کسانی که چه بسا به خاطر

اخلاصی که دارند، از دسته‌های اول نیز برتر و بافضیلت‌تر باشند. گروه نخستین از مهاجرین و انصار که پیش‌قدم شدند، صفت کسانی است که مخلصانه به خلیفه‌ی خدا در هر زمان ایمان می‌آورند. لذا اینها همراه محمد ﷺ هستند؛ یعنی جزو همان کسانی که به آن حضرت گرویدند. برتری هر کس براساس میزان پیش‌قدمی، عمل و اخلاصش تعیین می‌شود. اینها با حضرت علی (علیه السلام) نیز هستند، و این موضوع همچنان استمرار دارد، و هر زمانی دارای «السَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ» است.

و السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

اصح الصصح - مرم المرام ۱۴۳۲ هـ. ق.

پرسش ۵۳۶:

به سرورم و فرزند امامم، سید امام احمد الحسن (علیه السلام) که خداوند حفظش کند و گام‌هایش را استوار سازد!... سلام بر شما ای خاندان پیامبر خدا و معدن علم و منبع رحمت! سرورم! با پرسشی به سوی شما آمده‌ام که مدت‌ها است اندیشه‌ام در آن سرگردان شده و وقت و تلاش بسیاری از من گرفته است ولی به پاسخی دست نیافته و به معنایش نرسیده‌ام. سرورم: چرا فقط چهار زن به مراحل بالای کمال رسیده‌اند: سیده مریم، سیده آسیه، سیده خدیجه و سیده‌ی طاهره‌ی معظمه مولایم زهرا (علیها السلام)؟ سرورم! شما که پسر و حبیب او هستی، به گونه‌ای علمی و عقیدتی مرا مطلع گردان تا با پاسخی که از منبع علم و از پسر پیامبر اعظم ﷺ آمده است، خوشحال و شادمان نزد اصحابم برگردم.

منتظرت هستم، سرورم! و بسیار مشتاقم به ملاقات با شما و خدمت نمودن به شما و فایز شدن به شرف جهاد زیر پرچم شما... رب الارباب و مسبب الاسباب شما را حفظ فرماید، توفیق دهد، محافظت نماید و تایید کند! و همواره با عنایت الرحمن الرحیم، پوشیده و در امان باشید.

فرستنده: سید امام - خلیج

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحیم....

و الصبر للمرب العالمین، و صبر للمعلمین و صبر للمعلمین و صبر للمعلمین و سلم تسلیماً.

موضوع انحصار به کمال رسیدن زنان به چهار نفر درست نیست. صحیح آن است که هر

انسان طبق علم و اخلاصش، جایگاهی نزد خدای سبحان دارد؛ چه این انسان مرد باشد، چه زن! اما این که برتر خواندن یک انسان معین و این که او از تمام انسان‌های پیش از خود برتر یا برترین اهل زمان خود است و یا حتی نسبت به تمام انسان‌ها برتری دارد، فقط و فقط از طریق نص خدای سبحان از سوی فرستادگانش ثابت می‌گردد. از طریق خبرسانی پیامبر ﷺ به نقل از خداوند سبحان و دانای غیب‌ها، ثابت شده است که فاطمه علیها السلام سرور زنان عالمیان (دو جهان) است. همچنین ثابت شده است که مریم، آسیه و خدیجه، فضل و مقامی نزد خداوند دارند ولی قضیه فقط به همین عده منحصر نمی‌شود بلکه زنان بسیاری وجود دارند که نزد خدا مقام و منزلت والایی دارند. حتی بانویی هست که از این عده برتر و بالاتر است: زینب علیها السلام دختر علی علیه السلام پس از مادرش فاطمه علیها السلام برترین زنان جهانیان است.

این سخن شما که زنان بافضیلت فقط همین چهار نفرند، چندان دقیق نیست، و شما بدان که باب به روی تمام زن‌ها تا روز قیامت گشوده است تا با عمل و اخلاصشان بتوانند جزو برترین زنان دو عالم شوند.

والسلام علیکم ورحمة اللہ وبرکاتہ.

اصم الصنع - صرم الصرام ۱۴۲۲ هـ. ق.

پرسش ۵۳۷:

والسلام علیکم ورحمة اللہ وبرکاتہ....

و درود و سلام بر برترین خلق خدا محمد و بر خاندان او یس و الائمه و المهدیین و سلم تسلیماً.

به امام احمد الحسن و انصار! خدا و فرشتگان شهادت می‌دهند و شما داناترید که چه کسی با خواندن کتاب‌ها، خطبه‌ها و استدلال‌های شما، اکنون بر یقین است، ولی موضوعی را مطرح می‌سازم تا دلم اطمینان یابد:

اولین سؤال درباره‌ی داستان آصف بن برخیا، وزیر سلیمان نبی علیه السلام است. از امام می‌خواهیم حجت بر ما را برای‌مان تبیین فرماید؛ زیرا وی عالم آل‌البيت و بقية الله است؛ نه از روی شک بلکه فقط برای اطمینان یافتن!

سؤال ۱- داستان آصف بن برخیا، وزیر سلیمان نبی علیه السلام هنگامی که تخت بلقیس را آورد چیست؟

سؤال ۲- نام صحیحی که برای وزیر سلیمان نبی علیه السلام می‌شناسید چیست؟

سؤال ۳ - نام کتابی که که وی از آن علم آموخت - همان‌طور که در قرآن آمده است - چیست؟

سؤال ۴ - علمی که او از کتاب اخذ کرد چه بود؟

سؤال ۵ - آیا آصف، تخت بقلیس را به وسیله‌ی دعا آورد یا از طریق دیگری این کار را انجام داد؟ به آن اشاره نمایید. اگر دعا یا جمله‌ی دیگری بوده است، خواهش می‌کنم آن را بیان دارید.

سؤال ۶ - چگونگی انتقال تخت از جایی به جای دیگر را شرح دهید.

خداوند از علم لدنی، شما را فزونی دهد و نور شما و انصارتان را که خاموش نمی‌شود، بتاباند؛ حتی اگر مشرکان را خوش نیاید!

از انصار تقاضا می‌کنم سؤال‌هایم را به امام معصوم برسانند و از او خواهش کنند که از صمیم قلب مرا دعا کند به این که توفیق یابم و از خلفای الهی پیروی نمایم و به بیعت و دیدن طلعت زیبا موفق گردم.

فرستنده: ابورضا - عمان

پاسخ:

بسم اللّٰه الرحمن الرحيم

و الصمد للرب العالمين، و صدر اللعبر صمد و آكل صمد اللائم و المبريح و سلم تسليماً.

« قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِّنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ فَلَمَّا رآهُ مُسْتَقِرًّا عِنْدَهُ قَالَ هَذَا مِن فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي أَأَشْكُرُ أَمْ أَكْفُرُ وَمَن شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَن كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّيَ غَنِيٌّ كَرِيمٌ »^۱ (و آن کس که از علم کتاب بهره‌ای داشت گفت: من پیش از آن که چشم بر هم زنی آن را نزد تو می‌آورم. چون آن را نزد خود دید گفت: این بخشش پروردگار من است، تا مرا بیازماید که سپاسگزارم یا کافر نعمت، پس هر که سپاس گوید برای خود گفته و هر که کفران ورزد پروردگار من بی‌نیاز و کریم است).

خدا شما را بر هر خیری موفق بدارد! او آصف عليه السلام، وصی سلیمان عليه السلام بوده است. نحوه‌ی آوردن تخت به وسیله‌ی رفع بوده است که من قبلاً آن را شرح داده‌ام و این مطلب در کتاب‌ها منتشر شده است و شما می‌توانی آن را مطالعه کنی. بنابراین زمان یا مکان بر فرایند

جابه‌جایی اثرگذار نبوده است زیرا همه‌ی ماجرا عبارت است از تعیین دو نقطه‌ی انتقال و سپس برداشتن (رفع نمودن) تخت از یک مکان و بازگرداندن آن از حالت رفع در مکان دوم، در همان لحظه. در رفع، نه زمان در کار است و نه مکان؛ بنابراین در اینجا حرکتی که به بروز تاخیر در فرایند جابه‌جایی منجر شود، وجود ندارد.

و اما این که علم کتاب چه بوده است، این علم صرفاً لفظ و معنی نبوده بلکه حقایقی بوده است که در صفحه‌ی وجود انسانی که برای خدای سبحان اخلاص پیشه کرده است، ظهور و تجلی می‌یابد؛ هر انسانی بر حسب حال خودش! همان‌طور که شما خود ملاحظه می‌کنی، آن چه که برای آصف تجلی یافت، چیزی از کتاب بود: «قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِّنَ الْكِتَابِ» (و آن کس که از علم کتاب بهره‌ای داشت گفت): اما آن چه که برای محمد و آل محمد علیهم‌السلام تجلی یافته، تمامی کتاب است به گونه‌ای که اینها خود، کتاب خداوند سبحان گشته‌اند.

خدای متعال می‌فرماید: «وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ»^۱ (کافران می‌گویند که تو پیامبر نیستی. بگو: خدا و هر کس که از کتاب، آگاهی داشته باشد، برای شهادت دادن میان من و شما کافی است). این شاهد، علی علیه‌السلام است و خداوند به وضوح بیان فرموده که علی علیه‌السلام همان کتاب خدا است و همه چیز در او به شماره آمده است. حق تعالی می‌فرماید: «إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَآثَرَهُمْ وَكُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ»^۲ (ما مردگان را زنده می‌کنیم و هر کاری را که پیش از این کرده‌اند و هر اثری را که پدید آورده‌اند، می‌نویسیم و هر چیزی را در امامی مبین شماره کرده‌ایم).

خداوند توفیقت دهد! بدان، این کتاب از جهتی، تجلی خدا در خلق و همان صورت خدا و همان انسان کامل و همان محمد و آل محمد علیهم‌السلام است. اگر آن چه که در کتاب‌ها نوشته‌ام را بخوانید به خواست خدا می‌توانید پاسخ این سؤالات و پرسش‌های فراوان دیگری را بیابید و دریابید. خداوند شما را توفیق دهد و گام‌های‌تان را در شناخت حق استوار گرداند!

و السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

مطلب زیر، برخی از مطالب موجود در کتاب «در محضر عبد صالح علیه‌السلام» در مورد رفع

می‌باشد که در سایت انصار امام مهدی (علیه السلام) منتشر شده است و می‌توانی آن را بخوانی: اما رفع و بیان معنای آن، دومین موضوعی بود که من در سؤال پیشین از عبد صالح (علیه السلام) پرسیده بودم و گفتم: ما در شرح موضوع رفع، موفق نیستیم و یا حداقل این قضیه برای برخی از ما کاملاً روشن نیست.

ایشان (علیه السلام) پاسخ دادند: «در خصوص رفع، مثالی برایتان می‌زنم، آیا با حساب دیفرانسیل و انتگرال در ریاضیات آشنایی و از آن سر در می‌آوری؟ این مثال به نوعی با این موضوع، ارتباط دارد».

گفتم: چیزی در این خصوص نمی‌دانم.

فرمودند: «الحمدلله. آیا می‌دانی مفهوم «خط» و «نامتناهی» در ریاضیات به چه معناست؟

به هر حال من سعی می‌کنم این موضوع را به ساده‌ترین صورت ممکن بیان نمایم. فرض می‌کنم شما عصایی داری. این عصا را به صورت عمودی قرار بده بالاترین جای عصا، نفس یک انسان یا بالاترین مقام او است و پایین‌ترین جای آن نیز معادل جسم است. البته امیدوارم دقت داشته باشی که این، یک مثال است و واقعیت چیزی غیر از آن است. اکنون در ذهنت این عصا را به بخش‌هایی تقسیم کن ولی برای این که وضعیت به بهترین وجه ممکن باشد، باید این بخش‌ها تا جایی که امکان دارد، کوچک باشد.

حال ببین چه تعداد از این بخش‌های کوچک وجود دارد؟ برای دانستن این مطلب باید طول عصا را بر طول هر بخش تقسیم کنی؛ مثلاً اگر طول عصا را ۱ و طول هر قسمت را کوچک‌ترین مقدار ممکن در نظر بگیریم، آیا می‌توانی کوچک‌ترین عدد ممکن را تصور کنی؟ کوچک‌ترین عدد بیانگر «موجودیت» است. این عدد صفر نیست ولی نزدیک‌ترین عدد به صفر می‌باشد. از آنجا که اعداد، نامتناهی‌اند (محدود نیست)، لذا نمی‌توان آنها را شمرد ولی تصور نمودن آنها، شدنی است. این عدد (مورد بحث ما) یک دهم نیست زیرا یک صدم از آن کوچک‌تر است؛ یک هزارم از آن هم کوچک‌تر است. به این ترتیب می‌توانی تا بی‌نهایت صفر اضافه کنی چرا که اعداد نامتناهی‌اند. بنابراین تصور ما از نتیجه‌ای که به دست می‌آید برابر است با نتیجه تقسیم عدد یک بر صفر.

بر این اساس تقسیم طول عصا بر صفر برابر است با بی‌نهایت و نامتناهی، و از آنجا که این عدد صفر نیست بلکه مقداری نزدیک به آن است، نتیجه همان است که خدای متعال

فرموده: «وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا»^۱ (و اگر بخواهید که نعمت‌های خدا را شمارش کنید، نمی‌توانید)؛ یعنی قابل شمارش است؛ به دیگر سخن از لحاظ امکان پذیری، قابل شمارش است ولی در واقع آیا می‌توان آن را به شماره آورد؟ خیر! «وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا» (و اگر بخواهید که نعمت‌های خدا را شمارش کنید، نمی‌توانید).

اکنون معنای این آیه نیز برای شما روشن شد. شاید قبلاً از خودت می‌پرسیدی: چه طور ممکن است نعمت‌های خدا بر من قابل شمارش نباشد و من نتوانم آنها را به شماره آورم؟ در حالی که به حسب ظاهر، این نعمت‌ها معدودند. آیا این طور نیست؟ تعداد نعمت‌ها چه قدر است؟ هر تعداد که باشد به هر حال قابل شمارش است ولی اکنون برای شما واضح شد که چرا آنها غیرقابل شمارش می‌باشند یا در واقع شمارش آنها ناممکن است. زیرا در حقیقت نعمت‌های الهی بر تمام وجود انسان و همه‌ی تجلیات او افزوده شده است. آیا اگر بخواهی، می‌توانی تجلیات انسان را به شماره آوری؟ در مثال، برایت توضیح دادم که این کار ناشدنی است. آیا اکنون موضوع روشن شد؟»
گفتم: بله.

ایشان علیه السلام فرمود: «اگر چیزی مبهم است، نگو بله!».

البته یک موضوع مبهم و غیرواضح وجود داشت که من آن را در سؤال بیان کردم و گفتم: آیا منظور از تجلیات انسان، حالات مختلف او از قبیل ایستادن، نشستن و غیره است؟ ایشان علیه السلام فرمود: «خیر! برای شما مثال دیگری می‌زنم: فرض کنیم که انسان عبارت است از یک نور که من می‌خواهم این نور به جایی برسد. شما منبع نور را در یک جایی روشن کرده‌ای. انتقال نور از منبع و جایگاه خودش، به مکانی دیگر چگونه انجام می‌شود؟ از طریق تجلی و تابش گام به گام نور به سمت هدف. این گام‌ها (گام‌های حرکت) همان تجلیات انسان است. در حقیقت این تجلیات مانند گام‌ها، همیشه هستند و دائماً در حال تجدید و نو شدن می‌باشند، زیرا منبع، همواره در حال انتشار است. اگر این انتشار قطع شود، انسان به فنا رفته و به عدم بازمی‌گردد.

اکنون اگر شما را چند گام به عقب برگردانم، چیزی در شما تغییر نمی‌کند، فقط شما در عالم جسمانی، نامرئی می‌شوی و از بدنی نورانی تر که با تاریکی، سنگین نشده است، برخوردار خواهی شد. این همان «رفع و درجات آن» است. اگر از شما بخواهم که چند گام به جلو بروی، مرئی خواهی شد و به آنچه اهل این عالم جسمانی برای بقا نیاز دارند، شما

هم نیاز پیدا خواهی کرد. «رفع شده» بین مردم است ولی در آنها نیست.^۱
 از آنجا که انسان عبارت است از وجود تجلیات او که تعداد آن نزدیک به نامتناهی است
 و از آنجا که نعمت‌های الهی که بر انسان داده شده، غیر قابل شمارش است، لذا انسان
 (فطرت انسان) نزدیک به نامتناهی که همان خدای سبحان و صورت لاهوت می‌باشد، است.
 از همین روست که علی علیه السلام در توصیف وضعیت انسان فرموده: «**ایا گمان می‌کنی تو جرمی
 خرد و کوچکی؟ و حال آن که جهانی بزرگ‌تر در وجود تو نهفته است**».^۲ شاید شما را خسته یا
 اذیت کردم، مرا ببخش».

۱- ص ۱۴۳۲ - مرم الامام ۱۴۳۲ هـ. ق.

پرسش ۵۳۸:

بسم الله الرحمن الرحيم....

درود و سلام بر سرورمان محمد و بر خاندان طیب و طاهر او.
 اما بعد.... سید امام احمد الحسن یمانی، چند سؤال دارم و از شما خواهش می‌کنم آنها را
 پاسخ دهید.

اولاً: لطف کنید تعریف روشنی از سید ما محمد صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام و جناب سلمان
 فارسی در آسمان و زمین بیان دارید و بفرمایید ارتباط حقیقی آنها با خدای متعال چیست؟ آیا
 اینها مرده‌اند، غایب شده‌اند یا چیز دیگری؟
 ثانیاً: سیده فاطمه‌ی زهرا علیها السلام در حقیقت کیست؟ راز مقام رفیع او چیست؟ سر نهاده شده
 در او چیست؟ و ارتباط او با سیده مریم عذراء، اگر ارتباطی وجود داشته باشد، کدام است؟
 ثالثاً: این بزرگواران در حقیقت چه کسانی هستند: مقداد بن اسود، ابوذر غفاری،
 عبدالرحمن بن رواحه، عثمان بن مظعون، قنبر بن کادان، و اینها همان‌طور که خود می‌دانید،
 یاران حضرت علی علیه السلام هستند؟

۱ - حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام پس از آن که ضربت خورد فرمود: «... من دیروز همراه شما بودم و امروز
 مایه‌ی پند و عبرت شما هستم و فردا از شما جدا خواهم شد.... چند روزی با بدنم در کنار شما زیستم، و به
 زودی از من جز جسدی بی‌روح، ساکن پس از آن همه تلاش و خاموش پس از آن همه گفتار، باقی نخواهد
 ماند. پس باید سکوت من، و بی‌حرکتی دست و پا و چشم‌ها و اندام من، مایه‌ی پند و اندرز شما گردد، که از
 هر منطق رسایی و از هر سخن موثری عبرت انگیزتر است....» کافی: جلد ۱ صفحه ۲۹۹ حدیث ۶

۲ - مراجعه نمایید به اعیان الشیعه: جلد ۱ صفحه ۵۵۲.

و سؤالی که برایم بسیار مهم است این است که آیا سید مسیح (علیه السلام) از مولای ما حسین (علیه السلام) به خدا مقرب‌تر و نزد او از جایگاه برتری برخوردار است؟! چرا که خداوند مسیح را از صلیب رهایی بخشید ولی اجازه داد حسین (علیه السلام) به شیوه‌ای که در داستان‌ها نقل می‌شود، زجر بکشد و کشته شود. خصوصاً با توجه به این که من کلامی از امام علی (علیه السلام) شنیده‌ام که می‌فرماید:

«من و راهنمایان از اهل بیت من، سر پنهان خداوند و اولیای مقرب او هستیم. ما همگی یکی هستیم پس بین ما فرق نگذارید که هلاک خواهید شد، و ما نشانه‌ها، حجاب‌ها و وجه الله هستیم.»

لطفاً بفرمایید سر پاسخ چیست؟

رایعاً: اگر همان‌طور که از حضرت علی (علیه السلام) روایت شده است، پیامبر و ائمه — روحم فدایشان باد — وجه الله باشند یعنی آنها جنبه‌ی ظاهری خدا و نور او در زمین هستند و مردم آنها را دیده‌اند، پس چرا سید ما موسی (علیه السلام) وقتی گفت پروردگرم خود را بنمای تا در وجه تو نظر کنم، بیهوش افتاد؟

و سؤال آخر این که اگر پیامبر و ائمه (علیهم السلام) ظاهر خدا هستند، باطن حقیقی خدا چیست؟ سرورم! از این که مطلب به دراز کشید عذر می‌خواهم ولی این سؤالات واقعاً مرا متحیر و سرگردان کرده است و من کسی نجیب‌تر (گرامی‌تر) و تواناتر از شما که بتواند پاسخی روشن به آنها بدهد نیافته‌ام؛ زیرا شما همان‌طور که خود فرموده‌اید جانشین خدا در زمین هستید و راه‌های آسمان و زمین را می‌شناسید.... از خداوند درخواست دارم که مرا به وسیله‌ی شما هدایت کند و مرا جزو پیروان مخلص شما گرداند، اگر حقی از جانب خدا باشید!

با تشکر.

و السلام علیکم و رحمہ اللہ برکاتہ.

فرستنده: ایهم مخیر - سوریه

پاسخ:

بسم اللہ الرحمن الرحیم....

والصمد للرب العالمین، و صمد للعالمین و صمد للعالمین و صمد للعالمین و صمد للعالمین.

خداوند شما را بر هر خیری موفق بدارد و گام‌های تان را بر شناخت حق و پیروی از آن استوار سازد! از شما تقاضا می‌کنم کتاب‌هایی را که در زمینه‌ی معرفت حق نگاشته‌ام بخوانی تا با پاسخ برخی از سؤالاتی که پرسیده‌ای آشنا گردی. پس از آن که آنها را با تدبر و تامل خواندی، می‌توانی پرسش‌هایت را مطرح کنی و من به خواست خدا برای پاسخ‌گویی به هر سؤالی آماده‌ی خدمت به

شما خواهیم بود.

برخی از سؤال‌هایت درست نیست که بپرسی؛ مثل این سخنت که «خدای متعال را باطنی است»؛ خدای سبحان برتر و والاتر است (وَتَعَالَى اللَّهُ عُلُوًّا كَبِيرًا) از این که باطن یا ظاهر داشته باشد بلکه او ظاهر و باطن و اول و آخر است، در خلق تجلی یافته است و خلق به او قائم‌اند.

و السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

اصد الصبح - صرم الصرام ۱۴۳۲ هـ. ق.

محور دوم:

پرسش‌های فقهی

پرسش ۵۳۹:

آیا در روابط جنسی میان زن و شوهر، حدود مشخصی وجود دارد، یعنی آیا موارد حرامی وجود دارد که زوجین نمی‌توانند آنها را انجام دهند؟

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والله للمرب العالمين، و صلوات الله على محمد وآل محمد الطاهين و الصالحين و سلم تسليمًا.

هر یک از زن و شوهر می‌توانند در هر زمان و هر مکان با هر بخش متناظر از بدن طرف مقابل خود کام‌جویی کنند و لذت ببرند، اگر هر دو بر این امر راضی باشند؛ به جز مواردی که پیشتر حرمت آنها را بیان نمودیم که عبارت است از حرام بودن ارتباط جنسی در ایام حیض و این که شوهر بخواهد بدون رضایت همسرش در دبر دخول کند. من از شما خواهش می‌کنم در روابط جنسی بین زوجین، به دنبال قید و بندهایی که براساس اهواء و آراء بنا شده است و تلاش‌هایی که از سوی مدعیان فقه از آن چه که براساس بینش خود در مورد امیال جنسی بنا نموده‌اند، نروید.

ارضای غریزه‌ی جنسی همسران (زن و شوهر) با نیت نزدیک شدن به خدا و برای حفظ نمودن فرج، از بزرگترین مستحباتی است که می‌توان با آن به خدای سبحان تقرب جست. پاداش این کار کمتر از ثواب عبادات مانند نماز و روزه نیست، فقط به نیت زوجین نیاز دارد. به جای این که هر یک با هدف اِشباع میل و هوس خود، با شریک‌ش ارتباط جنسی داشته باشد، فقط چنین نیت کند که نیاز شریک‌ش را برآورده سازد و فرج او را با نیت «قربة الی الله» (نزدیکی به خداوند) حفظ نماید. به این ترتیب زن و شوهر به فضل و کرمی که خداوند بر این دو دارد، پاداش و ثواب می‌گیرند.

والسلام علیکم و رحمہ اللہ وبرکاتہ.

پرسش ۵۴۰:

امام مفدی احمد الحسن خداوند شما را توفیق دهد!....

السلام علیکم ورحمة اللہ وبرکاتہ.

من در مورد برخی موضوعاتی که در کشور آمریکا به آن مبتلا هستیم چند سؤال فقهی دارم، و از شما خواهش می‌کنم به آنها پاسخ دهید، با تشکر بسیار از شما:

۱- در اینجا دولت به طور سمبلیک برای کسانی که کار پیدا نکرده‌اند، مساعدت‌های مالی و کمک هزینه‌های مسکن ارایه می‌کند. آیا بر ما جایز است بدون اطلاع دولت و بدون این که آنها را در جریان اشتغال مان قرار دهیم، کار کنیم و به این ترتیب هم کارکنیم و هم از کمک‌ها استفاده نماییم؟ زیرا در غیر این صورت، این کمک‌ها را از ما قطع می‌کنند.

۲- آیا ما می‌توانیم با فریفتن برخی سازمان‌های این دولت و با به کارگیری شیوه‌های مختلف، امتیازاتی به دست آوریم؟

۳- آیا ما می‌توانیم با برگه‌های قرعه‌کشی که در اینجا فروخته می‌شود کار کنیم و آنها را به فروش برسانیم؟

۴- در اینجا یک سری کالاهایی وجود دارد که دولت فروش آنها را فقط به گروه مشخصی از مردم و یا برای مناطقی معین، منحصر کرده زیرا این کالاها از مالیات معاف است. اگر ما این کالاها را به دست بیاوریم، آیا این حق را داریم که آنها را بفروشیم؟ با توجه به این که دولت، این کار را با جریمه‌های مالی و بعضاً با زندان مجازات می‌کند.

۵- ما از طریق پاسخ‌های شما در این سایت دریافته‌ایم که این پاسخ‌ها درست و استوار است و با واقعیت همخوانی دارد، با این دیدگاه می‌خواهم از شما به عنوان کسی که توجهم را جلب نموده است، تقاضا کنم تا معرفت حق‌تان (برایم) زیاد گردد.

از این که وقت‌تان را در اختیار من گذاشته‌اید بسیار متشکرم، خداوند شما را جزای خیر دهد!

فرستنده: امل - آمریکا

پاسخ:

بسم اللہ الرحمن الرحیم

والصلاة والسلام على من لا نبي بعده، وصلى الله على محمد وآل محمد الطيبين الطاهرين، وسلم تسليماً.

التزام به قوانین وضع شده واجب نیست و این قوانین از نظر شرعی ارزش و احترامی

ندارد، بنابراین مخالفت با آن و عمل برخلاف آن جایز است. فقط مراعات قوانین دولت عدل الهی لازم است و مخالفت با آنها جایز نمی‌باشد زیرا اینها قوانین شرعی است که اگر انسان با آنها مخالفت کند، در آخرت مورد محاسبه و مواخذه قرار می‌گیرد.

و السلام علیکم و رحمہ اللہ برکاتہ.

اصد الصبح - رجب الاصب / ۱۴۴۱ هـ. ق.

پرسش ۵۴۱:

از سرورانم خواهش می‌کنم به من مرحمت کنند:

- ۱- وظایف و تکالیف زن نسبت به همسرش.
- ۲- وظایف و تکالیف شوهر نسبت به همسرش.

لطفا نکات مهم را بفرمایید و خواهش مندم پاسخ، واضح و فقط مبتنی بر شرع باشد.

و من از شما بسیار متشکر و ممنونم.

فرستنده: حسین لاری - امارات

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والصبر للرب العالمين، و صلوات الله على من آل محمد الاثم والمهيبين وسلم تسليمًا.

خداوند شما را بر هر خیری موفق بگرداند! در کتاب نکاح در شرایع الاسلام تفصیلات حقوق زن و شوهر بیان شده است. به خواست خدا برادران انصار شما، این کتاب را در اینترنت منتشر خواهند کرد.

و السلام علیکم و رحمہ اللہ برکاتہ.

اصد الصبح - رجب الاصب / ۱۴۴۱ هـ. ق.

پرسش ۵۴۲:

و السلام علیکم و رحمہ اللہ برکاتہ

من پرسش‌های فقهی و از جمله ازدواج موقت را مطالعه کرده‌ام ولی اطلاعات کافی در این خصوص وجود ندارد. آیا ازدواج موقت باید با عقد ازدواج باشد، یعنی لازم است دو شاهد عقد را امضا کنند؟ یا می‌شود آن را به طور شفاهی برگزار کرد؟

آیا ازدواج موقت از طریق اینترنت درست است؟ آیا (این نوع ازدواج) با شرط عدم نزدیکی صحیح می‌باشد؟

خواهش می‌کنم در اسرع وقت پاسخ دهید زیرا من به روش دیگری یعنی فقط در حضور خودمان دو نفر ازدواج کرده‌ام، و فقط خدا شاهد ازدواج ما بوده و دو شاهد در کار نبوده است و قصد بدی نسبت به دختر ندارم زیرا او باکره است. خداوند ما را مشمول رحمت خویش قرار دهد.

فرستنده: س ی - کویت

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والصلاة لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الاثم والمرتبین و سلم تسليماً.

خداوند شما را توفیق دهد! شرح تفصیلی در کتاب نکاح در شرایع الاسلام که توسط برادران انصار شما که خداوند توفیقشان دهد، در اینترنت منتشر خواهد شد، خواهد آمد.

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

اصم الصبح - رجب لاصب / ۱۴۳۱ هـ. ق.

پرسش ۵۴۳:

السلام عليكم...

خواهش می‌کنم این نامه را به احمد الحسن برسانید. پرسش‌های من:

- ۱- راه درمان شک و ضعف یقین درباره‌ی موضوع ولایت حتی به هنگام فراوانی ادله‌ی آن چیست؟ یا به عبارت کامل تر، درباره‌ی موضوع پیروی از راه درست، زیرا موضوع به طور کامل بر پایه‌ی شک و ظن استوار است، پس چگونه می‌توان یقین به دست آورد؟
- ۲- حکم دختری که پدرش خمس نمی‌دهد و خود او کار نمی‌کند و مخارجش بر عهده‌ی پدرش می‌باشد چیست؟ این دختر وسایل زیادی دارد که مورد استفاده قرار گرفته و به حال خود رها شده و همچنین وسایلی دارد که هیچ‌گاه استفاده نشده است؛ آیا از این وسایل خمس ساقط است؟

۳- آیا در صورتی که صله‌ی رحم خطری به دنبال داشته باشد، ساقط می‌شود؟ به صورتی که اگر دختر با خویشاوندان پدرش رفت و آمد کند، مادرش که با این کار موافق نیست به شدت خشمگین می‌شود و در نتیجه مشکلاتی به وجود می‌آید و به پدر بیمارش آزار و اذیت می‌رسد و حتی ممکن است خطری برای زندگی او به دنبال داشته باشد زیرا پدر نمی‌تواند

جار و جنجال و مشکلات را تحمل کند.

۴- آیا شما به اجتهاد خودتان فتوا می‌دهید یا براساس رای گرفته شده از حضرت مهدی (علیه السلام) فتوا صادر می‌نمایید؟

۵- در گفت‌وگویی بین یک زن مسیحی با احمد الحسن، خواندم که از امام ابو جعفر محمد باقر (علیه السلام) نقل شده است که برای هر قرن و نسلی از این امت، رسولی از خاندان محمد در میان آن نسل وجود دارد که فرستاده شده به سوی آنها است و ظهور می‌کند. آیا برای تمام قرونی که پس از غیبت کبرای قائم گذشته است، رسولانی فرستاده شده‌اند؟
فرستنده: زهرا - عربستان سعودی

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والصلاة لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الطيبين وسلم تسليمًا.

پاسخ سؤال ۱- یقین از طریق اخلاص برای خدای سبحان به دست می‌آید و طی آن بنده، حق و راه مستقیم را از طریق خدایی می‌شناسد که خود را شاهدهی برای کسی که شهادت او سبحان و تعالی را طلب می‌کند، قرار داده است. «قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ ۗ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا» (بگو خدا میان من و شما برای شهادت کافی است، زیرا او به بندگانش آگاه و بینا است).

پاسخ سؤال ۲- در خصوص چنین موردی، این دختر باید روزی مشخص در طول سال تعیین کند و در آن روز آن چه که از درآمدهایش باقی مانده است را حساب و خمس آن را محاسبه نماید؛ مثلاً اگر در آن روز، مالی داشته باشد، خمس آن را بدهد و اگر چیز استفاده نشده‌ای دارد نیز خمس آن را محاسبه نماید.

پاسخ سؤال ۳- نیکی به والدین واجب است و ساقط نمی‌گردد و حتی المقدور باید ادا شود. انفاق بر زن، فرزندان و اجداد واجب است ولی صله‌ی رحم با دیگر ارحام چه با مال باشد و چه به وسیله‌ی گفتار، مستحب است و واجب نمی‌باشد.

پاسخ سؤال ۴- خداوند شما را توفیق دهد! ما آل محمد، در امور دین اجتهاد نمی‌کنیم بلکه این علمی است که خداوند به ما تفضل فرموده و با آن، ما را از دیگر مردمان بی‌نیاز

ساخته است.

و السلام علیکم ورحمة اللہ وبرکاتہ.

اصد الصبح - رجب الصب / ۱۴۳۱ هـ. ق.

پرسش ۵۴۴:

بسم اللہ الرحمن الرحیم...

الصد للرب العالمین، و صلر اللعذر صد و کمال صد الامم و المهرین و سلم تسلیم.

مولای من، احمد الحسن! در خصوص بسیاری از ارتباطات معمول و در جریان زندگی، برخی مسایل مبرم و ضروری برای من مطرح می‌باشد.

سؤال ۱ - مولای من! ما ایمان داریم به این که هر حاکم و سلطانی، جائز و کفر ورزیدن به او واجب است مگر آن حاکمی که خداوند او را نصب کرده باشد. ولی سرورم، ما بسیار نیاز داریم که حدود تعامل با حاکم جائز در تعاملات مختلف را بدانیم؛ نظیر دریافت اوراق رسمی که برای منعقد ساختن بسیاری از قراردادها، ضروری می‌باشد از رجوع به محاکمی که به غیر از شرع خداوند اداره می‌شوند تا موافقت برای عضویت به عنوان یک سرباز دولت. سرورم! شایان ذکر است این گونه اوراق بسیار و متنوع و در زمینه‌های مختلف و در اغلب موارد وسیله‌ی رسیدن به منفعتی می‌باشد. به عنوان مثال شما با دریافت کارت ملی می‌توانید بلیط سفر تهیه کنید و کالابری (کوپن) به دست آورید. اگر شهروندی کارت ملی به همراه نداشته باشد، ممکن است در معرض زندانی شدن یا پرداخت جریمه‌ی مالی واقع شود یا حداقل مورد اهانت قرار گیرد. چیزهایی هست که منفعتی به دنبال دارند ولی فقدان آنها ضرری به اندازه‌ی فقدان کارت ملی به همراه ندارد، مثل کالابری که اگر نباشد، شما مجبورید کالاهای اساسی را به قیمت گران‌تری خریداری کنید؛ همچنین به عنوان مثال، می‌توان از قرارداد تلفن چشم پوشی کرد ولی انسان به آن نیاز پیدا می‌کند، هر چند می‌توان آن را با تلفن همراه عوض کرد ولی هزینه بالاتری در پی دارد. قرارداد برق نیز همین‌طور است. سرورم! قراردادهای زیادی هست که من باید در آخر کار پولم را به خزانه‌ی حاکم جائز واریز کنم. سرور و مولایم! از شما خواهش می‌کنم به خادم جاهلت لطف کنی و با جواب مفصل ما را رهایی بخشی.

سؤال ۲ - اگر نپیوستن به ارتش باعث منع سفر به کشورهای اروپایی یا دیگر کشورها

شود چه حکمی دارد؟ آیا می‌توان با زیرکی و طفره رفتن به ارتشی که احتمال می‌رود در آینده‌ی نزدیک وارد جنگ با هیچ دشمنی نشود، پیوست؟ انواع مختلفی از نهادها و موسسات دولتی وجود دارد که کار میدانی داخلی انجام می‌دهند. سرورم، از شما خواهش می‌کنم که این مسایل را با تفصیل برای ما شرح دهید.

سؤال ۳ - زمینی که حاکم جائر بر آن سیطره دارد، زمینی است که از نظر علمی در حکم غصبی می‌باشد، سؤال این است: قراردادهایی است که حاکم جائر برای رسیدن به منفعت و هدفی وضع می‌کند که پول آن از طریق مصادره‌ی زمین غصبی تحت تملک حاکم به دست می‌آید، آیا این قراردادها را می‌توان قراردادهایی حقیقی که احکام قرارداد بر آن جاری است در نظر گرفت؟ یا این که شایستگی این را ندارد که آنها را قرارداد بخوانیم، زیرا او صاحب واقعی زمینی که مصادره شده است، نمی‌باشد؟

سؤال ۴ - ای سرورم! به من کاری در مرکز خدمات‌رسانی به دانشجویان پیشنهاد شده و این مرکز کارش این است که هر چه که دانشجویان و دیگر مردم بخواهند را می‌پذیرد، با رایانه تایپ می‌کند و سپس آن را روی برگه‌ی کاغذ یا چیزهای دیگر خروجی می‌گیرد. ممکن است تایپ چیزهای دلپره آوری خواسته شود؛ مانند موضوعاتی که درباره‌ی نظریات غربی بحث می‌کند، و همچنین موضوعاتی مانند تمجید از فراعنه‌ی باستان! آیا کار در چنین مرکزی امکان‌پذیر است یا خیر؟ و اگر امکان‌پذیر است با کدام شرایط و ضوابط؟ از خدا مسئلت دارم به حق جدّت محمد ﷺ و به حق مادرت فاطمه ﷺ و به حق تمام پدران و مادران شما را فرج عطا فرماید و پیروزی را قرین شما گرداند و ما را از انصار شایسته‌ی تو و پدرت قرار دهد. علیکم السلام و رحمة الله و برکاته تا انتهای روزگار!

فرستنده: عبدالله - مصر

پاسخ:

بسم اللّٰه صمّح الرّصم

والصمد للرب العالمین، و صلوات اللعمره و کمال الصبر اللائم و المهریب و سلم تسلیم.

پاسخ سؤال ۱- دریافت اوراقی که برای انجام برخی امور و یا دریافت منافع دولتی لازم است، اشکالی ندارد حتی اگر دولت غیرشرعی باشد. همچنین منتفع شدن از آنها نیز فاقد اشکال است اما قوانین وضع شده که دولت آنها را وضع می‌کند واجب الاحترام نیست.

پاسخ سؤال ۲ - اگر ثبت نام نکردن و نپیوستن شما به ارتش، اذیت و زبانی برای شما به

بار آورد پیوستن به ارتش بی‌اشکال است، به شرطی که ارتش عامل عملی ستمکارانه بر مردم نباشد و یا از ستمکاران حمایت و اعمال ظالمانه‌ی آنها را تسهیل نکند.

پاسخ سؤال ۳- فرد مؤمن می‌تواند از این قراردادها استفاده کند ولی احترام به آنها و التزام به اجرای آنچه در قرارداد آمده است بر او واجب نیست.

پاسخ سؤال ۴- این کار اشکالی ندارد. همچنین چاپ پژوهش‌هایی که دانشجویان انجام می‌دهند بی‌اشکال است، مگر این که پژوهش‌ها با هدف تخریب و یا مسخره کردن مقدسات دینی و شریعت صورت گرفته باشد.

و السلام علیکم و رحمہ اللہ برکاتہ.

اصد الصبح - رجب لاصب / ۱۴۳۱ هـ. ق.

پرسش ۵۴۵:

جناب سید السلام علیکم.

من کارم سفر است یعنی راننده‌ی قطار هستم و بین شهرهای مختلف رفت و آمد می‌کنم. در یک هفته حدود ۲۷۰۰ کیلومتر مسافت می‌پیمایم. اگر برای دیدار و بازدید به این شهرها بروم، نمازم را تمام بخوانم یا شکسته؟ با تشکر از شما.

فرستنده: عدنان الفرحان - عربستان سعودی

پاسخ:

بسم اللہ الرحمن الرحیم

و الصلوة للرب العالمین، و صلوات اللہ علیہ و آله و سلم و اللہ اعلم بالصواب و اللہ یسر العسیر و یخفف الهم.

در کتاب شرایع بیان داشتیم که هر کس که مدت سفرش بیش از حضور در وطنش باشد، باید در سفر، نماز را تمام بخواند و روزه بگیرد، چه سفر او برای کار باشد و یا برای غیر آن.

و السلام علیکم و رحمہ اللہ برکاتہ.

اصد الصبح - رجب لاصب / ۱۴۳۱ هـ. ق.

پرسش ۵۴۶:

بسم اللہ الرحمن الرحیم...

اللهم صل علی محمد و آل محمد و سلم تسلیماً.

و اگر «معتمر» (عمره‌گزار) است، باید یک گوسفند در مکه قربانی کند و کفاره بدهد. در خصوص گوشت مرغ، حتماً باید مطمئن شد که به دست فرد مسلمان ذبح شده باشد زیرا آنها اکنون ذبح با ماشین را هم مجاز می‌دانند.

در هواپیما و رستوران‌ها اگر پرس و جو کردی و سؤال نمودی و فهمیدی که مرغ به دست مسلمان ذبح شده است، می‌توانی آن را میل کنی، و گرنه از آن اجتناب کن. خداوند توفیقت دهد! و اما در خصوص سفره‌ی خرما و نوشیدنی که در مسجد نبوی عرضه شد، با طیب خاطر آن را میل کن؛ اشکالی بر آن نیست. خداوند شما را توفیق دهد!

والسلام علیکم ورحمة اللہ وبرکاتہ.

اصد الصبح - رجب الاصب / ۱۴۳۱ هـ. ق.

پرسش ۵۴۷:

السلام علیکم ورحمة اللہ وبرکاتہ

اللهم صل علی محمد و آل محمد الاثم و المهرین و سلم تسلیماً.

سلام بر شما، ای مولای من، احمد الحسن یمانی!

سرورم! من زنی از انصار هستم ولی خانواده‌ام جزو انصار نیستند و آنها در مورد انتخابات بر من فشار آوردند. من هم رفتم و برگه‌ی (رای‌گیری) را خراب کردم و نام بیش از یک حزب را نوشتم و نمی‌دانستم اینها چه کسانی‌اند... آیا این که در برگه نام بیش از یک حزب را نوشته‌ام، کاری حرام به شمار می‌رود یا خیر؟ لطفاً پاسخ بدهید. آیا این کار گناهی بر گردن من محسوب می‌شود یا خیر؟ فرستنده: مهندس عمران - عراق

پاسخ:

بسم اللہ الرحمن الرحیم

والله للرب العالمین، و صلر اللہ علی محمد و آل محمد الاثم و المهرین و سلم تسلیماً.

خداوند شما را توفیق دهد! اگر بر این کار مجبور بوده‌ای خداوند شما را می‌بخشد که او بهترین آموزندگان است. از خداوند برای شما خیر آخرت و دنیا را درخواست می‌نمایم!

والسلام علیکم ورحمة اللہ وبرکاتہ.

اصد الصبح - رجب الاصب / ۱۴۳۱ هـ. ق.

پرسش ۵۴۸:

سرور، مولا و امام من در دنیا و آخرت، سلام علیکم! ان شاء الله سرورم، از شما مسئلت

دارم که مرا بر ثبات و نصرت‌تان دعا کنی.

و اما بعد... سرور و مولایم! من به فضل خدا به شما ایمان دارم، و به حق مظلومیت زهرا (علیها السلام) ثبات و پایداری را از خدا خواهانم.

مشکل من این است که من در مقابل جنس مخالف ضعیف‌ام. آیا امکان دارد نصیحتی به من بفرمایی که مرا خلاص کند؟ در ضمن دلیل حرام بودن نگرستن به تصاویر زنان برهنه در تلویزیون و اینترنت چیست؟

با تشکر فراوان از حضرتعالی، سؤال کننده بسیار مایل است پاسخ را از امام (علیه السلام) دریافت کند. فرستنده:

۱ د - کویت

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والصلاة لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الطيبين وسلم تسليماً.

خداوند شما را بر هر خیری توفیق دهد! یک سری گناهان، کبیره هستند و برخی گناهان صغیره‌اند که معمولاً زمینه‌ساز ارتکاب کبیره‌ها می‌شوند. از گناهان بپرهیزید، از کوچک و بزرگ آنها. بر شما باد دائماً به قرائت قرآن و نماز شب و روزه و این که بهره‌ی خود را از رضایت خدای سبحان و تعالی از دست ندهید. از خداوند تقاضا دارم که به رحمت خویش بر تو رحم آورد و از گناهان کوچک و بزرگ پاک گرداند و تو را از سربازان و حزب و اولیایش قرار دهد! او یاور من است و او دوست شایستگان است.

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

اصح الصصح - رجب لاصب / ۱۴۴۱ هـ - ق.

پرسش ۵۴۹:

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

پس از تحیت و سلام، من امّ علی خادم حسین (علیه السلام) از طرف سید تقی هستم. سرور ارجمندم، خواسته‌ای قدیمی دارم که مایلم استدلال و حکم شرعی آن را از شما دریافت کنم. خداوند عمر شما را طولانی فرماید!

پدر من مقدرای پول از یکی از دوستانش طلب دارد و بر این قضیه شاهدانی هم موجود است. مردی که از او طلب داشتیم فوت کرد و پدر من نیز فوت کرده است. آیا ما این حق را

داریم که مبلغ مزبور را از اولاد آن فرد مطالبه کنیم؟ با توجه به این که پدرم وقتی حقی را طلب نمود و آنها نپذیرفتند، ذمه‌ی مرد را جلوی پسرانش مشغول کرد؛ درضمن این مبلغ، پول زیادی است. سرور فاضل من! آیا ما این حق را داریم که مبلغ را مطالبه کنیم؟ متذکر می‌شوم شاهدانی هم وجود دارد.

لطفاً پاسخ دهید، خداوند عمر شما را طولانی گرداند! با تقدیم صمیمانه‌ترین احترامات من.

فرستنده: اشواق العیبدی - عراق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والصلاة لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الاثم والمهريق وسلم تسليماً.

اگر شخصی که فوت کرده و به پدر شما بدهکار بوده است، مال یا ملکی از خود بر جای گذاشته باشد که بتواند بدهی یا قسمتی از آن را پوشش دهد، باید از طریق وارثان او دینش پرداخت شود و ذمه‌اش بری گردد. شما نیز این حق را دارید که مال را از آنها مطالبه کنید زیرا شما پس از وفات پدرتان، وارثان این حق هستید.

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

دعوه الصبح - رجب الاصب / ۱۴۴۱ هـ - ق.

پرسش ۵۵۰:

بسم الله الرحمن الرحيم

والصلاة لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الاثم والمهريق وسلم تسليماً.

ما گروهی از زنان هستیم که به سید احمد عليه السلام گرویده‌ایم ولی شوهران ما هنوز چنین اعتقادی پیدا نکرده‌اند. بر ما دشوار است که برویم و از روش ذیح مطمئن شویم، لذا ما برای خوردن گوشت و مرغ استخاره می‌کنیم. آیا این کار برای ما جایز است؟

و آیا جایز است که ما مردان انصار را که بیشتر از ما می‌توانند بروند و تحقیق کنند، از این موضوع (استخاره برای گوشت) باخبر سازیم؟ منظورم این است که آیا این روش می‌تواند به صورت قانونی که بتوان به آن اعتماد کرد تلقی شود حتی اگر امکان تحقیق فراهم باشد و رنج و مشقتی برای آن وجود نداشته باشد؟

فرستنده: ز. خ - امارات

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والصلاة لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الطيبين وسلم تسليمًا.

خداوند شما را توفیق دهد! در خصوص مرغ باید حتماً اطمینان حاصل شود که به دست فرد مسلمان ذبح شده باشد زیرا آنها ذبح با دستگاه را مجاز شمرده‌اند و حال آن که غیرشرعی است.

اما در مورد گوشت‌های قرمز، در سرزمین‌های اسلامی می‌توان حیوانات ذبح شده را میل کرد و این کار اشکالی ندارد.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

اصد الصبح - رجب لاصب / ۱۴۴۱ هـ. ق.

پرسش ۵۵۱:

با پرداخت مبلغی پول، دو کارت تلفن خریدم. قیمت کارت ۱۲۵۰۰ بود و من آن را به فرد دیگری به قیمت ۱۳۵۰۰ فروختم، به این شرط که پس از یک ماه پول را به من برگرداند؛ ولی او نتوانست این پول را به من پرداخت کند و این مبلغ به صورت دین بر عهده‌ی او مانده است. لکن او با مقداری پول نزد من آمد و گفت این هدیه است و سود نمی‌باشد، بدون این که من هیچ پولی از او طلب کرده باشم. گرفتن چنین پولی چه حکمی دارد؟ و برای شما پاداش و ثواب باشد ان شاء الله.

فرستنده: ابو جعفر - عراق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والصلاة لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الطيبين وسلم تسليمًا.

خداوند شما را توفیق دهد! هدیه، موضوع دیگری است و ارتباطی با قرض ندارد. گرفتن هدیه اشکال ندارد ولی برای شما و او بهتر آن است که این مبالغی که به شما می‌دهد، بخشی از دینی که شما از او طلب داری حساب شود.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

اصد الصبح - شعبان الفیر والبرک / ۱۴۴۱ هـ. ق.

پرسش ۵۵۲:

السلام علیکم.

سرور و مولایم، تاج سرم، احمد الحسن، بر شما برترین درود و سلام باد سرورم، و رحمة الله و برکاته! خداوند در فرج شما تعجیل فرماید و انصارت را زیاد گرداند! و لعنت خدا بر تمام دشمنان تو از جن و انس باد! و مرا خادم حقیر و فقیر و کارزارکننده‌ای پیش روی تو و شهیدی زیر پای شما قرار دهد.

سرورم! سؤال من درباره‌ی مشروب است — ایا شراب قبل از اسلام و در زمان اسلام حلال بوده و پس از آن حرام شده است، طبق گفته این آیه‌ی شریفه: **اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم «لَا تَقْرُبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَىٰ»** (آن‌گاه که مست هستید گرد نماز مگردید) صدق الله العلی العظیم.

و صلوات و درود خدا بر محمد و آل محمد، و بر احمد الحسن و بر مهدیین و سلم تسلیماً کثیراً.

در امان و پشتیبانی و نگهداری خدا باشید ای مولای من، احمد! برترین درود و سلام بر تو باد سرورم! خادم تو، بنده‌ی حقیر.

فرستنده: میثم تمار - اسپانیا

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحیم

و الصمد للرب العالمین، و صمد اللعمر صمد و کمال صمد الائم و المهریین و سلم تسلیماً.

از زمانی که خدا آدم (علیه السلام) را آفرید، شراب مست کننده در دین خدا حلال نبوده است. این آیه ارتباطی با حلال بودن شراب مستی‌آور ندارد بلکه این آیه در مقام اجتناب از نماز است تا انسان، آگاه و هوشیار باشد و بداند چه می‌گوید؛ و کسی که چُرَت بر او غلبه کرده، مشمول این آیه است.

و السلام علیکم و رحمة الله وبرکاته.

صمد الصبح - نیم شعبان / ۱۴۳۱ هـ. ق.

پرسش ۵۵۳:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَصَلِّ عَلٰی سَلْمِیَّةٍ. اَسْلَمَ عَلَیْكُمْ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ بَرَكَاتِهِ.

خداوند پاداش شما را در شهادت صدیقه‌ی طاهره‌ی فاطمه‌ی زهرا (علیها السلام) عظیم گرداند.

به سرور و مولا و پدرم، یمانی آل محمد... احساسات، پیوسته مرا به حزن و دلواپسی و پریشانی و در نتیجه به یأس و ناامیدی سوق می‌دهد. سرور و مولایم! هر چیزی که مرا کمک کند تا از این احساس خلاصی یابم را از شما درخواست دارم، و این که برای نصرت محمد و آل او با لسان و سنان شایستگی داشته باشم. ای آقایان من و سرورانم! خداوند شما را در زمین تکمین عطا فرماید!

نامه‌ای دیگر:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَصَلِّ عَلٰی سَلْمِیَّةٍ. اَسْلَمَ عَلَیْكُمْ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ بَرَكَاتِهِ.

خداوند پاداش شما را در شهادت صدیقه‌ی طاهره‌ی فاطمه‌ی زهرا (علیها السلام) عظیم گرداند؛ درود خداوند بر او و بر پدرش پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) سید البشر، و بر شویش امیرالمؤمنین (علیه السلام) سید الاوصیاء، و بر دو پسرش حسن و حسین و زینب و ائمه و مهدیین (علیهم السلام)، و به خصوص بر فرزندش بقیه الله در زمین و وصی او (که خداوند ایشان را در زمین تمکین عنایت فرماید).

خداوند! کسانی که بر حضرت زهرا (علیها السلام) ستم کردند و حق او و فرزندان و انصار فرزندان او را غصب نمودند لعنت کن. خداوند! در نصرت ایشان ما را شرافت عطا فرما! به نام نامی‌ات «واحد قهار»

و با صلوات بر محمد و آل محمد و السلام و صلوات بر سَلْمِیَّةٍ. وَ الصَّلَاةُ لِلرَّبِّ الْعَالَمِیْنَ.

خطاب به سرور و مولایم، یمانی آل محمد (علیهم السلام)، من چند سؤال دارم، از جمله:

خدای متعال فرموده است: «الرَّأْيِي لَا يَنْكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً وَالزَّانِيَةُ لَا يَنْكِحُهَا إِلَّا زَانٍ أَوْ مُشْرِكٌ وَحَرَّمَ ذَلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ»^۱ (مرد زناکار جز زن زناکار یا مشرک را نمی‌گیرد، و زن زناکار را جز مرد زناکار یا مشرک نمی‌گیرد، و این بر مؤمنان حرام شده است). وقتی این آیه را می‌خوانم، افکار زیادی در سرم می‌چرخد و شما ای سرورم، می‌دانی که انسان، نهفته‌های زیادی دارد که

گناهان آدمی از آن جمله است و چیزهایی که ما نمی‌دانیم و خدا می‌داند. من منظور این آیه را که می‌فرماید: «وَحَرَّمَ ذَٰلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ» (و این بر مؤمنان حرام شده است) متوجه نمی‌شوم؛ آیا از طرف خدا حرام است یا از طرف انسان مؤمن؟ سرورم! عذر مرا بر کم فهمی‌ام در نحوه‌ی سؤال کردن بپذیر و من می‌دانم تو ای سرورم، منظورم را متوجه هستی.

در ابتدای سوره‌ی واقعه، چرا خدای سبحان با «اصحاب میمنه» شروع کرده است، نه با «السابقین» یا «اصحاب المشامة» (اهل شقاوت) برحسب ترتیب صفات؛ همان‌طور که در انتهای سوره با «مقربین» یا «ضالین» آمده است؟

سرورم! در قرآن کریم و روایات اهل بیت علیهم‌السلام سخنی درباره‌ی زن هست، و سؤال من این است:

آن کدام مشورت است که مرد باید با آن مخالفت کند؟ زیرا همیشه وقتی موضوعی پیش می‌آید و زن‌ها با مردها در مورد آن صحبت می‌کنند و نظرشان را بیان می‌دارند، آقایان می‌گویند «شاوروهن و اخلفوهن» (با زنان مشورت کنید و مخالف آن عمل نمایید). این باعث می‌شود که دل، سرگشته و شکسته شود زیرا آنها با اهل بیت علیهم‌السلام با ما احتجاج می‌کنند.

سرورم! خواهش می‌کنم برای ما حدود سخن گفتن و تعامل داشتن زن با مرد بیگانه (نامحرم) را مشخص نمایید. همچنین برای مرد و این که یک مرد با زن بیگانه (چه از انصار و چه از غیر انصار) چه مقدار می‌تواند تعامل داشته باشد را بیان دارید. آیا این تعامل در همه‌ی ابعاد و جوانبش می‌تواند باشد؟

برخی برادران انصار رفتارهایی با زنانشان دارند که با فحش و دشنام زیادی همراه است و بعضی وقت‌ها کار به جاهایی می‌کشد که از بیان آنها خجالت می‌کشیم. همچنین گاهی اوقات زنانشان را کتک می‌زنند؛ من اینها را از خودم نمی‌گویم بلکه چیزهایی است که اتفاق افتاده و دل‌های ما را به درد آورده است. از خداوند مسئلت می‌نمایم که برادرانم را بر هر خیری موفق بدارد و به جای این برخوردها، رفتاری پیشه کنند که خواهران انصار با آن به خدا برسند و با لسان و سنان محمد و آل محمد را یاری دهند!

ای سرور و مولایم! ای نور دیده‌ام! خوشحالی‌ام قابل توصیف نیست؛ زیرا در این زمان شما با ما هستید. ای آقایان من و سرورانم! به خدا سوگند من گاهی اوقات باور نمی‌کنم که صدای شما را که نزد ما بسیار ارجمند و عزیز است می‌شنوم. از خداوند تقاضا داریم که به

حق صدیقه‌ی زهرا (علیها السلام) ما را به نصرت شما مشرف گرداند. علیکم السلام.

سرور و مولایم! اگر در کلمات از حد، تجاوز کردم مرا ببخش؛ زیرا من به سختی آنها را مرتب نمودم؛ زیرا کلمات انبوه‌اند و من آشفته و سرگردان!

اللهم فمخ لصد و کل صد و قائم کل صد عاجلاً غیر آجلاً بحق فاطمه و ایدیا و بعدیا و بنیها و ائسرا المستورع فیها.

خداوند! بدستی فاطمه، پدرش، شوهرش، فرزندانش و سزایش، محمد و آل محمد و قائم آل محمد را در اسرع وقت تکمیل عیادت فرما!

و السلام علیکم و رحمه اللہ وبرکاته.

فرستنده: ام زینب - عراق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والصلاة لله رب العالمین، و صلواته على محمد و آل محمد الاثم و المهریغ و سلم تسلیماً.

از خداوند مسئلت می‌نمایم که شما را بر ذکر خدای سبحان و تلاوت قرآن که در آن صیقل دل‌ها و طهارت نفس‌ها است، موفق بدارد! قرآن زیاد بخوان، مخصوصاً سوره‌ی یس،

واقعه و آیه‌ی سخره را که به شرح زیر است: «إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يَغْشَى اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ مُسَخَّرَاتٌ بِأَمْرِهِ إِلَّا لَهٗ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ* ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا يَحِبُّ الْمُعْتَدِينَ* وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ»^۱ (پروردگار شما الله است

که آسمان‌ها و زمین را در شش روز آفرید، پس به عرش پرداخت، شب را در روز می‌پوشاند و روز، شتابان آن را می‌طلبد و آفتاب و ماه و ستارگان مسخر فرمان او هستند. آگاه باشید که آفرینش و

فرمان‌روایی سزاوار او است. خدا، پروردگار جهانیان، به غایت بزرگ است* پروردگارتان را با تضرع و در نهان بخوانید، زیرا او متجاوزان سرکش را دوست ندارد* در زمین آن‌گاه که به صلاح

آمده است فساد مکنید و خدا را از روی بیم و امید بخوانید و رحمت خدا به نیکوکاران نزدیک است) تا شیاطین انس و جن دور شوند که خداوند شر آنها را از شما بازمی‌دارد.

پاسخ سؤال ۱ - «الزَّائِي لَا يَنْكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً وَالزَّانِيَةُ لَا يَنْكِحُهَا إِلَّا زَانٍ أَوْ مُشْرِكٌ وَحَرَّمَ ذَٰلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ»^۲ (مرد زناکار جز زن زناکار یا مشرک را نمی‌گیرد، و زن زناکار را جز مرد زناکار یا

۱ - اعراف: ۵۴ تا ۵۶.

۲ - نور: ۳.

مشرك نمی‌گیرد، و این بر مؤمنان حرام شده است). زناکار، در حال زنا، مؤمن نیست بلکه جامه‌ی ایمان از او کنده می‌شود؛ اگر پشیمان شود و توبه کند، ایمانش بازمی‌گردد. تحریمی که در آیه آمده مربوط به مردان و زنان زناکاری است که به زنا مشهورند و توبه‌ی آنها آشکار نشده است. ازدواج با این عده حرام است.

خداوند شما را توفیق دهد! من این موضوع را در «شرایع الاسلام» توضیح داده‌ام و این متن از کتاب شرایع است: «ازدواج با زنی که به زنا شهرت دارد جایز نیست، مگر این که توبه‌اش را آشکار نماید».

پاسخ سؤال ۲- احتمالاً شما درباره‌ی دو سؤالی که در آغاز سوره هست، دچار اشتباه شده‌ای: «فَأَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ وَأَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ» (... یکی اهل سعادت، اهل سعادت چه حال دارند؟ دیگر اهل شقاوت، اهل شقاوت چه حال دارند؟) و گمان نموده‌ای که سوره‌ی واقعه با اصحاب اهل سعادت آغاز شده، حال آن که این سوره با مقربین شروع شده و وضعیت آنها را توصیف کرده است: «وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ...» (آنها که سبقت بسته بودند و اینک پیش افتاده‌اند، اینان مقربانند، در بهشت‌های پر نعمت ...) سپس اصحاب یمین و وضعیت آنها را بیان نموده است: «وَأَصْحَابُ الْيَمِينِ مَا أَصْحَابُ الْيَمِينِ فِي سِدْرٍ مَّخْضُودٍ...» (اما اصحاب سعادت، اصحاب سعادت چه حال دارند؟ در زیر درخت سدر بی‌خار...) آن‌گاه به توصیف اصحاب شمال و وضعیت آنها پرداخته است: «وَأَصْحَابُ الشِّمَالِ مَا أَصْحَابُ الشِّمَالِ فِي سُمُومٍ وَحَمِيمٍ...» (اما اصحاب شقاوت، اصحاب شقاوت چه حال دارند؟ در باد سموم و آب جوشانند...) و همین‌طور در پایان سوره.

این که در ابتدای سوره، دو سؤال درباره «اصحاب المیمنه» و «اصحاب المشأمه» آمده و از مقربین سؤالی مطرح نشده است، برای بیان عظمت و شرافت مقربین و بلندی مقام و مرتبه‌ی آنها است؛ و این که آنها بی‌نیاز از آن هستند که درباره‌ی وضعیت‌شان سؤالی مطرح شود یا وضعیت ایشان تبیین و توصیف گردد. لذا خداوند سبحان به طور مستقیم و بدون این که در این مورد سؤالی مطرح نماید، به بیان وضعیت آنها پرداخته است.

پاسخ سؤال ۳- الف: این از سفاقت است که بگوییم با کسی مشورت کن و بر خلافش عمل نما! حتی این کار از کم‌ادبی است! این گونه نیست که تمام آن چه که از اهل بیت علیهم‌السلام روایت شده است، صحیح باشد. گاهی اوقات کسی در نقل مطلب از آنها اشتباه کرده است و

گاهی اوقات کسانی هستند با هدف اهانت نمودن به آنها، نسبت دروغ به ایشان داده‌اند. هر چه را که دیدید با قرآن و خُلق قرآن مخالف است، قطعاً از اهل بیت (علیهم‌السلام) صادر نشده است؛ بلکه یا نقل اشتباه‌آمیز است یا تحریف شده و یا کلامی است که به دروغ به این بزرگواران منتسب گشته است.

ب: سخن گفتن بین زن و مرد جایز است ولی باید کلام برای غرضی درست و مقبول باشد مانند کار یا راهنمایی کردن و این گفت‌وگو نباید از روی بیهودگی و شوخی و صرفاً برای هم کلام شدن باشد.

ج: زن و شوهر دو نفر هستند که به وسیله‌ی عقد، همسر و مصاحب یکدیگر گشته‌اند؛ بنابراین تاکید می‌شود که اینان یک نفر نیستند بلکه دو نفرند و به طور طبیعی وجود اختلاف و تفاوت در بسیاری از موارد، بین آنها حتمی است، و این به صبر نیاز دارد و این که هر یک دیگری را تحمل کند (و نسبت به او شکیبایی ورزد). بین زوجین باید مهر و محبت و مهربانی برقرار باشد تا زندگی مشترک آنها با هم استمرار یابد و گرنه اصطکاک و کشمکش بین این دو، نشانه‌ای از ناتوانی و شکست اجتماعی یک‌ه یا هر دوی آنها است. بر همین اساس خدای سبحان برای حل مشکلاتی که به اختلاف و ناسازگاری بین زن و شوهر منجر می‌شود و نیز برای ارشاد و توجیه این دو، تشویق کرده است که برخی افراد جامعه که نسبت به ایشان قرابت دارند، یعنی خانواده‌ی شوهر و خانواده‌ی زن، در موضوع مداخله و وساطت نمایند. خدای متعال می‌فرماید: «وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْعَثُوا حَكَمًا مِّنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِّنْ أَهْلِهَا إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا خَبِيرًا»^۱ (اگر از اختلاف میان زن و شوی آگاه شدید، داوری از کسان مرد و داوری از کسان زن برگزینید اگر آن دو را قصد اصلاح باشد، خدا میانشان موافقت پدید می‌آورد که خدا دانا و آگاه است).

این که مرد بخواهد همسرش را کتک بزند، کاری است حرام و جز در «نشوز» جایز نمی‌باشد؛ این حالت خاصی است که به امتناع زن از همخوابگی معنا می‌شود. ضربه هم نباید شدید باشد. خداوند برای زن نیز نظیر همین (حق) را قرار داده که عبارت است از حرام بودن امتناع شوهر از همخوابگی با زن.

و السلام علیکم و رحمہ اللہ برکاتہ.

اصد الصبح - نیم شعبان / ۱۴۳۱ هـ. ق.

پرسش ۵۵۴:

السلام علیکم ورحمة اللہ وبرکاتہ

من در یک واحد آپارتمانی که متعلق به دولت است زندگی می‌کنم. من با پرداخت مقداری پول به دولت به جای اجاره‌بها این خانه را خریداری کرده‌ام. متذکر می‌شوم این آپارتمان مربوط به سازمان محلی است و من آن را از خانمی که کارمند این سازمان بوده است، خریده‌ام. این خانه از طرف سازمان مزبور به این خانم اختصاص یافته بود. گفتنی است قبل از این که خانه به این خانم کارمند اختصاص یابد، افرادی در آن سکونت داشته‌اند یعنی آن را خالی دیدند و در آن سکنی گزیدند و هنگامی که خانه به خانم مزبور اختصاص یافت، این افراد بدون این که راضی باشند خانه را تخلیه کردند. سؤال من این است کاری که من شرعاً باید انجام بدهم چیست؟

خداوند ما را تسدید نماید و اطاعتش و راه صالحش را روزیمان نماید.

فرستنده: ابو نور - عراق

پاسخ:

بسم اللہ الرحمن الرحیم

والصلاة للرب العالمین، و صلوات اللہ علیہم و آلہم و سلم تسلیماً.

واحد مسکونی متعلق به شما است و شما می‌توانی در آن ساکن شوی و چیزی هم بر عهده‌ی شما نیست. خداوند شما را توفیق دهد!

والسلام علیکم ورحمة اللہ وبرکاتہ.

اصد الصبح - نیم شعبان / ۱۴۳۱ هـ. ق.

پرسش ۵۵۵:

السلام علیکم....

مقداری پول دارم که برای انجام حج واجب مرا کفایت می‌کند ولی اگر خمس آن را بدهم، نمی‌توانم حج بگذارم. حکم چیست: خمس بدهم یا خیر؟
با تشکر از شما.

فرستنده: عدنان - عربستان سعودی

پاسخ:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

وَالصَّلٰوةُ لِلرَّبِّ الْعَالِیْمِ، وَصَلِّ عَلَى الْمُرْسَلِ وَكُلِّ مَعْرَضٍ وَاصْبِرْ لِلْاَلَمِ وَالْمَصْرَبِ وَاسْتَلِیْمًا.

به حج برو، خداوند شما را توفیق دهد و عملت را قبول نماید! خمس عبارت است از حق حجت خدا بر خلقش، و او است که می‌تواند ذمه‌ات را از آن ببری گرداند. از خداوند مسئلت می‌نمایم که حج و طاعت تو را بپذیرد، و از شما خواهش می‌کنم برای برادران تان به ویژه آنهایی که در زندان‌های ستمگران محبوس‌اند، دعا کنی. خداوند گام‌های تان را استوار سازد!
و السلام علیکم و رحمہ اللہ برکاتہ.

اصغر الصنع - نیم شعبان / ۱۴۴۱ هـ. ق.

پرسش ۵۵۶:

اگر زنی به مدت بیست سال محجبه باشد و یک نوار ویدیویی از جشن ازدواجش داشته باشد، و ازدواج او قبل از محجبه شدنش صورت گرفته باشد، آیا یک مرد نامحرم یا هر مرد دیگری می‌تواند این نوار را تماشا کند؟ یا آیا هر مرد نامحرمی می‌تواند عکس‌های قدیمی زن بی‌حجاب را که مربوط به بیست سال پیش است و وی اکنون محجبه شده، نگاه کند؟ ما را بهره‌مند سازید. خداوند اجر تان دهد و ما از شما متشکریم.
فرستنده: محمد حکیم - آلمان

پاسخ:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

وَالصَّلٰوةُ لِلرَّبِّ الْعَالِیْمِ، وَصَلِّ عَلَى الْمُرْسَلِ وَكُلِّ مَعْرَضٍ وَاصْبِرْ لِلْاَلَمِ وَالْمَصْرَبِ وَاسْتَلِیْمًا.

جایز نیست مرد نامحرم آن را ببیند، و برای آن خانم بهتر است این تصاویر و فیلم‌ها را از بین ببرد. خداوند شما را بر هر خیری موفق گرداند!
و السلام علیکم و رحمہ اللہ برکاتہ.

اصغر الصنع - نیم شعبان / ۱۴۴۱ هـ. ق.

پرسش ۵۵۷:

اوقات نماز در شب با هدف استجاب دعا چه زمانی است؟
فرستنده: شوکت الزبیدی - عراق

پاسخ:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

و الصمد للرب العالمین، و صلوات اللعمره و آلاله مصدر الاثم و المنهین و سلم تسلیماً.
 بهترین اوقات پس از نیمه شب است و برترین وقت، قسمت پایانی شب می‌باشد.
 و السلام علیکم و رحمہ اللہ برکاتہ.

اصد الصبح - صرم الصرام / ۱۴۳۲ هـ - ق.

پرسش ۵۵۸:

السلام علیکم....

خواهشمندم پاسخ دهید

اول: آیا نزدیکی با زن از دُبر جایز است؟

دوم: در مورد خمس است. من در بخش خصوصی کار می‌کنم و درآمدی که از این کار به دست می‌آورم به قدری است که تقریباً برای مخارج خانواده‌ام کفایت می‌کند. من قطعه زمینی داشتم که وقتی قیمت زمین خیلی ارزان بود آن را خریدم و این چند وقته آن را فروخته‌ام و مغازه‌ی کفش فروشی باز کرده‌ام تا وضعیت مالی‌ام بهتر شود، ولی درآمد اینجا نیز کم است. سؤال این است: آیا این مغازه خمس دارد؟ با توجه به این که من مستاجر هستم و درآمد از کار آزاد است و فروشگاه‌ی که دارم، تقریباً برای خرج و مخارج خانواده‌ام کفایت می‌کند؛ زیرا من در یکی از کشورهای خلیج زندگی می‌کنم و اینجا همه چیز گران است، اجاره، تحصیل بچه‌هایم، ایاب و ذهابم، درمان و همه چیز.

فرستنده: ق س - کویت

پاسخ:

بسم اللہ الرحمن الرحیم

و الصمد للرب العالمین، و صلوات اللعمره و آلاله مصدر الاثم و المنهین و سلم تسلیماً.
 تفصیل آن چه که پرسیده‌ای، در کتاب شرایع الاسلام موجود است که در سایت انصار الامام المهدی علیه السلام منتشر شده است. در خصوص روابط بین زن و شوهر، من در پرسش قبلی این موضوع را تشریح کردم و اینجا نیز آن را می‌آورم تا چه بسا ان شاء الله برای شما سودمند باشد:

پاسخ: بسم اللہ الرحمن الرحیم

و الصمد للرب العالمین، و صلوات اللعمره و آلاله مصدر الاثم و المنهین و سلم تسلیماً.

هر یک از زن و شوهر می‌توانند در هر زمان و هر مکان با هر بخش متناظر از بدن طرف مقابل خود کام‌جویی کنند و لذت ببرند، اگر هر دو بر این امر راضی باشند؛ به جز مواردی که بیشتر حرمت آنها را بیان نمودیم که عبارت است از حرام بودن ارتباط جنسی در ایام حیض و این که شوهر بخواهد بدون رضایت همسرش در دُبُر دخول کند. من از شما خواهش می‌کنم در روابط جنسی بین زوجین، به دنبال قید و بندهایی که براساس اهواء و آراء بنا شده است و تلاش‌هایی که از سوی مدعیان فقه از آن چه که براساس بیئش خود در مورد امیال جنسی بنا نموده‌اند، نروید.

ارضای غریزه‌ی جنسی همسران (زن و شوهر) با نیت نزدیک شدن به خدا و برای حفظ نمودن فرج، از بزرگترین مستحباتی است که می‌توان با آن به خدای سبحان تقرب جست. پاداش این کار کمتر از ثواب عبادات مانند نماز و روزه نیست، فقط به نیت زوجین نیاز دارد. به جای این که هر یک با هدف اشباع میل و هوس خود، با شریکشان ارتباط جنسی داشته باشد، فقط چنین نیت کند که نیاز شریکش را برآورده سازد و فرج او را با نیت «قربة الی الله» (نزدیکی به خداوند) حفظ نماید. به این ترتیب زن و شوهر به فضل و کرمی که خداوند بر این دو دارد، پاداش و ثواب می‌گیرند.

و السلام علیکم و رحمہ اللہ برکاتہ.

اما در خصوص وضعیت‌تان که آن را بیان کرده‌ای، و این که شما مازاد بر مخارجت نداری، در این صورت خمس بر شما واجب نیست. بهتر برای شما و نیز برای افزایش رزقات این است که در هر سال، روز ثابتی را در نظر بگیری و در آن روز هر مال اضافی که داری خمسش را بدهی. خداوند شما را موفق بدارد و گام‌هایت را استوار سازد!

و السلام علیکم و رحمہ اللہ برکاتہ.

اصد الصبح - صرم الصرام / ۱۴۳۲

ه.ق.

پرسش ۵۵۹:

به امام حجت بن الحسن المهدی علیه السلام و بر پسرش امام احمد الحسن علیه السلام سلام می‌فرستم. السلام علیکم و بعد....

زمینی که ما روی آن زندگی می‌کنیم، شبهه‌ای دارد و تا وقتی که خواستیم برای منزل از دفترخانه سند ملکی بگیریم، از این موضوع باخبر نبودیم. به ما گفتند که این زمین به اسم یک نفر در دفترخانه ثبت شده است و بر این اساس خانه‌ی ما و خانه‌ی همسایه‌مان، یک

زمین به حساب می‌رود. آنها به ما گفتند در وزارت مسکن اشتباهی رخ داده است و آنها مسئولیت این اشتباه را برعهده دارند و سند را صادر خواهند کرد. متذکر می‌شوم که ما نمی‌دانستیم این زمین قبلاً به نام کسی ثبت شده است ولی سند ندارد، و کسی این موضوع را به ما خبر نداده بود. ما در آن، خانه ساختیم و الآن در آن زندگی می‌کنیم. حکم آن چیست؟ خداوند هزار پاداش خیر به شما بدهد!

فرستنده: حسن - بحرین

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والصلاة لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الاثم والمهريين وسلم تسليماً.

از آنجا که این اشتباه از طرف شما نبوده است و آنها مسئولیت اشتباه‌شان را عهده‌دار خواهند شد، سکونت شما در این خانه فاقد اشکال است، ان شاء الله. خداوند شما را توفیق دهد و گام‌های‌تان را بر آن چه که مورد رضایت او است، استوار سازد!

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

اصد الصبح - صرم الصرام / ۱۴۳۲ هـ. ق.

پرسش ۵۶۰:

من در رژیم سابق کارمند دولت بودم. در آن زمان به خاطر نیازی که داشتم مقداری پول از آن سازمان متصرف شدم. آیا جایز است که مقداری از آن مبلغ را صدقه بدهم و خمس باقی‌مانده‌ی پول را نیز بدهم تا بتوانم در این پول برای کارهای خاصی تصرف کنم؟
فرستنده: المؤمن بالله - عراق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والصلاة لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الاثم والمهريين وسلم تسليماً.

اگر پولی که در آن زمان گرفته‌ای به اندازه‌ی نیازت بود و شما، نیاز خود را با آن برطرف کرده‌ای، چیزی بر عهده‌ی شما نیست؛ چرا که اموال، در واقع متعلق به امام و مسلمین است و دولت طاغوت چیزی را مالک نیست بلکه آنها از چیزی که نمی‌توانند در آن تصرف داشته باشند، استفاده می‌کنند.

ولی اگر این مبلغی که گرفته‌ای، پول زیادی است که بیش از نیازهای شما بوده و هنوز

باقی‌مانده‌ی آن نزد شما است، چه به صورت مال باشد و چه به صورت اشیاء گرانبها، در این صورت بر شما لازم است که باقی‌مانده‌ی آن را به فقرا بدهی زیرا مال، مال امام و مسلمین است و کسی حق ندارد آن را در اختیار خود بگیرد مگر به مقدار رفع نیازش.

و السلام علیکم و رحمہ اللہ برکاتہ.

اصد الصسخ - مرم المرام / ۱۴۴۳ هـ. ق.

پرسش ۵۶۱:

و السلام علیکم و رحمہ اللہ برکاتہ

جناب سید احمد الحسن، من قبلاً نامه‌ای فرستاده ام ولی به گمانم مطلب واضح نبوده است. موضوع من از این قرار است که من دختری را می‌شناسم که وقتی دوازده ساله بود مورد آزار و اذیت جنسی قرار گرفت. این آزار از طرف دایی او صورت گرفت و چیزی جز تماس‌های ساده در کار نبود. خانواده‌ی دختر از ماجرا باخبر شدند و پدر دختر، دیدار او با دایی‌اش را ممنوع و حتی قدغن کرد که دختر با دایی‌اش در یک مکان باشند و این طور دستور داد که دختر نباید دایی‌اش را ببیند حتی اگر با همراهی مادر و خانواده و نزدیکان باشد. وی حتی گفته که کودکان نباید در جایی که دایی هست باشند حتی اگر او کودکان را نبیند. آیا او چنین حقی دارد؟

تنها راه حلی که پدر به آن رضایت دارد این است که او را بکشد یا بسوزاند، و حال آن که دایی دختر عذرخواهی کرده و طلب بخشش نموده و گفته توبه‌ی نَصوح کرده است ولی پدر دختر قانع نشده و کماکان خواستار قتل او است. این دختر اکنون بیست و یک ساله شده و گفته است که خدای سبحان را بین او و دایی‌اش حاکم قرار می‌دهد و دوست ندارد هیچ کس از والدین یا خانواده‌اش در این قضیه دخالت کنند. آیا دختر چنین حقی دارد؟ این تصمیم‌گیری بر اساس پناه آوردن به دعا و نماز گرفته شده است، و این دختر به واسطه‌ی خوابی که دید آرامش پیدا کرد ولی با خودش و با خدا عهد کرده است که این خواب را برای هیچ کس تعریف نکند، هر که می‌خواهد باشد! دختر می‌خواهد بین آن دو فقط خدا حاکم باشد، آیا او چنین حقی دارد؟ آیا کشتن دایی جایز است؟ با توجه به این که دایی توبه‌اش را اظهار نموده و پس از آن به ادای عمره و زیارت امام حسین (علیه السلام) و زیارت دیگر اماکن مقدسه توفیق پیدا کرده است.

جناب سید احمد الحسن، امیدوارم پاسخ را در سریع‌ترین زمان ممکن دریافت کنم و نیز

امید دارم که پاسخ، تمام تفصیلات سؤالات مذکور را در بر بگیرد. با تشکر.
موضوع دوم: دوست دارم بیرسم آیا بر زن واجب است که در همه‌ی امور از شوهرش اطاعت کند، بدون این که از او مشورت بخواهد یا بدون این که مرد هیچ دلیل قانع کننده‌ای به زنش بدهد، و حال آن که زن متقاعد نشده است و راضی نیست، و شوهر از شنیدن رأی و نظر او اجتناب می‌کند؟

سؤال پایانی: سنی که در آن یک دختر می‌تواند تصمیم‌هایش را به در نظر گرفتن شرایط دینی به تنهایی اتخاذ کند، چه سنی است؟
از این که مطلب به درازا کشید متأسفم. من به پاسخ سریع نیاز دارم. با تشکر.

والسلام علیکم ورحمة اللہ وبرکاتہ.

فرستنده: م . م

پاسخ:

بسم اللہ الرحمن الرحیم

والصمد للرب العالمین، و صمد المصنوع و کمال مصد الاثم و المبریح و سلم تسلیماً.

پس از آن که برای پدر روشن شد که این فرد به چنین کار شیطانی دست زده است، حق دارد او را از نزدیک شدن به خانواده‌اش باز بدارد؛ اما پدر، حق کشتن او را ندارد. این شخص اگر واقعاً و حقیقتاً توبه کرده باشد، خداوند توبه‌ی او را می‌پذیرد که خدا آمرزنده و بخشاینده است. اما این حق برای پدر باقی می‌ماند که از تنها شدن چنین فردی با دختران یا پسرانش جلوگیری کند.

خداوند شما را توفیق دهد و گام‌های تان را استوار سازد!
می‌توانی کتاب شرایع را بخوانی. من در آن واجباتی که زن در قبال شوهر بر عهده دارد را بیان کرده‌ام؛ و نیز این که دختر چه زمانی حق ولایت بر خودش را دارا می‌شود. این کتاب در سایت انصار الامام المهدی (علیه السلام) منتشر شده است. اگر پس از خواندن کتاب چیزی برای تان مبهم ماند، می‌توانید سؤال کنید و من ان شاء الله در خدمت شما هستم.

خداوند شما را توفیق دهد و گام‌های تان را استوار سازد!

والسلام علیکم ورحمة اللہ وبرکاتہ.

اصمد الصخ - صرم الصرام / ۱۴۳۲ هـ - ق.

پرسش ۵۶۲:

بسم الله الرحمن الرحيم

درود و سلام بر برترین خلائق، محمد و بر خاندان طیب و طاهر او، الائمه و المهديين و سلم تسليمًا كثيرًا.

السلام عليكم و رحمه الله وبركاته.

يمانی آل محمد مولای من و مولای هر مرد و زن مسلمان. سرور و مولایم! از خدای بلندمرتبه‌ی قادر مسئلت می‌کنم که شما به بهترین حال باشید.

سرورم، سؤالی درباره‌ی شیر دادن به کودک دارم. آیا زن می‌تواند مزد شیر دادن به فرزند خودش را از شوهرش مطالبه کند؟

سؤال دوم درباره‌ی خدمت زن به شوهرش در منزل است. آیا زن بر این کار مجبور است و خدمت به شوهر بر او واجب می‌باشد؟

سؤال سوم درباره‌ی آرایشی است که زن‌ها ابروهای خود را با آن می‌آرایند. آرایشی هست که به نام «خال کوبی». آیا برای زن جایز است که چنین کند؟ این خالکوبی، رنگی است که بر ابرو گذاشته می‌شود، زیر پوست است ولی به ابرو رنگ می‌دهد. با توجه به این که خال کوبی مانع وضو نیست چون رنگی در زیر پوست است، آیا به کار بردن آن جایز است یا خیر؟

از شما پوزش می‌خواهم و از خدا طلب آمرزش می‌کنم اگر با این سؤال‌ها مطلب را بر شما طولانی نمودم. از خداوند مسئلت دارم که شما را بر هر خیری موفق بدارد و شما و هر کس که با یمانی آل محمد کار می‌کند را ثابت قدم گرداند، و ما را زره‌هایی قرار دهد که از حجت خدا بر زمینش محافظت و پاسداری می‌کنند! به حق آن پهلوی شکسته شده!
در امان و حفظ خداوند، ای برادر ایمانی!

فرستنده: ن. ی - کنیا

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والصلاة لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الائمه والمهديين وسلم تسليمًا.

خداوند شما را بر هر خیری توفیق دهد! احکام ازدواج و آن چه که از حقوق و تکالیف زن به آن محقق می‌شود، و نیز آن چه که به فرزندان و شیر دادن و غیر آن مربوط است را در کتاب شرایع بیان

کرده‌ام و شما می‌توانید حکم را به وضوح (در آن) بخوانی و دریابی. این کتاب منتشر شده و برخی قسمت‌های مکتوب در شرایط درباره‌ی شیر دادن به صورت زیر است:

«و اما رضا علیه السلام (شیر دادن): شیر دادن فرزند، بر مادر واجب نیست و او می‌تواند اجرت شیر دادن را مطالبه کند و اگر زن (طلاق) بانن گرفته باشد، شوهر می‌تواند او را اجیر کند. بر پدر واجب است که اجرت شیر دادن را بدهد، اگر فرزند مالی نداشته باشد؛ مادرش این حق را دارد که خودش یا زنی دیگر به فرزند شیر دهد، و برای او مزد این کار محفوظ است. مالک می‌تواند کنیزش را بر شیر دادن مجبور کند. پایان شیرخوارگی دو سال است و مجاز است که بر بیست و یک ماه بسنده شود. بهتر آن است که از این مدت نگاهد. مجاز است که بر دو سال، یک ماه یا دو ماه بیافزاید. بر پدر واجب نیست که اجرت آن چه که بیش از دو سال است را بپردازد.

اگر مادر همان اجرتی که دیگران درخواست می‌نمایند را طلب کند، به شیر دادن سزاوارتر است. اگر مادر اجرت بیشتری بطلبد، پدر این حق را دارد که او را برکنار کند و فرزند را به زن دیگری بپردازد. اگر یک زن بیگانه به رایگان و داوطلبانه فرزند را شیر دهد و مادر نیز راضی شود که رایگان به او شیر دهد، مادر به فرزند سزاوارتر است. اگر مادر راضی نشود، پدر این حق را دارد که فرزند را به زن داوطلب بپردازد. مستحب است که طفل، شیر مادرش را بخورد، که این برتر است». جایز است زن ابروی خود را با خالکوبی آرایش کند.

خداوند شما را توفیق دهد و گام‌های‌تان را استوار سازد!

و السلام علیکم و رحمہ اللہ برکاتہ.

صدر الصغیر - مصرم الصرام / ۱۴۳۲ هـ. ق.

پرسش ۵۶۳:

بسم اللہ الرحمن الرحیم، اللهم صل علی محمد و آل محمد الاثم و المہرین:

و السلام علیکم و رحمہ اللہ...

من و شوهرم در روز بیست و یکم این ماه (نهم سپتامبر)، یعنی چهار روز قبل، بیعت خود را با وصی اول و مهدی اول سید احمد الحسن علیه السلام اعلان کردیم، ولی غسل توبه را تا دیشب یعنی صبح روز ۲۵ انجام ندادیم زیرا نمی‌دانستیم که غسل توبه بر ما واجب است، تا این که بعضی از برادران در پالتاک این موضوع را به ما گفتند. آیا بر ما واجب است نمازهایی را که در این چهار روز به جا آورده‌ایم، اعاده کنیم؟ خداوند به شما جزای خیر دهد!

فرستنده: ام اردلان - سوئد

پاسخ:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ.....

وَالصَّلٰةَ لِلرَّبِّ الْعَالَمِیْنَ، وَصَلِّیْهِمُ الْعَمَلُ الْمَعْرُومُ وَكُلُّ مَعْرَمٍ لِّلْاٰثِمِ وَالْمَهْرِیْمِ وَسَلِّمْ تَسْلِیْمًا.

خداوند شما را توفیق دهد و گام‌های‌تان را استوار سازد! و از خداوند دوام ایمان و ثبات بر حق را برای شما مسئلت می‌نمایم؛ و این که خیر آخرت و دنیا را روزی شما گرداند. نماز و عبادات شما قبل از غسل توبه بدون اشکال است و اعاده‌ی آن نیز بر شما واجب نیست. خداوند شما را بر هر خیری موفق بدارد!

وَالسَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَکَاتُهُ.

مَعْرَمُ الرَّحْمٰنِ - مَعْرَمُ الرَّحْمٰنِ / ۱۴۲۲ هـ. ق.

پرسش ۵۶۴:

سرورم و مولایم! سلام علیکم. به اذن خالق من و خالق خودت و به حق پدران و اجداد بلند مرتبه‌ات، برای شما توفیق آرزو می‌کنم.

اما بعد.... دو سؤال دارم:

سؤال اول: آیا دادن خمس به مراجع فعلی جایز است، و شما در این خصوص چه نظری دارید؟
سؤال دوم: نظر شما درباره‌ی صابئین یا مندائیان چیست؟ آیا آنها اهل کتاب یا بندگان خدای یگانه هستند، و علمی که شما از اجداد و پدران علیهم‌السلام در مورد آنها داری چیست؟
فرستنده: ابراهیم موسوی - عراق

پاسخ:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

وَالصَّلٰةَ لِلرَّبِّ الْعَالَمِیْنَ، وَصَلِّیْهِمُ الْعَمَلُ الْمَعْرُومُ وَكُلُّ مَعْرَمٍ لِّلْاٰثِمِ وَالْمَهْرِیْمِ وَسَلِّمْ تَسْلِیْمًا.

خداوند شما را بر هر خیری موفق بگرداند! پرداخت خمس جایز نیست مگر به معصوم یا کسی که او برای دریافت خمس منصوب می‌کند. رساله‌ای درباره‌ی خمس هست که تفصیل هر چیزی در آن قید شده است. می‌توانی آن را بخوانی تا حق برای شما روشن گردد. این کتاب در سایت اینترنتی منتشر شده است.

اهل کتاب در زمان ما عبارتند از یهود و مسیحیان. در خصوص تعامل با اینها از نظر طهارت و ازدواج، یک سری احکام فقهی وجود دارد که در کتاب منتشر شده‌ی «شرایع اسلام» آنها را می‌یابی. همچنین در کتاب‌های «سؤالات فقهی» که آنها نیز در سایت اینترنتی منتشر شده‌اند می‌توانی این مطلب را بیابی.

توفیق در شناخت حق و نصرت آن را برای شما از خدا مسئلت دارم! او یاور من است و او دوست
شایستگان است.

والسلام علیکم ورحمة اللہ وبرکاتہ.

صدر الصنخ - مفرم الصرام / ۱۴۴۲ هـ - و.ج.

محور سوم:

مسائل متفرقه

پرسش ۵۶۵:

السلام علیکم ورحمة اللہ وبرکاتہ.

سرور کریم و فاضل ما! اینجانب بنده‌ای فقیر از قربانیان رژیم هستم که قبل از سقوط رژیم به هلند فرار کردم و چیزی از دعوت شما نمی‌دانستم. اکنون دانستم و از خدا مسئلت دارم که پیروی از حق را روزی ما گرداند. من درباره‌ی فتنه‌ها و آنچه از دعوت‌های فراوان مهدویت که در عراق جریان داشته است مطالبی خوانده‌ام. از شما خواهش می‌کنم آن چه را که در هلند برایم افتاده توضیح دهید. من دچار یک تصادف رانندگی شدم و تقریباً همه‌ی اعضای بدنم شکست ولی یک قطره خون روی لباس‌هایم یا روی خیابان نچکید. راز آن چیست؟ وقتی بی‌هوش بودم، سرورم فاطمه (ع) و سیده‌ی طاهره مریم عذراء (ع) را دیدم. پس از چند روز روحم برگشت و من اکنون زنده هستم و روزی می‌خورم. اسم من عماد است.... اگر بر حق هستی، از خدا مسئلت داریم که پیروی از حق را روزی ما گرداند. در غربت اسرار زیادی دیدم که مرا از انحراف و از کشیده شدن به سمت شهوت‌ها و دنیا بازداشت. من قسمت‌هایی از کتاب خدا را حافظ هستم. و السلام علیکم و رحمة الله و برکاتہ. خواهش می‌کنم به نامه‌ام جواب دهید.

فرستنده: السویدی - هلند

پاسخ:

بسم اللہ الرحمن الرحیم

والصلاة للرب العالمین، و صلوة للعالمین و کمال صلوة لائمه و المرعین و سلم تسلیم.

خداوند شما را بر هر خیری موفق بگرداند! و از خداوند مسئلت دارم که عافیت را بر شما تمام گرداند و عافیت دنیا و آخرت را قسمتت کند و شما را از آتشی که هیضم آن مردمان و سنگ‌ها هستند برهاند، و حق را کاملاً به تو بنمایاند و پیروی از آن را روزی‌ات گرداند و

باطل را به طور کامل به تو بنماید و دوری از آن را روزی‌ات نماید.

و السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

اصح الصصح - رجب‌الصب / ۱۴۳۱ هـ. ق.

پرسش ۵۶۶:

بسم الله الرحمن الرحيم

سلام بر کسی که پرچمش هدایت‌کننده‌ترین پرچم‌ها است، و سلام بر کسی که هر کس با او مخالفت ورزید سقوط کرد و هر کس از او پیروی نمود نجات یافت. من با شما بیعت کردم و می‌دانم که شما آن چه را که در دلم است می‌دانید، و باطن من پیش روی شما آشکار است، همان‌طور که ظاهر من چنین است.

من در کشوری غریب هستم و برادرانی ندارم که با آنها انس بگیرم. روزگار با تیر مصیبت‌هایش مرا گرفتار می‌سازد و من از مصیبتی نجات پیدا نمی‌کنم و خدا را بر هر حال شکر نمی‌گویم، مگر آن که مصیبتی بدتر و شدیدتر از آن به سراغم می‌آید. نه زنی که حامی‌ام باشد و نه فرزندی و نه مال و منالی دارم.

بر درگاه شما می‌ایستم، همان‌طور که چند ماه پیش به امید عفو و بخشش شما ایستادم، و نیز به امید دعا‌های شما برایم به این که زنی شایسته و فرزندی از صلب من که دوست‌دار شما باشد و چشمم به او روشن شود روزی‌ام گردد. به هر حال مرگ مرا ملاقات خواهد کرد، ولو پس از چندی.

از شما خواهش می‌کنم برایم دعا کنید که مسایل دینم را بیشتر بیاموزم و زبان و اعضا و عملی باشم که در این سرزمین دعوت‌کننده به سوی شما باشد. شما اهل جود و کرم هستید و روی برگرداندن از طبیعت شما نیست و رد سائل از خلق و خوی شما نیست و اگر تشهد نبود، «نه» شما همیشه «آری» بود!

با شکیبایی تمام منتظر پاسخ شما هستم.

برایم دعا کن که باطنم مانند ظاهر من باشد، و این که خدا نور علم را در قلبم بیاندازد، چرا که علم با فراگیری حاصل نمی‌شود، و من علمی غیر از علم شما نمی‌خواهم زیرا طلب علم

۱ - قصیده‌ی فرزوق در مدح امام سجاد (علیه السلام):

«ما قال لاقط الا فی تشهده لولا التشهد کانت لانه نعم» (مترجم).

از غیر شما برابر است با انکار شما، و هرگز مباد که ستمگران و جاهلان را برگزینم، پس از آن که خداوند بصیرت مرا به نور حق گشوده است.

و السلام علیکم و رحمہ اللہ برکاتہ.

فرستنده: رعد - آمریکا

پاسخ:

بسم اللہ الرحمن الرحیم

والصمد للرب العالیع، و صلر اللعمر صمد و آل صمد اللائم و المهریغ و سلم تسلیم.

خداوند شما را بر هر خیری موفق بگرداند! و از خداوند مسئلت می‌نمایم که به آن چه او اهل آن است بر شما منت گذارد.

«هو أهل التقوی و أهل المغفرة، و هو الجواد الواسع، و هو الکریم الذی لایزیده کثرة العطاء إلا کرماً و جوداً» (اوست سزاوار ترس و سزاوار آمرزش، و اوست بخشنده‌ی نعمت‌های بیکران و او کریمی است که بخششش بسیارش جز جود و کرم بر او نیفزاید).

و السلام علیکم و رحمہ اللہ برکاتہ.

اصد الصغ - رجب لاصب / ۱۴۴۱ هـ. ق.

پرسش ۵۶۷:

بسم اللہ الرحمن الرحیم

من یک تونسسی هستم و قبلاً سنی مذهب مالکی و وهابی و از پیروان البانی و غیر او و همچنین صوفی و قرآنیون و فرآنیین و سایرین بودم. در سال ۲۰۰۳ شیعه و بیدار شدم و الحمد لله رب العالمین، و در خواب حضرت محمد ﷺ و امام علی علیه السلام را دیدم.

روز پنجشنبه ۲۴ دسامبر ۲۰۰۹ برای اولین بار در عمرم، از امامی به اسم احمد الحسن علیه السلام مطالبی به گوشم خورد، و روز جمعه ۲۵ دسامبر ۲۰۰۹ پس از نماز مغرب وارد دل و گوشت و خونم شد و جلوی مردم در تالار گفت‌وگوی انصار امام المهدي علیه السلام با او بیعت کردم، و الحمد لله.

اکنون به امام احمد الحسن علیه السلام می‌گویم:

بسم الله الرحمن الرحيم... «الحمد لله الذي هدانا لهذا وما كنا لنهتدي لولا ان هدانا الله» (سپاس خدایی را که ما را به این راه رهبری کرد و اگر ما را رهبری نکرده بود راه خویش نمی‌یافتیم)

خدای متعال می‌فرماید: «لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ

فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَتَاهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا»^۱ (خدا از مؤمنان آن هنگام که زیر درخت با تو بیعت کردند خوشنود گشت، و دانست که در دلشان چه می‌گذرد، پس آرامش را بر آنها نازل کرد و به فتوحی نزدیک پادششان داد).

سلام بر محمد مصطفی ﷺ و اهل بیت کرام آن حضرت ﷺ. سلام بر سرور و مولایم، امام احمد الحسن و فرزندان مهدیین او و اهل بیت طاهرینش ﷺ. بیعت من برای سرور و مولایم امام احمد بن الحسن ﷺ است. شهادت می‌دهم که امام مهدی احمد الحسن ﷺ وصی و فرستاده‌ی امام مهدی ﷺ است.

فرستنده: خالد _ تونس

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والصلاة لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الطاهرين وسلم تسليماً.

خداوند شما را بر هر خیری موفق بگرداند! و از هر شری دور بدارد و عاقبت‌تان را ختم به خیر کند. خداوند از سوی محمد و آل محمد جزای خیر به شما بدهد که در زمانی که یاریگر، اندک است، حق را یاری کردید، و از خداوند مسئلت دارم که مرا در خدمت کردن به شما موفق گرداند!

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

الصحة الصغرى - ۱۴۴۱ هـ - ج.

پرسش ۵۶۸:

بسم الله الرحمن الرحيم

والصلاة لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الطاهرين وسلم تسليماً كثيراً.

سلام بر شما ای نور خدا! سلام بر شما ای غار حصن الهی! سلام بر شما ای صراط مستقیم الهی! سلام بر شما ای سرور و مولایم! سلام بر پدر فاضل‌مان که فرزندان‌ش را دوست می‌دارد و رحمة الله تعالی و برکاته.

پدر عزیزم! از شما بسیار عذر می‌خواهم و از شما التماس دعا دارم، ای سرور و مولایم!

ای قائم آل محمد و ای صراط مستقیم الهی!

یکی از انصار به نام خالد که خودش و خانواده‌اش، همسر و دخترش... و دو پسرش... در فرانسه زندگی می‌کنند، وقتی فهمید من در خواب شما را دیده‌ام، از من درخواست کرد این نامه را برای شما بفرستم و دخترش به خاطر شما مرا قبول کرد. او می‌گوید:

بسم الله الرحمن الرحيم

اسم من خالد است و من از اسمم بدم می‌آید، زیرا اسم خالد بن ولید است. من از اهل بیت جز علی و حسن و حسین علیهم‌السلام کس دیگری را نمی‌شناختم. از وقتی که خداوند ائمه‌ی دوازده‌گانه از اهل بیت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را به من شناساد، من از تمام صحابه متنفر شدم و از همه‌ی آنها بیزار می‌شدم مگر کسانی که علی علیه‌السلام را یاری دادند. در روز ۲۴ از ماه دسامبر ۲۰۰۹ با امام احمد الحسن آشنا شدم و این ماجرا در روز پنجشنبه اتفاق افتاد، و الحمد لله.

روز جمعه بعد از نماز مغرب با تمام قلبم رو به خدا کردم و با امام احمد علیه‌السلام بیعت نمودم. او همچنین می‌گوید: شما را بسیار دوست دارد، بیشتر از هر چیزی. بسیار به شما سلام می‌رساند و از شما می‌خواهد که برای خود و خانواده‌اش دعا کنید، زیرا آنها با مشکلاتی دست به گریبانند، و الحمد لله رب العالمین.

خداوند شما را حفظ و پشتیبانی فرماید و توفیق دهد و پیروز گرداند، ای پدر عزیزم! از خداوند مسئلت دارم که ملاقات با سرورم را بر من منت گذارد. درود و سلام بر سرورم و بر پدران طاهرین و اهل بیت شما باد.

فرستنده: سعیده - مغرب

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم...

والصلاة لله رب العالمين، والسلام على محمد وآل محمد الطيبين وسلم تسليمًا.

خداوند شما را بر هر خیری موفق بگرداند! و از هر شری دور بدارد و عاقبت‌تان را ختم به خیر کند! خداوند از سوی محمد و آل محمد جزای خیر به شما بدهد که در زمانی که یاریگر اندک است حق را یاری کردید، و از خداوند مسئلت دارم که مرا در خدمت کردن به شما موفق گرداند. و اما اسم خالد، نام یکی از پیامبران گذشته علیهم‌السلام است. خداوند شما را بر هر خیری موفق بدارد!

و السلام علیکم و رحمہ اللہ وبرکاتہ.

اصد الصبح - ۱۴۳۱ هـ. ق.

پرسش ۵۶۹:

بسم اللہ الرحمن الرحیم
 اَللّٰهُمَّ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ، يَا كَلِمَةَ الْمَلَكِ، مُضْرِبَةَ الْفَلَكِ، مُسْفِرَةَ الرَّيْحِ، فَابِقِ الْاَصْبَاحِ، دِيَاخِ الدُّنْيَا، رَبِّ الْعَالَمِيْنَ
 حمد و تائید مخصوص خداوند پروردگار جهانیان است: مالک سلفت، روان کننده ی کشتی (دجود)، بزرگ کننده ی باد، شکافنده ی سیدوی صبح، حکم فرمای روز بزا و پروردگار جهانیان
 .اللهم صل على محمد و آل محمد الاثم و المبریج و سلم تسليماً كثيراً.

از بنده ی گنهگار خطا کار مقصر که بر نفس خویش از هلاک شدن بیمناک است به سرور و مولایم فرزند رسول خدا، احمد الحسن وصی و فرستاده ی امام مهدی (که صلوات خداوند بر او و پدرانش باد).

من به تو ایمان آورده‌ام؛ زیرا خداوند به وسیله ی خواب‌هایی که بسیاری آن را دیده‌اند بر تو شهادت داده است، که در آنها پیامبر خدا ﷺ یا یکی از ائمه علیهم السلام یا فاطمه ی زهرا علیها السلام گواهی می‌دهند. این نامه حامل آبرو و جان من است برای نصرت و خدمت به شما. امیدوارم مرا بپذیرید؛ هر چند من این شایستگی را در خودم نمی‌بینم که در صفوف خادمان تو باشم، ای سرورم!

فرستنده: عبدالله - مصر

پاسخ:

بسم اللہ الرحمن الرحیم
 و الصلوة للرب العالمین، و صلوات اللہ علی محمد و آل محمد الاثم و المبریج و سلم تسليماً.
 خداوند شما را بر هر خیری موفق بگرداند، و از هر شری دور بدارد و عاقبت‌تان را ختم به خیر کند! خداوند از سوی محمد ﷺ و آل محمد علیهم السلام جزای خیر به شما بدهد که در زمانی که یاریگر اندک است حق را یاری کردید، و از خداوند مسئلت دارم که مرا در خدمت کردن به شما موفق گرداند.

و السلام علیکم و رحمہ اللہ وبرکاتہ.

اصد الصبح - ۱۴۳۱ هـ. ق.

پرسش ۵۷۰:

بسم الله الرحمن الرحيم... اللهم صل على محمد و آله و سلم تسليماً.
 والسلام عليكم و رحمته الله وبركاته.

چند وقت پیش تقریباً یک هفته یا بیشتر، نامه‌ای به سرور و مولایم قائم آل محمد فرستادم و در آن از حال مادر بیمارم شکوه کردم. از خداوند امید دارم، مولایم قائم علیه بر او منت گذارد و برایش دعا کند.

ای برادران گرامی! ام در هیأت علمی، از این که تلاش می‌کنید تا نامه‌ها را به امام مظلوم علیه برسانید، خداوند شما را بر هر خیری موفق بگرداند! از خدا مسئلت دارم که نامه به دستش رسیده باشد، و اگر هم تا الآن نرسیده، شما را به خدا، در رساندن نامه تسریع کنید که حال مادرم روز به روز بدتر می‌شود. همچنین از شما ای انصار پاک تقاضا دارم که برای شفای عاجل او دعا کنید. خداوند شما را بر هر خیری موفق بگرداند!
 والسلام عليكم و رحمته الله وبركاته.

فرستنده: محمد الانصاری - عراق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم...

والله للرب العالمين، و صل على محمد و آله و سلم تسليماً.

از خداوند برای شما و والدهات عافیت و حسن عاقبت را مسئلت می‌نمایم. او یاور من است و او دوست شایستگان است.
 والسلام عليكم و رحمته الله وبركاته.

الحمد للصحیح - رجب الاصب / ۱۴۴۱ هـ. ق.

پرسش ۵۷۱:

السلام عليكم و رحمته الله وبركاته....

از کمی رزق و گشایش (فلان) زندگی گله دارم. از سرور و مولایم می‌خواهم مرا دعایی بیاموزد که اگر آن دعا را بخوانم، خداوند از جایی که گمان می‌برم و گمان نمی‌برم بر من درهای روزی را بگشاید.

فرستنده: یوسف - کویت

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الصمد للرب العالمین، و صلوات اللعذر محمد و آله صمد الاثم و المهریب و سلم تسلیماً.

بر شما باد به نماز شب، که از جمله برکات آن این است که باعث وسعت رزق می‌شود ان شاء الله. همچنین در رکعت وتر در حالی که ایستاده‌ای، قبل از سجده، هزار بار «یا رزاق یا کریم» را تکرار نما.

و السلام علیکم و رحمہ اللہ برکاتہ.

اصمد الصغیر - رجب الاصب / ۱۴۳۱ هـ - ق.

پرسش ۵۷۲:

به من گفته شده که با من یک جنّ مؤنث یهودی همراه است که از ازدواج من جلوگیری می‌کند. او همیشه همراه من است و شب‌های زیادی، وقتی بین خواب و بیداری هستم، مرا ترسانده است؛ مثلاً یک بار دیدم بالش زیر سرم به راه افتاده است و همچنین موارد دیگر. یادآور می‌شوم من هنوز مجرد و در آستانه‌ی ۴۰ سالگی هستم. مادرم... نام دارد و پدرم... من متولد ۱۹۷۱ هستم.

آیا می‌شود مرا کمک کنید؟

فرستنده: عماد - لبنان

پاسخ:

بسم اللہ الرحمن الرحیم

و الصمد للرب العالمین، و صلوات اللعذر محمد و آله صمد الاثم و المهریب و سلم تسلیماً.

چهل روز سوره‌ی یس را هر شب قبل از خواب بخوان.

وقتی قبل از خواب سرت را بر بالش می‌گذاری، آیت الکرسی را بخوان.

هر روز هزار بار با این ذکر خدا را یاد کن: «سبحانه هو الله الواحد القهار».

همچنین سوره‌ی فاتحه و آیت الکرسی و ده آیه‌ی اول سوره‌ی صافات را با زعفران بر روی کاغذ بنویس و سپس نوشته‌ها را با کمی آب حل کن و با آن غسل نما، ولی آب را در یک ظرف جمع کن و در زمین پاکی بریز و نگذار که با آب‌های ناپاک یک جا برود. به خواست خدا این کارها برای شما مفید خواهد بود، خداوند توفیق‌تان دهد!

و السلام علیکم و رحمہ اللہ برکاتہ.

اصمد الصغیر - رجب الاصب / ۱۴۳۱ هـ - ق.

پرسش ۵۷۳:

السلام علیکم ورحمة اللہ وبرکاتہ.

از خداوند سبحان و از احمد الحسن یمانی (علیه السلام) مسألت می‌نمایم که حجابی برای محبت و شفا برایم بفرستد؛ حجابی ضد ابلیس و لشکریانش، حجابی در کارم با یهود و نصارا و سنت‌ها و وهابی‌ها. و در پایان به شما می‌گویم: دخترم نیز یمانی احمد الحسن (علیه السلام) را می‌شناسد. او در ۱۶ آوریل ۲۰۱۰ ازدواج می‌کند. از خداوند سبحان و از یمانی احمد الحسن (علیه السلام) تقاضا دارم برای ما دعا کند که خیر و محبت بین دخترم و شوهرش برقرار باشد. خداوند به شما برکت دهد! به خدا سوگند من یمانی احمد الحسن (علیه السلام) را دوست دارم و او در قلب من جای دارد.

فرستنده: ابن علی

پاسخ:

بسم اللہ الرحمن الرحیم

والله للمرب العالمین، و صلوات الله علیهم و آله و سلم و اللهم صل علی محمد و آله و سلم و سلم علیهم و سلم علیهم.

خداوند شما را توفیق دهد، و خداوند امور شما را به خیر و عافیت ختم نماید! خداوند شما را بر هر خیری موفق بگرداند! بهترین حجاب، تلاوت قرآن است؛ شب قبل از این که بخوابی بر قرائت سوره‌ی «یس» مداومت نما. همچنین پس از نماز واجب در حد توانایی‌ات سوره‌ی واقعه و سوره‌ی نور را قرائت کن. خداوند شما را توفیق دهد و ثابت قدم بدارد!

والسلام علیکم ورحمة اللہ وبرکاتہ.

الحمد لله - شعبان فیروز و برکت / ۱۴۳۱ هـ - ق.

پرسش ۵۷۴:

سرورم امام احمد الحسن (علیه السلام)...

اللهم صل علی محمد و آله و سلم و اللهم صل علیهم و سلم علیهم.

السلام علیکم ورحمة اللہ وبرکاتہ.

من کمی زبان عربی می‌دانم و می‌خواهم از حقیقت، بیشتر سر در بیاورم.

۱- بهترین وسیله برای محافظت در برابر وسوسه‌های شیطان چیست؟

۲- بهترین دعا برای شفا یافتن از سر درد چیست؟

فرستنده: truthisfromallah

پاسخ:

بسم اللہ الرحمن الرحیم

و الصمد للرب العالمین، و صلوات الله علیهم و آله و سلم تسلیماً.

خداوند شما را توفیق دهد! این دنیا، سرایی برای امتحان است و برای رهایی از شیطان، انسان باید در همه حال بر ذکر خدا مداومت کند؛ از طریق تلاوت قرآن مثل سوره‌ی یس و سوره‌ی صافات.

برای شفا از سردرد، دست راست را بر مکان درد می‌گذاری و هفتاد بار سوره‌ی فاتحه را می‌خوانی.

و السلام علیکم و رحمہ اللہ برکاتہ.

اصمد الصغیر - شعبان فیروز برکت / ۱۴۴۱ هـ. ق.

پرسش ۵۷۵:

السلام علیکم و رحمہ اللہ برکاتہ.

سلام علیکم، سرور و مولایم، یمانی آل محمد!

اللهم صل علیهم و آله و سلم تسلیماً کثیراً.

سرور و مولایم! از این که لطف می‌کنی و به سؤالاتم پاسخ می‌دهی از شما متشکرم، و خواهش می‌کنم از علم پربرکات بر من بیافزایی، ای نور دیده‌ی زهرا علیها السلام.

۱- سرورم! آیا می‌توان در حالت تقیه دیگران را به سوی شما دعوت کرد یعنی به این صورت که ما بین مردم انکار کنیم که از پیروان شما هستیم و در قالب تذکر و اخبار، آنها را به امر شما دعوت کنیم؟

۲- سرورم! در خواب یوحنا آمده است که بیست و چهار شیخ، بر گوسفند سربریده سجده می‌کنند؛ حال چگونه مهدی اول برای گوسفند سجده می‌کند در حالی که او نیز مهدی اول است، و آنها شما هستید؟ معنای این سجود چیست؟ این تناقض ظاهری اندک را چگونه برطرف کنیم؟

۳- سرورم! آیا وام گرفتن از بانک‌های بین‌المللی جایز است؟ و آیا اموال آنها با توجه به این که با مال دولت و نواصب و دیگران مخلوط است، بر ما حلال می‌باشد؟

۴- سرورم! آیا مرا به امری که مرا به سوی شما و به سوی خدا نزدیک می‌کند، باخبر نمی‌کنی؟ و آیا من - و پناه می‌برم به خدا از کلمه من - جزو انصار شما یا مورد بشارت هستیم؟

و السلام علیکم و رحمہ اللہ برکاتہ.

سرورم اگر به حضرت تعالی زحمت دادم، خواهش می‌کنم مرا ببخش، ای پسر رسول خدا!
فرستنده: مسلم انصاری

پاسخ:

بسم اللہ الرحمن الرحیم

والصمد للرب العالمین، و صلوات اللہ علیہ و آلہ و سلم تسلیماً.

و السلام علیکم و رحمہ اللہ برکاتہ.

پاسخ سؤال ۱ - آری، کسی که به تقیه مجبور شده است، می‌تواند. خداوند شما را توفیق
دهد!

پاسخ سؤال ۲ - معنای سجده‌ی پیامبر و ائمه علیهم‌السلام بر مهدی را قبلاً بیان کرده‌ام و شما این
مطلب را در کتاب تفسیر سوره‌ی توحید می‌توانی بیابی. خداوند توفیق‌تان دهد!
اما در خصوص روای یوحنا، روایایی رمزگونه است.

پاسخ سؤال ۳ - خداوند شما را توفیق دهد! قرض ربوی حرام است و گرفتن آن جایز
نمی‌باشد، ولی اگر قرض غیر ربوی باشد، اشکالی ندارد.
بین مؤمن و ناصبی ربا وجود ندارد. شما باید بانک و مالک بانک را بشناسی که آیا وی،
ناصر و دشمن ائمه یا مهدیین یا شیعه‌ی آنها است و یا کافر یا مسلمان یا مؤمن است.
براساس این تشخیص می‌توانی نسبت به دریافت یا عدم دریافت قرض ربوی از او اقدام
نمایی.

پاسخ سؤال ۴ - خداوند شما را توفیق دهد! این دنیا، دنیای امتحان است. شما تا زمانی
که عاقبتت به خیر و بر سلامت دینی که خداوند آن را دوست دارد و به آن خوشنود است
ختم نشده باشد، ایمن مباش.
و السلام علیکم و رحمہ اللہ برکاتہ.

الصمد للصمد - شعبان خیر و برکت / ۱۴۴۱ هـ. ق.

پرسش ۵۷۶:

بسم اللہ الرحمن الرحیم

اللهم صل علی محمد و آل محمد و سلم تسلیماً کثیراً.

سرورم، نامه‌ای برای شما می‌فرستم که حاوی خواب من است و منتظر پاسخی بزرگوارانه‌ی شما هستم. این خواب برایم تکرار شده ولی با تغییراتی در کلمات و واژه‌هایی که آن پیرمرد در خواب به من داده است. همچنین من اسم خودم و اسم شهرم را در روایات حضرت علی علیه السلام خواندم و این از جمله چیزهایی است که باعث خوشحالی من شده است. ولی ای سرورم، آن چه که بر وحشت من افزوده این است که من انگشتی در انگشت بنصر^۱ دست راستم داشتم که به آن ضربه‌ای وارد شده و نگین آن دارد دو تکه می‌شود و هر روز نشانه‌هایش بیشتر آشکار می‌شود، و دارد به شکل حروف کلمه‌ای در می‌آید که هنوز واضح نیست. این حروف به صورت مشخصی نقش نبسته و شبیه «ام دل ه ی» می‌باشد. سرورم! منتظر پاسخ و تفسیر شما بر این معجزه هستم؛ معجزه‌ای که از خداوند مسئلت دارم کامل شود و از عوامل نصرت شما باشد و من نیز در زمره‌ی مقربین شما قرار گیرم.

اللهم صل علی محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً كثيراً.

فرستنده: ابراهیم - عربستان سعودی

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والصلاة للرب العالمين، و صلواتنا على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.

از خدا مسئلت می‌نمایم که شما را موفق بدارد و ثابت قدم گرداند و شما را بر نفست و بر هوا و هوست و بر دنیا و شیطان پیروز گرداند و عاقبت شما را در آخرت و دنیا خیر بگرداند! او یاور من است و او دوست شایستگان است.

و السلام عليكم و رحمة الله وبركاته.

اصد الصبح - شعبان فیر و برکت / ۱۴۴۱ هـ - و.ج.

پرسش ۵۷۷:

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صل على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً كثيراً.

سرور و مولایم ای یمانی آل محمد علیهم السلام و قائم آنها! سلام و رحمت و برکات از جانب

خداوند بر تو باد!

۱ - انگشت حلقه (بنصر): انگشت چهارم هر دست که معمولاً انگشتی ازدواج را در آن می‌اندازند (مترجم).

سرورم با دلی شکسته و چشمی گریان و اشک آلود در محضر شما می‌ایستم تا شما را بر شهادت مادرت بتول طاهره‌ی فاطمه‌ی زهرا (علیها السلام) تسلیت و تعزیت گویم، و همچنین بر سوگواری ادامه‌دار برای سرور و مولایم، پدرت حجت بن الحسن (علیه السلام) و بر پدران طیب و طاهرت (علیهم السلام) به خدا متوسل می‌شوم که فرج را برای شما مقدر گرداند و شما را در زمینش تمکین و فرمان‌روایی دهد و شما را بر دشمنان‌تان و دشمنان خودش پیروز گرداند. همانا خداوند شنوا و اجابت کننده است.

سرور و مولا و پدرم، ای یمانی آل محمد (علیهم السلام) و قائم آنها! پیوسته عاشق فنا شدن برای شما هستم و با محبت شما زنده هستم. برای شما نامه‌هایی نوشتم، سپس آنها را در هم پیچیدم چرا که من بین خوف و حیا سرگردانم؛ حیای بنده‌ای روسیاه که از ارباب خود گریخته و به دلیل ظلم و ظلمتم در برابر تمامی پاکی و نور، در پستی نفس خود غرقه گشته است، و گویی نشدنی است، و ترس از این که این کار، جفا و کم حیایی باشد. مابین این خوف و آن حیا این کلمات شرمسارانه‌ی من آمد تا اکنون درب شما را بکوبم. خواهش می‌کنم سرورم، آن را رد نکن که تو کریم و فرزند اهل کرم هستی و سائل را از درگاهت نمی‌رانی.

سرورم، مولا، پدر و محبوبم! از آن هنگام که طیف نورت درخشیدن گرفت، از سر اکرام از جانب خودت برای من خدمت‌گزاری بر درگاهت را راضی گشتی و اگر خواست پروردگارم باشد، بر آستانه‌ی تو خدمت‌گزار باقی خواهم ماند. تو کسی هستی که زندگانی و روزی به دستت می‌باشد پس هر گونه که کرمت می‌باشد بر مسکینت تصدق فرما؛ «وَتَصَدَّقْ عَلَيْنَا إِنَّ اللَّهَ يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ»^۱ (و به ما صدقه بده، زیرا خدا صدقه‌دهندگان را دوست دارد).

و الحمد لله وحده! کسی که به وسیله‌ی تو بر ما منت نهاد و در حالی که لیاقت شناخت و یاری تو را نداشتیم، روزیمان نمود اگر قبول فرمایی! فرزند کوچک و بنده‌ی گنجه‌کار تو! فرستنده: ابومهدی - بلاد غربت

پاسخ:

بسم اللّٰه صبح الرّیض

والصّلاه للربّ العالمین، وصلی اللّٰه علیک وعلیٰ آلیک و سلم تسلیماً.

از خداوند مسئلت می‌نمایم که شما را توفیق دهد و ثابت قدم گرداند و به نصرتی ارجمند یاری نماید! او یاور من است و او دوست شایستگان است.

خداوند شما را توفیق دهد! با ولایت خدا و اولیایش و با طاعت خدا و طاعت اولیایش طیب و پاکیزه‌اید. از خداوند مسئلت دارم که امر شما را به خیر دنیا و آخرت ختم گرداند و خدا کارتان را آسان کند.

و السلام علیکم ورحمة اللہ وبرکاتہ.

احمد العسح - شعبان فیر و برکت / ۱۴۳۱ هـ. ق.

پرسش ۵۷۸:

بسم اللہ الرحمن الرحیم....

اللهم صل علی محمد و آل محمد الاثم و المهرین و سلم تسلیماً. السلام علیکم ورحمة اللہ وبرکاتہ.
سلام بر تو ای پاکیزه! سلام بر تو ای مظلوم! سلام بر تو ای آواره و رانده شده! و سلام بر پدران و پسران تو ائمه‌ی اطهار!

سرور و مولایم! خداوند با اذن بلند مرتبه‌اش، ما را جزو خادمان و انصار تو قرار دهد. از خدا و از شما بابت سستی و کوتاهی عذرخواهی می‌کنیم، امیدوارم این پوزش‌طلبی را از ما بپذیرید.

سرورم! برادرانم نظرم را به این جلب کرده‌اند که قرائت سوره‌ی فاتحه و طلب رحمت برای ارواح پیامبر ﷺ و ائمه‌ی اطهار ﷺ صحیح نیست زیرا آنها خود اهل رحمت‌اند و این ما هستیم که از جانب خدای سبحان و از سوی آنها، رحمت را امید داریم. سرور، مولا و امام احمد الحسن ﷺ! در این خصوص چه می‌فرماید؟ بابت کوتاهی و تقصیرم، عذر می‌خواهم، سرورم!
سلام و رحمت و برکات خدا بر طاهر باد.

فرستنده: تمارا مراد - فنلاند

پاسخ:

بسم اللہ الرحمن الرحیم

و الصمد للرب العالمین، و صدر الاعترصمد و آل محمد الاثم و المهرین و سلم تسلیماً.
قرائت سوره‌ی فاتحه و اهدای ثواب قرائت آن به پیامبر ﷺ و ائمه ﷺ جایز است.

و السلام علیکم ورحمة اللہ وبرکاتہ.

احمد العسح - نیمه شعبان / ۱۴۳۱ هـ. ق.

پرسش ۵۷۹:

بسم الله الرحمن الرحيم....

اللهم صل على محمد و آله و سلم تسليماً.

سلام بر تو ای قائم آل محمد! سؤال من: چرا وقتی انسان به سراغ تسبیح گویی (سبحان الله گفتن) یا اذکار و استغفار و خصوصاً استغفار می‌رود، شروع به دهن‌دره می‌کند و از چشمانش اشک می‌ریزد؛ و همچنین هنگامی که ذکر شما را می‌شنویم چشمانمان اشک باران می‌شود یا هنگامی که خشوع می‌ورزیم؟

فرستنده: احلام - استرالیا

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم...

والصلاة لله رب العالمين، و صل على محمد و آله و سلم تسليماً.

خداوند شما را توفیق دهد! دهن‌دره، از ظلمتی که در انسان وجود دارد، یا شیطان و شری که در صفحه‌ی وجودی او است ناشی می‌شود. هنگامی که ظلمت با نور محاصره می‌شود، شیاطین انس و جن از طریق ظلمتی که در صفحه‌ی وجودی انسان است، دست به کار می‌شوند تا انسان را از ذکر خدا بازدارند، و این موضوع بر او و بر بدنش، به صورت دهن‌دره، بی‌حالی و دیگر صفاتی که باعث می‌شود انسان به استراحت و ترک ذکر خدا متوسل شود، تاثیر می‌گذارد. برای خلاصی از اینها باید بر ذکر اصرار بورزید و نور و ذکر را رها نکنید تا شیاطین که خداوند خوارشان سازد، مایوس شوند. شما در این امر پاداش دارید چرا که این کار، جنگ با شیاطین و لشکر ابلیس - که خداوند خوارشان دارد - می‌باشد.

و السلام عليكم و رحمه الله وبركاته.

اصد الصبح - نیمه شعبان / ۱۴۴۱ هـ. ق.

پرسش ۵۸۰:

بسم الله الرحمن الرحيم

السلام عليكم و رحمه الله وبركاته.

سرور و مولایم! در حالی این نامه را برای شما می‌نویسم که به خاطر بلایی که گرفتارش شده‌ام، آتش در دلم زبانه می‌کشد. سپاس خدا را بر بلایش، که جز زیبایی چیزی ندیدم! آقا و مولای من! از آنچه بر من گذشت به شما شکایت می‌کنم و اطلاع یافتن شما از

ماجرای مرا آرامش می‌دهد! ۲۱ ماه مارس گذشته تاریخ عقد ازدواج من بود، و یک هفته بعد از این تاریخ، طلاق من صورت گرفت. دلیلش هم آن بود که من متمسک به دعوت شما هستم، و هر چند که من به سراغ فحش و بدزبانی نرفته‌ام و دلایل من نیز همان چیزهایی بود که شما فرموده بودید، ولی او در مقابل دلایل، احساس عجز و ناتوانی کرد و لذا طلاق را بر ماندن با من ترجیح داد. من در دلم زخمی عمیق احساس می‌کنم و کرامت من در هم شکسته شده است. اکنون او به همراه مادرش، بین مردم می‌چرخند و رفت و آمد می‌کنند و به دروغ به آنها می‌گویند که من به سیستانی فحش داده‌ام و خواهرم را نیز به دیوانگی متهم کرده‌اند. به گوش ما رسیده است که عده‌ای قصد دارند به خانه‌ی من هجوم بیاورند، زیرا ما دعوت را منتشر کرده‌ایم.

ای سرور و مولایم! سرگشته و حیران مانده‌ام و حقیقتاً نمی‌دانم به چه چیزی نیاز دارم ولی از شما خواهش می‌کنم که پاسخ مرا بدهی. به چیزی که غم و غصه‌ام را کم کند احتیاج دارم. سرورم مرا راهنمایی فرما و برایم دعا کن که خداوند حقم را بگیرد. از شما خواهش می‌کنم مرا ناامید نکنی، سرورم.

و السلام علیکم ورحمة اللہ وبرکاتہ.

فرستنده: یک بانوی انصاری - کویت

پاسخ:

بسم اللہ الرحمن الرحیم

والصلاة لله رب العالمین، و صلوات الله علیهم و آله و سلم تسلیماً.

خداوند شما را بر هر خیری موفق بگرداند! اگر به حق تمسک جویند، زبانی به شما نمی‌رسد حتی اگر همه‌ی مردم زمین با شما بجنگند؟ آیا نمی‌گویید که شیعه هستید؟! آیا در فاطمه (علیها السلام) و آن چه که برای او پیش آمد، الگویی برای شما نیست؟! و آیا در زینب (علیها السلام) و آن چه که برای او پیش آمد، الگویی برای شما نیست؟! به خدا سوگند اگر صبر پیشه کنید و با چنگ و دندان به دین‌تان محکم چنگ زنید، همه‌ی خیر دنیا و آخرت را شاهد خواهید بود و دشمن شما جز سر در دنیا و آخرت نخواهد دید و خداوند آنها را خوار و ذلیل خواهد کرد و در دنیا و آخرت، زیانکار خواهند بود. «إِنَّ مَوْعِدَهُمُ الصُّبْحُ أَلَيْسَ الصُّبْحُ بِقَرِيبٍ»^۱ (وعده‌ی آنها صبح‌گاه

است، آیا صبح نزدیک نیست؟!)

و السلام علیکم و رحمہ اللہ برکاتہ.

اصمد الصبح - نیم شعبان / ۱۴۴۱ هـ. ق.

پرسش ۵۸۱:

بسم اللہ الرحمن الرحیم

اللهم صل على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليماً.

السلام على محال معرفة الله، السلام على خزان علم الله، السلام على الحكام في دولة الله

(سلام بر جایگاه‌های معرفت خدا! سلام بر خزانه‌داران علم خدا! سلام بر حاکمان دولت خدا!)

سرور و مولایم، یمان‌ی آل محمد! خداوند شما را در زمین فرمان‌روایی عطا فرماید. تقاضا داریم برای ما دعا کنید؛ دعای شما نزد خدا بر نمی‌گردد. برای خواهر همسرم که با آتش سوخته است و اکنون قصد دارد به سفر برود تا عمل جراحی کند، نیز دعا کنید. وی وقتی سه ساله بود دچار سوختگی شد و اکنون بیست ساله است و وضعیت روحی‌اش بسیار به هم خورده است. آیا امکان دارد دعایی ویژه به اسم او ارسال کنید؟ چرا که شما اهل جود و کرم هستید و جز نکویی از شما پدید نمی‌آید.

سلام بر محمد و آل محمد، کسانی که اگر یادی از خیر شود، سرآغاز آنند.

و السلام علیکم و رحمہ اللہ برکاتہ.

فرستنده: فاضل - عراق

پاسخ:

بسم اللہ الرحمن الرحیم

والصلاة للرب العالمين، و صل على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليماً.

از خداوند مسئلت دارم که با شفا دانش بر او منت گذارد! او یاور من است و او دوست شایستگان است.

و السلام علیکم و رحمہ اللہ برکاتہ.

اصمد الصبح - نیم شعبان / ۱۴۴۱ هـ. ق.

پرسش ۵۸۲:

بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ حَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ^۱ (پروردگار شما الله است که آسمان‌ها و زمین را در شش روز آفرید، پس به عرش پرداخت، شب را در روز می‌پوشاند و روز، شتابان آن را می‌طلبد و آفتاب و ماه و ستارگان مسخّر فرمان او هستند. آگاه باشید که آفرینش و فرمان‌روایی سزاوار او است. خدا، پروردگار جهانیان، به غایت بزرگ است* پروردگارتان را با تضرع و در نهان بخوانید، زیرا او متجاوزان سرکش را دوست ندارد* در زمین آن‌گاه که به صلاح آمده است فساد مکنید و خدا را از روی بیم و امید بخوانید و رحمت خدا به نیکوکاران نزدیک است).
 (ج) قرائت سوره‌ی یس بعد از نماز صبح، و قرائت سوره‌ی واقعه بعد از نماز مغرب، به مدت چهل روز.

والسلام علیکم ورحمة اللہ وبرکاتہ.

اصد الصبح - نیمه شعبان / ۱۴۴۱ هـ. ق.

پرسش ۵۸۳:

سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما آل البیت باد.

اللهم صل على محمد وآل محمد اللهم والهم صل على محمد وآل محمد وسلم تسليماً كثيراً.

سرورم! ای امام، ای پسر پیامبر صل الله علیکم و سلم، موضوع: من به دعوت مبارک شما ایمان آورده‌ام و با شما بیعت می‌کنم و بر پیروی و یاری رساندن به شما، با شما عهد و پیمان می‌بندم.

سرورم! من در منطقه‌ای در مصر خطیب مسجدی هستم که نمونه‌ای از پایگاه وهابیون است. من قبل از موالات و پیروی از شما، اشعری مذهب بودم؛ حال چه کنم؟ آیا مسجدی که در آن خطبه می‌خوانم را رها کنم؟ با توجه به این که وهابیون بر مسجد مسلط خواهند شد و فساد را بین مردم منتشر می‌سازند؛ خصوصاً با توجه به این که من با آنها مناظره و گفت‌وگو داشته‌ام و همه‌ی اینها به پیروزی بر این فکر غلوگرایانه منجر شده است.

خداوندا! محمد و آل محمد را نصرت عطا فرما!

والسلام علیکم ورحمة اللہ وبرکاتہ.

فرستنده: محمد الاشعری - مصر

پاسخ:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

وَالصَّلٰوةُ لِلرَّبِّ الْعَلِیِّیْنَ، وَصَلِّ عَلَى الْمُرْسَلِمْ وَكُلِّ مَعْرَةَ الْاِثْمِ وَالْمَهْرِیْبِیْنَ وَسَلِّمْ تَسْلِیْمًا.

اگر باقی ماندن شما به عنوان خطیب در مسجد، عاملی برای دفع فساد و فتنه‌ی وهابی‌ها است، در مسجد بمان. خداوند شما را توفیق دهد و به آنچه که خیر آخرت و دنیای تو در آن است، ثابت قدم گرداند!

وَالسَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ.

اصحح الصصح - نیم شعبان / ۱۴۴۱ هـ - و.ج.

پرسش ۵۸۴:

سید احمد الحسن.... من با کندوکاو در استدلالی که شما به روایات اهل بیت علیهم‌السلام داشته‌اید، دریافتیم که به شخصیت همراه امام مهدی علیه‌السلام که از او به مهدی و منصور و وزیر و مولی که امر او را برعهده می‌گیرد (المولی الذی یلی امره) به روشنی اشاره شده است. من به همه‌ی اینها مؤمن هستم ولی عدم اطمینان قلبی، همچنان به حال خود باقی است. آیا برای رسیدن به آن راهی وجود دارد؟ ما را راهنمایی کنید، خداوند شما را رحمت کند!

سید احمد الحسن.... تمام آن ادله‌ی روایی که برای اثبات حجیت و وجودتان و اشاره‌ای که در مضمون روایات به شما شده است، آورده‌اید ان شاء الله صحیح است ولی مقداری نگرانی و اضطراب از آنچه از آنها استنباط می‌شود، در دلم باقی مانده است؛ چه راهی برای اطمینان قلبی وجود دارد؟

وَالسَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ.

فرستنده: صادق - عراق

پاسخ:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

وَالصَّلٰوةُ لِلرَّبِّ الْعَلِیِّیْنَ، وَصَلِّ عَلَى الْمُرْسَلِمْ وَكُلِّ مَعْرَةَ الْاِثْمِ وَالْمَهْرِیْبِیْنَ وَسَلِّمْ تَسْلِیْمًا.

خداوند شما را بر هر خیری موفق بگرداند! اگر در طلب یقین و اطمینان هستی، توشه برگیر و به سوی خدای سبحان مهاجرت نما و از او مسئلت کن که تو را اجابت می‌کند. چقدر این توشه — که همان اخلاص برای خدای سبحان است — بر قلوب طاهر سبک است، و چه کوتاه است راه مهاجرت که به چیزی جز نیت نیاز ندارد؛ چرا که خداوند متعال از خلقتش دور

نیست: « وَ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَ عَلَّمْهُ مَا تَوَسَّوَسُ بِهِ نَفْسُهُ وَ نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ »^۱ (ما آدمی را آفریده و از وسوسه‌های نفس او آگاه هستیم، زیرا از رگ گردن به او نزدیک‌تریم) و چه آسان است که از او درخواست نمایی و او کسی است که صداها بر حضرتش مشتبه نگردد و بخشش بسیارش جز جود و کرم بر او نیفزاید.

خداوند شما را بر هر خیری موفق بگرداند! آیا بر شما دشوار است که سجده کنی و سر برداری تا این که پاسخ پروردگارت را بشنوی، تا در آخرت و دنیا نجات یابی؟ آیا بر شما دشوار است که سه روز روزه بگیری و در شب‌هایش به درگاه خدا تضرع کنی تا شما را پاسخ گوید و حق را به شما بشناساند؟

خداوند شما را بر هر خیری موفق بگرداند! به خدا پناه ببر، که او را غاری محکم و نفوذناپذیر می‌یابی که کسی که به او پناه ببرد را ضایع نمی‌گرداند.

والسلام علیکم ورحمة اللہ وبرکاتہ.

اصح الصغیر - نیم شعبان / ۱۴۴۱ هـ. ق.

پرسش ۵۸۵:

من نوهی امام شیخ منتصر بن حیدر بن هاشم از آل النعیمی هستم. پدر بزرگ من امام منتصر در سال ۱۳۸۸ هـ. ق. در جازان سعودی وفات یافت. وی از علمای مذهب آل البیت بود ولی به خاطر دعوت شیخ عبدالله القرعاعوی و شاگردان او در جازان، از روی تقیه به مذهب سلفی روی آورد. آنها کتاب‌های او و اجداد عالمش را آتش زدند و وی در راه خدا آزارها دید. به هر حال، پس از وفاتش، وصیت مکتوبی دیدیم که به دستخط خودش نوشته بود و در آن گفته بود: «بدانید زمان یمانی آل محمد نزدیک شده است. پس اگر دعوت او را شنیدید قبله‌ی نمازتان را به هر جایی که او باشد برگردانید. خداوندا! به حقی که آل ابومحتتحت و آل جرمداد بر تو دارند، بندگان را نصرت بخش و آنها را در زمین فرمان‌روایی عطا کن». اکنون که دعوت شما را شنیده‌ایم، باید چه کنیم؟

خواهش می‌کنم مرا مطلع گردانی، منظور جد من از برگرداندن قبله‌ی نماز چیست و آیا این کار موافق حق است یا خیر؟ و معنی آل ابومحتتحت و آل جرمداد چیست و منزلت آنها چگونه است؟

فرستنده: منتصر الحسن _ عربستان سعودی

پاسخ:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ، وَ صَلَوَاتُ الْمَلَائِكَةِ وَالسَّلَامُ عَلَیْهِمْ أَكْمَلُ حَمْدٍ لِلَّهِ وَ الْمَهْرَبِیْنِ وَ سَلَمٌ تَسْلِیْمًا كَثِیْرًا.

از خداوند برای شما هدایت و شناخت و پیروی حق را مسئلت دارم! و اما سؤال شما درباره‌ی قبله‌ی نماز، قبله در حقیقت همان حجت خدا در هر زمان است، و قبله گرفتن او یعنی این که از او پیروی کنی و با او عمل نمایی. شما می‌توانی کتاب‌های سایت انصار امام مهدی (علیه السلام) را مطالعه کنی تا با عقیده‌ی حق آشنا گردی. خداوند شما را به آن چه که دوست دارد و از آن خوشنود است توفیق دهد!

وَ السَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللّٰهِ بِرِکَاتِهِ.

اصد الصبح - صرم الصرام / ۱۴۳۲ هـ. ق.

پرسش ۵۸۶:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

سؤال ۱: درود و سلام بر پیامبرمان محمد (صلی الله علیه و آله) و بر خاندان طیب و طاهر او و بر مهدی و مهدیین از فرزندان او، و سلم تسلیماً.

من بنده‌ی مسکین، نذری دارم به این صورت که نذر کرده بودم در زمان صدام ملعون در هر زیارت یک قربانی برای خدمت به زوار ذبح کنم، یا با آن غذا بپزم و یا با پول قربانی مایحتاج زوار از رخت‌خواب و مواد غذایی را خریداری کنم. پس از این گفت‌وگو، اکنون که اغلب مردم این خدمات‌رسانی را انجام می‌دهند، این نیت را ترک کرده‌ام و نیتم را تغییر داده‌ام به این که یا قربانی بدهم و این حق امام بر اصحابش است، یا این که قربانی و بچه‌اش را پیش خودم نگه دارم تا در ماه رمضان آن را بین فقرا قسمت کنم. نظر سرور و مولایم در این خصوص چیست؟ یا این که آن را نگه دارم و هر سال بچه‌اش را در ماه رمضان ذبح کنم و گوشت بچه‌اش را بین فقرا تقسیم کنم؟

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

سؤال ۲: من «س.ع»، در کارم سرگردان شده‌ام. از حضرت‌عالی و از مقامی که نزد خدا دارید خواهش می‌کنم برایم دعا کنید که خداوند فرزندی روزی من کند تا چشمم به آن روشن گردد. مردم و خانواده‌ام به من ظلم کرده‌اند، پس از جناب‌عالی تقاضا می‌کنم، بعد از

اجازه‌ی پروردگرم با توجه به این که از معجزه‌ها و اسرار شما چیزهایی شنیده‌ام، امیدوارم معجزه‌های برای من رخ بدهد و من صاحب فرزندی شوم، و از خدا برای شما اجر و توفیق باشد.

فرستنده: ابو امیر - عراق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والصلاة لله رب العالمين، وصلواته على محمد وآل محمد الطاهين والسلام تسليمًا.

جواب ۱: خداوند شما را توفیق دهد! اگر در هر سال نذر جداگانه‌ای نذر کرده‌ای، می‌توانی در نذر جدیدت هر طور که می‌خواهی تغییر دهی، چه در زمان یا کیفیت یا هر چیز دیگر متعلق به نذر؛ ولی اگر نذری با کیفیت معین و وقت ثابت برای هر سال داشته‌ای، باید به نذرت وفا کنی، طبق همان چیزی که نذر کرده‌ای.

جواب ۲: از خداوند مسئلت می‌نمایم که فرزندی صالح روزی شما گرداند. او ارحم الراحمین است.

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

اصحح الصصح - صرم الصرام / ۱۴۲۲ هـ. ق.

پرسش ۵۸۷:

بسم الله الرحمن الرحيم

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

تو را سوگند می‌دهم به پدرت محمد بن الحسن العسکری که سلام خدا بر او باد و خداوند خروج شما را تعجیل فرماید، این انصار شما به دلیل اخلاقی که دارند باعث می‌شوند ما از حق دور شویم. شوهرم اکنون با کارهایش با ما سر جنگ و دعوا دارد و می‌گوید دیگر تمام شد، حجت بر شما را ملاقات کردم. او تربیت اولاد و مسئولیت را رها کرده و توجهی به امور دنیا در او نمی‌بینم و می‌گوید همین که ما ایمان آورده‌ایم کافی است. آیا این درست است؟ این سخنی است که او می‌گوید، پس کجا است اخلاق محمدی؟ من چیزی جز فحش و اشتباه‌کاری و این که علیه مردم دور هم بنشینند، نمی‌بینم. آیا این دعوت که این گونه تبلیغ می‌شود، کوچکترین مشکلی است که ما را تهدید می‌کند؟ آیا این درست است؟ شما کی می‌آیید و امنیت و آرامش به ما می‌دهید؟ چه زمان چهره‌ی دلربای شما را خواهیم دید؟ آیا بر او واجب است که با اخلاق پست تبلیغ کند، چرا که طرف مقابل فرار

می‌کند.

من می‌گویم از انصار امام خواهشمندم برای من روشن کنید، و خواهش می‌کنم شما به آنها سفارش کنید. شما را به حاکمیت خدا سوگند می‌دهم پاسخ مرا سریع بدهید. چشم امید به شما داریم و منتظریم تا ظلمی که در آن زندگی می‌کنیم را از ما دفع نمایید.

و السلام علیکم و رحمہ اللہ برکاتہ.

فرستنده: ز.ر.

پاسخ:

بسم اللہ الرحمن الرحیم

و الصمد للرب العالمین، و صدر العدر صمد و آکل صمد الاثم و المہربین و سلم تسلیماً.

از خداوند مسئلت دارم که حال تمام مؤمنین و مؤمنات را به آنچه که خیر آخرت و دنیایشان در آن است نکو گرداند! پیامبران و اوصیاء برای اصلاح مردم و گسترش اخلاق خوش بین مردم آمده‌اند. کسی که می‌گوید من از شیعیان محمد و آل محمد هستم، باید به اخلاق آنها آراسته گردد و با خانواده‌اش و با مردم خوش‌رفتاری پیشه کند.

و السلام علیکم و رحمہ اللہ برکاتہ.

صدر الصغ - صرم الصرام / ۱۴۴۲ هـ. ق.

پرسش ۵۸۸:

بسم اللہ الرحمن الرحیم

و الصمد للرب العالمین، و درود و سلام بر برترین خلق خدا صیب لہ العالمین ابر القاسم صمد، اللهم صل عذر صمد و آکل صمد الاثم و المہربین و سلم تسلیماً.

اما بعد... سرور و مولایم، احمد (علیہ السلام)! همان‌طور که می‌دانی من در ارتش کار می‌کنم و در ارتش در مورد ازدواج قوانینی وجود دارد؛ یعنی اگر بخواهم همسری انتخاب کنم باید از سازمان اطلاعات اجازه بگیرم تا بتوانم ازدواج کنم. اگر زن مورد نظر کویتی نباشد، تقریباً غیرممکن است به ویژه اگر عراقی، ایرانی یا از خیلی از کشورهای دیگر باشد. سرور و مولایم، همان‌طور که می‌دانی من اکنون ۲۱ سال دارم و می‌خواهم برای حفظ خودم - پناه بر خدا - ازدواج کنم. من مسالهی ازدواجم را به شما واگذار کرده‌ام.

سرورم! از خدا می‌خواهم که با این سختم، بر شما گران‌بار نباشم و از شما خواهش می‌کنم مرا عفو کنید و برایم دعا نمایید که توفیق داشته باشم.

و السلام علیکم و رحمہ اللہ برکاتہ.

فرستنده: ش ع - کویت

پاسخ:

بسم اللہ الرحمن الرحیم

والصمد للرب العالمین، و صلوات اللعزیزه و کمال الصبره اللائمه و المہربین و سلم تسلیماً.

از خداوند سبحان مسئلت دارم که شما را به آن چه که مورد رضایت او است توفیق دهد. او یاور من است و او دوست شایستگان است. آری! خداوند توفیقت دهد! بر خدا توکل نما و بدان که به نژاد یا قومیت اشکالی وارد نیست. اگر ازدواج شما با زن غیر کویتی ممکن نیست، یک همسر کویتی انتخاب کن، خداوند توفیقت دهد و بکوش یک زن دین دار و باعفت که تو را حفظ کند، برگزینی. اگر زن مؤمنی در کشور خودت نیافتی، سعی نما با زنی ازدواج کنی که به ایمان و هدایت شدگی او به سوی حق امیدوار باشی. خداوند ارحم الراحمین است و از خداوند مسئلت دارم که در شما و برای شما برکت نهد.

و السلام علیکم و رحمہ اللہ برکاتہ.

اصد الصبح - صرم الصرام / ۱۴۲۲ هـ. ق.

پرسش ۵۸۹:

می‌خواهم دعایی از قرآن که نزد خدا مقبول است برای افزایش رزق و یک دعای دیگر برای شفا به دست آورم.

فرستنده: فاطمه - بیروت

پاسخ:

بسم اللہ الرحمن الرحیم

والصمد للرب العالمین، و صلوات اللعزیزه و کمال الصبره اللائمه و المہربین و سلم تسلیماً.

این آیات را هر روز و شب هزار بار بخوان و به آنها عمل کن؛ یعنی برای افزایش رزق تقوا پیشه نما و ان شاء الله رزق شما زیاد می‌شود و خداوند سبحان به فضل خودش رزق و روزی شما را توسعه می‌دهد: «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا* وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا»^۱ (و هر کس از خدا بترسد،

برای او راهی برای بیرون شدن قرار خواهد داد* و از جایی که گم‌انگش را ندارد روزی ایش می‌دهد و هر که بر خدا توکل کند، خدا او را کافی است. خدا کار خود را به اجرا می‌رساند و هر چیز را اندازه‌ای قرار داده است).

برای شفا گرفتن، این دعا را همیشه با حضور قلب بخوان: «یا من اسمہ دواء، و ذکرہ شفاء، یا من يجعل الشفاء فیما یشاء من الأشياء، صلّ علی محمد وآل محمد، واجعل شفاء (اسم شخص مورد نظر) من هذا الداء، باسمک هذا «یا الله ۱۰ مرتبه»، «یا رب ۱۰ مرتبه»، «یا أرحم الراحمین ۱۰ مرتبه» (ای که نامش دوا و ذکرش شفا است ای که شفا را در هر چیزی که بخواهد قرار می‌دهد، درود فرست بر محمد و آل محمد، و از این درد، شفای (اگر مربوط به کسی غیر از شما است، اسم او را بیاور و یا از یاء متکلم استفاده کن یعنی بگو شفای من) را مقدر بدار، به این نام تو «یا الله ده بار»، «یا رب ده بار»، «یا ارحم الراحمین ده بار»).

اصد الصغ - مرم المرام / ۱۴۴۲ هـ. ق.

پرویش ۵۹۰:

سازمان را سوگند می‌دهم به حق پرچم ابوالفضل العباس که نامه‌ی مرا به سید احمد الحسن برسانند.

سلام بر سید اصد الصغ و رحمہ اللہ برکاتہ.

من از شیعیان موالی هستم و گرفتار دو بیماری شده‌ام که مرا به شدت خسته کرده‌اند، اولی حدیث نفس یا حدیث خیال یا آن چه که خیال‌پردازی نامیده می‌شود، می‌باشد. دومی، من تند و سریع صحبت می‌کنم به طوری که طرف مقابل در فهم آن به مشکل برمی‌خورد. این بیماری دوم، مرا خیلی خجالت‌زده کرده و شخصیت مرا به هم ریخته است. از جناب سید می‌خواهم که خدا را برای من بخواند تا به دست او به اذن خدا شفا یابم. به خدا از این بیماری‌ام خسته شده‌ام. شما را به حق امامتی که داری سوگند می‌دهم که برای شفایم دعا کنی.

فرستنده: جست و جوکننده حق - عراق

پاسخ:

بسم اللہ الرحمن الرحیم

والصمد للرب العالمین، وهدر اللعمر صمد و آکل صمد اللائم والمہربین و سلم تسلیم.

خداوند شما را بر هر خیری موفق بگرداند! و از خدا مسئلت دارم که به فضل و

منت‌گذاری‌اش از هر بیماری شما را شفا بدهد. از شما خواهش می‌کنم که هر شب قبل از خواب سوره‌ی توحید را سه بار بخوانی، و همچنین آیت الکرسی را. این آیات را نیز هر روز و شب بخوان: «إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ مُسَخَّرَاتٌ بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ* ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ* وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ» (پروردگار شما الله است که آسمان‌ها و زمین را در شش روز آفرید، پس به عرش پرداخت، شب را در روز می‌پوشاند و روز، شتابان آن را می‌طلبد و آفتاب و ماه و ستارگان مسخر فرمان او هستند. آگاه باشید که آفرینش و فرمان‌روایی سزاوار او است. خدا، پروردگار جهانیان، به غایت بزرگ است* پروردگارتان را با تضرع و در نهان بخوانید، زیرا او متجاوزان سرکش را دوست ندارد* در زمین آن‌گاه که به صلاح آمده است فساد مکنید و خدا را از روی بیم و امید بخوانید و رحمت خدا به نیکوکاران نزدیک است).

همچنین برای شفا این دعا را همیشه و با حضور قلب بخوان: «یا من اسمہ دواء، و ذکره شفاء، یا من یجعل الشفاء فیما یشاء من الأشياء، صل علی محمد و آل محمد، واجعل شفاء (اسم شخص مورد نظر) من هذا الداء، باسمک هذا «یا الله ۱۰ مرتبه»، «یا رب ۱۰ مرتبه»، «یا أرحم الراحمین ۱۰ مرتبه» (ای که نامش دوا و ذکرش شفا است ای که شفا را در هر چیزی که بخواهد قرار می‌دهد، درود فرست بر محمد و آل محمد، و از این درد، شفای (اگر مربوط به کسی غیر از شما است، اسم او را بیاور و یا از یاء متکلم استفاده کن یعنی بگو شفای من) را مقدر بدار، به این نام تو «یا الله ده بار»، «یا رب ده بار»، «یا ارحم الراحمین ده بار»).

و السلام علیکم و رحمہ اللہ برکاتہ.

صدر الصغ - صرم الصرام / ۱۴۲۳ هـ. ق.

پرسش ۵۹۱:

السلام علیکم و رحمہ اللہ برکاتہ.

سرور بزرگوaram! آیاتی از قرآن برای جلب رزق می‌خواهم، چون اخیراً روزی‌ام کم شده است و من دانسته‌ام که شما علم کتاب داری؛ از شما خواهش می‌کنم کمک کنی. عید بر شما مبارک با برترین آرزوها!

فرستنده: خالد - عربستان سعودی

پاسخ:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

وَالصَّلٰةِ لِلرَّبِّ الْعَظِیْمِ، وَصَلِّ عَلَى الْمُرْسَلِ وَكُلِّ مَعِدِ الْاِثْمِ وَالْمَصْرِیْعِ وَسَلِّمْ تَسْلِیْمًا.

این آیات را هر روز و شب هزار بار بخوان و به آنها عمل کن؛ یعنی برای افزایش رزق تقوا پیشه نما و ان شاء الله رزق شما زیاد می‌شود و خداوند سبحان به فضل خودش رزق و روزی شما را توسعه می‌دهد: «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا * وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا» (و هر کس از خدا بترسد، برای او راهی برای بیرون شدن قرار خواهد داد* و از جایی که گمانش را ندارد روزی‌اش می‌دهد و هر که بر خدا توکل کند، خدا او را کافی است. خدا کار خود را به اجرا می‌رساند و هر چیز را اندازه‌ای قرار داده است).

الصَّحِيح - مَرْمُ الْمَرَامِ / ۱۴۳۲ هـ - ق.

پرسش ۵۹۲:

- ۱- پایان آیت الکرسی «هو العلی العظیم» است یا «خالدون»؟
- ۲- آیا اسم مادر سید (علیه السلام) حمیده است؟
- ۳- شب قدر بیست و چهارم است یا بیست و سوم؟ با توجه به این که دو روایت در برهان هست که نشان می‌دهد شب قدر بیست و چهارم است.
- ۴- در روایت طوسی در کتاب غیبت، منظور از «آخرین ما عیسی است» چه کسی است؟
- ۵- آیا خامنه‌ای مصداق خراسانی است؟
- ۶- آیا نماز در مسجدی که نماز مقلدین فقها در آن برقرار است جایز می‌باشد؟
- ۷- حکم مرغ قربانی منجمد و ماهی منجمد چیست؟
- ۸- در روایات آمده این سیاهی که در ماه است، حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) می‌باشد؛ این به چه معنا است؟
- ۹- آیا تعزیه و حضور در مجالس حسینی که توسط مقلدین فقها برگزار می‌شود و نیز

رفتن با آنها به زیارت و شرکت کردن با ایشان در صندوق کمک به فقرا و یتام و بیوه‌زنان جایز است؟

۱۰- آیا همه‌ی مردم برج و طالع دارند یا این یک بدعت است؟

۱۱- پدرم در حالی وفات یافت که پیش از وفات، شهادت‌های چهارگانه را بر زبان جاری ساخت. آیا بر آیین ائمه و مهدیین علیهم‌السلام فوت کرده است؟

۱۲- آیا سید علیه‌السلام از طریق رؤیا فهمیده که معصوم و پسر امام علیه‌السلام است یا به وسیله‌ی دیدار با پدرش علیه‌السلام؟

۱۳- به خاطر دوری از انصار و امام احمد علیه‌السلام که چشم او را نمی‌بیند و قلب او را می‌بیند، صله‌ی امام علیه‌السلام را به چه کسی باید داد؟

فرستنده: علی العراقي - عراق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والصلاة لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الطاهين، وسلم تسليمًا.

شب قدر، شب بیست و سوم از ماه رمضان است.

پدر شما از آنجا که شهادت حق را به زبان آورده، ان شاء الله مؤمن و بر حق وفات کرده است.

خداوند شما را توفیق دهد! می‌توانی از طریق کتاب‌ها و خطبه‌ها، از هر چیزی درباره‌ی دعوت که می‌خواهی بدانی، مطلع شوی. خداوند سبحان گام‌های تان را در آنچه که مورد رضایت او است، استوار سازد!

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

صدر الصغیر - صرم الصرام / ۱۴۳۲ هـ. ق.

پرسش ۵۹۳:

السلام عليكم.

آیا گربه‌ی سیاه از جن است، و چگونه می‌توان از آن خلاص شد؟

آیا احضار جن مؤمن مجاز است؟

آیا صمغ کندر، جذب کننده‌ی نوعی از جن است؟

آیا جن می‌تواند انسان را لمس کند، او را به اشتباه بیاندازد، آزار نماید و بکشد؟

آیا جن می‌تواند تغییر شکل دهد و در بیداری به صورت یکی از حیوانات ظاهر شود؟
بهترین حِرز برای در امان ماندن از جن چیست؟ با تشکر.

فرستنده: علی عبدالکریم -

کویت

پاسخ:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

وَالصّٰدِقِیْنَ الْعٰدِلِیْنَ، وَصَلَّى اللّٰهُ عَلَیْكَ وَعٰلِیْكَ وَسَلَّمَ وَتَسْلِیْمًا.

جن می‌تواند برخی حیوانات را لمس کند و آنها را به طور محدود و اندک، به سمت و سویی که خودش می‌خواهد به حرکت وادارد، دقیقاً همان‌طور که می‌تواند به طور جزئی انسان را اندکی لمس کند و با او برخورد نماید ولی قادر به سیطره بر رفتار و کلام و سلوک او نیست. برترین حِرز از جن، تحصن و پناه بردن به خلیفه‌ی خدا در زمانت، به قرآن کریم و به سخن خدای سبحان است، حتی اگر یک حدیث قدسی روایت شده باشد، یا حتی مطالب صحیح از تورات و انجیل.

احضار جن ممکن و جایز است، اگر برای غرض راجح و شرعی باشد؛ ولی باید بدانی که اغلب جن‌ها دروغ می‌گویند و جنیان به تعداد زیاد در هر مکانی حضور دارند و به آسانی می‌توانند کسانی که آنها را احضار می‌کنند فریب دهند. علاوه بر این، جن‌ها به سادگی می‌توانند کسی که به احضار آنها اقدام می‌کند را آزار برسانند زیرا معمولاً این افراد گرفتار بیماری منیّت هستند و در برابر اجنه بسیار ضعیف‌اند.

اذیتی که اجنه به انسان می‌رسانند، یکی روحی است که برای همه آشنا است و دیگری بیماری‌های جسمی است.

این موضوع که جن، انسانی را به طور مستقیم بکشد صحیح نیست زیرا اجنه تسلط و قدرتی برای انجام این کار ندارند ولی می‌توانند انسان را لمس کنند و او را از لحاظ روحی آزار دهند و او را در وضعیت خودآزاری و چه بسا آزار رساندن به دیگری قرار دهند. جن می‌تواند با روش‌های مختلف انسان را به بیماری‌های جسمانی مبتلا سازد؛ مثلاً از طریق انتقال دادن میکروب به غذا، نوشیدنی و تنفس فرد. ذکر نام خدا به هنگام خوردن، نوشیدن و در همه حال، شرّ آنها را برطرف می‌سازد، ان شاء الله!

خداوند شما را توفیق دهد و گام‌های تان را استوار سازد!

و السلام علیکم و رحمہ اللہ برکتہ.

حصہ النسخ - مرم الصرام / ۱۴۴۳ هـ. ق.

پوشش ۵۹۴:

اللهم صل على محمد و آل محمد الأئمة و المرسلين و سلم تسليمًا كثيرًا.

سرور و مولايم، يمانی! السلام علیکم و رحمہ اللہ برکتہ.

سرورم! ای کریم فرزند کریم‌ها! درخواستی دارم که از شما تقاضا می‌کنم سرورم، و مطمئنم که مرا رد نمی‌کنی؛ زیرا شما اهل بیت هیچ‌گاه نیازمند را رد نمی‌کنید. سرورم! حاجت من این است که برایم دعا کنی از بیماری‌ام شفا یابم، و برایم به حسن عاقبت دعا کنی. خداوند شما را از هر مکروهی برای ما حفظ فرماید!

و السلام علیکم و رحمہ اللہ برکتہ.

فرستنده: ل ک - استراليا

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والصلاة لله رب العالمين، و صل على محمد و آل محمد الأئمة و المرسلين و سلم تسليمًا.

خداوند شما را بر هر خبری موفق بگرداند! از خداوند مسئلت دارم به آنچه که اهل و شایسته آن است بر شما منت گذارد، و بر شما به شفا منت نهد، هرگاه که اراده کند و هر گونه که اراده فرماید و او ارحم الراحمین است.

برای شفا این دعا را همیشه و با حضور قلب بخوان: «یا من اسمہ دواء، و ذکرہ شفاء، یا من يجعل الشفاء فيما يشاء من الأشياء، صل على محمد وآل محمد، واجعل شفاء (اسم شخص مورد نظر) من هذا الدواء، باسمك هذا «یا الله ۱۰ مرتبه»، «یا رب ۱۰ مرتبه»، «یا ارحم الراحمین ۱۰ مرتبه» (ای که نامش دوا و ذکرش شفا است ای که شفا را در هر چیزی که بخواهد قرار می‌دهد، درود فرست بر محمد و آل محمد، و از این درد، شفای (اگر مربوط به کسی غیر از شما است، اسم او را بیاور و یا از یاء متکلم استفاده کن یعنی بگو شفای من) را مقدر بدار، به این نام تو «یا الله ده بار»، «یا رب ده بار»، «یا ارحم الراحمین ده بار»).

حصہ النسخ - مرم الصرام / ۱۴۴۳ هـ. ق.

پوشش ۵۹۵:

«السلام علیمن اتبع الهدی» (سلام بر آن کس که از پیرو هدایت قدم نهد)

به سید احمد الحسن.... سرور ارجمندم! با مشقت بسیار نامه‌ای برای شما فرستادم ولی از پاسخ کریمانه‌ی شما بی‌نصیب ماندم. از شما خواهش می‌کنم سرورم که امام و معصوم هستی، چرا که دعای شما رد نمی‌شود، ان شاء الله.

شما را به حق سرور زنان و دختر بهترین خلق خدا و همسر امیرالمؤمنین و پیشوای سفیدرویان علی بن ابی طالب علیه السلام سوگند می‌دهم که برایم به جهت معرفت پیدا کردن نسبت به حق و پیروی از آن دعا نمایی، که من راه حل دیگری ندارم.

بسیار از شما متشکر و ممنونم.

فرستنده: اسیل - نیوزیلند

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والصلاة لله رب العالمين، وصلواته على محمد وآله الطاهرين، والسلام تسليمًا.

از خداوند مسئلت می‌نمایم که شما را موفق بدارد و بر شناخت حق و استوار ماندن بر آن توفیق دهد! او یاور من است و او دوست شایستگان است.

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

اصد الصبح - صرم الصرام / ۱۴۳۲ هـ. ق.

پرسش ۵۹۶:

السلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

سرورم! جان و خانواده و مالم فدای تو باد! شاهد غایب سبحان بر آنچه می‌گویم گواه است. شهادت می‌دهم که تو سرور و مولا و امام من هستی در دنیا و آخرت.

سرورم، ای پسر رسول خدا صلی الله علیه و آله! در کتاب شرایع درباره‌ی نماز اعرابی مطلبی خواندم، و با توفیق الهی پس از مدتی، تفصیل این نماز را در مفاتیح الجنان خواندم. آنچه من فهمیدم به این صورت است: مردی از بادیه‌نشینان به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شکایت برد از این که وی به دلیل دوری راه نمی‌تواند در نماز جمعه با پیامبر صلی الله علیه و آله حاضر شود و پیامبر صلی الله علیه و آله این نماز را به او یاد داد. سرور و مولایم! خداوند فرج شما را تعجیل فرماید و ما را از سجده‌کنندگان بر شما در دنیا و آخرت و همچنین گوسفند خاموش و بی‌صدا در پیشگاه شما قرار دهد. همچنین سنگی در دست شما که هر کجا بخواهی آن را بیاندازی. ما را از کسانی که مورد رضایت شما هستند قرار دهد. ما را از کسانی که شما را ملاقات و از دشمنانتان دوری می‌کنند قرار دهد! به حق شما! ای وجه خدا صلی الله علیه و آله.

سرورم! آیا برای من جایز است که روز جمعه نماز اعرابی را بخوانم و مثل کسی باشم که با شما

نماز خوانده است؟

وه، که چقدر مشتاق شما هستم، ای سرورم!

فرستنده: خالد - کویت

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والصلاة لله رب العالمين، وصلواته على محمد وآله وصحبه وسلم تسليمًا.

خداوند شما را توفیق دهد و گام‌های تان را در آنچه مورد رضایتش است، استوار سازد. ان شاء الله شما با ما هستید، تا وقتی که مؤمن، عارف به حق و مخلص لله باشید. او یاور من است و او دوست شایستگان است.

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

اصد الصبح - صرم الصرام / ۱۴۳۲ هـ. ق.

پرسش ۵۹۷:

السلام عليكم ورحمة الله وبركاته

مولای ما! حال شما چه طور است؟ به من افتخار بدهید و به این سؤالات پاسخ دهید:

آن سه پیامبری که خداوند به آنان قدرت زنده کردن مردگان عطا نمود، چه کسانی می‌باشند؟ کدام نماز به وضو و تیمم نیاز ندارد؟

یکی از فرشتگان حارث نام دارد، وظیفه و تکلیف او چیست؟

کدام آفریده است که به قومش هشدار داد در حالی که او نه از جن بود و نه از آدمیان؟ شومان کیست؟

سه پیامبری که برای قوم خود به پیامبری محمد ﷺ شهادت دادند چه کسانی هستند؟

با تشکر فراوان، و بابت زیادی سؤالات عذر می‌خواهم و من اطمینان دارم که پاسخ وافی و شافی از شما دریافت خواهم نمود.

فرستنده: محمد العلی - سعودی

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والصلاة لله رب العالمين، وصلواته على محمد وآله وصحبه وسلم تسليمًا.

خداوند شما را بر هر خیری موفق بگرداند! کتاب‌های زیادی منتشر شده که در آنها علوم زیادی درج شده است. شما اگر طالب حق هستی، با مطالعه‌ی این کتاب‌ها می‌توانی این علم را بشناسی و

مصدر و منبع آن را بدانی. گمان نمی‌کنم شما بر این باور باشی که کسی نداند مورچه به قومش هشدار داد در حالی که این قصه در قرآن ذکر شده است! آیا تو بر این باوری که من نمی‌دانم نماز بر میت بدون وضو یا تیمم ممکن است، با این که این مطلب را در کتاب شرایع الاسلام بیان نموده‌ام؟! از خداوند برای شما در جست و جویت توفیق خواهانم و این که خداوند حق را به شما بشناساند و گام‌هایت را استوار سازد.

والسلام علیکم ورحمة اللہ وبرکاتہ.

صدر الصخ - صرم الصرام / ۱۴۳۲ هـ.

محور چهارم:

تعبیر خواب

پرسش ۵۹۸:

بسم اللّٰه الرحمن الرحیم

درود و سلام بر ابوالقاسم محمد ﷺ و بر جمیع خاندان و اصحاب او.

اما بعد.... در یکی از روزهای ماه محرم الحرام امسال، قسم می‌خورم در خواب دیدم که گویی در نجف اشرف به زیارت می‌رفتم و من در یک بازار سرپوشیده‌ی فروش پارچه بودم. گویی از یکی از مغازه‌ها پارچه‌ای خریدم. زیبایی رنگ‌ها و عطری خاص مرا به گوشه‌ای از مغازه کشاند تا در یکی از طاقچه‌های مغازه، کتابی را بینم و گویی کتاب خدا قرآن کریم بود ولی بر آن نوشته شده بود امام احمد بن الحسن، به جهت حفظ. از صاحب مغازه پرسیدم احمد بن الحسن کیست، وی پاسخم را نداد ولی این اسم در ذهنم حک شد. امروز برای شما می‌نویسم و از شما خواهش می‌کنم که در کار من نظر بدهید یا کمک کنید که معنی این رؤیا چیست؟

و السلام علیکم.

فرستنده: ابوالاحمد - اسکاتلند

پاسخ:

بسم اللّٰه الرحمن الرحیم

والصلاة لله رب العالمین، و صلواته علی محمد و آله و صحبه اجمعین و سلم تسلیماً.

خداوند شما را بر هر خیری در دنیا و آخرت موفق بگرداند! رویای شما واضح است و این از فضل خداوند بر شما است که حق را به این روشنی که شبهه و ابهامی در آن نیست به شما شناسانده است.

پارچه در ملکوت همان لباس تقوا و لباس اهل بهشت است. خداوند شما را از برترین اهل بهشت قرار دهد! خدای متعال می‌فرماید: «يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُؤَارِي سَوَاتِكُمْ

وَرِيثًا وَبِأَسِّ التَّقْوَىٰ ذَلِكْ خَيْرٌ ذَلِكْ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَكَّرُونَ»^۱ (ای فرزندان آدم برای شما جامه‌ای فرستادیم تا شرمگاهتان را بپوشد، و نیز جامه‌ی زینت و جامه‌ی پرهیزگاری از هر جامه‌ای بهتر است و این یکی از آیات خدا است، باشد که پند گیرید). قرآن نماد حجت و خلیفه الهی در هر زمان است که او قرآن ناطق و ترجمان قرآن می‌باشد.

و رویای شما تمثیلی از وارد شدن تان در سایت انصار در اینترنت است، و این مشابه زیارت امیرالمؤمنین می‌باشد زیرا شما را با امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) آشنا می‌سازد و او همان مغازه‌ی پارچه‌فروشی است؛ زیرا اهل ایمان و تقوا از او لباس تقوا و ایمنی برای روز قیامت و معاد می‌گیرند. عطرها نیز کلام طیب و نکو است و قرآن کریم همان خلیفه‌ی خدا و سیره‌ی خلیفه‌ی خدا و شناخت نسبت به او است. مغازه‌دار به شما نگفت که احمد الحسن کیست زیرا به هنگام ورود شما، اسمی از احمد الحسن نبود در حالی که نَسَب او به طور کامل تا علی بن ابی‌طالب (علیه السلام) منتشر شده است.

و السلام علیکم و رحمہ اللہ برکاتہ.

۱ مصدر الصبح - رجب لاصب / ۱۴۴۱ هـ. ق.

پرسش ۵۹۹:

بسم اللہ الرحمن الرحیم

و الصمد للرب العالمین، و صدر الامم و آکل صمد الائم و المصریخ و سلم تسلیماً.

سلام بر مولایم محمد و وصی او احمد و بر پدران طیب و طاهرش و رحمة الله و برکاته.

سؤال اول من: چرا من پس از مرگ علما، آنها را در خواب می‌بینم؟

سید خمینی را سه روز پس از وفاتش در خواب دیدم، در حالی که نور از پیشانی و گونه‌هایش ساطع بود و من نتوانستم او را بشناسم مگر از طریق ابروهایش. همراه او یک معمم دیگری هم بود و این دو در اول راه قرار داشتند.

بنت الهدی خواهر صدر را در خواب دیدم که موهایش آشفته شده بود و چیزی شبیه کفن به تن کرده بود. او به من گفت عمر تو از عمر من است یا عمر من از عمر تو است، خوب به خاطر نمی‌آورم.

باقر حکیم را پس از منفجر شدنش دیدم که در اتاق علمای شهید شده نشسته و گویی او

پسر بچه‌ای بر روی بالش بود، در کنارش شهید صدر دوم پیرمرد قرار داشت و او بر حکیم خم شده بود و گویی از او تعریف و تمجید می‌کرد، و سید باقر خندان بود، همچون لبخند شاگردی که استادش از او ستایش می‌کند، و نور به صورت حلقه حلقه از سر صدر پیرمرد ساطع می‌شد و بالش سید صدر بالاتر از بالش سید باقر بود.

سید محمدرضا شیرازی را به همان هیئتی که در اینترنت منتشر شده است دیدم و او در حالی که فوت کرده بود ایستاده بود و کفنی به رنگ سبز مایل به آبی فیروزه‌ای بر او بود که رنگش بسیار زیبا بود، و در گردنش زنجیری از نقره بود که یک جور قفل بزرگ از آن آویزان شده بود، و دو چیز دیگر هم بود که آنها را بیان نمی‌کنم.

و بالاخره برای سومین بار یا بیشتر است که در خواب این آیات شریفه را می‌شنوم: «يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُّبِينٍ * يَغْشى النَّاسَ هَذَا عَذَابٌ أَلِيمٌ * رَبَّنَا اكْشِفْ عَنَّا الْعَذَابَ إِنَّا مُؤْمِنُونَ*... إِنَّا كَاشِفُو الْعَذَابِ قَلِيلًا إِنَّكُمْ عَائِدُونَ» (روزی که آسمان به آشکارا دود بیاورد* و آن دود همه‌ی مردم را در خود فرو پوشد و این عذابی است دردآور* ای پروردگار ما، این عذاب را از ما دور گردان که ما ایمان آورده‌ایم*... عذاب را اندکی برمی‌داریم و شما باز به آیین خویش بازمی‌گردید) و نیز آیات آغاز سوره‌ی انبیاء و اواخر سوره‌ی شمس را شنیدم: «إِذِ ابْتِغَتْ أَشْقَاهَا...»^۲ (آن‌گاه که شقی‌ترینشان برخاست ...) و برخی از آنها به همان طریق قرائت شما بود. آیا منظور آیه من هستم؟؟ سرورم! من می‌ترسم. از شما خواهش می‌کنم برای حسن عاقبت ما دعا کنید!
فرستنده: زینب - امارات

پاسخ:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

وَالصَّلٰوةُ لِلّٰهِ الْعَلِیْمِ، وَصَلِّ عَلَى الْمُرْسَلِ وَكُلُّ مَعْرَةٍ لِّلّٰهِ وَالْمُهْرَبِیْعُ وَسَلِّمْ تَسْلِیْمًا.

بعضاً منظور از خواب دیدن اشخاص، فقط اسامی است. آقای خمینی که شما دیده‌ای، همان آقای خمینی (رحمت الله) نیست بلکه شناساندن کسی به شما است که پس از وفات سید (رحمت الله) برای اصلاح امور امت پا پیش می‌گذارد، و این کار از طریق شخصی که او را می‌شناسی صورت می‌گیرد که او همان آقای خمینی است. پس مراد، فقط اسم آقای

خمینی و او «روح الله» است.

بنت الهدی نیز که در خواب دیده‌ای، قطعاً علویه بنت الهدی خواهر سید محمد باقر (ره) نیست زیرا سخن او به شما مبنی بر این که عمر تو از عمر من است (و این همان عبارت صحیح است) به این معنا است که وی از آل محمد علیهم‌السلام بوده است و انسانی عادی نمی‌باشد، بلکه او از ارواح الحیات - که همان آل محمد علیهم‌السلام هستند - می‌باشد؛ کسانی که زندگی و مرگ سایر خلائق از آنها است.

این که سید محمد باقر حکیم و سید صدر (ره) را در خواب دیده‌ای ان شاء الله برای این دو خیر است. این دو، قبل از بیانیه‌ی ۱۳ رجب و ان شاء الله بر ولایت وفات کرده‌اند و دعوت را رد و انکار نمودند.

خوابی که درباره‌ی محمدرضا شیرازی دیده‌ای، برای او خوب نیست، چرا که زنجیر و قفل به معنای زندان است، خداوند شما را از زندان آخرت نگاه دارد!

اما آن چه که به گوش شما رسیده است، هشداری درباره‌ی آمدن عذاب به سوی اهل زمین است. از خداوند عاقبت و نجات و حسن عاقبت را برای شما و همه‌ی انصار مسئلت می‌نمایم.

و اما آیه‌ی «إِذِ انبَعَثَ أَشْقَاهَا» (آن‌گاه که شقی‌ترینشان برخاست)، سیره‌ی مهدی همانند سیره‌ی علی علیه‌السلام و عاقبت او نیز همچون عاقبت علی علیه‌السلام خواهد بود. خداوند شما را بر هر خیری موفق بگرداند!

و لا سلام علیکم و رحمہ اللہ برکاتہ.

اصد الصبح - رجب الاصب / ۱۴۳۱ هـ. ق.

پیش‌کش ♦♦♦:

در خواب دیدم که ما در سالن بزرگی نشسته بودیم و ما انصار با برخی مردم گفت‌وگو می‌کردیم. سالن، بزرگ بود و در آن گروهی از مردم بودند و ما درباره‌ی دعوت با آنها سخن می‌گفتیم. سپس از آنجا بیرون آمدیم و من با یک نفر که رانندگی خودرو را بر عهده داشت و من کنارش نشستم، به سمت یک منطقه‌ی روستایی که سبحان الله بسیار زیبا بود به راه افتادیم. آن منطقه، مشرف بر رودخانه‌ای عریض و پر آب بود. در ادامه، ما در یک راه خاکی حرکت می‌کردیم که ناگهان چند مرد که اسلحه با خود داشتند از باغ بیرون آمدند. یک فرد مسلح به سراغ من آمد و اجازه داد من با دوربین اسلحه به دو خانه‌ای که مشرف بر رودخانه

بود نگاهی بیندازم؛ دو خانه‌ی قدیمی. او به من گفت: امام شما احمد الحسن از اینجا ظاهر می‌شود و ما اینجا منتظرش هستیم تا او ظاهر شود و ما بکشیمش. من به آنها پاسخی ندادم و ما از آنها می‌ترسیدیم. یکی از آنها به من گفت: ما (گروه فالانی) اینجا منتظرش هستیم تا وقتی ظاهر شد او را بکشیم. من به راننده گفتم: کنار بایست. ما با مقداری فاصله از آنها ایستادیم و من به آنها نگاه می‌کردم. ناگهان داخل باغ شدند و سبحان الله همه‌ی زمین بسیار سرسبز و زیبا شده بود مگر این باغی که در آن داخل شدند؛ گویی آنجا پاییزی و خشک بود. از خواب بیدار شدم و ساعت حدود ۲ ظهر بود. خداوند شما را توفیق دهد! معنای این رؤیا چیست؟

فرستنده: غائب منتظر - عراق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والصلاة لله رب العالمين، و صلوات الله على محمد وآل محمد الطاهرين و سلم تسليمًا.

خداوند شما را بر هر خیری موفق بگرداند! و از خداوند مسئله دارم که در خوابت، خیری از برای شما و بشارتی از جانب خدا برای پیروزی دینش و اظهار حق باشد، اگر چه کافران و منافقان را ناخوش آید.

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

اصد الصغیر - رجب لاصب / ۱۴۳۱ هـ. ق.

پرسش ۱+۶:

بسم الله الرحمن الرحيم

سلام بر پدرم امام محمد بن الحسن عليه السلام سلام بر پدرم امام احمد الحسن یمانی آل محمد عليهم السلام.

اللهم صل على محمد وآل محمد الطاهرين و سلم تسليمًا.

در سحر روز چهارشنبه ۲۵ صفر ۱۴۳۲ (۱۰ بهمن ۱۳۸۹) در خواب دیدم که گویی من پیش روی پدرم ایستاده بودم و پدرم نماینده «عادل امام» بود (در خواب اسمش عادل امام بود) ولی نماینده نبود و گویی او صاحب شرکت بزرگی بود و می‌خواست به جای دوردستی سفر کند و تا آنجا که یادم هست، سفرش مدت زمان زیادی طول می‌کشید. او به من گفت: شما مسؤول و مدیر شرکت خواهی شد. وی در خصوص این قضیه آسوده‌خاطر و مطمئن بود

و گویی به من اعتماد داشت. من با لبخند به او گفتم: به خدا من از پس این کار بر نمی‌آیم، و به او التماس کردم که از این کار معافم کند ولی او در کمال آرامش و اطمینان، بر کارش اصرار ورزید و من سرانجام موضوع را پذیرفتم. در آن هنگام برگشتم و بلافاصله دیدم یکی از نماینده‌ها با عادل امام در یکی از صحنه‌ها است. این شخص کچل بود و داشت درباره یک عدد که ۶۰۰۰۰۰ یا ۶۰۰۰۰۰ بود و الآن دقیقاً به خاطر ندارم صحبت می‌کرد. این فرد می‌خواست آخرین صفر عدد را حذف کند تا عدد کوچک شود. کار وی مشکوک بود و خودش هم این را می‌دانست. در نزدیکی او افراد دیگری بودند و گویی وی می‌خواست از آنها کلاهبرداری کند. وی گفت: اگر صفر را برداری عدد کوچک می‌شود و این مشکلی نیست. سپس تا آنجا که به یاد دارم، بعد از این قضیه می‌خواست آخرین صفر عدد ۵۰۰۰۰ را نیز بردارد تا عدد را به ۵۰۰۰ کاهش دهد. من به دلیل این کارش با او رویارو شدم و به وی گفتم از کارش دست بردارد، و گویی من بر او تسلط و قدرتی داشتم. او بر خلاف میلش از آن کار دست کشید. و الحمد لله رب العالمین.

فرستنده: محمد انصاری - عراق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والصبر للرب العالیم، و صبر اللعمر صبر و کمال صبر الائم و الصبر یج و سلم تسلیماً.

خداوند شما را بر هر خیری موفق بگرداند! و از خداوند مسئلت دارم که در خوابت، خیری برای شما و بشارتی از جانب خدا برای پیروزی دینش و اظهار حق باشد، اگر چه کافران و منافقان را ناخوش آید. بدان، اشخاصی که در خواب می‌بینی، اگر موضعی نداشته باشند، صرفاً نامی بیش نیستند یعنی منظور از آنها فقط اسم است؛ فرشتگان تصاویری برای این اسامی، متناسب با صفحه‌ی وجودی‌ات و آن چه که بر حافظه‌ی شما نقش بسته است ترتیب می‌دهند، تا از این طریق آن چه را که می‌خواهند به شما برسانند.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

اصبر الصبح - رجب الاصب / ۱۴۳۱ هـ. ق.

پرسش ۲۰۶:

ای سرورانم! السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ الصَّوْمُ لِلْمَرْبِ الْعَالِیْنِ، وَ صَلَّیْ اللّٰهُ عَلَیْكَ وَ آٰلِکَ سَلَمٍ وَ اٰلِہٖ وَسَلَّمَ تَسْلِیْمًا.

دیروز ۲۰۱۰/۲/۱۳ پس از سحر در خواب دیدم که گویی من نزد گروهی هستم که می‌خواستیم موضوع عذاب را به آنها تبلیغ کنم و برسانم. من به آنها می‌گفتم: امام مهدی (علیه السلام) فرستاده‌ای فرستاده است و کفرورزی به دعوت او، باعث نزول عذاب الهی شده است. من این افراد را نمی‌شناختم. خانه‌هایی داشتند که به هم نزدیک بود. در همین حال حشرات نسبتاً بزرگی که از کف دست بزرگتر بود آمدند و از همه جا در خانه‌ها و در خیابان‌ها وارد شدند. آنها به رنگ قهوه‌ای تیره بودند. من به مردم گفتم: این عذاب است که نازل شده است زیرا به فاصله‌ی بسیار کمی قبل از عذاب، این حشرات پیدا می‌شوند.... عذاب نازل شد. تمام حیوانات‌شان در خانه‌ای که حشرات به شکل به ترسناکی به آن که وارد شده بودند، پناه گرفتند. از جمله چیزهایی که دیدم گاوی بود که نمی‌گذاشت کسی او را بزند. در همین اثنا سعی کردم به خانه‌ی کناری بگریزم ولی دیدم حیوانات همه جا را پر کرده‌اند لذا درصدد آمدم از جایی که در آن هستم به جایی فرار کنم که نمی‌دانم کجا است ولی در ذهنم بود. در خیابان اصلی تاکسی‌هایی دیدم و به دلم این گونه‌ی خطور کرد که امکان ندارد کسی قبول کند که مرا برساند ولی یکی از آنها همان بار اول که از او خواستم، موافقت کرد. قبل از آن که با او سوار ماشین بشوم، به یک بقالی که میوه و سبزیجات می‌فروخت رفتم و چیزی که الآن به یاد ندارم از او خریدم و به مردمی که در خیابان بودند چیزی درباره‌ی عذاب گفتم. سوار ماشین شدم و آنجا را ترک کردم، و الحمد لله وحده وحده وحده.

سرورم، ای قائم آل محمد (علیه السلام) تعبیر این خواب چیست؟

فرستنده: زیاد الجبوری - فلانده

پاسخ:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

و الصَّوْمُ لِلْمَرْبِ الْعَالِیْنِ، وَ صَلَّیْ اللّٰهُ عَلَیْكَ وَ آٰلِکَ سَلَمٍ وَ اٰلِہٖ وَسَلَّمَ تَسْلِیْمًا.

خداوند شما را بر هر خیری موفق بگرداند! خوابت، بشارتی برای شما است بر این که ان شاء الله شما در این دنیا در زمره‌ی کسانی هستی که از عذاب خدای سبحان نجات می‌یابند. از خداوند مستلت دارم که شما در دنیا و آخرت با محمد و آل محمد باشی.

و السلام علیکم و رحمہ اللہ وبرکاتہ.

الصَّوْمُ لِلْمَرْبِ الْعَالِیْنِ - رجب الاصب / ۱۴۴۱ هـ. ق.

پرسش ۳۰۳:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ.....

سلام بر تو ای حجت خدا بر زمین، سلام بر انصار امام ما و حبیب ما و وصی امام ما
 مهدی علیه السلام.
 به خدا نمی‌دانم خواب من تفسیر دارد یا نه، و نمی‌دانم این خواب چیزی از سوی شیطان
 بوده است یا نه.

معروف است که من (و پناه می‌برم به خدا از منیت) از همه چیز ترس و واهمه دارم حتی
 در خواب، اما این خواب هر چند وحشتناک بود ولی من نترسیدم.
 خودم را در غذاخوری دانشگاهی که در آن درس می‌خوانم دیدم. بشقابم را با غذای کامل
 گرفتم ولی ملتفت غذایی که در بشقاب بود نشدم. به هر حال، به وسط غذاخوری رسیدم تا
 یک تکه نان بگیرم. می‌خواستم نان را با چاقو ببرم ولی به اشتباه انگشت سبابه‌ی دست چپم
 را بریدم ولی با این وجود بسیار آرام بودم. قسمت بریده شده‌ی انگشت را گرفتم و آن را در
 دهان زیر زبانم گذاشتم و باقیمانده‌ی انگشت را بستم و به آشپزخانه‌ی غذاخوری رفتم و از
 افراد حاضر در آنجا خواستم بشقابی که در آن ماده‌ی ضدعفونی کننده است برایم بیاورند. آن
 قسمت بریده شده را از دهانم بیرون آوردم و در ماده‌ی ضدعفونی کننده قرار دادم. قسمت
 باقی‌مانده‌ی انگشت را نیز در آن ماده گذاشتم. من منتظر آمبولانس بودم. همه ترسیده بودند
 ولی من راحت و آرام بودم.

و السلام علیکم و رحمہ اللہ برکاتہ.

از امام حجت درخواست ویژه دارم که برایم دعا کند که خداوند گام‌هایم را بر راه مستقیم
 و هدایت و نصرت امام، برای یوم الدین ثابت و استوار بدارد.
 فرستنده: خادمی اهل البیت - فنلاند

پاسخ:

بسم اللہ الرحمن الرحیم

والصمد للرب العالمین، وهدى للعالمین وکل مصدر لائم و المصبرین و سلم تسلیماً.

خواب شما ان شاء الله بشارت دهنده است و برای شما خیر به همراه دارد! دانشگاه یا
 دانشکده در خواب به آسمان عقل یا آسمان هفتم کلی اشاره دارد. به خواست خدا شما در راه
 کمال عقل هستید و خداوند شما را با انبیاء و مرسلین محشور فرماید. در رؤیا انگشت،
 نشانه‌ی خویشان و انسان‌های نزدیک به انسان است و بریده شدن آن نیز یعنی اختلاف با آن

شخص یا قطع رابطه با او به خاطر علتی، مثلاً به این دلیل که وی به حق ایمان ندارد. رفتن به بیمارستان نیز یعنی تلاش برای اصلاح او. از خداوند برای شما توفیق و حسن عاقبت مسئلت می‌نمایم!

والسلام علیکم ورحمة اللہ وبرکاتہ.

اصد الصبح - رجب الاصب / ۱۴۴۱ هـ. ق.

پرسش ۴ + ۶:

بسم اللہ الرحمن الرحیم. السلام علیکم....

وقتی با ماجرای سید احمد الحسن آشنا شدم و خوابیدم، این خواب را دیدم طبق آن چه که به یاد می‌آورم و از کمی و زیادی آن، از خداوند طلب بخشش می‌کنم:

در کنار پنجره‌ی اتاقم ماجرای رخ داده بود. گویی آنجا کسی بود که مرده بود ولی مرده نبود، مخفی بود ولی مخفی نبود، در او نیروی زیادی وجود داشت، گویی اینجا واقعه‌ی بزرگی در جریان بود. وقتی کنار او بودم گرما را حس می‌کردم. من احساس ترس داشتم و بسیار ذکر خدا می‌گفتم.

این خواب تئمه‌ای نیز دارد ولی به همین مقدار اکتفا می‌کنم زیرا توصیف خواب برایم دشوار است.

فرستنده: زهرا - عربستان سعودی

پاسخ:

بسم اللہ الرحمن الرحیم

والصمد للرب العالمین، و صلوات اللہ علیہ و آله و سلم تسلیماً.

از خداوند برای شما توفیق و شناخت حق و یاری آن را مسئلت می‌نمایم! رؤیای شما درباره‌ی این دعوت راستین و بیان وضعیت صاحب آن است. این که او مرده بوده ولی مرده نبوده یعنی وی در گذشته وارد این عالم شده و سپس به قتل رسیده و این دنیا را ترک گفته است. می‌توانی به ماجرای شبیه عیسی (علیه السلام) که در جلد ۴ کتاب «متشابهات» موجود است مراجعه نمایی. اما این که وی مرده نبوده است یعنی او اکنون و در حال حاضر در این عالم وجود دارد. این که مخفی بود و در عین حال مخفی نبود به این معنا است که قضیه‌ی مهدی اول در روایات شیعه و سنی که از حضرت محمد و آل محمد (علیهم السلام) نقل شده و نیز در وصیت پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) موجود است، در کتاب‌ها نقل شده است ولی در عین حال تقریباً بر عموم مردم

مخفی و پوشیده است؛ زیرا مشیت الهی بر آن است که هنگامی این موضوع را ظاهر گرداند که صاحبش حاضر گردد. نیرویی که در آن است، همان نور خدا و حرارتی که شما احساس کرده‌ای، همان حرارت و گرمای حیات واقعی است. ذکر خدا نیز به شما نشان می‌دهد که خواب شما وحیی از جانب خدای سبحان برای شما می‌باشد.

خداوند شما را توفیق دهد!

و السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

اصحح الصبح - رجب لاصب / ۱۴۴۱ هـ. ق.

پرسش ۵+۶:

درود و سلام بر تو ای سرورم، ای پسر رسول خدا و بر پدرانت و بر مهدیین از فرزندان ﷺ. سرور و مولایم، ای پسر رسول خدا! در یکی از شب‌ها رفتم که بخوابم و برای مخالفین شما خیلی متاسف و ناراحت بودم. در خواب عمیقی فرو رفتم و گویی بر رویم رواندازی بود که من از شدت خستگی نصف بدنم را با آن پوشانده بودم. وحشت‌زده از خواب بیدار شدم و صدایی در گوشم می‌شنیدم که می‌گفت: «یا ایها المزمّل، قم الیل الا قلیلاً، نصفه او انقص منه قلیلاً، اوزد علیه و رتل القران ترتیلاً».

این خواب را در دلم پنهان کردم و با خود گفتم آن را با هیچ کس در میان نمی‌گذارم مگر با شما ای سرورم، که ما از شما می‌آموزیم و به شما پاسخ‌گوییم. چه نصیحت و نکته‌ای برای من دارید؟

فرستنده: یوسف - حجاز

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحیم

والصلاة لله رب العالمین، وهدى الامم صمد وکل مصدر اللائم والتمهیر بیح و سلم تسلیماً.

انصار امام مهدی ﷺ فرستادگانی از انبیاء پیشین هستند و برخی از آنها دارای مقام نبوت‌اند. این مطلب را در کتاب نبوت خاتم تشریح نموده‌ام، خداوند شما را توفیق دهد! خواب شما، دعوت خدا از شما برای تعبد در بخشی از شب است، به هر مقداری که می‌توانی، تا خداوند سبحان شما را بر آن چه که می‌خواهد درباره‌ی ملکوتش اطلاع دهد، مطلع گرداند. خداوند شما را بر هر خیری موفق بگرداند! اگر می‌توانی «نماز ناشئه الیل» را بخوان و شما چگونگی آن را نزد انصار که خداوند توفیقشان دهد، می‌یابی. من چند سال قبل در این مورد

برای آنها مطلبی نوشته‌ام و این مطلب در قسمت اعمال عبادی موجود است.

و السلام علیکم و رحمہ اللہ برکاتہ.

اصد الصبح - رجب الاصب / ۱۴۴۱ هـ. ق.

پرسش ۶۰۶:

بسم اللہ الرحمن الرحیم

والصمد للرب العالمین، و صلوات اللعمره و کمال الصبره اللائم و الصبرین و سلم تسلیماً کثیراً.

در خوابم دیدم که گذرگاهی وجود داشت و این گذرگاه از دو طرف محصور بود. هر طرف شبیه دیوار بود، به شکل یک کوچه‌ی تنگ و باریک و بر هر طرف (دیوار) نیز سیم‌های برق وجود داشت که از آنها نور زیاد و ترسناکی پخش می‌شد. ناگهان مردی بلند قد را که کیفی به دست راستش گرفته بود و سنش نیز ۳۹ و ۴۰ یا ۴۱ ساله می‌نمود دیدم. در خواب گفتم این احمد الحسن (علیه السلام) است. او دست مرا گرفت و به من گفت: از اینجا برو؛ یعنی راه امن و مناسب و رهایی از نور را برایم مشخص کرد. در مسیر رفتنم، ردپای کسانی که به سلامت از نور عبور کرده بودند را می‌دیدم، و پس از آن بیدار شدم. خداوندا! ولی خودت احمد الحسن (علیه السلام) را نصرت عطا فرما و او را در زمین تمکین بده و انصار او را موفق گردان، یا ارحم الراحمین.

فرستنده: احمد - مراکش

پاسخ:

بسم اللہ الرحمن الرحیم

والصمد للرب العالمین، و صلوات اللعمره و کمال الصبره اللائم و الصبرین و سلم تسلیماً.

روایای شما بشارتی از جانب خدای سبحان مبنی بر حسن عاقبت شما و استوار داشتن از سوی او سبحان و تعالی است، ان شاء الله و بیان این مطلب که شما بر حق و بر صراط مستقیم هستی. پس خدای سبحان و تعالی را حمد کن که این فضل عظیم را بر تو منت نهاده است.

و السلام علیکم و رحمہ اللہ برکاتہ.

اصد الصبح - رجب الاصب / ۱۴۴۱ هـ. ق.

پرسش ۶۰۷:

به سرور و مولایم، امام احمد الحسن (علیه السلام)...

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیْمِ، وَصَلِّ عَلَى الْمُعْتَدِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلَّمَ تَسْلِیْمًا.

سلام بر سرور و مولایم امام مهدی علیه السلام سلام بر تو ای سرور و مولایم، قائم آل محمد و رحمة الله و برکاته.

سرور و مولایم! خواب یکی از خواهران انصار را برای شما نقل می‌کنم:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

خدمت سرور و مولایم، همه‌ی دار و ندارم در دنیا و آخرت، چشم روشنی پیامبر و انتقام‌گیرنده‌ی زهرای بتول، سلاله‌ی پاکان، میوه‌ی ائمه‌ی منتجبین و پدر مهدیین پادشاه. آقایم و مولایم، قائم آل محمد، بر آنها و بر او بالاترین سلام و صلوات باد! آقا و مولایم، سلام بر شما و رحمت خداوند و برکات او بر شما!

سرورم! در خواب دیدم که گویا من در نماز جماعت بودم و صف‌ها به هم پیوسته شد و قبله کمی مایل به مشرق بود و تعداد صف‌ها نزدیک ده صف یا کمی بیشتر بود. امام جماعت در وسط صف اول نمازگزاران قرار داشت. در سمت چپ هر صف زنان قرار داشتند ولی ایستادن آنها به طور مستقیم نبود بلکه خمیده و به شکل نیم‌دایره بود. امام جماعت، شهید سید عبدالامام (ره) بود و نماز هم نماز واجب یعنی نماز چهار رکعتی بود. من در وسط صف‌ها با زنان ایستاده بودم و شوهرم نیز در صف همراه من بود. بر شما پوشیده نیست که وی نسبت به راه حق جاهل است. سید عبدالامام (ره) نماز را شروع کرد و دو رکعت کامل خواند. در رکعت سوم سید عبدالامام (ره) ساکت شد و سرور و مولایم، قائم آل محمد احمد الحسن علیه السلام نماز را تمام کرد. وی در وسط صف‌ها یعنی همان صفی که من و شوهرم در آن بودیم، قرار داشت. شوهرم وقتی شنید و فهمید که سید نماز را تمام خواهد کرد، نمازش را قطع کرد و این کار او باعث شد جنجالی بین نمازگزاران به وجود آید. او می‌گفت: من پشت سر سید عبدالامام نماز می‌خواندم و نمی‌دانستم این احمد الحسن است که نماز را تمام خواهد کرد. در همین احوال سید علیه السلام بدون این که نمازش را قطع کند، کمی به سوی او توجه کرد. من نیز کمی رو به سوی او کردم. سپس شوهرم نماز را ترک کرد و جای او خالی ماند و ما نماز را به پایان بردیم.

وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیْمِ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلِّمْ وَسَلِّمْ عَلٰی سَائِرِ الْمُرْسَلِیْنَ وَآلِهِمْ وَسَلَّمَ.

و درود و سلام بر محمد و آل محمد الائمه و المهديين و سلم تسليمًا كثيرًا.
و السلام عليكم و رحمہ اللہ وبرکاتہ.... و الحمد لله رب العالمين

فرستنده: محمد - عراق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلوات الله على محمد و آل محمد الائمه و المهديين و سلم تسليمًا.

این رؤیا برای شما بشارت‌دهنده و برای شوهرت هشداردهنده است. از خداوند برای او حسن عاقبت مسئلت داریم. نماز، همان ولایت ولی خدا و کار با او و در پیشگاه او است. خداوند شما را به کار با حق همراه حق موفق بدارد.
و السلام عليكم و رحمہ اللہ وبرکاتہ.

الحمد لله الصبح - رجب لاصب / ۱۴۴۱ هـ. ق.

پرسش ۶۰۸:

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صل على محمد و آل محمد و سلم تسليمًا كثيرًا.

بیعت من در شب جمعه صورت گرفت و در خواب دیدم که در دیوار اتاق خوابم که مشرف بر خیابان است، دو شکاف باز شد و من نور روز را از آن می‌دیدم ولی یکی از تشک‌های تخت خوابم را که مخصوص من بود ندیدم و این همان چیزی بود که از باز شدن شکاف جلوگیری می‌کرد. ولی من در درونم احساس ترس می‌کردم از این که نکند از طریق این سوراخ، یک موش از خیابان به خانه رخنه کرده باشد، ولی به طور قطع و یقین در منزل موش پیدا نمی‌شود.

از حضرتعالی تفسیر خواب را تقاضا دارم.

و صلوات الله على محمد و آل محمد و سلم تسليمًا كثيرًا.... و السلام عليكم و رحمہ اللہ وبرکاتہ.
فرستنده: عبدالله - مصر

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلوات الله على محمد و آل محمد و سلم تسليمًا.

رؤیا برای شما بشارت دهنده است و به معنای استوار داشتن شما بر حق از سوی خداوند است. دو شکاف که از آنها نور دیده‌ای، یعنی دو مکانی که در آنها هدایت وجود دارد و این دو، نماد دعوت حق است که تو در آنها داخل می‌شوی و از آنها نور حق را مشاهده می‌کنی اما ترس شما از این که موش از طریق این سوراخ از خیابان وارد خانه‌ات شود به این معنا است که ان شاء الله خداوند شما را از هر چه که به شما و به آنچه که در تملک شما است، زیان می‌رساند، دور نگاه می‌دارد، با توکل بر خدای سبحان. خداوند شما را بر هر خیری موفق بگرداند!

و السلام علیکم و رحمہ اللہ برکاتہ.

اصح الصبح - رصب لاصب / ۱۴۳۱ هـ. ق.

پرسش ۶۰۹:

بسم اللہ الرحمن الرحیم....

اللهم صل علی محمد و آل محمد الحسن علیهم السلام تسلیماً کثیراً.

سلام بر یمان‌ی آل محمد احمد الحسن علیهم السلام و بر اولیای خدا و حجت‌های الهی. امروز بعد از نماز صبح رفتیم که بخوابیم و در خواب دیدم در مسجد پیامبر خدا حضرت محمد ﷺ (مسجد نبوی در مدینه‌ی منوره) هستم. من در داخل مسجد راه می‌رفتم و حضور ذهن نداشتم که در مسجد قرار دارم. وقتی به در خروجی رسیدم، دریافتم که در مسجد نبوی هستم بنابراین همان لحظه بر پیامبر خدا ﷺ سلام و درود فرستادم. آنجا یک نفر بود که از دور دست داشت به سمت من دوید و من فهمیدم که برای اذیت کردن من آمده است. شکل ظاهری او را به یاد نمی‌آورم و نمی‌دانم آیا ریش داشت یا نه و آیا کوتاه قد بود یا خیر. در واقع ظاهر و قیافه‌ی او را به یاد نمی‌آورم. خلاصه او به سمت من آمد تا مرا اذیت کند ولی من از او دور شدم. او یک بار دیگر به سراغ من آمد به این قصد که مرا بیازارد و نگذارد رسول اکرم حضرت محمد ﷺ را زیارت کنم ولی نمی‌دانم چگونه از دستش خلاص شدم. فوراً به سمت ضریح پیامبر رفتم. در آنجا چند نفری پیش ضریح بودند و من جلو رفتم تا به قبر رسیدم. افراد حاضر در آنجا، در سمت چپ و راست من قرار گرفتند و من (و پناه می‌برم به خدا از منیت) در وسط آنها جای گرفتم. نگاه کردم و مرد خفته‌ای را دیدم که صورتش به سمت ضریح بود. به ذهنم آمد که او پیامبر نیست بلکه فرد دیگری است ولی او بدنش را

صاف کرد و بر پشتش خوابید و من فهمیدم که او پیامبر خدا حضرت محمد ﷺ است. او سفید بود و ریش سفیدی هم داشت و دارای هیبت و عظمت بود. من تلفن را از جیبم در آوردم تا از او عکس بگیرم. برای بار اول عکس گرفتم ولی عکس خوب درنیامد. یک بار دیگر عکس گرفتم ولی این بار هم خوب درنیامد. خواستم عکس بعدی را بگیرم ولی ایشان ﷺ چشمانش را باز کرد و نمی‌دانم چه گفت ولی فهمیدم که من بیش از یک عکس از ایشان گرفته‌ام و دیگر کافی است. تلفن را به جیبم برگرداندم و پیامبر را مخاطب قرار دادم و سختم را با آوردن اسم یمانی شروع کردم و به او گفتم: «احمد الحسن». ایشان ﷺ با همان عبارت به من جواب داد: «احمد الحسن». سپس از ایشان پرسیدم: آیا جایز است که با اسم یمانی دعا کنم، مثلاً بگویم: «یا احمد الحسن». پاسخ ایشان به صورت جایز است یا جایز نیست نبود بلکه پاسخ ایشان این بود: «واجب است». من درباره‌ی مقام امام احمد الحسن (علیه السلام) از ایشان سؤال کردم و حضرت پاسخ مرا داد ولی من از او خواستم که دوباره برایم تکرار کند، زیرا می‌ترسیدم پاسخ را فراموش کنم. ایشان دوباره پاسخی مشابه ولی به شیوه‌ی دیگری داد که آن را هم فراموش کرده‌ام. ولی این جواب چنین بود (دقیقش را خداوند می‌داند) «نمی‌توان به آن دست یافت» چیزی به این مضمون (خداوند عالم است). پس از آن، گفت‌وگویی در عالم رؤیا بین من و او روی داد که من جزئیات این صحبت‌ها را به یاد نمی‌آورم ولی در آخر کار، پیامبر که جانم فدایش باد نمی‌دانم چرا ناراحت و دل‌تنگ شد. رؤیا تمام شد و من از خواب بیدار شدم. ساعت شش و ربع صبح بود.

امیدوارم اگر در بیان خواب اشتباه کرده باشم خداوند مرا ببخشد و اگر جزئیات آن را از یاد برده باشم و نیز به خاطر اصراری که در سؤالات بر پیامبر خدا ﷺ داشته‌ام نیز مرا عفو فرماید. تذکر: من وقتی به پیامبر حضرت محمد ﷺ رسیدم می‌دانستم که در عالم ملکوت هستم. تاریخ خواب: ۲۰۱۰/۳/۹ م، ۲۳ ربیع الاول ۱۴۳۱ هجری.

خدوندا! بر فاطمه، پدرشوهرم، فرزندانش و سر یوسفیده (شردرود و صلوات بفرست!

فرستنده: ابو علی - کویت

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والصلاة لله رب العالمين، و صلوات الله على محمد وآل محمد الطاهين، والسلام تسليمًا.

خداوند شما را بر هر خیری موفق بگرداند و خیر آخرت و دنیا را روزی شما نماید! و سپاس خدایی را که به دیدن پیامبر اکرم محمد ﷺ بر شما منت گذارد. او یاور من است و او دوست شایستگان است.

و السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

اصد الصبح - رجب المصعب / ۱۴۳۱ هـ. ق.

پرسش ۶۱۰:

در عالم رؤیا دیدم: انصار به من قول دادند که مرا نزد سید ﷺ ببرند. من با آنها راه می‌رفتم. برخی برای ما مشکلاتی ایجاد می‌کردند که راهی شده بودیم تا به سید ﷺ برسیم و داشتیم فکر می‌کردم که چه‌طور برسم. فکر کردم که به خودم اعتماد کنم (به تنهایی بروم)، به هر حال رسیدم و سید ﷺ را دیدم که بر روی یک تپه‌ی شنی نشسته و جلوی ساختمانی است که دارد بازسازی می‌شود. من از پشت سر سید ﷺ آمدم و پشت سر سید ﷺ نشستم و دستم را بر گردن سید ﷺ گذاشتم. سید ﷺ به سمت من برگشت و سرش را بر دستانم گذاشت و به من لبخند زد. در این لحظه سه تن از انصار رسیدند و تعجب کردند که من چطور الآن پیش سید ﷺ آمده‌ام، و حال آن که آنها از روبه‌روی سید ﷺ آمدند. حواسم به چهره‌ی سید ﷺ بر گونه‌اش معطوف شد که به شدت کم‌مو بود، بسیار سفید بود و توجهمم را جلب نمود. چهره‌اش گندمگون بود. با سید ﷺ در جایی در لبنان که آنجا را می‌شناسم راه رفتیم. سید ﷺ چیز کوچکی مثل تخم مرغ در دستش گرفته بود. با آن تخم مرغ به تپه‌های شنی اشاره می‌کرد و آنها را ذوب می‌کرد. این کار را با چند تپه انجام داد. من یک لحظه فکر کردم که سید ﷺ بدون تخم مرغ نمی‌تواند چنین کاری انجام دهد. سید ﷺ متوجه من شد و گویی فهمید که من به چه فکر کرده‌ام. وی تخم مرغ را به من داد و به طرف من پرت کرد و رفت با دستش به تپه‌ها اشاره کرد و آنها را ذوب کرد. **و اصد الرب العالمین:**

فرستنده: عاملی - آلمان

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و اصد الرب العالمین، و صلوات الله علیهم و آله و سلم تسلیماً.

از خداوند مسئلت می‌نمایم که شما را به آن چه که خیر آخرت و دنیایت در آن است، موفق بدارد و شما را توفیق و تسدید عطا کند و بر قوم ستمکار نصرت بخشد.

و السلام علیکم و رحمہ اللہ برکاتہ.

اصد الصغیر - رجب لاصب / ۱۴۴۱ هـ. ق.

پرسش ۶۱:

سلام بر تو ای پسر رسول خدا و رحمة الله و برکاته.

خدمتگزار خاکسارتان به شما سلام می‌رساند و خودش را به عنوان سرمایه‌ای ناچیز به شما تقدیم می‌دارد و در حالی که دلش مالامال از توحید الهی و تسلیم شدن در پیشگاه شما است، می‌گوید: «و لقد مسنا و اهلنا الضر فتصدق علينا إن الله یجزی المتصدقین» (ما و کسانمان به گرسنگی افتاده‌ایم، بر ما صدقه بده زیرا خدا صدقه‌دهندگان را دوست دارد).

سرورم، خواهش می‌کنم به من لطف کنید و خواب همسرم را تفسیر فرمایید. وی در خواب دید که بر صورتم دعای صبح را می‌نویسد در حالی که آن را قرائت می‌کرد. آیا ممکن است زن وقتی خواب است و جنب یا حائض می‌باشد، رؤیای صادقه ببیند؟ فرستنده: موسوی - عراق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحیم

والصمد للرب العالمین، و صلوات الله علیهم و آله و سلم تسلیماً.

ممکن است زن مؤمن، رؤیای صادقه ببیند حتی اگر جنب یا حائض باشد، و این خوابی که او دیده است برای شما و برای خودش خیر است، ان شاء الله. از خداوند برای شما خیر آخرت و دنیا را مسئلت دارم. او یاور من است و او دوست شایستگان است. و السلام علیکم و رحمہ اللہ برکاتہ.

اصد الصغیر - رجب لاصب / ۱۴۴۱ هـ. ق.

پرسش ۶۲:

بسم الله الرحمن الرحیم

الصمد للصمدین و ما کننا لیهتم رسول الاخ هدانا الله

پاس خدایی را که ما را به این راه بربری کرده و اگر ما را بربری نکرده بود راه خویش نمی‌یاقتیم

درود و سلام بر محمد امین و بر خاندان طیب و طاهر او، ائمه و مهدیین.

سلام بر سرور و مولایم یمانی آل محمد ﷺ و قائم آنها و بر اهل بیت تو و فرزندان برگزیده‌ی تو مهدیین، و رحمة الله و برکاته.

سرورم! در خواب دیدم که گویی وارد ضریح سرور و مولایم ابی عبدالله الحسین ﷺ شدم و فرزندانم که سه نفر هستند علی، احمد و عباس و دخترم فاطمه با من بودند. مردم زیادی در ضریح مطهر بودند.

سپس مردم متفرق شدند و من در ضریح مطهر باقی ماندم و با امام حسین ﷺ صحبت می‌کردم. کمی بعد در ضریح مطهر باز شد. سپس قبر شریف باز شد و من، امام حسین ﷺ را دیدم که در قبر به پشت خوابیده بود. آن حضرت دستش را بیرون آورد و با من گفت‌وگو کرد. من همه‌ی سخنان امام ﷺ را به یاد ندارم ولی در خاطر هست که به من چیزی به این معنا گفت که ایشان درباره‌ی فرزندانم با من سخن گفت و این که جنگی به پا خواهد شد و پسر من عباس در آن شرکت می‌کند یا در آن کشته می‌شود، دقیقاً به خاطر ندارم. سپس بیرون آمدم و از خوشحالی می‌دویدم و به مردم می‌گفتم: امام حسین ﷺ با من حرف زد و با صدای بلند پسر من عباس را صدا می‌زدم تا حرف‌های امام حسین ﷺ را به او اطلاع دهم. وقتی سخنان امام ﷺ را به او گفتم شروع به خندیدن کرد و از حرف‌های امام ﷺ شاد و خوشحال شد.

این خواب من بود سرورم. لطفاً اگر صلاح می‌دانید خواب را برایم تاویل کنید. با در نظر گرفتن این مطلب که من الآن یک پسر دارم و نام او علی است و من الآن شکر خدا حامله هستم و خودم و شوهرم امیدواریم خداوند فرزندی روزی‌مان کند و اسم او را احمد بگذاریم و فدوی مهدیین ﷺ شوند. سرورم! به لطف و کرم شما چشم امید دارم که برای ما دعا کنی خداوند ذریه‌ی صالح و مؤمن و یاریگر محمد و آل محمد روزی‌مان گرداند تا پیش زهرا ﷺ روسفید باشیم. از این که مطلب طول کشید معذورم بدار سرورم! خداوند در فرج شما تعجیل نماید و به زودی زود شما را تمکین دهد، به حق زهرا ﷺ بابت تقصیر و کوتاهی، عفو شما را مسئلت داریم که شما کریم و از اولاد کرام هستید.

و السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

فرستنده: ام علی - عراق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والصبر للرب العالیم، وصلی اللعز محمد و آله صبر اللائم والمهریبیع وسلم تسلیماً.

خداوند شما را بر هر خیری موفق بگرداند! از خداوند مسئلت دارم که به خیر آخرت و دنیا بر شما منت نهد، و ان شاء الله خواب شما متضمن خیر فراوانی برای شما است. «و الله ولی التوفیق» (خداوند دهنده‌ی توفیق است).

والسلام علیکم ورحمة اللع وبرکاتم.

اصد الصغ - رجب لاصب / ۱۴۴۱ هـ. ق.

پرسش ۶۱۳:

والسلام علیکم ورحمة اللع وبرکاتم.

و بعد... من چند وقت مختصری است که در تالار گفت‌وگوی انصار پیگیر هستم و در سایت مطالبی درباره‌ی امام خواندم و فایل‌های صوتی ایشان را شنیدم در واقع به آن چه وی به آن دعوت می‌کند آرامش پیدا کردم ولی مشکلم این است که من سنی هستم و اصولاً به امامت اعتقادی ندارم ولی با این حال به طور مرتب در تالار حضور دارم شاید که خدا حق را برایم ظاهر گرداند، اگر که بر آن نباشم.

یکی از برادران وقتی تردید و دودلی مرا در خصوص دعوت شنید به من نصیحت کرد که استخاره کنم. من غسل کردم، نماز خواندم و از خداوند خواستم مرا بر حق دلالت کند و خوابیدم در حالی که صدای نواهای امام احمد الحسن علیه السلام در گوشم بود. در رؤیا دیدم که زیر درختی خوابیده‌ام و این درخت کنار یک راه خاکی که به دو طرف کشیده شده بود قرار داشت. پیرمردی که چانه‌اش نزدیک به زمین بود و لباسش بدبافت بود آمد. او که گویی از گذشته آمده بود، به عصایی که بلندتر از خودش بود تکیه زده بود. پیرمرد کنارم نشست و با مهربانی، آهسته در گوشم گفت: الآن زمان مناسبی برای خوابیدن نیست، بیدار شو، ای ابراهیم. من با وحشت از خواب بیدار شدم و به او نگاه کردم و ترسم بیشتر شد. او گفت: وحشت نکن و سؤالی نپرس، از پیری سخن بشنو که عمرش برابر با عمر بسیاری دیگر است و فقط با عده‌ی اندکی سخن گفته است، او اکنون با تو سخن می‌گوید، پس بشنو و به خاطر بسپار و بفهم زیرا من آن چه را بگویم تکرار نمی‌کنم. به سمت چپ برو. در آنجا روستای کوچک و فقیری می‌یابی که مردمش ساده و خوش طینت‌اند. به آنها ابلاغ کن که خورشید روزنه‌ای بسیار کوچک از جهنم است که بر زمین باز شده و آنها باید کوچ کنند. هر کس که

از مهاجرت با تو سر باز زد بر او اصرار نکن. با کسانی که همراهت هستند، به طی مسیر به سمت مشرق ادامه بده. در آنجا روستای دیگری خواهید یافت که مردمانش در رفاه بیشتری هستند و خشن‌ترند. از آنها دوری گزینید و آنها را بر مهاجرت با خودتان اصرار نوزید. شما و کسانی که از روستای دوم همراهت شده‌اند، به حرکت به سمت مشرق ادامه دهید، تا به روستای سوم برسید. کار قبلی خود را تکرار کنید. به هر روستایی که برسید می‌بینید مردمش از رفاه بیشتری برخوردارند و خشن‌ترند. تا این که به روستای هفتم می‌رسید. از کنار آن عبور کنید و مردم آن روستا نباید شما را ببینند. ای ابراهیم، در پشت روستا درختی مثل همین درختی که بر ما سایه افکنده می‌باید که برگش سرسبزتر و ظاهرش خوش‌نماتر است و میوه‌ی بیشتری دارد و سایه‌اش در جلوی آن امتداد می‌یابد و بر باقی زمین سایه می‌افکند. وقتی رسیدید، ممکن است زیر آن درخت با یکدیگر ملاقات کنیم و شاید هم با یکدیگر ملاقات نکنیم. همین طور که الآن خوابیده‌ای، زیر آن درخت بخوابید، و به هنگام طلوع آفتاب در سایه‌ی آن درخت به راه بیافتید چرا که خورشید شما غروب نمی‌کند تا این که خدا به چیزی غیر از آن اجازه دهد. وی سپس دستش را دراز کرد و برگی از درخت کند و آن را به سوی من گرفت. من دستم را به سوی او دراز کردم و برگ را از او گرفتم. بر روی آن یک حرف که من به وضوح آن را می‌دیدم نوشته بود و آن حرف «نون: بود!!» به او گفتم: با این چه کنم؟ گفت: به تو گفته بودم که سؤال نکن.

او مرا رها کرد و رفت. من سعی کردم به او برسم ولی وی پنهان شد. این خواب، زیبا و آرامش‌بخش بود، هر چند من چیزی از آن نفهمیدم.

از یکی از برادران انصار امام پرسیدم و او پیشنهاد کرد که برای شما نامه بفرستم. از خداوند مسئلت دارم اگر بر حق هستید، مرا به آن راه بنمایید. امیدوارم سریعاً پاسخ بدهید. ضمناً متذکر می‌شوم که من این سخن را فقط برای شما نقل کرده‌ام. خداوند شما را حفظ فرماید!

فرستنده: ابراهیم عبدالله - عربستان سعودی

پاسخ:

بسم اللّٰه الرحمن الرحيم

والصلاة والسلام على من لا نبي بعده وآل محمد الطيبين و سلم تسليماً.

از خداوند برای شما توفیق و حسن عاقبت مسئلت می‌نمایم! در این رؤیا، درختی که شما

زیر آن خوابیده‌ای، اشاره است به آن چه که قبل از خواب شنیده‌ای، یعنی آن شجره‌ی مبارکه که در قرآن است که همان درخت محمد ﷺ و آل محمد ﷺ می‌باشد. شخصی که دیده‌ای، یک انسان باتقوا و ولی‌ای از اولیای الهی است زیرا در رؤیا محاسن، به دین اشاره دارد. این که تو را دستور داده است که از خواب بیدار شوی، یعنی حق را نصرت دهی و از غفلت دنیا و مشغول گشتن به دنیا و اهل آن بیدار شوی، و کاری که به شما سپرده است ان شاء الله با بلندمندی و جدیت به انجام آن توفیق می‌یابی؛ پس از این که از خواب بیدار و هوشیار شدی! برگی که حرف نون بر آن نوشته شده بود، اشاره به این سخن خدای متعال دارد: «ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ* مَا أَنْتَ بِنِعْمَةِ رَبِّكَ بِمَجْنُونٍ» (نون، سوگند به قلم و آن چه می‌نویسند* که تو به فضل پروردگارت، دیوانه نیستی).

والسلام علیکم ورحمة اللہ وبرکاتہ.

اصغر الصنع - شعبان الصیر والبرکة / ۱۴۴۱ هـ. ق.

پرسش ۶۱۴:

بسم اللہ الرحمن الرحیم

اللهم صل على محمد و آل محمد الاثم و المبرین و سلم تسلیماً کثیراً. السلام علیکم ورحمة اللہ
به صاحب عصر و زمان حجت بن الحسن که سلام و صلوات خداوند بر او، پدران او و فرزندان پاکش باد و به سرور و مولایم احمد الحسن بابت مصیبت‌های سیده‌ی مظلومه‌مان تسلیت و تعزیت می‌گوییم. ان الله ان الیه راجعون.

من بیش از ده سال قبل در بغداد زندگی می‌کردم و در خواب دیدم گویی در منطقه‌ی زندگی‌ام، تک و تنها در تاریکی بودم. گاوها و گوسفندها ذبح شده بودند و خون‌شان مثل رودخانه در خیابان‌ها جاری بود. در آنجا یک جوان مو بور که چشمانی آبی رنگ داشت پشت سرم می‌دوید و می‌خواست خود را به من برساند. من به هر طرف که می‌دویدم، می‌دیدم آخر خیابان بسته است و وارد خیابان دوم می‌شدم. همه‌ی خیابان‌ها مملو از خون گوسفندها و گاوهای ذبح شده بود. خیلی خیلی خسته شده بودم. پس از آن صدایی از آسمان شنیدم که به من گفت: (ای زن) برو پشت سر فاطمه. در خواب مادر دوستم را که اسمش فاطمه بود دیدم. من پشت سرش رفتم و او بازوانش را برای محافظت از من باز کرد. در همین هنگام این

جوان ایستاد و گویی مانعی شفاف میان او و مادر دوستم بود که نمی‌توانست از آن عبور کند و چندین متر دورتر متوقف شد.

خواب دیگری در همان ایام دیدم. گویی من خوابیده بودم و صدایی از آسمان شنیدم که به من گفت: تو در آغوش فاطمه خوابیده‌ای. من خودم را پناه گرفته در آغوش همان زن یافتم.

سرور و مولایم! از این که مطلب طول کشید عذر می‌خواهم ولی از وقتی که دعوت را شنیدم و به آن ملحق شدم، الحمد لله از خدا و صاحب الزمان و از شما که روحم فدای شما باد، التماس دعا دارم که مرا جزو انصار بپذیرید؛ اما من پس از پیوستن به ائمه‌ی اطهار علیهم‌السلام دیگر خوابی ندیده‌ام. قبل از این که به دعوت بیبوندم، دیگران درباره‌ی من خوابی دیده‌اند ولی خودم خوابی ندیده‌ام، آیا این معنایی دارد؟ احساس می‌کنم ائمه که روحم فدای آنها باشد، از من دلخورند و به دیدن من نمی‌آیند.

سرور و مولایم! در پایان، از طول کشیدن مطلب از شما پوزش می‌طلبم و بابت تقصیر و کوتاهی از خدای سبحان طلب مغفرت می‌کنم و از خداوند سبحان می‌خواهم که شما را در زمین تمکین دهد و در رحمت خویش غرقه سازد و در کار شما و برادران اسیرم گشایشی به وجود آورد، و شما را در منزل دوست و جدت پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم سکونت دهد.

والسلام علیکم ورحمة الله

فرستنده: ت.ر -

فنانند

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والصلاة لله رب العالمین، و صلوات الله علیهم و آله و سلم تسلیماً.

گاوها و گوسفندان ذبح شده همان چیزی است که شما می‌بینی و دیده‌ای که سال‌های گذشته در عراق روی داده است؛ و رفتنت به آغوش فاطمه علیها‌السلام یعنی پیوستن شما به دین حق الهی. رویا در زمان خودش بیانگر چیزی است که در آینده برای شما روی می‌دهد، و به فضلی که خداوند بر شما دارد، این رویداد برای شما اتفاق افتاده است.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

اصد الصبح - نیمه شعبان / ۱۴۳۱ هـ. ق.

پرسش ۶۱۵:

بسم الله الرحمن الرحيم

والصلاة لله رب العالمين، وصلواته على محمد و آله الطيبين الطاهرين و سلم تسليمًا.
السلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

ای معدن علم و جایگاه رسالت، ای قائم آل محمد ﷺ، ای سرور و مولا و پدرم، از این که باعث آزردهی شما می‌شوم عذر می‌خواهم، مولای من. از شما خواهش می‌کنم که هرگز مرا به حال خودم وامگذارید.

سرورم! از تو خواهش می‌کنم مرا به حال خودم رها مکن. ای نور! و چگونه از تاریکی‌ام رهایی یابم مگر به نور تو ای سرورم! خداوند مرا به طور دایم تا ابد با شما قرار دهد و هرگز از شما جدا نسازد تا نفسم بند بیاید، ای پروردگار من!

در رؤیا دیدم گویی من با شما پدرم، به شهر دیگری پیاده مسافرت می‌کردم. این شهر ۴۰ کیلومتر فاصله داشت و من قبل از این که سفر کنم به جایی رفتم تا کاغذ بخرم تا خودم را با آن ببوشانم. رنگ کاغذها به رنگ پرتقالی و زرد بود. رنگ زرد زیاد بود و همه می‌توانستند آنها را بخرند ولی رنگ پرتقالی کمیاب بود

و من می‌خواستم خودم را با پرتقالی ببوشانم. نمی‌دانم چطور توانستم با کاغذ زرد و نیز با کاغذ پرتقالی عبور کنم و خانم فروشنده مرا ندید.

سپس در خواب دیدم که ما در راه بودیم و من یک ژاکت خیلی گرم مثل همان‌ها که در زمستان می‌پوشند به تن کرده بودم. این ژاکت مرا پوشانده بود ولی به پایم شلواری که به نصف ساق پایم می‌رسید و مقداری تنگ بود داشتم و چیزی که با آن خودم را ببوشانم در اختیار نداشتم. شما پدرم در وسط راه به من گفתי: آیا به تو نگفتم خودت را ببوشان، یا چیزی شبیه آن. من شروع به گریه کردم و به شما می‌گفتم مرا ببخش. خم شدم و دست شما را بوسیدم و شما که جانم و همه چیز فدایتان باد، مرا ترک کردی و بوی بسیار خوش مشک از آن پخش می‌شد.

سلام بر شما و بر خاندان طیب و طاهر تو و رحمة الله و برکاته.

فرستنده: ielhassani

پاسخ:

آنها کردند که در آن شمشیرها و سوارکاران به کار گرفته شد. یهودیان به مسجد برگشتند تا پیروزی‌شان را جشن بگیرند.
این خواب من بود و خواهش می‌کنم آن را به سید احمد الحسن برسانید تا او برایم تفسیر کند.

فرستنده: محمد ابوبهاء - مراکش

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والصلاة للرب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الصالحين وسلم تسليمًا.

خداوند شما را بر هر خیری موفق بگرداند! یهودیان جمعه نماز نمی‌خوانند آن گونه که در خواب شما بوده است، و شما این مطلب را می‌دانی. منظور از یهود در این زمان، گروهی از مسلمانان سنی و شیعه و به خصوص شیعیان شبیه به یهود در زمان بعثت حضرت عیسی علیه السلام هستند زیرا یهودیان، منتظر عیسی علیه السلام بودند ولی وقتی آمد به او کفر ورزیدند. مسلمانان و به خصوص شیعیان، منتظر مهدی علیه السلام هستند ولی وقتی امروز به سویشان آمد به او کافر شدند، با این وجود که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام نسبت به او سفارش کرده، او را نام برده و خودش و روزگارش را توصیف کرده‌اند؛ و با وجودی که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام مسلمانان را به گرویدن به او و یاری کردنش تشویق نموده‌اند.

در خصوص نبرد با شمشیرها و تسلیحات جنگی، اشاره‌ای دارد به مناظرات و مباحثات عقیدتی. در این رؤیا، مسلمانان اشاره‌ای است به اهل حق از پیروان دین حق الهی که «فرقه‌ی ناجیه» (گروه نجات‌یافته) هستند و از حجت خدا در زمانشان پیروی می‌کنند.

این رؤیا در واقع رویدادهایی است که جلو و پیش روی شما اتفاق می‌افتد و شما فقط به مقدار کمی توجه و دقت نیاز داری تا آن را تمییز دهی و بشناسی. این رؤیا اخبار غیبی از جانب خدا برای شما است. خداوند توفیقت دهد!

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

اصد الصبح - نیمه شعبان / ۱۴۴۱ هـ. ق.

پرسش ۶۱۷:

در خواب دیدم که در زمینی واقع در خارج از شهر، قرآن می‌خواندم که ناگهان نوری در آسمان درخشید. من ترسیدم چون چیزی غیرطبیعی و خوفناک بود. لحظاتی بعد خطوط

نورانی تبدیل به کلماتی شد. من از آنها اسم حضرت محمد ﷺ و علی و فاطمه و بسیاری از آل‌ال‌بیت و اصحاب پیامبر را توانستم بخوانم. حتی در آن اسم عمر و ابوبکر و بلال و افراد زیاد دیگری هم بود. این اسامی آسمان را پر کرده بود. ناگهان مادرم مرا از خواب بیدار کرد. تفسیر این رؤیا چیست، خداوند به شما جزای خیر عطا فرماید! درضمن متذکر می‌شوم در روز دوشنبه این خواب را دیده‌ام.

فرستنده: نور - عراق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والصمد للرب العالمين، وهدى الامم صمد واكل صمد الاثم والنجس و سلم تسليماً.

این رؤیا به معنای وجود رسالت و پیامی جدید از آسمان است، که کاملاً مشابه رسالت حضرت محمد ﷺ و رسالات الهی پیشین می‌باشد، و این رسالت مهدی است.

نور هم به معنای نور هدایت از آسمان یعنی پیام و رسالت الهی است. اسامی هم عبارت از کسانی است که در آن رسالت هستند. این رسالت همانند دیگر رسالت‌های پیشتر از آن است. همان‌طور که با پیامبر خدا حضرت محمد ﷺ اصحاب و اهل بیت بودند و از زمره‌ی آنها کسانی بودند که به او ایمان آوردند و کسانی که با حضرت مخالفت ورزیدند و برخی نیز پس از او یا به هنگام رسالتش، نفاق پیشه نمودند، در مورد رسالت مهدی نیز همین‌گونه است. همان‌طور که با موسی علیه السلام سامری بود، و با عیسی علیه السلام یهودا، با حضرت محمد ﷺ نیز شبیه سامری و یاران او بودند. با مهدی علیه السلام نیز کسانی همچون سامری و یاران او هستند، «سنة الله ولن تجد لسنة الله تبديلاً» (سنت خداوند است و در سنت خدا تغییری نخواهی یافت).

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

اصمد الصخ - صرم الصرام / ۱۴۳۲ هـ. ق.

پرسش ۶۱۸:

سرورم! من در خواب، یکی از نزدیکانم، پسر عموی پدرم را دیدم و گویی من با او ایستاده بودم و دو اژدها که به هم چسبیده بودند به ما نزدیک شدند. یکی از آنها سرش را جلو می‌گرفت و از آن یکی پیشی می‌گرفت و گویی من می‌دانستم که این دو به این صورت

نگه داشته نمی‌شوند و باید از آنها پناه گرفت و بر حذر بود. ناگهان او مرا غافلگیر کرد و این دو اژدها را روی من انداخت. یکی از آنها قسمت‌هایی از انگشت شست مرا گاز گرفت و دو سوراخ در انگشت شست من به وجود آورد و بالای این دو سوراخ که جای دندان دو اژدها بود، رد خون باقی مانده بود. تفسیر آن چیست؟ خداوند توفیق‌تان دهد!

فرستنده: عامر العامری - عراق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والصبر للرب العالیم، و صبر للعسر و کل مصه لائم و المصیرع و سلم تسلیم.

اژدها، دشمن است و از آنجا که او تو را نیش زده است یعنی باعث اذیت و آزار شما می‌شود. این دشمن از طریق شخصی که در خواب دیده‌ای به سراغ شما می‌آید.

و الاسلام علیکم و رحمه الله وبرکاته.

اصه الصبح - صرم الصرام / ۱۴۴۲ هـ. ق.

پرسش ۶۱۹:

شب به‌خیر. دو ماه قبل در خواب دیدم که من در مسیری راه می‌رفتم و ناگهان مقابل یک مرد که به من می‌گفت: «از خوابت بیدار شو ای دیما» ایستادم. او بازویم را گرفت و مرا تکان داد. متذکر می‌شوم که تمام خانواده‌ی من سنی هستند ولی من با ادیان، قانع و مجاب نمی‌شوم. از یکی از دوستانم پرسیدم و او گفت این هشدار است برای تو در خصوص راهی که آن را می‌پیمایی. این خواب دو بار برایم تکرار شد و در هر دفعه (آن مرد) پیامی برایم می‌آورد و می‌گوید این را بگیر و ابلاغ کن. من پیام را جلوی او پاره می‌کنم و از ترس او با وحشت از خواب بیدار می‌شوم. اکنون شروع به قرائت قرآن کرده‌ام و قانع شده‌ام که این یک معجزه‌ی الهی است و هر آیه مرا بیشتر از آیه‌ی قبلی به گریه وامی‌دارد.

ولی صبح امروز خودم را در ماه دیدم، وحشت کردم و هراسان شدم. زن زیبایی دستم را گرفت و چند نفر را به من معرفی کرد و به من گفت: اینها قوم تو هستند، اینها قوم تو هستند، اینها قوم تو هستند، پیام را بین اینها منتشر کن. آیا این دلیلی است بر این که من با مهدی ارتباطی دارم؟

فرستنده: دیما - عربستان سعودی

پاسخ:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

وَالصَّلٰوةُ لِلرَّبِّ الْعَالِیْمِ، وَصَلِّ عَلَى الْمُرْسَلِ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَصَلِّ عَلَى الْعِزِّ وَالْمُهَرَّبِیْنِ وَصَلِّ عَلَى سَلِیْمٍ.

ماه، همان وصی مهدی از آل محمد ﷺ است، و معنای رؤیای شما این است که آری، شما را با دعوت مهدی و تبلیغ آن کاری است. این در صورتی است که شما این امر را انتخاب کنی. این خواب بشارتی برای شما و تشویق و ترغیبی از سوی خدا برای شما جهت عمل در راه خدا و در راه مهدی است.

وَالسَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَکَاتُهُ.

اصد الصبح - صرم الصرام / ۱۴۴۲ هـ. ق.

پرسش ۶۲۰:

خودم را می‌بینم که دائماً در آب مشغول شنا هستم، گاهی در آب دریا و گاهی اوقات در استخر. فرستنده: زهرا اسدی - عراق

پاسخ:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

وَالصَّلٰوةُ لِلرَّبِّ الْعَالِیْمِ، وَصَلِّ عَلَى الْمُرْسَلِ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَصَلِّ عَلَى الْعِزِّ وَالْمُهَرَّبِیْنِ وَصَلِّ عَلَى سَلِیْمٍ.

شنا کردن در آب پاکیزه و خالص و با آسودگی، یعنی قرائت و فراگیری علم حق الهی.

وَالسَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَکَاتُهُ.

اصد الصبح - صرم الصرام / ۱۴۴۲ هـ. ق.

پرسش ۶۲۱:

سلام بر امام و آل البيت ﷺ

سرورم! پس از آن که دو رکعت نماز شب خواندم و این آیه را قرائت کردم: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللّٰهُ...» (جز این نیست که دوست شما خدا است...)، رؤیایی دیدم. در خواب دیدم که من در جای تاریکی بودم. ناگهان نوری ظاهر شد و شنیدم کسی می‌گفت: این امام است، از او پیروی کن. خواستم به او ملحق شوم ولی او با فاصله‌ی زیادی از من می‌رفت و من با وجود خستگی، تلاش می‌کردم و او را ندا می‌دادم. او ناگهان کنار یک باغ سرسبز ایستاد و لبخند زد. سپس از خواب بیدار شدم... تفسیر آن چیست؟

فرستنده: منال - یمن

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والصلاة لله رب العالمين، وصلواته على محمد وآله الطيبين الطاهرين، وسلم تسليمًا.

خداوند شما را بر هر خیری موفق بگرداند! رؤیا واضح است؛ شما به مهدی از آل محمد که نوری است در ظلمات این دنیا رسیده‌ای. باغ سرسبز هم کتاب‌ها و علمی است که مهدی آشکار می‌سازد، که در خصوص شما عبارت است از همان سایت الکترونیکی که وارد آن شده‌ای و کتب و علم را در آن یافته‌ای. خداوند شما را به هر خیری توفیق دهد و تسدید فرماید!

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

اصد الصبح - صرم الصرام / ۱۴۳۲ هـ - ق.

پرسش ۶۲۲:

بسم الله الرحمن الرحيم

سرور و مولایم، السلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

مایلم تفسیر خوابی را بدانم که وقتی در مشهد مقدس بودم دیده‌ام: در ابتدا امام احمد الحسن (علیه السلام) پرچمی در دستش داشت که روی آن نوشته شده بود «یا من لا یعبُد احد سواه» (ای کسی که جز او کس دیگری پرستش نمی‌شود). کنار او نیز چهار تن از انصار بودند که پرچم‌هایی که رویشان «یا لثارات الحسین» (ای خونخواهان حسین) نوشته شده بود حمل می‌کردند. از چهره‌ی این افراد یک نور بسیار قوی خارج می‌شد. پشت سر اینها، باقی انصار و همچنین زنان انصار بودند که آنها نیز پرچم‌هایی که در داخلش «هو» نوشته بود حمل می‌کردند. ما راه می‌رفتیم و مردم اطراف‌مان، ما را تماشا می‌کردند تا این که به بیابان رسیدیم. یک مرد زشت‌رو که عمامه داشت و عصبانی بود ولی نمی‌دانم چه کسی بود، جلوی ما آمد. رؤیا تمام شد. با تشکر.

فرستنده: زهرا - کویت

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الصمد للرب العالمین، و صلوات الله علیهم و آله صمد الاثم و المهرین و سلم تسلیماً.

از خداوند مسئلت دارم که شما را بر هر خیری موفق بگرداند! رؤیای شما واضح است؛ شما انصار، بیانگر حق هستید و بر حق گواهی می‌دهید ان شاء الله، و با دجال که خداوند خوارش کند، رویارو می‌شوید. او کسی است که به اسم دین می‌آید و عمامه به سر می‌کند.

و السلام علیکم و رحمہ اللہ برکاتہ

اصمد الصخ - صرم الصرام / ۱۴۳۲ هـ - ق.

پرسش ۶۳۳:

بسم اللہ الرحمن الرحیم

اللهم صل علی صمد و آله صمد الاثم و المهرین و سلم تسلیماً کثیراً.

سرور و مولایم! السلام علیکم و رحمہ اللہ برکاتہ.

من به فضل و رحمت خداوند، جزو انصار و پیروان شما هستم. ای مولای من! شما نور خدا در زمینش هستید، از اصلاب نورید و سخنان‌تان نور است، از شما سخنی می‌خواهم که دلم به آن آرام گیرد و ان شاء الله دلم نورانی گردد.

سؤال دوم: قبل از آن که تسلیم دعوت شما شوم، در عالم رؤیا دیدم که روی تخت به پهلوی راستم دراز کشیده بودم. ناگهان احساس کردم ابلیس که خدا لعنتش کند، پشت سرم ایستاده است ولی من نمی‌توانستم او را ببینم. وی دستش را از پشت وارد سینه‌ام کرد و از جلو بیرون آورد، به طوری که دست آن لعین را حس می‌کردم. در دستش برگه‌ای بود و به من دستور می‌داد که آن برگه را بخوانم. من به شدت مخالفت کردم ولی او خیلی به من فشار آورد و چندین و چند بار به من دستور داد. هر دفعه من قبول نمی‌کردم که برگه را بخوانم. سپس شروع به خواندن آیاتی از قرآن کریم کردم و ناگهان او دستش را بیرون آورد و رفت و با همه‌ی اینها من چهره‌اش را ندیدم. آیا لطف می‌کنید تفسیر این رؤیا را بیان نمایید؟

سرورم! از شما ملتمس دعا هستم به ثبات قلبم و ثبات فرزندانم بر دین محمد و آل محمد، آن طور که شما به آن رضایت دارید. لطف کنید و جواب امام علیه السلام را به من بدهید.

و السلام علیکم و رحمہ اللہ برکاتہ.

اللهم صل علی صمد و آله صمد الاثم و المهرین و سلم تسلیماً کثیراً.

فرستنده: ناصر ه آل محمد - امارات

پاسخ:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

وَالصَّلٰوةَ لِلرَّبِّ الْعَالِیْمِ، وَصَلِّ عَلَى الْمُرْسَلِ وَكُلِّ مَعْدِنَ الْاَنْثَمِ وَالْمَهْرِیْمِ وَسَلِّمْ تَسْلِیْمًا.

از خداوند مسئلت دارم که شما را بر هر خیری موفق بگرداند! رؤیای شما واضح است؛ ابلیس —خداوند خوارش کند— سعی کرده است تو را از حق دور کند و از پیروی حق باز بدارد، نه فقط با وسوسه کردن بلکه از طریق لشکرش از انسان‌ها —خداوند خوارشان کند— همان کسانی که به دنبال گمراه کردن مردم‌اند و می‌کوشند با القای شبهات و اشکالات باطل، آنها را از دعوت حق دور کنند؛ ولی شما حق را و علم حق را خواندی و این همان علمی است که در این دعوت و وصیت پیامبر خدا موجود است. خداوند در رؤیا به شما نمود که او قرآن است یعنی نظیر قرآن، به این معنا که هدایتی برای شما است و دژی است که شما را از ابلیس و ارتش انس و جن او و از شبهات آنها محافظت می‌نماید. خداوند شما را توفیق دهد و تسدید نماید!

وَالسَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ بَرَكَاتِهِ.

صمد الصنع - صرم الصرام / ۱۴۴۲ هـ. ق.

پوشش ۶۲۴:

السَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ بَرَكَاتِهِ.

استاد ارجمند، رؤیایی دارم و به تفسیری درست و قانع کننده نیاز دارم. خداوند به شما جزای خیر دهد!

خواب دیدم گویی بیمار هستم و نمی‌توانم حرف بزنم و تکان بخورم. بعد از آن دوستانم مرا نزد پزشک بردند و وقتی به آنجا رسیدم در سالن انتظار نشستم و خیلی منتظر شدم. سپس گفتند: بفرما برو به طبقه‌ی دوم. وقتی بالا رفتم دکتري را دیدم که چهره‌ای گندمگون داشت و ریش‌دار بود و دشداشته به تن کرده بود. آنجا درمانگاه نبود بلکه سالن بزرگی بود و یکی از صالحین در آنجا جایگاهی داشت. چند دقیقه بعد یک اسب سفید از آن جایگاه بیرون آمد. من جا خوردم و از پزشک سؤال کردم. وی گفت: این اسب در این جایگاه قرار داشته است. سپس پزشک گفت: یک آمپول به شما می‌زنم تا بتوانی حرف بزنی و راه بروی و از مرض بهبودی پیدا کنی. گفتم: من از آمپول می‌ترسم. تبسمی کرد و گفت: به شما قرص خواهیم داد. من نه می‌توانستم سخنی بگویم و نه راه بروم و بعد از آن، حرف زدم و راه رفتم و

به خانه عزیمت کردم. در راه به یاد دوستانم افتادم و برگشتم و به آنها گفتم: معاینه پزشک چقدر شد؟ گفتند: پنجاه کرون. تعجب کردم چون در اینجا (سوئد) معروف است که حداقل پانصد کرون است و پس از آن رفتم.

الصد لله رب العالمین.

فرستنده: حسین موسوی - سوئد

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والصلاة لله رب العالمین، و صلوات الله علیهم و علی آله و سلم تسلیماً.

خداوند شما را بر هر خیری موفق بگرداند! معنای این که شما بیمار هستی این است که به بیماری روحی دچار هستی، یعنی شما بر هدایت نبوده‌ای و دوستانت شما را نزد پزشک یعنی کسی که شما را با دعوت حق یعنی دعوت مهدی آشنا کرده بود، برده‌اند. دارو نیز همان علم و معرفت است. بیمارستان یا جایگاهی که دیده‌ای نیز سایتی از جمله سایت‌های دعوت تالار گفت‌وگو (پالتاک) است.

اسب نیز انسان است. نتیجه‌ی رؤیا که شما شفا یافته‌ای این است که شما ان شاء الله به دعوت حق هدایت می‌شوی و مهدی را نصرت می‌کنی. خداوند شما را توفیق دهد و گام‌های تان را استوار سازد!

و لاسلام علیکم و رحمة الله وبرکاته.

الصد لله رب العالمین - مرم لاصح / ۱۴۳۲ هـ. ق.

پرسش ۶۲۵:

بسم الله الرحمن الرحيم

و درود خدا بر برترین خلائق محمد و بر خاندان طیب و طاهر او. روزی از روزها کمی از نماز شب را خواندم و سوره‌ی بقره و دعای امام حسن (علیه السلام) را نیز خواندم، سپس نافله و نماز صبح را به جا آوردم و خوابیدم. در خواب شخصی را دیدم که عممام‌اش را بر سرش می‌گذاشت که گردنش را می‌پوشاند. از او پرسیدم: آیا تو مهدی هستی؟ به من گفت: آری من مهدی هستم. سپس به من گفت: شهادت بده. من نیز فوراً شهادت دادم. او جلو رفت و جلوی من نشست و من پشت سر او نشستم و سوره‌ی بقره را

می‌خواندم. در حین تلاوت در مورد برخی آیات شک کردم و من آنجا توقف می‌کردم و آیه را تکرار کردم ولی درستش را نفهمیدم. تا این که امام (علیه السلام) کمی از سمت چپ به من التفات نمود و من آیه را به یاد آوردم. از خواب بیدار شدم. **و السلام علیکم و رحمۃ اللہ وبرکاتہ.**

لطفاً تفسیر را برایم بفرستید. خداوند از جانب من جزای خیر به شما دهد! و درود و سلام بر پیامبرمان، پیامبر رحمت و بر آل طیب و طاهر او، ائمه و مهدیین!

و السلام.

فرستنده: ابو عبدالجبار - مراکش

پاسخ:

بسم اللہ الرحمن الرحیم

و الحمد لله رب العالمین، و صلوات الله علیک و آله و سلم تسلیماً.

خداوند در هر کار خیری توفیقت دهد! از خداوند سبحان برایت طلب بهترین خیر و بهشت می‌نمایم و شرتترین شرها، خشم و آتش را از تو دور نماید. معنای رؤیای شما این است که به فضل خداوند بر تو، شما به حق هدایت می‌شوی و از انصار مهدی می‌گردی ان شاء الله. اما آن آیات سوره‌ی بقره که در مورد آنها شک داشتی، آیت الکرسی بوده است. از خداوند مسئلت دارم که شما را موفق بدارد و گام‌هایت را استوار سازد!

و السلام علیکم و رحمۃ اللہ وبرکاتہ.

حمد الصبح - صرم الصرام / ۱۴۲۲ هـ. ق.

پوشش ۶۲۶:

بسم اللہ الرحمن الرحیم

اللهم صل علی محمد و آله و سلم تسلیماً کثیراً.

سرور و مولایم یمانرآل محمد! **و السلام علیکم و رحمۃ اللہ وبرکاتہ.**

چند ماه پیش پدرم (ره) به رحمت ایزدی پیوست. وقتی او در حال احتضار بود من دعوت مبارک را بر او مطرح نمودم و او هر چند حال بسیار بدی داشت ولی به من گوش می‌کرد و می‌گفت: این همان حق است، این همان حق است. شکر خدا او به دعوت حق ایمان آورد و غسل توبه نمود. پس از دو روز به رحمت ایزدی پیوست. پس از وفاتش در عالم رؤیا زیاد او را می‌دیدیم. از جمله: دیدم ما بر سفره‌ی غذای سید احمد (علیه السلام) نشستیم و پدرم و چند تن از

انصار هم هستند. پدرم از امام احمد رضی الله عنه سؤالی پرسید. سید رضی الله عنه گفت: پناه بر خدا! آن گونه که شما فهمیدی نیست بلکه پروردگار تو به کوه (جبل) وحی فرمود و به او گفت چنین و چنان بنویس. پدرم گفت: آقای ما! تو کوه خدا هستی و من کوه علی بن ابی‌طالب. انصار خندیدند و پدرم گفت: آقای ما! گمان می‌کنی کوه علی بن ابی‌طالب بین ما باشد و من او را یاری نرسانم، به خدا سوگند هرگز چنین نخواهد بود. و منظورش تشبیه سید احمد رضی الله عنه به کوه علی رضی الله عنه بود.

آیا امکان دارد این رؤیا را برای ما تفسیر بفرمایید؟ خداوند شما را حفظ فرماید و ما را از خادمان و یاریگران شما قرار دهد به حق محمد و آل محمد.

در رؤیایی دیگر، خواب دیدم که گویی من قبر پدرم را زیارت می‌کنم و قبر ایشان گویی مقام و زیارتگاهی است که مردم آن را زیارت می‌کنند. یک زن نیز بود که حاجتش را می‌نوشت و آن را بر روی قبر می‌انداخت. با خودم گفتم: مستجاب شدن این حاجت به فضل و برکت امام احمد رضی الله عنه است. عمویم کنار قبر بود؛ گریه می‌کرد و می‌گفت: وضع من چه جوری می‌شود؛ در حالی که او از مرگ می‌ترسید.

از ولیّ خدا معذرت می‌خواهم که مطلب را بر شما طول دادیم. لطفاً بر ما لطف کن و با دعا و مغفرت ما را صدقه بده؛ خداوند شما را برترین پاداش عطا نماید و به حق محمد و آل بیت طیب و طاهر او، ائمه و مهدیین ما را با شما محشور فرماید.

و السلام علیکم و رحمہ اللہ برکاتہ.

فرستنده: هلال السویفی

پاسخ:

بسم اللہ الرحمن الرحیم

والصمد للرب العالمین، و صمد العزیز و کمال مصدر الائم و الصریح و سلم تسلیماً.

خداوند شما را بر هر خبری موفق بگرداند! و سپاس خدایی را که به نعمت ایمان بر پدرت منت گذاشت و او را میراند و عاقبتش را ختم به خیر نمود. ان شاء الله این رؤیا بشارتی برای شما است به این که او به کرم خدا و به لطف گرویدن او (پدرت) به حق و مهدی، در خیر و به سوی خیر است.

والصمد للرب العالمین. و السلام علیکم و رحمہ اللہ برکاتہ.

پرسش ۶۲۷:

سرورم! در خواب دیدم که از خواهر یکی از سادات معروف کامجویی می‌کردم و آن سید با ما ایستاده بود. تفسیر شما بر این رویداد چیست؟ از امام یمانی تقاضا می‌کنم خواب را تفسیر کند. خداوند شما را توفیق دهد!

فرستنده: مصطفی

پاسخ:

بسم اللّٰه صبح الرّحیم

والصّمد للربّ العالمین، و صلّی اللّٰه علیّ محمد و آلّ محمد اللّائمه و الصّحیح و سلم تسلیمًا.
خداوند شما را بر خیر آخرت و دنیا موفق بدارد! تاویل این رؤیا آن است که شما از طرف این سید، به یک منفعت مادی می‌رسی.
و السلام علیکم و رحمہ اللّٰه وبرکاتہ.

اصد الصّحیح - صرم الصّرام / ۱۴۴۲ هـ. ق.

پرسش ۶۲۸:

السلام علیکم و رحمہ اللّٰه وبرکاتہ

پس از این که برنامه‌ی «کلمه‌ی سواء» را با استاد عبدالعال و برادر ابو زینب دنبال کردم، در خواب شخصی را به روش‌های مختلف ولی با چهره‌ی یکسان دیدم که او به من می‌گفت: من امام احمد الحسن هستم. من حرفش را باور نمی‌کردم زیرا صورتش را نمی‌شناختم. شما را به خدا چه کنم؟

فرستنده: ابو عمر الکردی - عراق

پاسخ:

بسم اللّٰه صبح الرّحیم

والصّمد للربّ العالمین، و صلّی اللّٰه علیّ محمد و آلّ محمد اللّائمه و الصّحیح و سلم تسلیمًا.
خداوند شما را توفیق دهد! این رؤیا رحمت الهی بر شما و نور هدایتی است که برای شما درخشیدن گرفته است. بر شما است که گامی به جلو به سمت حقی که برای شما آشکار شده است برداری تا خداوند بر شما تفضل کند و به هدایت بیافزاید. او باور من است و او دوست شایستگان است.

و السلام علیکم و رحمہ اللّٰه وبرکاتہ.

صدر الصبح - مرم المرام / ۱۴۳۲ هـ. ق.

پرسش ۶۲۹:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ* الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ* مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ* إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ* اِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ* صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ»
 صدق الله العلي العظيم (به نام خدای بخشاینده‌ی مهربان* ستایش خدا را که پروردگار جهانیان است* آن بخشاینده‌ی مهربان* آن فرمان‌روای روز جزا (روز دین)* تنها تو را می‌پرستیم و تنها از تو یاری می‌جوییم* ما را به راه راست هدایت فرما* راه کسانی که ایشان را نعمت داده‌ای، نه خشم‌گرفتگان بر آنها و نه گمراهان). راست گفت خدای بلندمرتبه.

السلام علیکم ورحمة اللو وبرکاته.

این خواب را قبل از آشنا شدن من با دعوت مبارک یمانی دیدم و درضمن متذکر می‌شوم که من تقریباً هر روز با همسرم مشاجره و اختلاف داشتم:
 در خواب زخم را دیدم که از نرده‌بان بالا می‌رفت و نرده‌بان از جنس چوب بود و رنگ قهوه‌ای داشت، و نزدیک بود که به زمین بیفتد. من بالای یک تکه‌ی زمین مسطح در فضا بودم و هیچ جای بدنم پیدا نبود مگر دست راستم و فقط کف پاهایم. من زخم را ندا می‌دادم که برو بالا ولی او دو دل بود که بالا برود یا پایین بیاید. لباس او از بالا به رنگ سیاه و از پایین سفید رنگ بود. در خواب مشخص بود که وی می‌خواست بالا برود ولی صداهایی از اطرافش می‌آمد که به او می‌گفت نرو یا بالا نرو. برخی از آنها می‌گفتند به حرفش گوش نکن و برو بالا. خانمم این گونه احساس می‌کرد که افرادی کنار من هستند، و نیز این احساس را داشت که وی این افراد را که از زنان بودند، به خوبی می‌شناسد. هر وقت یک پله بالا می‌رفت، می‌دید که پله‌ی قبلی‌اش سقوط کرده است و نمی‌تواند پایین برود. من او را تشویق می‌کردم که بالا برود. وقتی نزدیک بود که به نوک برسد، نزدیک بود که پلکان فرو بریزد. من ریسمانی انداختم تا او را با طناب بگیرم، چون می‌خواستم با طناب بیندم زیرا او کارش طول کشیده بود. آنجا صدای یک زنی به گوش می‌رسید که فریاد زنان به من گفت: طناب را به نرده‌بان بند و برو شاید به آسانی بالا برود. سپس (همسر) به طناب آویخت و کمی از طناب بالا آمد. پس از آن از خواب بیدار شدم.
 با تقدیم تشکر و احترام فراوان به شما و ان شاء الله این خواب خیر باشد. از طرف خودم

و از طرف زخم پناه می‌برم از کلمه‌ی من و از شر نفس امر کننده به بدی‌ها (اماره‌ی بالسوء).
و علیک السلام و رحمہ اللہ برکاتہ. و لا حول و لا قوه الا باللہ العزیز العظیم.

فرستنده: احمد - کویت

پاسخ:

بسم اللہ الرحمن الرحیم

والصلاة لله رب العالمین، و صلوات الله علیک و آله و سلم تسلیماً.

خداوند شما را بر هر خیری موفق بگرداند! این خواب بشارتی از جانب خدا برای او است به این که شما راه حق را شناخته‌ای و او در بالا رفتن از نرده‌بان و معرفت حق، از شما پیروی می‌کند؛ ولی اینجا شیاطینی از انس و جن هستند که می‌خواهند وقتی او بالا می‌رود و به حق معرفت می‌یابد، وی را بازدارند. از خداوند برای شما معرفت‌یابی به حق را مسئلت دارم و این که به گرمش بر شما بیافزاید و حال شما را به آنچه که خیر آخرت و دنیا در آن است نکو گرداند. او یاور من است و او دوست شایستگان است.

و السلام علیکم و رحمہ اللہ برکاتہ.

اصد الصبح - صرم الصرام / ۱۴۴۳ هـ. ق.

پرسش + ۶۳:

السلام علیکم و علی کل مع اتبع الهدی

سلام بر شما و سلام بر هر کس که از پی هدایت قدم نهد.

اما بعد.... در خواب دیدم که یک ماشین جوجه‌کشی دارم و در آن تعداد بسیار بسیار زیادی تخم مرغ قرار دارد. تخم مرغ بسیار درشت و بزرگی بود و به تنهایی در ردیف اول ماشین قرار گرفته بود. در خواب می‌دانستم که این تخم مرغ را زمانی طولانی آنجا گذاشته‌ام و شروع به بزرگ شدن کرده بود تا به این اندازه‌ی بزرگ رسیده بود. من به آن نگاه می‌کردم که شکست و از آن جوجه‌ای که صورتی زیبا و نیکو داشت خارج شد و شبیه من بود؛ گویی یک جوجه خروس بود و جوجه مرغ نبود. بسیار خوش‌حالم نمود؛ او را قاپیدم و شروع به گردش دور ماشین نمودم. جوانی به طرفم آمد و به من گفت: این تلاش و شادی برای فقط یک جوجه؟ کمی ایستادم و بعد به ماشین نگاه کردم و در این هنگام تمام تخم مرغ‌ها شکستند و تبدیل به جوجه‌هایی شدند که داخل ماشین شروع به حرکت و جست و خیز کردند و همه به یک شکل بودند. تعداد آنها را نمی‌توانستم بشمرم، بسیار زیاد بودند. بسیار

خوشحال شدم و به جوان گفتم: بیا و به جوجه‌ها نگاه کن.
 نمی‌دانم تفسیر آن چیست! متذکر می‌شوم که من ماشین جوجه‌کشی ندارم و مرغ و جوجه نیز ندارم و فقط سال‌ها قبل مرغ و جوجه داشتم.
 از شما تقاضا دارم که اگر تفسیر آن بد است در پاسخ‌ها ننویسید، ترس و تقوای خدا پیشه نما و اگر تفسیر آن خوب است بعد از اجازه‌ی شما مولایم، آن را می‌نویسم.
 از خداوند مسألت دارم در آنچه خیر است، ما را توفیق دهد و همچنین شما را نیز.
 فرستنده: خالد - بحرین

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والصمد للرب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الاثم والمهريين وسلم تسليماً.

خداوند شما را بر هر خیری موفق بگرداند! این رؤیا بشارتی است برای شما ان شاء الله.
 از خداوند برای شما حسن عاقبت را مسئلت دارم و این که شما را به حق و پیروی از حق هدایت فرماید و برکت‌تان دهد و شما را هدایت‌گر دیگر انسان‌ها به سوی حق گرداند. او یاور من است و او دوست شایستگان است.
 والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

اصد الصغ - صرم الصرام / ۱۴۳۲ هـ - ق.

پرسش ۶۳۱:

برادر من که فعلاً از انصار است ۱۲ سال پیش خواب دید گویی وی جلوی درب مسجد بوده و نور از آنجا بیرون آمده و مسجد را روشن کرده است. نور از پنجره‌های مسجد خارج می‌شد. وی بسیار تعجب کرد و گفت: این چیست، در پاسخ او جواب آمد که: شما از آل یس هستید. چند وقت بعد این خواب به صورتی تکرار شد که گویی شما، آیه‌ی شفا هستی. تعبیر رؤیا چیست؟ یادآور می‌شوم ما از ریشه‌ی (جد) چهارم نزدیک به ۱۰۰ سال پیش از هم‌بستگانمان جدا شده‌ایم. تعبیر آن چیست؟ خداوند شما را به نصرت خود تایید فرماید!
 فرستنده: علی عراقی - عراق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والصمد للرب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الاثم والمهريين وسلم تسليماً.

خداوند شما را بر هر خیری موفق بگرداند! از خداوند برای شما خیر آخرت و دنیا را تقاضا دارم. آل یس در آخرالزمان بر کسانی که دعوت حق را یاری می‌کنند، منطبق می‌شود که اصحاب مهدی هستند. از خداوند برای برادر شما خیر مسئلت می‌نمایم و این که خدا او را بر اخلاص و ورزی موفق بدارد و او را جزو کسانی قرار دهد که با آنها خلق را هدایت می‌نماید. او یاور من است و او دوست شایستگان است.

و السلام علیکم و رحمہ اللہ برکاتہ.

اصد الصبح - صرم الصرام / ۱۴۴۲ هـ. ق.

پرسش ۶۳۲:

در خواب دیدم گویی به همراه گروهی از مردم نماز می‌خواندم ولی هنگامی که رسیدم، جایی پیدا نکردم. من یکی از افراد حاضر را هل دادم و ایستادم. سپس یک نفر دیگر جایم را تنگ کرد. عمویم که یک شیخ حوزوی است بین مردم بود. ناگهان فرد مکبر نماز را برای امام شروع کرد بدون این که ذکر بگوید یا تکبیر اعمال نماز را بیان کند. مردم آشفته شدند. من سعی می‌کردم در داخل نماز به وسیله‌ی تکبیر آنها را متوجه کنم تا درست نماز بخوانند ولی فایده‌ای نداشت. گویی نماز نزدیک یک پل بود و این مکان شبیه پل شهر سماوه است. لطفاً ما را مطلع گردانید، خداوند شما را پاداش دهد!

موضوع دوم: خواهش می‌کنم پاسخ صریح و روشنی به آن بدهید. نظر سید که خداوند حفظش کند، به طور خاص درباره‌ی سید علی سیستانی، محمد سعید حکیم، بشیر پاکستانی، احمد و علی بغدادی چیست؟ برای مذهب، پاینده باشید.

فرستنده: امیر - عراق

پاسخ:

بسم اللہ الرحمن الرحیم

والصمد للرب العالمین، و صلوات اللہ علیہ و آله و سلم تسلیماً.

خداوند شما را توفیق دهد! این رؤیا صریح است و واقعیت نماز کنونی با فقهای آخرالزمان را به شما نشان می‌دهد؛ و این که در نماز آنها، چیزی از تکبیر و ذکر وجود ندارد، یعنی نمازشان باطل است و خداوند آن را قبول نمی‌کند زیرا آنها از خلیفه‌ی خدا روی برگردانده‌اند؛ این که شما شروع کردی به متوجه ساختن آنها به این معنا است که ان شاء الله خداوند بر

شما تفضل می‌فرمایید و شما را به حق و پیروی از دعوت حق، هدایت می‌کند و شما از دعوت‌کنندگان به سوی حق می‌شوی.

اما کسانی که شما درباره‌ی آنها سؤال کرده‌ای، همه‌ی این افراد فراخوان شده‌اند که به این دعوت که دعوت حق است ایمان بیاورند و همان‌طور که امام باقر (علیه السلام) فرموده است،

«کسی که از آن روی برگرداند، اهل آتش است.»

و السلام علیکم ورحمة اللہ وبرکاتہ.

صدر الصغیر - صرم الصرام / ۱۴۳۲ هـ - ق.

پرسش ۶۳۳:

در خواب دیدم که به سر امام علی (علیه السلام) ضربه خورده است. در سمت راست و چپ او امام حسن (علیه السلام) و امام حسین (علیه السلام) قرار داشتند. حضرت سرش را گرفته بود و به من گفت: چنین چیزی برایم مهم نیست.

فرستنده: سلام ابراهیمی - عراق

پاسخ:

بسم اللہ الرحمن الرحیم

و الصمد للرب العالمین، و صمد اللعبر صمد و اکمل صمد الائم و المهرین و سلم تسلیماً.

ان شاء الله رؤیای تان برای شما خیر است و حق را برای شما تبیین و تعریف می‌نماید. در رؤیا مراد، امام علی (علیه السلام) در این زمان است، یعنی وصی امام مهدی (علیه السلام) یا مهدی (علیه السلام) اول. این که سر او ضربه دیده است، موضوعی است که من چند سال پیش در سخنرانی حج آن را بیان کرده‌ام. شما می‌توانید به سخنرانی مراجعه کنید و آن را گوش دهید. خداوند شما را بر هر خیری موفق بدارد و به شناخت حق و نصرت آن توفیق دهد!

و السلام علیکم ورحمة اللہ وبرکاتہ.

صدر الصغیر - صرم الصرام / ۱۴۳۲ هـ - ق.

پرسش ۶۳۴:

بسم اللہ الرحمن الرحیم، و الصمد للرب العالمین

و الصلوة علی المبعوث رحمة للعالمین رسول اللہ البر القاسم صمد و علی اکمل الطیبین الطاهرین.

مدتها پیش در عالم رؤیا دیدم که من در جایی بودم که مردانی سیاهپوش در آنجا حضور داشتند و با آنها زنانی بودند که به بهترین وجهی که یک فرد مسلمان می‌تواند ببیند، حجاب داشتند. سپس یک سید باهیت که اهل و عیالش نیز با او بودند آمد؛ او آن چنان هیت و وقاری داشتند که نمی‌شد به او خیره شد. سید با ما صحبت کرد و سپس گفت: به پشت سر خود نگاه کنید. یک باره با یک هواپیمای سیاه بزرگ و ترسناک مواجه شدیم. سید به ما گفت: سوار شوید. ما سوار هواپیما شدیم. هواپیما پرواز کرد و سید شروع کرد ویژگی‌های هواپیما را برای ما شرح دادن. کمی بعد سه هواپیما به ما نزدیک شد و ما مسافران فهمیدیم که آنها اسرائیلی هستند. سید به ما گفت: نترسید، ان شاء الله به ما نمی‌خورند. این هواپیماها به ما موشک زدند ولی به ما نخورد. بعد هواپیماها ناپدید شدند و ما در جایی که انگار بهشت بود فرود آمدیم: چشمه‌سارها و جوی‌های پرآب و مراتع سرسبز و اقامت‌گاه‌ها. ناگهان کسی نزد من آمد و مقدار زیادی ماهی برایم ریخت و به من گفت: بگیر اینها برای شما است. سپس به خانها که آن را می‌شناختم رفتم ولی نفهمیدم چطوری در زدم. در باز شد و خواب من به پایان رسید.

یک سری حوادث غیبی برای من اتفاق افتاده است که باعث شده از مردم منزوی گردم و آشفته خاطر شوم و در انتظار فرج به سر ببرم. آخرین حادثه، چیزی بود که در ماه رمضان و به طور خاص در روزهای آخر این ماه برایم پیش آمد. چیزی اتفاق که همه‌ی وجودم را لرزاند. این حادثه را به اطلاع تعدادی از مؤمنین در کربلا رساندم، و از آنها فهمیدم که این حادثه برای دیگران نیز اتفاق افتاده است. لذا پس از توکل بر خدا و درود فرستادن بر پیامبر خدا و بر اهل بیت طیب و طاهرش، نیت کردم که به شما نامه بنویسم.

و الاسلام علیکم و رحمہ اللہ برکاتہ.

آیا می‌توانید مرا از (تفسیر) رویداد اخیر مطلع کنید تا دلم آرام گیرد؟

فرستنده: خلدون باقر - سوئد

پاسخ:

بسم اللہ الرحمن الرحیم

والصلاة للرب العالمین، و صلوات اللہ علیہ و آله و سلم اللہم و الصلوات علیہ و سلم تسلیماً.

خداوند شما را بر هر خیری موفق بگرداند! این رؤیا بشارتی الهی برای شما در ظهور حق و ظهور مهدی آل محمد است. او شما را به حق فرا می‌خواند. از خداوند برای شما مسئلت

دارم که به دعوت حق ببیوندی و حق را یاری دهی. هوایما نماد فرج است و ان شاء الله هوایما به مقصد می‌رسد. علی رغم وجود تلاش‌های دشمنان خدا که می‌کوشند نور خدا را خاموش کنند، خداوند نور خود را به کمال می‌رساند و او ارحم الراحمین است.

اما این که درخواست چیزی کرده‌ای که شما را بر پیروی از حق ملزم و مجبور کند، این صحیح نیست، خداوند توفیقت دهد؛ زیرا ایمان الزاماً باید با مقداری از غیب همراه باشد، و پیشتر خداوند با رؤیا یک دلیل غیبی به شما ارایه کرده است. شما باید گامی به سمت حق برداری تا خداوند به کرم خود بر شما بیافزاید و به آن چه که دلت به آن آرام می‌گیرد بر شما منت نهد. از همان ابتدا نمی‌شود امتحان غیبی منتفی گردد زیرا در این صورت پذیرفتن (ایمان) صد در صد مادی خواهد شد و این اجبار به ایمان آوردن است، و چنین چیزی تفاوتی با ایمان فرعون ندارد، آن‌گاه که معجزه‌ی قاهره آمد و خداوند ایمان او را نپذیرفت.

خدای متعال می‌فرماید: « وَجَاوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتْبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ وَجُنُودَهُ بَغْيًا وَعَدُوًّا حَتَّى إِذَا أَدْرَكَهُ الْعُرْقُوقُ قَالَ آمَنْتُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا الَّذِي آمَنْتُ بِهِ بَنُو إِسْرَائِيلَ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ * أَلَا نَ وَفَدَّ عَصِيَّتَ قَبْلُ وَكُنْتُ مِنَ الْمُفْسِدِينَ * فَالْيَوْمَ نُنَجِّيكَ بِبَدْنِكَ لِنُكُونَ لِمَنْ خَلَقْنَا آيَةً وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ عَن آيَاتِنَا لَغَافِلُونَ »^۱ (ما بنی اسرائیل را از دریا گذرانیدیم. فرعون و لشکریانش به قصد ستم و تعدی به تعقیب‌شان پرداختند. چون فرعون غرق می‌شد، گفت: ایمان آوردم که هیچ خداوندی جز آن که بنی اسرائیل به آن ایمان آورده‌اند نیست، و من از تسلیم شدگانم * آیا اکنون؟! در حالی که تو پیش از این عصیان می‌کردی و از مفسدان بودی! * امروز جسم تو را به بلندی می‌افکنیم تا برای پس از تو عبرتی باشی، و حال آن که بسیاری از مردم از آیات ما غافلند).

شما می‌توانی تفسیر این آیات را در کتاب «تفسیر آیه‌ای از سوره‌ی یونس» بخوانی. این کتاب در سایت انصار امام‌المهدی (علیه السلام) منتشر شده است، شاید خداوند شما را به آن بهره‌مند سازد. خداوند شما را توفیق دهد و گام‌هایت را به آن چه که مورد رضایت او است، استوار سازد!

و السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

صدر الصبح - مصرم الصرام / ۱۴۳۲ هـ - ق.

پرسش ۶۳۵:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَلِّمْ فِرْعَوْنَ یٰ اَکْرِمَ

السَّلَامِ عَلَیْکُمْ وَرَحِمَهُمُ اللّٰهُوْ بِرَحْمَتِهِ.....

من در امر سید احمد الحسن (علیه السلام) ترسان و سرگردان بودم، و هنگامی که مرا ارشاد کرد و هدایتی از جانب خدا به من رسید، باعث شد که به حقیقت امر و واقعیت موضوع برسیم. یکی از انصار شما مرا بر این امر مطلع گردانید و آن‌گاه زمین با همه‌ی فراخی‌اش بر من تنگ شد. من ارتباط زیادی با علما داشتم و علاقه‌مند بودم که به سخنان آنها گوش کنم. هنگامی که واقعیت امر را دریافتم، روحم سرگردان شد و راه را گم کردم و حس کردم که در این هستی نابکار، گم شده‌ام؛ ولی تمسک من به اهل بیت مرا به حقیقت رساند. در آن هنگام نیت کرده بودم که پس از رمضان روزه بگیرم و نماز استغاثه بخوانم ولی ترس بزرگی به سراغم آمد و افکار و اندیشه‌های من از حرکت بازناهیستاد. من در امر سید فکر می‌کردم و پیش خودم می‌ترسیدم، چرا که اگر خانواده‌ام می‌دانستند، مرا می‌کشتند، زیرا آنها این کار را سرپیچی از علما به حساب می‌آورند. افکارم در حرکت و چرخش بود که چطور با کسی که با علما است ازدواج کنم در حالی که حرکت من با سید را کند می‌سازد. من از نظر نفسانی همه جور سرگردان بودم و چیزی هم نمی‌خواستم جز این که به حقیقت موضوع برسیم و دلم آرام گیرد. در آن حال خوابیدم و در رؤیا دیدم که که گویی خانواده‌ام در یک طرف بودند و سید احمد الحسن را دیدم ولی چهره‌اش را ندیدم و همراه او عده‌ی زیادی بودند. با خانواده‌ام نیز افراد زیادی بودند که آنها را نمی‌شناختم و از هم تشخیص نمی‌دادم. من در وسط قرار داشتم و بسیار می‌ترسیدم بین انتخاب میان خانواده‌ام و این که به سید ملحق شوم. پس از ترس، امام مهدی (علیه السلام) را دیدم که کلامی بر زبان راند که اکنون به یاد ندارم و از حافظه‌ام پاک شده است. من بسیار دل‌آرام شدم و دانستم که من بر حق هستم، و با سید احمد الحسن (علیه السلام) رهسپار شدم. هنگامی که با آنها به راه افتادم، آرزو کردم که ای کاش خانواده‌ام با من بودند ولی آنها با من نبودند و من از آنها می‌ترسیدم اما وقتی با انصار سید همراه شدم، دلم آرامش و اطمینان یافت.

تذکر: یادآور می‌شوم که من سه روز را روزه نگرفتم و نماز استغاثه به فاطمه زهرا (علیها السلام) را نیز به جا نیاوردم.

آیا اکنون من از نصار و موالی شما و با امام مهدی (علیه السلام) هستم؟
 از خداوند مسئلت دارم که مرا شوهری از انصار صاحب عصر و زمان و نیز فرزندان
 شایسته که امام مهدی (علیه السلام) را یاری کنند، روزی ام گرداند و مرا بر حق ثابت بدارد مادام که
 زنده‌ام و بر زندگی محمد و آل محمد زندگی کنم و بر ممت محمد و آل محمد بمیرم.
 از خداوند هدایت می‌طلبیم، که به حقیقت موضوع برسیم و مرا با انصار امام مهدی (علیه السلام)
 ثابت قدم بدارد. دعای امانت را از شما مسئلت دارم. همواره در پناه بقیة الله الاعظم حجت
 بن الحسن المهدی (علیه السلام) محفوظ باشید.
 فرستنده: حزن فاطمه - بحرین

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والصلاة لله رب العالمين، وهدى الاعلى محمد وآل محمد الاتم والمصيرين وسلم تسليماً.

خداوند شما را بر هر خیری موفق بگرداند! سپاس خدایی را که با این رؤیا بر شما منت
 نهاد، و ایمان به حق و پیروی از حق را در زمانی که یاریگران حق اندک شمارند، روزی شما
 گردانید. از خداوند مسئلت دارم که از گرم خودش بر شما بیافزاید و شما را بر حق ثابت بدارد.
 او یاور من است و او دوست شایستگان است.
 والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

اصد الصغ - صرم الصرام / ۱۴۳۲ هـ - ق.

پرسش ۶۳۶:

بسم الله الرحمن الرحيم السلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

اللهم صل على محمد وآل محمد الاتم والمصيرين وسلم تسليماً.

سرورم! تفسیر رؤیایم را تقاضا دارم و ان شاء الله که خیر است: خواب دیدم که من سر
 سفره‌ی امام حسین (علیه السلام) هستم و آنجا مکان بسیار شلوغی بود و مردم زیادی حضور داشتند.
 خوراکی‌های زیادی آنجا وجود داشت که لقیما (نوعی شیرینی عربی)، برنج، گوشت بریانی،
 سیب زمینی و خیلی چیزهای فراوان دیگر بود. وقتی خوراکی برایم آوردند، دستم فقط گوشت
 بریانی را گرفت و گویی خواهرم به من زنگ زد تا از جایم پرس و جو کند. به او گفتم: من
 سر سفره‌ی سرور و مولایم اباعبدالله هستم. پس از آن از خوابم بیدار شدم.

والصلاة للرب العالمين.

سرورم! تفسیر رؤیایم چیست؟
با تقدیم تحیت و احترام به شخص شما.

فرستنده: عبیر - عربستان سعودی

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والصلاة للرب العالمين، و صلوات الله على محمد و آل محمد الاثنى عشر و سلم تسليمًا.

غذا، همان علم و معرفت است و سفره‌ی امام حسین علیه السلام یعنی علم اهل بیت علیهم السلام؛ یعنی شما در نشر علمی که مهدی اول آورده است شرکت می‌جویی. حسین علیه السلام در این زمان همان کسی است که نماد حسین علیه السلام است و او مهدی اول از آل محمد علیهم السلام می‌باشد. این رؤیا بر شما گوارا باد! و از خداوند ثبات بر حق را برای شما مسئلت می‌نمایم.
و السلام علیکم و رحمة الله وبرکاته.

اصد الصبح - صرم الصرام / ۱۴۲۲ هـ. ق.

پرسش ۶۳۷:

در رؤیا.... می‌خواستم اهل بیت علیهم السلام را زیارت کنم. وارد شدم و ضریح کسی را که نمی‌دانستم کیست زیارت کردم. در حالی که طواف می‌کردم، از یکی از حاضران پرسیدم، او به من گفت: زیارت می‌کنی ولی او را نمی‌شناسی؟! نه نمی‌شناسم. به من گفت: این ضریح سیده فاطمه‌ی زهرا علیها السلام است. زیارت کردم و زیارت را تکمیل نمودم و از آن جا بیرون آمدم ولی صحن، حصار و دیوار نداشت و افرادی آنجا بودند که لباس‌های سیاه به تن داشتند و نیز مردانی بودند که برای زائرین غذا می‌پختند. آنها به من گفتند: اگر حاجتی داری، حاجت را بخواه. اندوهگین برخاستم و حاجتم را طلب کردم. تفسیر آن چیست؟ هزار درود بر شما! در ماه رمضان امسال اعمال شب مبارک قدر شب بیست و سوم را به جا آوردم. در رؤیا.... گویی در یک مکان عمومی ایستاده بودم و گویی مناسبتی یا برنامه‌ی توزیع جوایز بین مردم برقرار بود. صدای مردی که چهره‌اش را نمی‌دیدم، شنیدم که با صدای بلند مرا به اسمم صدا کرد و گفت: شما حواله یا بلیط سفر به حج و عمره‌ی بیت الله الحرام را برنده شده‌ای. تا اینجا خواب تمام شد.

رؤیای دوم: در رمضان امسال که گذشت، گویی من دم در ایستاده بودم و جلویم سه پله

بود که انگار می‌خواستیم پایین بروم و به همراه مردمی که طواف می‌کردند، وارد کعبه‌ی شریف شوم. رؤیا خاتمه یافت.

سرورم! خداوند جزای خیر به شما دهد و شما را محافظت فرماید.

فرستنده: بشری - استرالیا

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والصمد للرب العالمين، وهدى الاعداء صمد واكل صمد الاثم والنجس و سلم تسليماً.

خداوند شما را بر هر خیرى موفق بگرداند! رؤیای اولی شما در خصوص زیارت فاطمه عليها السلام این مطلب را به شما می‌شناساند که ضریح فاطمه‌ی زهرا عليها السلام برای مردم آشکار شده و موضع آن شناخته شده است. من این موضوع را چند سال قبل بیان نمودم و مکان ضریح فاطمه‌ی زهرا عليها السلام را مشخص ساختم. این که قبر را زیارت کرده‌ای، ان شاء الله بشارت خیری برای شما است و به خواست خدا شما به نصرت حق و پیروی از حقى که این دعوت آن را آورده است موفق می‌گردی. خداوند توفیقت دهد!

رؤیای دوم شما مبنی بر این که شما بلیط سفر حج برنده شدی، ان شاء الله بشارتی است برای شما در پیروی از این دعوت که همان دعوت حق است؛ چرا که حج یعنی پیروی از خلیفه‌ی خدا در زمینش.

اما رؤیای شما که در آن می‌خواستی وارد کعبه شوی، به این مفهوم است که شما می‌خواهید به خلیفه‌ی خدا در زمینش بگروی که او کعبه‌ی حقیقی است؛ و ائمه عليهم السلام این مطلب را تبیین نموده‌اند. او اکنون همان کسی است که به حق و پیروی از حق شما را می‌خواند. از خداوند پیروی از حق و یاری رساندن آن و ثبات بر حق را برای شما مسئلت دارم.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

الصمد للصغ - صرم الصرام / ۱۴۳۲ هـ. ق.

پرسش ۶۳۸:

سلام بر سرور و مولایم، امام احمد الحسن.

اللهم صل علی صمد و اكل صمد الاثم والنجس و سلم تسليماً.

در روز پنجشنبه مصادف با ۱۴/۱۰/۱۴۳۱ دیدم که با برادر و عمویم نشستام و به آنها

گفتم: در کشور کویت پیامبری وجود ندارد. آنها به من خندیدند و گفتند: اغلب پیامبران در کویت هستند. تفسیر آن چیست؟
سرور و مولایم، از لطف شما متشکریم.

فرستنده: عدنان - عربستان سعودی

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والصبر للرب العالیم، و صبر للعصر و کل عصر لائم و المصیر و سلم تسلیم.

معنای رؤیا این است که در کویت، انصار امام مهدی (علیه السلام) وجود دارد و ان شاء الله از بین آنها برخی، اصحاب امام مهدی (علیه السلام) هستند.

«و الله ولیّ التوفیق» (خداوند دهنده‌ی توفیق است). «هو ولیّی و هو یتولّی الصالحین» (او یاور من است و او دوست شایستگان است).

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

اصد الصبح - صرم الصرام / ۱۴۴۲ هـ. ق.

بخش دوم

پاسخ‌های انصار امام مهدی علیه السلام

پرسش ۶۳۹:

بسم الله الاعظم

السلام عليكم... سلام بر سید المرسلین.

سؤال من: فرج چه هنگام است؟!

فرستنده: حسین التمیمی - عراق

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم... الصبر لله رب العالمین، و صبر الله صبر و آمل صبر الاثم و الصبرین و سلم تسليماً. و عليكم السلام و رحمة الله وبركاته.

برادرم، این سؤال شما را امام صادق (علیه السلام) در پاسخ به کسی که از فراوان بودن شیعه سؤال کرده بود، جواب داده است. امام (علیه السلام) فرمود: «**أما لو كملت العدة الموصوفة ثلاثمائة وبضعة عشر كان الذي تريدون....**»^۱ (هنگامی که عده‌ی (یاران) تعیین شده یعنی سیصد و اندی نفر تکمیل شود، آن چه دوست دارید (فرج و ظهور) محقق خواهد شد...). امام صادق (علیه السلام) به بیان ویژگی‌های شیعیان حقیقی می‌پردازد و ما از آن درمی‌یابیم فرجی که بشریت منتظر آن است، با تکمیل عده و یاران محقق می‌گردد و این تکمیل شدن، فقط کامل شدن مادی نیست بلکه مهمتر از کامل شدن مادی، کامل شدن روحی و معرفتی است؛ به این معنا که آمادگی آن افراد همان معرفت و شناخت آنها نسبت به توحید و عمل به آن طبق چیزی که خدای سبحان اراده فرموده است، می‌باشد. بر این اساس، امتی که علامت حاصل شدن فرج است، در واقع کسانی هستند که غایت الهی در خلق را تحقق می‌بخشند به این صورت که انسان تصویری باشد که اخلاق خدای سبحانش را منعکس می‌گرداند؛ بعثت پیامبران، مرسلین و اوصیاء (علیهم السلام) برای رسیدن به این هدف عظیم بوده است. و الصبر للمرصده و صبره و صره.

هیأت علمی انصار امام مهدی علیه السلام
 (خداوند در زمین تمکینش دهد)
 استاد زکی الانصاری
 ۲۶/ربیع الاول/۱۴۳۱ ه.ق.

پرسش ۶۴۰:

سلام من اللهم عزیر الصغیر.

و بعد... جوانان از حضرت‌عالی بسیار سخن می‌گویند و با گذشت زمان از برخی بزرگان مذهب - کسانی که برای ما فتوا صادر می‌کنند- چیزهایی بیان می‌دارند که ما از تفسیر و تاویل آن ناتوانیم. من عالم یا خطیبی که ذکری از شما بگویند، نمی‌یابم... من جوانی هستم که در عصر جهانی شدن و عصر فتنه‌ها زندگی می‌کنم و از خداوند می‌خواهم به محمد و آل محمد مرا از آن نجات دهد و حفظ کند؛ من عالم نیستم تا بتوانم کسی را بر کس دیگری تزکیه کنم و برتری دهم. ولی از جمله موارد معروفی که وجود دارد این است که اولین گردن‌هایی که قطع می‌شود، گردن علما است و البته نه همه‌ی آنها. زیرا کسی که نپذیرد، فاسد می‌شود. اما چه دلیلی برای اثبات این مطلب وجود دارد که تو همان یمانی مهدی هستی که در وصیت حضرت محمد صلی الله علیه و آله ذکر شده است؟ و معجزه‌ی شما چیست؟ و رویکرد شما چگونه است؟

و السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

فرستنده: احمد مهنا - کویت

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحیم

لاصبر الا على ربنا و على عظیم نعمائه و صل الله على محمد و آله و صحبه و سلم تسلیماً کثیراً.
 در روایت مقدس چنین آمده است: «... یا ابالحسن صحیفه و دواتی حاضر کن. و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وصیتش را املا فرمود تا به این جا رسید که فرمود: یا علی پس از من دوازده امام خواهند بود و پس از آنها دوازده مهدی علیهم السلام هستند، یا علی تو نخستین دوازده امام هستی...» و سپس حدیث را ادامه می‌دهد تا آنجا که فرمود: و حسن علیه السلام آن را به فرزندش، محمد، مستحفظ از آل محمد علیهم السلام تسلیم کند و ایشان دوازده امام می‌باشند و سپس دوازده مهدی علیهم السلام بعد از او می‌باشند. پس اگر وقت وفاتش رسید، خلافت را به فرزندش نخستین مهدیین تسلیم کند که سه نام دارد، نامی مانند نام من و نام پدرم که عبدالله و احمد است، و نام سوم مهدی است و او اولین

ایمان آورنده می‌باشد»^۱.

بنابراین احمد همان پسر امام مهدی (علیه‌السلام) و وصی او و اولین ایمان آورنده به او است. این که احمد اولین ایمان آورنده به او است مستلزم آن است که وی در زمان ظهور، حضورش موجود و ایمان او به امام مهدی قبل از ایمان ۳۱۳ اصحاب او باشد.

از امام باقر (علیه‌السلام) نقل شده است که فرمود: «خروج سفیانی و یمانی و خراسانی در یک سال و یک ماه و یک روز خواهد بود؛ درست مانند دانه‌های تسبیح یکی پس از دیگری خواهند آمد. به هر سو که بنگری ترس و وحشت و اضطراب خواهد بود. وای به حال کسی که با آنها درافتد. پرچمی از پرچم یمانی هدایت یافته تر نیست. پرچم هدایت، همان است زیرا او مردم را به صاحب‌تان دعوت می‌کند. هنگامی که یمانی خروج کرد، فروختن سلاح بر مردم و بر هر مسلمانی حرام می‌شود. هنگامی که یمانی خروج کرد به سوی او به پاخیز چرا که پرچم او پرچم هدایت است و روی گردانی از آن برای مسلمان، جایز نیست. هر کس که چنین کند از اهل آتش است چرا که یمانی به حق فرامی‌خواند و به راه مستقیم دعوت می‌کند»^۲. در این مطلب تامل کن: «رویگردانی از آن برای مسلمان، جایز نیست. هر کس که چنین کند از اهل آتش است». این به معنی آن است که یمانی، صاحب ولایت الهی است. نمی‌شود شخصی بر مردم حجت باشد به گونه‌ای که رویگردانی آنها از او، ایشان را به جهنم وارد کند حتی اگر نماز بخوانند و روزه بگیرند، مگر این که آن شخص از جانشینان خدا بر زمینش باشد؛ اینها اصحاب ولایت الهی از انبیاء و فرستادگان و ائمه و مهدیین می‌باشند.

از ابوعبدالله امام جعفر صادق (علیه‌السلام) نقل شده است که فرمود: «خداوند شرم ندارد عذاب کند امتی را که به امامی گرویده‌اند که از جانب خدا نیست، حتی اگر کارهای آنها نیکو و پاکیزه باشد، و خداوند شرم دارد عذاب کند امتی را که به امامی گرویده‌اند که از جانب خدا است، حتی اگر کارهای آنها ستمگرانه و گنهکارانه باشد»^۳. در همان صفحه از کتاب کافی روایات دیگری در همین معنا وجود دارد.

مادام که نافرمانی نسبت به یمانی، آتش را به دنبال داشته باشد، یعنی او امامی عادل از

۱ - غیبت طوسی: ص ۱۵۰.

۲ - غیبت نعمانی: ص ۲۶۲ ؛ بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۲۳۲ ؛ معجم احادیث الامام مهدی (علیه‌السلام): ج ۳ ص ۲۵۵.

۳ - کافی: ج ۱ ص ۳۷۶.

جانب خداوند متعال است.

«زیرا او به حق فرامی‌خواند و به راه مستقیم دعوت می‌کند». فراخواندن به حق و راه مستقیم یا صراط مستقیم، به این معنا است که از این شخص خطا و اشتباهی سر نمی‌زند تا با آن مردم را به باطل درآورد یا از حق خارج گرداند؛ یعنی وی معصوم و بر عصمت او نص وارد شده است؛ و به این معنا، این قید یا محدودیت، در مشخص شدن شخصیت یمانی قابل قبول است. در نظر گرفتن هر معنای دیگری برای این سخن (او به حق فرامی‌خواند و به راه مستقیم دعوت می‌کند)، این کلام را بی‌فایده می‌کند زیرا در این صورت، برای شخصیت یمانی، حد و قیدی باقی نمی‌ماند و این از ساحت آنها به دور است!

آیات قرآن بر این معنا تاکید ورزیده‌اند: «قَالُوا يَا قَوْمَنَا إِنَّا سَمِعْنَا كِتَابًا أُنزِلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَىٰ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَإِلَى طَرِيقٍ مُسْتَقِيمٍ * يَا قَوْمَنَا أُحِبُّوَا دَاعِيَ اللَّهِ وَآمِنُوا بِهِ يَغْفِرَ لَكُمْ مِنْ ذُنُوبِكُمْ وَيَجْرِكُمْ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ» (گفتند: ای قوم ما، ما کتابی شنیدیم که بعد از موسی نازل شده، کتاب‌های پیشین را تصدیق می‌کند و به حق و راه راست راه می‌نماید* ای قوم ما، این دعوت کننده به خدا را پاسخ گوید و به او ایمان بیاورید تا خدا گناهان تان را بیامرزد و شما را از عذابی دردآور در امان دارد).

اکنون بر ما روشن شد که یمانی حجتی است که عصمت او منصوص می‌باشد (دارای نص می‌باشد)، و حجت‌ها به وسیله‌ی روایت وصیت که پیشتر ذکر شد، به ما معرفی و شناسانده می‌شوند که آنها دوازده امام و دوازده مهدی هستند، و یمانی زمینه‌ساز امام مهدی است. این مطلب که وی فرزندش، احمد است و نیز برخی دلایل دیگر بر این حقیقت را می‌توانی در کتاب‌های انصار - خداوند حفظشان کند - بیابی.

برای این که مطمئن شوی که سید احمد الحسن (علیه السلام) همان یمانی و همان وصی و فرستاده‌ی امام مهدی است، به این روایت دقت کن: محمد بن فضل از امام رضا (علیه السلام) در حدیثی طولانی روایت کرده است که: «حضرت (علیه السلام) در بصره در مجلس بزرگی از علما که در میان آنها جاثلیق انصاری و راس جالوت بودند، حاضر شد. امام رضا (علیه السلام) رو به جاثلیق کردند و فرمود: آیا انجیل بر نبوت محمد (صلی الله علیه و آله) دلالتی نیاورده است؟ جاثلیق گفت: اگر دلالت می‌آورد ما منکر آن نمی‌شدیم. حضرت فرمود: از السکته در سفر سوم که شما می‌دانی مرا خبر ده. جاثلیق گفت:

نامی از نام‌های خدا می‌باشد و برای ما جایز نیست آن را آشکار کنیم. امام رضا (علیه‌السلام) فرمود: اگر از شما اقرار گرفتیم که این، نام محمد است.... (و پس از آن که امام (علیه‌السلام) آن چه را که در انجیل و تورات درباره‌ی حضرت رسول (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) آمده بیان نمود) آن دو - یعنی جاثلیق و راس جالوت - گفتند: به خدا سوگند او چیزهایی بر ما عرضه کرد که امکان رد کردن یا پاسخ دادن به آن وجود نداشت مگر با انکار و رد انجیل و تورات و زبور، موسی و عیسی (علیهم‌السلام) همگی به او اقرار کردند ولی ما نمی‌توانیم به صحت آن اقرار کنیم که این محمد شما همان محمد مذکور در کتاب‌ها است؛ ما نمی‌توانیم این گونه اقرار کنیم و شک داریم که این محمد شما همان محمد است. «حضرت فرمودند: با شک و تردید بر من احتجاج کردید. آیا خداوند از قبل یا بعد، از آدم تا این لحظه پیامبری را مبعوث کرده است که نامش محمد باشد؟ پس در پاسخ درماندند.... الخ»^۱.

وجه استدلال به این روایت: امام رضا (علیه‌السلام) بر جاثلیق نصاری و راس جالوت یهودی بر این که نبوت پیامبر اکرم حضرت محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) ثابت شده است محاجه می‌کند و دلیل آن حضرت بر اثباتش این است که نام شریف پیامبر در کتاب‌های خود آنها آمده است و حضرت جاهایی که اسم پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در آن آمده است را برای آنها بیان می‌دارد. آنها نیز نزد حضرت اقرار می‌کنند که درج پیامبری به اسم محمد که در آخرالزمان می‌آید، موضوعی است که قادر به انکار آن نیستند مگر این که انجیل، تورات و زبور را رد کنند. لیکن آنها با وجود چنین اقرار و اعترافی، در این که مقصود، همان پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) است شک و تردید روا می‌دارند؛ یعنی آنها مفهوم را می‌پذیرند ولی در مصداق، شک و گمان می‌ورزند؛ آنها می‌گویند نمی‌توانند صرفاً به این دلیل که اسم پیامبر خدا حضرت محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)، «محمد» است، به او اقرار کنند.

در اینجا امام رضا (علیه‌السلام) با عبارت «با شک و تردید بر من احتجاج کردید» پاسخ آنها را می‌دهد یعنی شما دلیل ایجابی ندارید و دلیل شما صرفاً سلبی است. سپس همین دلیل سلبی را نیز بر ایشان بی‌اثر می‌سازد، با این سخن خود که فرمود: «**آیا خداوند از قبل یا بعد، از آدم تا این لحظه، پیامبری را مبعوث کرده است که نامش محمد باشد؟**» و آنها از جواب درمی‌مانند و شبهات واهی‌شان نقش بر آب می‌شود.

امام رضا (علیه‌السلام) به عبارتی دیگر به آنها می‌گوید تاریخ را از زمان آدم (علیه‌السلام) تا امروز بررسی کنید؛ آیا در آن مردی به اسم محمد می‌یابید که ادعا کرده باشد از جانب خدای متعال مبعوث

شده است؟ پس اگر نیافتید و قطعاً نمی‌باید. چاره‌ای ندارید جز این که اقرار کنید پیامبر ما ﷺ همان پیامبر مقصود است که در کتاب‌های شما ذکر او به میان آمده است. طبیعتاً ما باید همواره این نکته را متذکر شویم که آمدن نام رسول خدا در کتب ادیان الهی سابق، بر سبیل نص بر آن حضرت و وصیت نمودن به او بوده است. ما به ازای احتجاج به وصیت بر پیامبری حضرت محمد و روش اثبات برای درستی ادعا کننده که همان هدف مورد نظر است، تکیه بر تاریخ است که شهادت می‌دهد به غیر از صاحب وصیت مدعی دیگری وجود ندارد. به علاوه می‌توانیم بعد مهم دیگری به استدلال امام رضا علیه السلام اضافه کنیم؛ موردی که به روشنی از آن درمی‌یابیم، زیرا می‌دانیم احتجاج امام رضا علیه السلام کامل و صحیح و به گونه‌ای است که نه از پیش روی و نه از پشت سر، باطل به آن راه ندارد؛ چرا که این احتجاج از آن مردی است که سخن از روی هوا نمی‌گوید و آنچه می‌گوید جز وحیی که (از مبدأ اعلی) به او القاء می‌شود، نیست.

حال که این مطلب را دانستیم، این پرسش را مطرح می‌کنیم که: اگر جاثلیق و راس جالوت در پاسخ به امام رضا علیه السلام می‌گفتند: «آری»، سابقه ندارد کسی ادعا کرده باشد که او همان شخص ذکر شده در کتاب‌های ما باشد ولی این مانع نمی‌شود که شخصی در روزگار بعدی بتواند آن را ادعا کند.

من می‌گویم: آیا این پاسخ احتمالی، استدلال امام رضا علیه السلام را بی‌اثر و بی‌نتیجه می‌کرد؟ پیشتر گفتیم که احتجاج امام رضا علیه السلام کامل و صحیح است و در این قضیه کسی شک روا نمی‌دارد مگر آن که به حقیقت امام رضا علیه السلام و به حقیقت امامت جاهل باشد. از چنین دیدگاهی که اعتقاد تام به درستی احتجاج امام رضا علیه السلام دارد، می‌توانیم درکی از احتجاج آن حضرت به دست آوریم به این صورت که حضرت می‌خواسته است این حقیقت را بیان نماید که وصیت را فقط و فقط صاحب آن می‌تواند ادعا کند و نه کس دیگر؛ و بر اساس این انگاره، می‌دانیم که جواب احتمالی (فوق) استدلال امام رضا علیه السلام را نقض نمی‌کند بلکه در واقع چیزی نیست جز ادامه‌ی منطق تردید بی‌پایه و غیرمستند بر دلیل حقیقی ایجابی. واقعیت آن است که عقل‌های سلیم ضرورت قطعی حفظ وصایای پیامبران را درک می‌کند، و حتی نص الهی وارد بر آنها، باید از دست‌کاری جاعلان و مدعیان دروغین محفوظ بماند؛ زیرا فرض وجود داشتن این امکان که جاعل اوصیای انبیاء و حجت‌ها یا نص الهی بر

آنها بتواند خود را جا بزند، دروازه‌ی ورود شک و خطر آن در عقل‌ها و قلب‌ها را به طور کامل بازمی‌کند و آن‌گاه - پس از تحقق فرض جعل هویت دروغین - انسان هرگز نمی‌تواند به کسی که مدعی شده است من نبی یا وصی هستم اطمینان یابد و به این ترتیب آن حجت نخستین و مستحکمتر که به آن احتجاج می‌جویند ساقط می‌شود، و این خلاف فرض است.

ابومحمد انصاری

۲۰۱۰/۴/۵ م

پرسش ۴۱:

آیا پیامبر ﷺ غیب می‌داند؟

فرستنده: ابو عبدالعزیز - کویت

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والصمد للرب العالمين، وصلی اللعمر صمد و آل صمد الائمه و الصدیق و سلم تسليماً كثيراً.

در صحیح مسلم، ج ۸، ص ۱۷۲ آمده است:

ابوزید (یعنی عمر بن خطاب) می‌گوید: پیامبر ﷺ با ما نماز صبح خواند و بعد به منبر رفت و خطبه خواند تا وقت ظهر شد. از منبر به زیر آمد و نماز خواند سپس به منبر رفت و برای ما خطبه خواند تا زمان عصر فرا رسید. سپس پایین آمد و نماز خواند. سپس بر منبر بالا رفت و برای ما خطبه خواند تا خورشید غروب کرد. او خبر داد به ما آن چه را که اتفاق افتاده است و آن چه را که اتفاق خواهد افتاد، پس داناترین ما حافظ‌ترین ما است... تا انتها. حذیفه گفته است: پیامبر ﷺ در میان ما به پا خواست و از آن چه که تا روز قیامت اتفاق خواهد افتاد خبر داد. بعضی آن را حفظ کردند و به خاطر سپردند و برخی آن را فراموش نمودند. گروهی از اصحاب ما آن را دانستند و چیزهایی از آن را فراموش کردم. اما اگر آن را ببینم به یاد می‌آورم همان‌طور که مردی چهره‌ی مرد دیگری را که از او دور شده باشد، وقتی ببیند، به یاد می‌آورد و می‌شناسد.

ولی این مطلب آن را از حدود سخن خداوند متعال خارج نمی‌گرداند: «عَالِمِ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَىٰ غَيْبِهِ أَحَدًا* إِلَّا مَنِ ارْتَضَىٰ مِنْ رَسُولٍ»^۱ (او دانای غیب است و غیب خود را بر هیچ کس آشکار نمی‌سازد، مگر بر آن پیامبری که از او خوشنود باشد) و علم او از غیب، به وسیله‌ی آشکارسازی

خداوند از برای او می‌باشد.

هیأت علمی انصار امام مهدی علیه السلام

ابومحمد انصاری

۱۵/شوال/۱۴۳۱ ه. ق

پرسش ۶۴۲:

۱- نظر شما درباره‌ی این صحابه «ابوبکر، عمر، عثمان و علی علیهم السلام» چیست؟ کسانی که

خداوند از آنها راضی گشت و پیامبر در حالی به رفیق اعلی منتقل شد که از آنها راضی بود.

۲- حکم متعه که شیعه آن را دستاویزی برای دریدن پرده‌ی ناموس مردم قرار داده‌اند،

چیست؟

۳- حکم خون ریختن در عاشورا و در شریعت اسلامی چیست؟ با توجه به این که واضح

است که این نوع حزن پسندیده نیست.

۴- سید ما حسن و سید ما حسین، هر دو برادر و فرزندان علی علیه السلام و پسران فاطمه

زهرا علیها السلام هستند و هر یک از این دو موضع‌گیری سترگی دارند. خداوند به وسیله‌ی سید ما

حسن امت اسلامی را وحدت بخشید و خدا با او جماعت مسلمین را گرد آورد و بین جماعات

آنها آشتی برقرار کرد. موضع‌گیری سید ما حسین علیه السلام نیز عظیم و شایسته است ولی چرا برای

موضع‌گیری او، مرتب حزن و اندوه می‌شود و امر سید ما حسن علیه السلام فراموش می‌گردد و حال

آن که به نظر من این کار وی شایسته‌ی برپایی جشن و شادمانی است؟

۵- چرا به شیعیان سفارش نمی‌کنی که در نماز در مسجد مسلمانان که همگی سنی و

شیعه هستند یک‌پارچه حضور یابند؟

فرستنده: صقر البراری

پاسخ:

بسم اللّٰه الرحمن الرحیم

و الصّٰدق العَٰلَمِیْنَ، و صدِّق اللّٰه صِدْق و کَلِّم صِدْق اللّٰه و النّٰمِیْنَ و سَمِّیْنَ کَثِیْرًا.

۱- آن دسته از صحابی مرضی عنه که به ایمان موصوف‌اند، مورد تایید ما نیز هستند

ولی ما باید در مورد تک تک اصحاب تحقیق کنیم و ببینیم آیا او از جمله کسانی است که

خدا و مؤمنین از او راضی و خوشنودند. شاید احادیث حوض که بخاری و دیگران روایت

کرده‌اند، دلیلی کافی بر این باشد که ما در این خصوص نگران باشیم. برخی از آنها را به شما

ارایه می‌کنم: در صحیح بخاری (بخاری ۱۴۰۱ / ۱۹۸۱ م، انتشارات دار الفکر چاپ استانبول

جلد ۵ صفحه ۱۹۱ و ۱۹۲) آمده است:

باب: «و کنت علیهم شهیدا ما دمت فیهم فلما توفیتنی کنت انت الرقیب علیهم و انت علی کل شیء شهید»

پیامبر خدا ﷺ خطبه‌ای خواند و فرمود: «ای مردم، همانا شما پابرهنه و عریان و ختنه نشده در قیامت در پیشگاه خدا حاضر می‌شوید. سپس فرمود (این آیه را تلاوت نمود): «کما بدان اول خلق نعیده وعدا علینا انا کنا فاعلین ... تا آخر آیه» (و چنان که نخستین بار بیافریدیم، آفرینش از سر گیریم. این وعده‌ای است که برآوردنش بر عهده‌ی ما است و ما چنان خواهیم کرد). سپس فرمود: «نخستین کسی که روز قیامت پوشانده می‌شود ابراهیم است. بدانید به زودی مردانی از اتم آورده می‌شوند که آنها را به طرف جهنم می‌برند. من می‌گویم خدایا اصحابم. در جوابم گفته می‌شود: تو نمی‌دانی آنان بعد از تو چه بدعت‌هایی ایجاد کردند. در این هنگام من سخنی را می‌گویم که بنده‌ی صالح خدا (عیسی علیه السلام) گفت: «و کنت علیهم شهیدا ما دمت فیهم فلما توفیتنی کنت انت الرقیب علیهم» (و من تا در میانشان بودم نگهبان عقیده‌شان بودم و چون مرا می‌راندی تو خود نگهبان عقیده‌شان گشتی). و خطاب می‌شود: آنها بعد از تو همواره به اعقاب خود یعنی زمان جاهلی برمی‌گشتند.

در صحیح بخاری ج ۵ ص ۱۹۲ آمده است:

باب: آیه إن تعذبهم فإنهم عبادك وإن تغفر لهم فإنك أنت العزيز الحکیم

پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود: «شما محشور می‌شوید و عده‌ای را به طرف شمال (یعنی جهنم) می‌برند. من سخنی را می‌گویم که بنده‌ی صالح خدا (عیسی علیه السلام) گفت و کنت علیهم.....»

در صحیح بخاری ج ۵ ص ۲۴۰ آمده است:

باب: کما بدان اول خلق نعیده وعداً علینا:

پیامبر صلی الله علیه و سلم خطبه‌ای خواند و فرمود: «همانا شما پابرهنه و عریان و ختنه نشده در قیامت در پیشگاه خدا حاضر می‌شوید. سپس فرمود (این آیه را تلاوت نمود): «کما بدان اول خلق نعیده وعدا علینا انا کنا فاعلین ... تا آخر آیه» (و چنان که نخستین بار بیافریدیم، آفرینش از سر گیریم. این وعده‌ای است که برآوردنش بر عهده‌ی ما است و ما چنان خواهیم کرد). سپس فرمود: «نخستین کسی که روز قیامت پوشانده می‌شود ابراهیم است. بدانید به زودی مردانی از اتم آورده می‌شوند که آنها را به طرف جهنم می‌برند. من می‌گویم خدایا اصحابم. در جوابم گفته می‌شود: تو نمی‌دانی آنان بعد از تو چه بدعت‌هایی ایجاد کردند. در این هنگام من سخنی را می‌گویم که بنده‌ی صالح خدا (عیسی علیه السلام) گفت: «و کنت علیهم شهیدا ما دمت فیهم فلما توفیتنی کنت انت

الرقیب علیهم» (و من تا در میانشان بودم نگهبان عقیده‌شان بودم و چون مرا میرانیدی تو خود نگهبان عقیده‌شان گشتی). و خطاب می‌شود: آنها بعد از تو همواره به اعقاب خود یعنی زمان جاهلی برمی‌گشتند.»

و در صحیح بخاری ج ۷ ص ۲۰۶ آمده است:

باب: درباره‌ی حوض و آیه‌ی انا اعطیناک الکوثر

پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود: «صبر پیشه کنید تا مرا در کنار حوض ملاقات کنید. من پیشاپیش شما در حوض هستم. من پیشاپیش شما در حوض هستم و بخشی از شما را از من جدا می‌کند و من می‌گویم: خدایا اینها صحابه‌ی من هستند. جواب می‌آید: تو نمی‌دانی که اینها بعد از تو چه بدعت‌هایی گذاشتند.»

۲- بکشید که خودتان انصاف به خرج دهید و از دلیل، پرسش کنید. متعه را خدای متعال تشریح فرمود و در تایید آن قرآن نازل نمود و رسول خدا ﷺ از آن بازداشت تا آن‌گاه که عمر به رای خودش درباره‌ی آن اظهار نظر کرد؛ عمر نه پیامبر ﷺ است و نه حجتی از حجج الهی. بیا آنچه را که در کتاب‌های شما است بگیر که چه بسا شما در غفلت به سر می‌بری:

در بخاری از عمران بن حصین نقل شده است: «آیه‌ی متعه در کتاب خدا نازل شد و ما همواره با رسول الله ﷺ به آن عمل می‌کردیم و قرآن در حرمت آن نازل نشد و رسول خدا ﷺ از آن نهی ننمود تا این که وفات یافت. مردی به آن چه که دلخواهش بود نظر داد. محمد (یعنی بخاری) می‌گوید: گفته می‌شود عمر بوده است». این روایتی است که بخاری در صحیح خود نقل کرده است و به اجماع گروه قابل‌اعتنایی از علمای اهل سنت، صحیح بخاری درست‌ترین کتاب‌ها پس از قرآن است. در این کتاب با عبارتی کاملاً روشن که تأویل‌بردار نیست، از مجاز بودن متعه و استمرار آن تا روز قیامت سخن گفته است؛ کما این که حدیث مزبور بر عدم نزول قرآن در حرمت آن صراحت دارد و نیز تاکید دارد بر این که پیامبر ﷺ تا زمانی که به رفیق‌اعلی پیوست، از آن نهی نفرمود؛ و نیز صراحت دارد بر این که حرام‌کننده‌ی آن، خلیفه عمر بن خطاب بوده است.

۱ - صحیح بخاری: باب قوله تعالى «وَأَتَفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ» - از کتاب تفسیر از جزء

امام حدیث نزد اهل سنت، امام مسلم نیز در صحیح خود در باب نکاح متعه این روایت را آورده است: «با پیامبر خدا ﷺ در غزه‌ای شرکت داشتیم و زنان با ما نبودند. عرض کردیم ای رسول خدا آیا خود را اخته کنیم؟ پیامبر ما را از این کار منع فرمود و به ما اجازه داد تا با مهریه قرار دادن لباسی، ازدواج موقت کنیم. آن‌گاه عبدالله این آیه را قرائت کرد: « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُحْرِمُوا طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ » (ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چیزهای پاکیزه‌ای را که خدا بر شما حلال کرده است حرام نکنید و از حد مگذرید که خدا تجاوزکنندگان را دوست ندارد)»^۱.

در روایتی دیگر در صحیح مسلم از ابی نضره که گفت: «... نزد جابر بن عبدالله بودم. کسی آمد و گفت: ابن عباس و ابن زبیر در دو متعه با هم اختلاف کرده‌اند. جابر گفت: با رسول خدا ﷺ هر دو را به جا آوردیم سپس عمر آن دو را نهی کرد و ما هم دیگر پس از آن به جا نیاوردیم»^۲.

همچنین امام مسلم می‌گوید: «... ابن عباس متعه را حلال می‌دانست و ابن زبیر از آن نهی می‌کرد. نزد جابر بن عبدالله رفتم و مساله را جویا شدم. جابر گفت جریان حدیث در دست من است. ما در عهد رسول خدا ﷺ متعه می‌کردیم اما چون وقت خلافت عمر فرا رسید عمر گفت: خداوند آن چه را خواست بر رسولش حلال کرد و قرآن نیز جای خود را دارد. حج و عمره را آن گونه که خدا دستور داده است انجام دهید و ازدواج با این زنان را قطعی کنید. اگر مردی را نزد من بیاورند که زنی را ازدواج موقت کرده باشد، او را سنگسار می‌کنم»^۳.

تقوای الهی پیشه کنید و بدون علم در دین خدا سخن مگویید.

۳- عاشورا دین خدا و حاکمیت خدای متعال را که برخی بدون این که حق داشته باشند، به آن تاختند و به آن تعرض نمودند، برای مؤمنین یادآوری می‌کند.

۴- عزاداری برای حسین همان عزاداری برای حسن و علی و رسول الله، و بلکه عزاداری برای تمام پیامبران و مرسلین است زیرا هدف آن یادآوری دین خدا و مظلومیت خلفای الهی

۱ - صحیح مسلم: ج ۴ ص ۱۳۰.

۲ - صحیح مسلم: ج ۴ ص ۵۹.

۳ - صحیح مسلم: ج ۴ ص ۳۸.

است.

۵- هدف امام، گرد آوردن انسانیت با همه‌ی ابعاد وجودی آن گرد دین توحید خالصانه

هیأت علمی / انصار امام مهدی علیه السلام

ابومحمد انصاری

۱۵/شوال/۱۴۳۱ ه.ق

پرسش ۶۴۳:

پس از تحیت... از شما خواهش می‌کنم لطف نمایید، به این سؤال پاسخ دهید: چرا خداوند سبحان در قرآن کریم موضوع ولایت خاصه‌ی ائمه علیهم السلام را به صراحت بیان نفرموده است؟

ولی در خصوص آیاتی که به طور مرتب به گوشمان می‌خورد مثل: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ...»^۱ (جز این نیست که دوست شما خدا است و رسول او...) این تعابیر جزو تشبیهات است و از آیات محکم به شمار نمی‌رود؛ همان آیاتی که خداوند در مورد آنها فرموده است: «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكُمُ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ وَ أُخْرُ مُتَشَابِهَاتٌ»^۲.

همچنین حق تعالی فرموده است: «فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَ ابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَ مَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ»^۳ (آنها که در دلشان میل به باطل است، به سبب فتنه‌جویی و میل به تأویل از تشبیهات پیروی می‌کنند، در حالی که تأویل آن را جز خدای نمی‌دانند).

سؤال دوم: حکم کسی که ولایت را انکار کند چیست، چه وی مسلمان باشد و چه

غیرمسلمان؟

با تشکر از شما.

فرستنده: قصی السبع - عربستان سعودی

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

۱ - مائده: ۵۵.

۲ - سؤال کننده این گونه آیه را آورده و درست آیه به صورت زیر است: «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَ أُخْرُ مُتَشَابِهَاتٌ» (او است که این کتاب را بر تو نازل کرد بعضی از آیه‌ها محکماتند، این آیه‌ها ام کتابند و بعضی آیه‌ها متشابهاتند)

۳ - آل عمران: ۷.

و الصمد للرب العالمین، و صلوات الله علیه و آله و سلم لانه و المهریین و سلم تسلیماً.

خداوند در قرآن به طور عمومی بر ولایت ائمه علیهم‌السلام تصریح نموده است و پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نیز آن را شرح داده و برای مردم تبیین فرموده است؛ و واضح است که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم شارح و بیانگر قرآن است و آن چه که آن حضرت بیان می‌دارد «متشابه» نیست بلکه جزو «محکمت» است. خدای متعال می‌فرماید: «... وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ»^۱ (... و بر تو قرآن را نازل کردیم تا آنچه را برای مردم نازل شده است برایشان بیان کنی و باشد که بیندیشند).

پیامبر خدا حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم وفات نیافت مگر پس از آن که برای مردم آشکار ساخت که چه کسانی اولیا و حجت بر آنها هستند؛ و این همان تفسیر این سخن خداوند است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ»^۲ (ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا اطاعت کنید و از رسول و الوالامر خویش فرمان برید).

و نیز: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ»^۳ (جز این نیست که دوست شما خدا است و رسول او و مؤمنانی که نماز می‌خوانند و همچنان که در رکوعند انفاق می‌کنند).

و نیز آیه‌ی: «وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِّنَ الْأَمْنِ أَوْ الْخَوْفِ أَدَّاعُوا بِهِ وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ وَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَاتَّبَعْتُمُ الشَّيْطَانَ إِلَّا قَلِيلًا»^۴ (و چون خبری، چه ایمنی و چه ترس به آنها رسد، آن را در همه جا فاش می‌کنند و حال آنکه اگر در آن به پیامبر و الوالامرشان رجوع می‌کردند، حقیقت امر را از آنان درمی‌یافتند و اگر فضل و رحمت خدا نبود، جز اندکی، همگان از شیطان پیروی می‌کردید).

در میان صحابه هیچ کس نیست که ولایتی هم‌پایه‌ی ولایت خدا و پیامبر داشته باشد، به جز علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام؛ و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در مواضع متعددی تصریح نموده که ولایت علی علیه‌السلام مانند ولایت او است، از جمله در حدیث مشهور و ثابت شده‌ی ثقلین. همچنین از آن

۱ - نحل: ۴۴.

۲ - نساء: ۵۹.

۳ - نساء: ۵۵.

۴ - نساء: ۸۳.

جمله است آن چه که به بریده‌ی صحابی فرمود و متن آن را به شما ارایه می‌نمایم:

بریده می‌گوید: «با علی علیه السلام در سفر یمن همراه بودم و از او رفتاری ناگوار مشاهده کردم. هنگامی که بر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وارد شدم و از علی یاد و از او عیب‌جویی نمودم، دیدم چهره‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله دگرگون شد و فرمود: «یا بریده است اولی بالمؤمنین من انفسهم» (ای بریده! آیا من نسبت به مؤمنان از خود آنان برتر نیستم؟) گفتم: چرا ای رسول خدا صلی الله علیه و آله پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «من كنت مولاة فعلى مولاة» (هر کس من مولای اویم، علی مولای او است).

علمای عامه این حدیث را صحیح شمرده‌اند و من بر تصحیح البانی بسنده می‌کنم. وی در سلسله الصحیحه ج ۴ ص ۳۳۶ زیر شماره‌ی ۱۷۵۰ این روایت را صحیح دانسته و درباره‌ی آن گفته است: «این حدیث با این سند به شرط شیخین صحیح است.»

تاویل‌گران و شکاکان شما را فریب ندهند به این که ولایت علی در اینجا همان یاری او یا محبت یا مواردی از این دست است چرا که حضرت صلی الله علیه و آله آن را با عبارت: «الست اولی بالمؤمنین من انفسهم» (آیا من نسبت به مؤمنان از خود آنان برتر نیستم) تبیین نموده است و پس از آن نیز فرمود: «من كنت مولاة فعلى مولاة» (هر کس من مولای اویم، علی مولای او است)؛ یعنی ولایت علی مانند ولایت حضرت محمد صلی الله علیه و آله است و او از خود مؤمنین نسبت به آنها سزاوارتر است. سخن در این باب بسیار طولانی است و به خواست خدای متعال در جای خودش خواهد آمد.

هیأت علمی انصار امام مهدی علیه السلام
 (خداوند در زمین تمکینش دهد)
 شیخ ناظم العقیلی
 آخر ذی الحجه/۱۴۳۲ هـ

پرسش ۶۴۴:

- ۱- آیا مظلومیت زهرا واقعیت دارد؟ چه کسی او را کشته است؟
 - ۲- او علیها السلام کجا دفن شده است؟
 - ۳- چرا ائمه فرزندان خود را به نام خلفا نام‌گذاری کرده‌اند؟
 - ۴- چرا علی علیه السلام دخترش را به ازدواج عمر در آورد؟
- خواهش می‌کنم به طور مفصل جواب بدهید زیرا زندگی دینی من و سرانجام آن به پاسخ‌های شما موکول است، آقای ما.

فرستنده: نبیل الشمری - کویت

پاسخ:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

وَالصَّلٰوةَ لِلرَّبِّ الْعَالَمِیْنَ، وَصَلِّ عَلَى الْعُرْوَةِ وَكُلِّ مَعْرَةَ الْاَئِمَّةِ وَالْمَهْدِیِّیْنَ وَسَلِّمْ تَسْلِیْمًا.

مظلومیت زهرا (ع) حقیقت دارد و از جمله اسباب و عوامل وفات وی، آزارهایی بود که در خانه‌اش بر او رفت؛ آن‌گاه که در خانه‌اش به آتش کشیده شد، پهلوی‌اش شکسته شد، جنین‌اش سقط گشت و امام علی (ع) را دست بسته بیرون آوردند تا با زور و اجبار، با ابوبکر بن ابی قحافه بیعت کند.

زهرا (ع) تا زمان وفاتش نسبت به ابوبکر و عمر خشمگین بود و از آنها کناره می‌گرفت، سلام خدا بر او باد! این روایتی است که بخاری در صحیح خود آورده است:

صحیح بخاری، ج ۸ ص ۳: «از عایشه نقل شده که گفت: فاطمه و عباس (ع) نزد ابوبکر آمدند و ارثی را که از رسول خدا (ص) باقی مانده بود طلب کردند. آن دو، زمین پیامبر در فدک و سهم خیر آن حضرت را خواستند. ابوبکر به آنها گفت من از رسول خدا (ص) شنیدم که فرمود ما ارث نمی‌گذاریم، آنچه می‌گذاریم صدقه است. آل محمد (ع) از این مال استفاده می‌کنند. ابوبکر گفت: به خدا قسم رها نمی‌کنم کاری را که رسول خدا (ص) انجام داد جز این که همان را انجام دهم. راوی گوید: فاطمه از ابوبکر دوری گزید و هرگز با او صحبت نکرد تا از دنیا رفت.»

در حالی که ثابت شده است که پیامبر (ص) در حق فاطمه (ع) فرمود: «فاطمه پاره‌ی تن من است، هر کس او را به خشم آورد مرا به خشم آورده است»^۱، «فاطمه پاره‌ی تن من است، آن چه او را بیازارد، مرا آزرده می‌کند»^۲، «خداوند به خاطر خشم تو خشمگین می‌شود و به خاطر رضای تو، راضی»^۳.

زهرا (ع) با درد و خشم و مظلومیتش در بقیع به خاک سپرده شد. اما دلیل نام‌گذاری فرزندان حضرت زهرا (ع) به نام «خلفا» این است که آنها اوصیای

۱ - آن را بخاری در صحیحش جلد ۴ باب «مناقب قرابة رسول الله» ص ۲۱۰ آورده است.

۲ - آن را مسلم در صحیحش جلد ۷ باب «فضائل فاطمه» ص ۱۴۱ آورده است.

۳ - حاکم نیشابوری، مستدرک و صححه: ج ۳ ص ۱۵۳ و ۱۵۴؛ طبرانی، معجم کبیر: ج ۱ ص ۱۰۸ ح ۱۸۲؛ هیثمی، مجمع الزوائد: ج ۹ ص ۲۰۳ و درباره‌ی آن گفته است: طبرانی با سند حسن روایت کرده است؛ متقی هندی، کنز العمال: ج ۱۲ ص ۱۱۱ ح ۳۴۲۳۸.

پیامبر خدا حضرت محمد ﷺ و جانشینانش پس از پدرشان علی بن ابی‌طالب (علیه السلام) هستند و این موضوع در روایات صحیح بسیاری که علمای عامه روایت کرده‌اند ثابت شده است. از جمله‌ی این روایات حدیث ثقلین است: پیامبر خدا ﷺ فرمود: «إني تارك فيكم ما إن تمسكتم به لن تضلوا بعدي؛ أحدهما أعظم من الآخر، كتاب الله حبل ممدود من السماء إلى الأرض وعترتي أهل بيتي ولن يتفرقا حتى يردا علي الحوض فانظروا كيف تخلفوني فيهما»^۱ (من در میان شما چیزی می‌گذارم که مادام که شما به آن تمسک جوید، هرگز گمراه نخواهید شد؛ یکی از آنها بزرگتر از دیگری است؛ کتاب خدا رشته‌ای کشیده شده از آسمان به زمین است و دیگری عترت که اهل بیت من هستند. این دو هرگز از هم جدا نمی‌شوند تا بر سر حوض بر من وارد شوند. ببینید بعد از من با آنها چگونه رفتار می‌کنید) و عترت در اینجا علی، فاطمه و فرزندان آنها است همان‌طور که در حدیث صحیح و مشهور کساء بیان شده است.

و آن چه که بر این معنا تاکید می‌ورزد، سخن پیامبر ﷺ درباره‌ی ثقلین است که فرمود: «و لن يتفرقا حتى يردا علي الحوض) (و این دو هرگز از هم جدا نمی‌شوند تا بر سر حوض بر من وارد شوند). یعنی آنها با هم و همراه هم هستند تا روز قیامت و نیز باید به هر دوی آنها تمسک جست، نه فقط به یکی از آنها. کسی که عترت را به زنان پیامبر ﷺ تفسیر کرده است، اکنون باید برای ما یکی از زنان پیامبر را در این زمان بیاورد تا ما به او تمسک جویم که البته بطلان این مطلب واضح است. بلکه هیچ کس نگفته است که تمسک به زنان پیامبر ﷺ واجب است؛ و کسانی که در جنگ جمل به عایشه اقتدا کردند، به بیراهه رفتند و با امام زمان خود جنگیدند و در دنیا و آخرت جزو زیانکاران شدند. سخن در این باب بسیار است و این مقام را گنجایش آن نیست.

اما این قضیه که علی (علیه السلام) دخترش را به ازدواج عمر در آورده، موضوعی است که ثابت نشده است و به فرض هم اگر ثابت شود، به مسئله‌ی خلافت و این که شایسته‌ترین فرد پس از رسول خدا ﷺ نسبت به دختر علی (علیه السلام) چه کسی است، ارتباطی ندارد.

۱ - ترمذی در صحیحش: ج ۵ ص ۳۲۸ و ۳۲۹ ح ۳۸۷۶ و درباره‌ی آن گفته است: «این حدیث حسن غریب است»؛ متقی هندی در کنز العمل: ج ۱ ص ۱۷۳ شماره ۸۷۳؛ عبد بن حمید بن نصر الکسبی در منتخب مسندش: ص ۱۰۷ و ۱۰۸ شماره ۲۴۰ با اختلاف اندک؛ البانی در صحیح سنن ترمذی صحت آن را تأیید نموده: ج ۳ ص ۵۴۳ و ۵۴۴ شماره ۳۷۸۸.

خداوند شما را برای یاری پیامبر مصطفی و عترت او اهل بیت طیب و طاهرینش هدایت فرماید.

و الصبر للصبره.

هیأت علمیانصار امام مهدی (عج)
(خداوند در زمین تمکینش دهد)
شیخ ناظم العقیلی
آخر ذی الحجه/۱۴۳۲ ه.ق

پرسش ۶۴۵:

بسم الله الرحمن الرحيم

اولاً: من دو سؤال دارم، و اگر پاسخ قانع کننده‌ای به آنها داده شد، ایمان می‌آورم که شما مهدی منتظر هستی.

سؤال اول مربوط به آیت الکرسی است؛ که شما به این آیه‌ی کریم بخشی را اضافه کرده‌ای (و ما بینهما و ما تحت الثرى.... الخ). آیا شما اقرار داری به این که چنین کاری تحریف قرآن کریم است و تحریف یا به زیادت است یا به نقصان؟

سؤال دوم مربوط به سب سیده‌ی ما عایشه امّ المؤمنین و نیز تکفیر او و ابوبکر، عثمان، عمر و دیگر صحابه و دشنام‌گویی به عایشه است و حال آن که خداوند سبحان در قرآن او را میرا ساخته است. در عقیده و شریعتی که از آن پیروی می‌کنید، قرآن منبع شما است. پس حال چگونه است که با آن چه که خدا در کتابش آورده است، سر مخالفت برداشته‌اید در حالی که قرآن به شریعت و دیانتی که شما بر آن هستید، هدایت نمی‌کند؟
با تشکر

فرستنده: احمد خالد محمود حرشسه - اردن

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

الصبر للمرب العالمين، وصبر الله على صبره و كمال صبره لائمه و المرعوبين و سلم تسليماً.

سید احمد الحسن (عج) به قرآن چیزی اضافه نکرده و چیزی از آن کم ننموده است، و این موضوع نزد اهل بیت (عج) ثابت شده است؛ همان اهل بیته که پیامبر (ص) درباره‌ی آنها فرمود: «من در میان شما چیزی می‌گذارم؛ مادام که شما به این دو دست یازید هرگز گمراه نخواهید شد؛ یکی از آنها بزرگتر از دیگری است؛ کتاب خدا رشته‌ای کشیده شده از آسمان به زمین است و

دیگری عترت که اهل بیت من هستند. این دو هرگز از هم جدا نمی‌شوند تا بر سر حوض بر من وارد شوند».

عترت، همان عدل (همتا) است و قرآن با آنها است؛ نه قرآن آنها را ترک می‌گوید و نه آنها تارک قرآن‌اند. این آیه (آیت الکرسی) به همین صورت از ایشان آمده و این قرائتی است که از آنها اخذ شده است. کما این که قرائت‌هایی وجود دارد که برای مسلمانان پذیرفته شده است در حالی که در این قرائت‌ها، حروف یا کلماتی کم و زیاد می‌شود، و با این حال کسی اعتراض نمی‌کند.

اما زیادت یا نقصان در قرآن کریم، موضوعی است که برای شما ثابت شده است. از جمله روایاتی صحیحی که شما دارید:

۱- بحاله‌ی تمیمی می‌گوید: «عمر بن الخطاب قرآنی در آغوش غلامش یافت که در آن آمده بود: پیامبر به مؤمنان از خودشان سزاوارتر است و او پدر آنها است، و زنانش مادران مؤمنان هستند. عمر به او گفت: ای غلام آن را (از مصحف) حذف کن. گفت: به خدا سوگند حذفش نمی‌کنم، و این در مصحف ابی بن کعب است. عمر به سراغ ابی بن کعب رفت و (او به عمر) گفت: مرا قرآن مشغول داشته و تو را معامله در بازار!». البوصیری در اتحاف الخیره المهره بزوائد المسانید العشره ج ۶ ص ۲۵۴ این حدیث را صحیح شمرده و درباره‌ی آن گفته است: «سند روایت به شرط بخاری صحیح است». ابن حجر عسقلانی هم در المطالب العالیه ج ۴ ص ۱۴۳ آن را صحیح شمرده و درباره‌اش چنین گفته است: «سند روایت به شرط بخاری صحیح است».

۲- بخاری در صحیحش از عمر بن الخطاب نقل می‌کند که گفت: «... یکی از آیاتی که خداوند نازل کرده، آیه رجم است. ما آن را خواندیم و درک کردیم و پای‌بند به آن شدیم. رسول خدا صلی الله علیه و سلم رجم را جاری کرد و ما نیز پس از او آن را عمل کردیم و رجم کردیم، و ترس آن را دارم که اگر زمان به درازا بکشد، کسی بگوید: به خدا سوگند ما آیه‌ی رجم را در کتاب خدا نیافته‌ایم، و با ترک واجبی که خدا نازل کرده است، گمراه شوند. رجم در کتاب خدا حق است، بر هر زن یا مردی که زنا کند و محصن باشد؛ البته با قیام بینة یا حامله شدن یا اعتراف زناکننده. یکی از آیاتی که در قرآن می‌خواندیم این آیه بود: **«ان**

لاترغبوا عن آباءکم فانه کفر بکم آن ترغبوا عن آباءکم او ان کفراً بکم آن ترغبوا عن آباءکم.....» (مبادا از پدران خود روی بگردانید، زیرا این کفر است که از پدران خود روی بگردانید...).

۳- مسلم در صحیحش می‌گوید: «ابوموسی اشعری قاریان بصره را که حدود سیصد مرد بودند گرد آورد و به آنان گفت: شما برگزیدگان و قاریان اهل بصره هستید. قرآن را تلاوت کنید. مبادا زمان بر شما به درازا کشد و قلب‌هایتان را قساوت گیرد، همان‌طور که قلب‌های کسانی که پیش از شما بودند را قساوت گرفت. ما همواره سوره‌ای را که در طولانی بودن و شدت داشتن به سوره‌ی برائت شبیه می‌دانستیم قرائت می‌کردیم ولی شما آن را به فراموشی سپردید، و تنها از آن سوره این آیه را به یاد دارم: «لو کان لاین آدم وادیان من مال لابتغی وادياً ثالثاً و لا یمالأ ابن آدم الا تراب» (اگر آدمی را دو دشت پر از مال بود، در پی دشت سوم می‌رفت؛ و درون آدمی را تنها خاک پرمی‌کند). ما سوره‌ای را قرائت می‌کردیم که آن را شبیه یکی از مسبحات می‌دانستیم و شما آن را فراموش کرده‌اید، و تنها از آن سوره این آیه را به خاطر دارم: «یا ایها الذین آمنوا لم تقولون ما لا تفعلون فتکتب شهادة فی اعناقکم فتسألون عنها یوم القیامة» (ای ایمان‌آوردگان! چرا آن چه را که به کار نمی‌بندید بر زبان می‌آورید تا بر گردن‌تان گواهی نوشته شود و به روز قیامت درباره‌ی آن مورد بازخواست قرار گیرید).

۴- از مسور بن مخرمه: «عمر به عبدالرحمان بن عوف گفت: آیا ندانسته‌ای ما این گونه قرائت می‌کردیم: «جاهدوا فی الله حق جهاده فی آخر الزمان کما جاهدتم فی اوله». (در راه خداوند جهاد کنید آن گونه که در آخر الزمان حق جهادش است همان گونه که در ابتدا جهاد کردید). عبدالرحمان گفت: ای امیرالمؤمنین، این آخرالزمان چه زمانی است؟ عمر گفت: هنگامی که بنی امیه، حاکمان و بنی مغیره، وزیران باشند»^۱.

۵- از مسور بن مخرمه که گفت: عمر به عبدالرحمان بن عوف گفت: «آیا قبلاً آیه‌ای به این صورت نبود: «ان جاهدوا کما جاهدتم اول مره»؟ ما که آن را پیدا نکردیم. عبدالرحمان گفت: جزو آیاتی است که از قرآن حذف شده است»^۲.

به نظر شما چه کسی این آیات را حذف کرده است؟ خدا یا پیامبر ﷺ یا کسانی غیر از

۱- ابن کثیر در مسند فاروق: ج ۲ ص ۵۹۶ و درباره‌اش گفته است: سندش صحیح است.

۲- کنز العمال: ج ۲ ص ۵۶۷ ح ۴۷۴۱؛ مشکل الآثار طحاوی: ج ۱۲ ص ۹ و شعب الارنؤوط چنین به آن تعلیق زده است: رجال آن ثقة رجال شیخین است.

این دو؟! و اینها منابع و صحاح شما است، نه منابع ما!
 در خصوص سب و دشنام نیز ما این کار را نه می‌پذیریم و نه با آن موافقیم، اما حق و
 اهل حق را با دلیل شرعی اخلاقی بیان می‌داریم و روشن می‌سازیم.
 خداوند شما را بر هر خیری موفق بگرداند!

هیأت علمی انصار امام مهدی (علیه السلام)
 (خداوند در زمین تمکینش دهد)
 شیخ ناظم العقیلی
 محرم الحرام / ۱۴۳۲ ه. ق.

پرسش ۶۶:

خواهش می‌کنم توضیح بدهید: احمد الحسن کیست و او چگونه در این زمان خود را به
 عنوان امام نصب کرده است؟ و چطور مدعی شده که یمانی است و حال آن که همه‌ی ما
 می‌دانیم یمانی بعد از صحیحه خروج می‌کند؟
 فرستنده: بنت الرسول – لبنان

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

الاصد للاهل بلانہ و علم عظیم نعمانہ، و صل اللعمر مصره و آل مصره اللانم و المهریم و سلم تسلیم کثیراً.
 سید (علیه السلام) همان یمانی موعود است، و یمانی به امام مهدی دعوت می‌کند که (در روایات)
 وارد شده است، بنابراین او، هم فرستاده‌ی حضرت است و هم وصی او.
 این به طور خلاصه بود و اما تفصیل آن به صورت زیر است:

در روایت مقدس چنین آمده است: «... یا ابالحسن صحیفه و دواتی حاضر کن. و پیامبر
 خدا ﷺ وصیتش را املا فرمود تا به این جا رسید که فرمود: یا علی پس از من دوازده امام خواهند
 بود و پس از آنها دوازده مهدی ﷺ هستند، یا علی تو نخستین دوازده امام هستی...» و سپس
 حدیث را ادامه می‌دهد تا آنجا که فرمود: «و حسن (علیه السلام) آن را به فرزندش، محمد، مستحفظ از آل
 محمد ﷺ تسلیم کند و ایشان دوازده امام می‌باشند و سپس دوازده مهدی ﷺ بعد از او می‌باشند.
 پس اگر وقت وفاتش رسید، خلافت را به فرزندش نخستین مهدیین تسلیم کند که سه نام دارد،
 نامی مانند نام من و نام پدرم که عبدالله و احمد است، و نام سوم مهدی است و او اولین

ایمان آورنده می‌باشد»^۱.

بنابراین احمد همان پسر امام مهدی علیه‌السلام و وصی او و اولین ایمان آورنده به او است. این که احمد اولین ایمان آورنده به او است مستلزم آن است که وی در زمان ظهور، حضورش موجود و ایمان او به امام مهدی قبل از ایمان ۳۱۳ اصحاب او باشد.

از امام باقر علیه‌السلام نقل شده است که فرمود: «خروج سفیانی و یمانی و خراسانی در یک سال و یک ماه و یک روز خواهد بود؛ درست مانند دانه‌های تسبیح یکی پس از دیگری خواهند آمد. به هر سو که بنگری ترس و وحشت و اضطراب خواهد بود. وای به حال کسی که با آنها درافتد. پرچمی از پرچم یمانی هدایت یافته تر نیست. پرچم هدایت، همان است زیرا او مردم را به صاحب‌تان دعوت می‌کند. هنگامی که یمانی خروج کرد، فروختن سلاح بر مردم و بر هر مسلمانی حرام می‌شود. هنگامی که یمانی خروج کرد به سوی او به پاخیز چرا که پرچم او پرچم هدایت است و روی گردانی از آن برای مسلمان، جایز نیست. هر کس که چنین کند از اهل آتش است چرا که یمانی به حق فرامی‌خواند و به راه مستقیم دعوت می‌کند»^۲.

در این مطلب تامل کن: «رویگردانی از آن برای مسلمان، جایز نیست. هر کس که چنین کند از اهل آتش است». این به معنی آن است که یمانی، صاحب ولایت الهی است. نمی‌شود شخصی بر مردم حجت باشد به گونه‌ای که رویگردانی آنها از او، ایشان را به جهنم وارد کند حتی اگر نماز بخوانند و روزه بگیرند، مگر این که آن شخص از جانشینان خدا بر زمینش باشد؛ اینها اصحاب ولایت الهی از انبیاء و فرستادگان و ائمه و مهدیین می‌باشند.

از ابوعبدالله امام جعفر صادق علیه‌السلام نقل شده است که فرمود: «خداوند شرم ندارد عذاب کند امتی را که به امامی گرویده‌اند که از جانب خدا نیست، حتی اگر کارهای آنها نیکو و پاکیزه باشد، و خداوند شرم دارد عذاب کند امتی را که به امامی گرویده‌اند که از جانب خدا است، حتی اگر کارهای آنها ستمگرانه و گنهکارانه باشد»^۳. در همان صفحه از کتاب کافی روایات دیگری در همین معنا وجود دارد.

مادام که نافرمانی نسبت به یمانی، آتش را به دنبال داشته باشد، یعنی او امامی عادل از

۱ - غیبت طوسی: ص ۱۵۰.

۲ - غیبت نعمانی: ص ۲۶۲ ؛ بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۲۳۲ ؛ معجم احادیث الامام مهدی علیه‌السلام ج ۳ ص ۲۵۵.

۳ - کافی: ج ۱ ص ۳۷۶.

جانب خداوند متعال است.

«زیرا او به حق فرامی‌خواند و به راه مستقیم دعوت می‌کند». فراخواندن به حق و راه مستقیم یا صراط مستقیم، به این معنا است که از این شخص خطا و اشتباهی سر نمی‌زند تا با آن مردم را به باطل درآورد یا از حق خارج گرداند؛ یعنی وی معصوم و بر عصمت او نص وارد شده است؛ و به این معنا، این قید یا محدودیت، در مشخص شدن شخصیت یمانی قابل قبول است. در نظر گرفتن هر معنای دیگری برای این سخن (او به حق فرامی‌خواند و به راه مستقیم دعوت می‌کند)، این کلام را بی‌فایده می‌کند زیرا در این صورت، برای شخصیت یمانی، حد و قیدی باقی نمی‌ماند و این از ساحت آنها به دور است!

آیات قرآن بر این معنا تاکید ورزیده‌اند: «قَالُوا يَا قَوْمَنَا إِنَّا سَمِعْنَا كِتَابًا أَنْزَلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَى مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَإِلَى طَرِيقٍ مُسْتَقِيمٍ* يَا قَوْمَنَا أُحِبُّوَا دَاعِيَ اللَّهِ وَأَمِنُوا بِهِ يَغْفِرْ لَكُمْ مِنْ دُنُوبِكُمْ وَيَجْرِكُمْ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ»^۱ (گفتند: ای قوم ما، ما کتابی شنیدیم که بعد از موسی نازل شده، کتاب‌های پیشین را تصدیق می‌کند و به حق و راه راست راه می‌نماید* ای قوم ما، این دعوت کننده به خدا را پاسخ گوئید و به او ایمان بیاورید تا خدا گناهان تان را بپارزد و شما را از عذابی دردآور در امان دارد).

اکنون بر ما روشن شد که یمانی حجتی است که عصمت او منصوص می‌باشد (دارای نص می‌باشد)، و حجت‌ها به وسیله‌ی روایت وصیت که پیشتر ذکر شد، به ما معرفی و شناسانده می‌شوند که آنها دوازده امام و دوازده مهدی هستند، و یمانی زمینه‌ساز امام مهدی است. این مطلب که وی فرزندش، احمد است و نیز برخی دلایل دیگر بر این حقیقت را می‌توانی در کتاب‌های انصار - خداوند حفظشان کند - بیابی.

برای این که مطمئن شوی که سید احمد الحسن علیه السلام همان یمانی و همان وصی و فرستاده‌ی امام مهدی است، به این روایت دقت کن: محمد بن فضل از امام رضا علیه السلام در حدیثی طولانی روایت کرده است که: «حضرت علیه السلام در بصره در مجلس بزرگی از علما که در میان آنها جاثلیق انصاری و راس جالوت بودند، حاضر شد. امام رضا علیه السلام رو به جاثلیق کردند و فرمود: آیا انجیل بر نبوت محمد صلی الله علیه و آله دلالتی نیاورده است؟ جاثلیق گفت: اگر دلالت می‌آورد ما منکر آن نمی‌شدیم. حضرت فرمود: از السکته در سفر سوم که شما می‌دانی مرا خبر ده. جاثلیق گفت:

نامی از نام‌های خدا می‌باشد و برای ما جایز نیست آن را آشکار کنیم. امام رضا علیه‌السلام فرمود: اگر از شما اقرار گرفتیم که این، نام محمد است... (و پس از آن که امام علیه‌السلام آن چه را که در انجیل و تورات درباره‌ی حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آمده بیان نمود) آن دو - یعنی جاثلیق و راس جالوت - گفتند: به خدا سوگند او چیزهایی بر ما عرضه کرد که امکان رد کردن یا پاسخ دادن به آن وجود نداشت مگر با انکار و رد انجیل و تورات و زبور، موسی و عیسی علیه‌السلام همگی به او اقرار کردند ولی ما نمی‌توانیم به صحت آن اقرار کنیم که این محمد شما همان محمد مذکور در کتاب‌ها است؛ ما نمی‌توانیم این گونه اقرار کنیم و شک داریم که این محمد شما همان محمد است.

حضرت فرمودند: با شک و تردید بر من احتجاج کردید. آیا خداوند از قبل یا بعد، از آدم تا این لحظه پیامبری را مبعوث کرده است که نامش محمد باشد؟ پس در پاسخ درماندند... الخ». وجه استدلال به این روایت: امام رضا علیه‌السلام بر جاثلیق نصاری و راس جالوت یهودی بر این که نبوت پیامبر اکرم حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ثابت شده است محاجه می‌کند و دلیل آن حضرت بر اثباتش این است که نام شریف پیامبر در کتاب‌های خود آنها آمده است و حضرت جاهایی که اسم پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در آن آمده است را برای آنها بیان می‌دارد. آنها نیز نزد حضرت اقرار می‌کنند که درج پیامبری به اسم محمد که در آخرالزمان می‌آید، موضوعی است که قادر به انکار آن نیستند مگر این که انجیل، تورات و زبور را رد کنند. لیکن آنها با وجود چنین اقرار و اعترافی، در این که مقصود، همان پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است شک و تردید روا می‌دارند؛ یعنی آنها مفهوم را می‌پذیرند ولی در مصداق، شک و گمان می‌ورزند؛ آنها می‌گویند نمی‌توانند صرفاً به این دلیل که اسم پیامبر خدا حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، «محمد» است، به او اقرار کنند.

در اینجا امام رضا علیه‌السلام با عبارت «با شک و تردید بر من احتجاج کردید» پاسخ آنها را می‌دهد یعنی شما دلیل ایجابی ندارید و دلیل شما صرفاً سلبی است. سپس همین دلیل سلبی را نیز بر ایشان بی‌اثر می‌سازد، با این سخن خود که فرمود: «آیا خداوند از قبل یا بعد، از آدم تا این لحظه، پیامبری را مبعوث کرده است که نامش محمد باشد؟» و آنها از جواب درمی‌مانند و شبهات واهی‌شان نقش بر آب می‌شود.

امام رضا علیه‌السلام به عبارتی دیگر به آنها می‌گوید تاریخ را از زمان آدم علیه‌السلام تا امروز بررسی کنید؛ آیا در آن مردی به اسم محمد می‌یابید که ادعا کرده باشد از جانب خدای متعال مبعوث

شده است؟ پس اگر نیافتید و قطعاً نمی‌یابید - چاره‌ای ندارید جز این که اقرار کنید پیامبر ما ﷺ همان پیامبر مقصود است که در کتاب‌های شما ذکر او به میان آمده است. طبیعتاً ما باید همواره این نکته را متذکر شویم که آمدن نام رسول خدا در کتب ادیان الهی سابق، بر سبیل نص بر آن حضرت و وصیت نمودن به او بوده است. ما به ازای احتجاج به وصیت بر پیامبری حضرت محمد و روش اثبات برای درستی ادعا کننده که همان هدف مورد نظر است، تکیه بر تاریخ است که شهادت می‌دهد به غیر از صاحب وصیت مدعی دیگری وجود ندارد. به علاوه می‌توانیم بعد مهم دیگری به استدلال امام رضا ﷺ اضافه کنیم؛ موردی که به روشنی از آن درمی‌یابیم، زیرا می‌دانیم احتجاج امام رضا ﷺ کامل و صحیح و به گونه‌ای است که نه از پیش روی و نه از پشت سر، باطل به آن راه ندارد؛ چرا که این احتجاج از آن مردی است که سخن از روی هوا نمی‌گوید و آنچه می‌گوید جز وحیی که (از مبدأ اعلی) به او القاء می‌شود، نیست.

حال که این مطلب را دانستیم، این پرسش را مطرح می‌کنیم که: اگر جاثلیق و راس جالوت در پاسخ به امام رضا ﷺ می‌گفتند: «آری»، سابقه ندارد کسی ادعا کرده باشد که او همان شخص ذکر شده در کتاب‌های ما باشد ولی این مانع نمی‌شود که شخصی در روزگار بعدی بتواند آن را ادعا کند.

من می‌گویم: آیا این پاسخ احتمالی، استدلال امام رضا ﷺ را بی‌اثر و بی‌نتیجه می‌کرد؟ پیشتر گفتیم که احتجاج امام رضا ﷺ کامل و صحیح است و در این قضیه کسی شک روا نمی‌دارد مگر آن که به حقیقت امام رضا ﷺ و به حقیقت امامت جاهل باشد.

از چنین دیدگاهی که اعتقاد تام به درستی احتجاج امام رضا ﷺ دارد، می‌توانیم درکی از احتجاج آن حضرت به دست آوریم به این صورت که حضرت می‌خواسته است این حقیقت را بیان نماید که وصیت را فقط و فقط صاحب آن می‌تواند ادعا کند و نه کس دیگر؛ و بر اساس این انگاره، می‌دانیم که جواب احتمالی (فوق) استدلال امام رضا ﷺ را نقض نمی‌کند بلکه در واقع چیزی نیست جز ادامه‌ی منطقی تردید بی‌پایه و غیرمستند بر دلیل حقیقی ایجابی.

واقعیت آن است که عقل‌های سلیم ضرورت قطعی حفظ وصایای پیامبران را درک می‌کند، و حتی نص الهی وارد بر آنها، باید از دست‌کاری جاعلان و مدعیان دروغین محفوظ بماند؛ زیرا فرض وجود داشتن این امکان که جاعل اوصیای انبیاء و حجت‌ها یا نص الهی بر

آنها بتواند خود را جا بزند، دروازه‌ی ورود شک و خطر آن در عقل‌ها و قلب‌ها را به طور کامل بازمی‌کند و آن‌گاه - پس از تحقق فرض جعل هویت دروغین - انسان هرگز نمی‌تواند به کسی که مدعی شده است من نبی یا وصی هستم اطمینان یابد و به این ترتیب آن حجت نخستین و مستحکمتر که به آن احتجاج می‌جویند ساقط می‌شود، و این خلاف فرض است. و بر شما باد این روایات:

از امیرالمؤمنین علیه‌السلام نقل شده است که فرمود: «... قبل از از مهدی، مردی از اهل بیتش از مشرق خارج می‌شود و شمشیر را مدت هشت ماه بر دوش می‌گیرد، می‌کشد و می‌کشد و به سمت بیت المقدس حرکت می‌کند، و به آنجا نمی‌رسد مگر این که بمیرد». بنا بر این مردی از اهل بیت مهدی، قبل از امام خروج می‌کند.

از حذیفه نقل شده است که گفت: از پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم شنیدم که درباره‌ی مهدی می‌فرمود: «با او بین رکن و مقام بیعت می‌شود، نامش احمد و عبدالله و مهدی است و این هر سه نام‌های او است». این روایت را با روایت وصیت مقارنه کن.

البته خروج، یک حرکت مسلحانه است و دعوت، باید قبل از آن صورت بگیرد، تا هر که هلاک می‌شود با دلیلی هلاک شود و هر که زنده می‌ماند با دلیلی زنده ماند. بدان که خروج قبل از صیحه است، نه بعد از آن؛ یمانی خروج می‌کند تا با سفیانی بجنگد، و سفیانی در ماه رجب خروج می‌کند یعنی قبل از رمضان که صیحه در آن هنگام حادث می‌گردد.

علاوه بر این، چه بسا در صیحه بدهاء حاصل شود و اتفاق نیفتد. در بصائر الدرجات نوشته‌ی محمد بن حسن الصفار ص ۵۴۲ آمده است: ضریس گفت: ابوجعفر امام محمد باقر علیه‌السلام فرمود: «اگر صدایی که به شما گفتیم حادث می‌شود حادث نگشت، تو چه می‌کنی؟»

گفت: گفتیم: به خدا سوگند آن را به فرمان تو منتهی می‌گردانم. گفت: فرمود: «به خدا

۱ - کتاب الفتن لعنیم بن حماد مروزی: ص ۱۹۸ ؛ معجم احادیث امام مهدی علیه‌السلام ج ۳ ص ۱۱۹ ؛ کنز العمال: ج ۱۴ ص ۵۸۹ ؛ در روایت سید بن طاووس در ملاحم و الفتن: ص ۱۳۹: (... بأهل الشرق...).

۲ - غیبت طوسی: ص ۴۵۴ ؛ خرائج و جرائح راوندی: ص ۱۱۴۹ ؛ بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۲۹۱ ؛ معجم احادیث امام مهدی علیه‌السلام ج ۱ ص ۴۵۳.

سوگند این همان تسلیم است و گرنه ذبح» و با دستش به گلویش اشاره فرمود».

ابومحمد انصاری

۲۰۱۰/۴/۵

پرسش ۶۴۷:

در تالارهای گفت‌وگو مشغول گشت و گذار بودم. از یکی از مراکشی‌ها مطلبی خواندم که قلبم را به درد آورد و مرا به مباحثات و کشمکش‌هایی شدید با آنها واداشت. آیا آنچه که درباره‌ی زراره گفته می‌شود صحیح است؟ من عین متنش را می‌آورم زیرا با همین‌ها به آنها پاسخ خواهم داد:

۱- شیخ طوسی گفته است: زراره از خانواده‌ای نصرانی بود و جدش («سنسن» و گفته شده «سبسِن») یک راهب نصرانی بوده است. پدرش برده‌ی رومی بوده که برای بنی شیبان کار می‌کرده است.^۱

زراره کسی است که گفته است: «در مورد تشهد از ابوعبدالله پرسیدم... تا آنجا که گفت: وقتی خارج شدم در ریشش «ضربه زدم» (باد معده) و گفتم: هرگز رستگار نمی‌شود».^۲

همچنین زراره گفته است: «به خدا سوگند اگر تمام آن چه را که از امام صادق علیه السلام شنیده‌ام بر زبان بیاورم، مردان قوی نیز به دار آویخته خواهند شد».^۳

این مسکان می‌گوید شنیدم زراره می‌گفت: خدا رحمت کند ابوجعفر را، و اما جعفر، در دلم نسبت به او «لفته» (کدورتی) است. به او گفتم: چه چیز باعث شده زراره چنین بگوید؟ گفت: به خاطر این که ابوعبدالله زشتی‌هایش را برملا کرده است.^۴

سخنان ابوعبدالله درباره‌ی زراره:

۲- و به همین دلیل ابوعبدالله درباره‌ی او گفت: «خدا لعنت کند زراره را».^۵

۳- همچنین ابوعبدالله گفته است: «خداوندا! جهنم را به وجود نیاوردی مگر ظرف

کوچکی که خاندان اعین بن سنن بزرگش کنند».

۱- الفهرست: ص ۱۰۴.

۲- رجال کشی: ص ۱۴۲.

۳- رجال کشی: ص ۱۲۳.

۴- رجال کشی: ص ۱۳۱.

۵- رجال کشی: ص ۱۳۳.

- ۴- ابو عبدالله گفت: «خدا لعنت کرد برید را، خدا لعنت کند زراره را»^۱.
- ۵- و همچنین گفته است: «زراره نمی‌میرد مگر سرگردان و حیران، لعنت خدا بر او باد!»^۲.
- ۶- و نیز ابو عبدالله گفته است: «این زراره بن اعرین است، و الله او جزو کسانی است که خداوند متعال در کتاب عزیزش آنها را توصیف کرده است: «وَقَدِمْنَا إِلَىٰ مَا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَّنْثُورًا»^۳ (و به اعمالی که کرده‌اند پردازیم و همه را چون ذرات خاک بر باد دهیم)»^۴.
- ۷- و گفته است: «قومی ایمان را عاریت می‌گیرند سپس آن را پس می‌دهند و در روز قیامت به آنها «معارون» گفته می‌شود. یقیناً زراره بن اعرین از آنها است»^۵.
- ۸- همچنین گفته است: «اگر بیمار شود، درمانش نکنید و اگر بمیرد، بر جنازه‌اش نماز نخوانید. به او گفته شد: زراره؟ با تعجب گفت: آری، زراره از یهود و نصارا شیرتر است و کسی است که گفته، خداوند سه‌گانه است، خداوند زراره را ذلیل کند. و گفت: زراره در امامت من شک کرد، پس از خدای من طلب بخشش نمود»^۶.
- حال اگر زراره از یک خانواده‌ی نصرانی بوده است و در امامت ابو عبدالله شک داشته باشد، و او همانی است که گفته در ریش ابو عبدالله شرطه زده، و درباره‌اش گفته است که هرگز دستگار نمی‌شود، پس دیگر توقع داریم او چه خدمتی به دین اسلام عرضه بدارد؟! صحاح شیعیه پر است از احادیث زراره، و او در صدر راویان قرار دارد. او کسی است که بر اهل بیت دروغ بست و در اسلام بدعت‌هایی وارد نمود که کسی همانند او چنین بدعت‌هایی در اسلام نیاورده است؛ ابو عبدالله نیز به این مطلب اشاره کرده است. هر کس به صحاح شیعیه رجوع کند، مصداق این سخن را می‌یابد و مثل و نظیر او «برید» است که ابو عبدالله این دو را لعن نموده است.

۱- رجال کشی: ص ۱۳۴.

۲- رجال کشی: ص ۱۳۴.

۳- فرقان: ۲۳.

۴- رجال کشی: ص ۱۳۶.

۵- رجال کشی: ص ۱۴۱.

۶- رجال کشی: ص ۱۳۸.

پرسش‌هایی که ما در دامان تمام شیعیان قرار می‌دهیم که از مهمترین موارد مذهب او یا دلیل بر عدم صدق عقیده‌ی او است:

چطور شیعه ادعای محبت آل‌البیت دارد و حال آن که دین خود را از کسی می‌گیرد که در ریش ابوعبدالله ضربه زده است؟

چگونه شیعه دین خود را از مردی می‌گیرد که در امامت ابوعبدالله شک کرده است؟ چگونه شیعیان در حزن و اندوه ابوعبدالله می‌گیرند و خود را می‌زنند و به دست خودشان از بدن خون جاری می‌سازند و حال آن که از سوی دیگر، دین خود را از مردی اخذ می‌کنند که در امامت ابوعبدالله شک کرده است؟

چگونه شیعیان دین خود را از مردی می‌گیرند که ابوعبدالله او را لعنت کرده است؟ چگونه شیعیان دین خود را از فرزندان راهب‌های مسیحی اخذ می‌کنند؟
فرستنده: حسین القلاف - عربستان سعودی

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

الصلوة لله رب العالمين، و صلواته على محمد و آله و سلم تسليماً.

زراره از واثق‌ترین و عادل‌ترین اصحاب ائمه عليهم السلام است و ائمه ما را به اخذ احادیثی که او روایت کرده است دستور داده‌اند. این شما و این برخی از این روایات:
وسائل الشیعه (آل‌البیت) ج ۲۷ ص ۱۴۳-۱۴۴: از ابی‌العباس فضل بن عبدالملک: شنیدم ابا عبدالله می‌فرماید: «چهار نفر هستند که محبوب‌ترین مردم نزد من به حساب می‌آیند: برید بن معاویه العجلی و زراره بن اعین و محمد بن مسلم و الاحول. اینها چه زنده باشند و چه مرده محبوب‌ترین مردم نزد من هستند».

مفضل بن عمر می‌گوید: «ابوعبدالله عليه السلام در حدیثی به فیض بن مختار فرمود: «اگر سخن ما را می‌خواهی پس بر تو باد بر این شخص» و به مردی از اصحابش اشاره فرمود. اصحاب ما درباره‌ی او پرس و جو کردند، گفتند: او زراره بن اعین است».

از ابراهیم ابن عبد الحمید و سایرین: ابوعبدالله عليه السلام فرمود: «خدا رحمت کند زراره بن اعین را! اگر زراره و امثال او نبودند، احادیث پدرم عليه السلام مندرس و ضایع شده بود».

از سلیمان بن خالد: شنیدم ابوعبدالله عليه السلام فرمود: «کسی ذکر ما و احادیث پدرم عليه السلام را احیا نکرد به جز زراره و ابوبصیر لیث مرادی و محمد بن مسلم و برید بن معاویه عجللی. اگر اینان

نبودند هرگز کسی این (احادیث) را استنباط نمی‌نمود. اینان حافظان دین و امینان پدرم (علیه‌السلام) بر حلال و حرام خدایند. آنان سبقت‌گیران به سوی ما در دنیا و آخرتند».

از عبیده بن حدّاء که گفت: شنیدم ابوعبدالله (علیه‌السلام) می‌فرماید: «زراره و ابوبصیر و محمد بن مسلم از کسانی هستند که خداوند متعال درباره‌ی آنها فرموده است: «وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ»^{*} **أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ**»^۱ (آنها که سبقت جسته بودند و اینک پیش افتاده‌اند، اینان مقربانند).

اما روایات در ذمّ زراره و امثال او، محمول بر تقیه است و با هدف نگاهداری آنها از شرّ طاغوتیان دشمنان آل محمد (علیهم‌السلام) صورت گرفته است؛ یعنی از همان کسانی که هر فردی که از مقربان و نزدیکان اهل البیت (علیهم‌السلام) بود را می‌کشتند و به زندان می‌افکندند یا آواره می‌ساختند. ائمه (علیهم‌السلام) به این مطلب تصریح نموده‌اند و غرض از لعن و مذمتی که برای برخی از اصحاب ثقه و مورد اعتماد خود به کار برده‌اند را تبیین فرموده‌اند.

خداوند شما را به هر خیر و فلاحی موفق بدارد!

هیأت علمی انصار امام مهدی (علیه‌السلام)
(خداوند در زمین تمکینش دهد)
شیخ ناظم العقیلی
محرم الحرام / ۱۴۳۲ هـ. ق

پرسش ۶۴۸:

السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

قبل از این که سؤال را مطرح کنم، مایلیم بگوییم که من به تازگی این دعوت را شنیده‌ام و همچنان در مورد آن مشغول تحقیق و بررسی هستم. قبل از این که اینها به گوشم بخورد، سؤالات زیادی در ذهن داشتم و پس از آن که بر این دعوت اطلاع یافتیم، برخی اشکالاتی که داشتم حل شد، مثل این که دوازده مهدی چه کسانی هستند.

اما درباره‌ی روایتی که مخالفان دعوت به وسیله‌ی آن اشکال می‌گیرند سؤالی دارم. روایت این است: از ابا عبدالله امام صادق (علیه‌السلام) «... و قائل یمرق بقوله انه يتعدى الى ثلاثة عشر وصاعداً، و قائل يعصى الله عزوجل بقوله: ان روح القائم ينطق في هیکل غیره» (و گروهی سرکش خواهند شد زیرا اعتقاد به امامت را به سیزده نفر و بیشتر سرایت می‌دهند. و برخی هم نافرمانی

خدای عزوجل می‌کند و می‌گویند: روح امام قائم در بیکر شخص دیگری وارد شده است و سخن می‌گوید).

از حضرت تعالی خواهش می‌کنم این روایت را برای ما شرح دهید.

و السلام علیکم.

فرستنده: علی الحسنی - استرالیا

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الطيبين وسلم تسليماً.

و علیکم السلام ورحمة اللہ وبرکاتہ.

متن زیر نصّ یکی از پاسخ‌هایی است که درباره‌ی این روایت قبلاً برای یکی از برادران نوشته‌ام: برادر عزیزم... با قطع نظر از ضعف سند این روایت و با قطع نظر از قاعده‌ی «الزام» (الزام القوم بما یلزمون به انفسهم... الزام نمودن قوم به آنچه خودشان را به آن ملزم می‌نمایند...) کلام امام (علیه السلام) متوجه کسانی است که وجود امام مهدی (علیه السلام) و امامت و بقای او را منکر می‌شوند. این سخن حضرت که: «... و گروهی سرکش خواهند شد زیرا اعتقاد به امامت را به سیزده نفر و بیشتر سرایت می‌دهند...» یعنی وی امامت را به سیزده نفر و بیشتر سرایت می‌دهد، و در عین حال معتقد به فوت امام مهدی (علیه السلام) در غیبت صغری یا کبری است؛ اینجا سخن درباره‌ی فرزندان و جانشینان امام مهدی (علیه السلام) نیست که جانشینان او بعد از قیام مقدسش می‌باشند که اولین آنها، زمینه‌ساز او (علیه السلام) است.

دلیل بر این سخن آن است که حضرت (علیه السلام) درباره‌ی غیبت امام مهدی (علیه السلام) و ارتداد و انحراف مردم از او سخن می‌گوید؛ پس آن چه در اینجا ممنوع است، قایل شدن به مرگ امام مهدی (علیه السلام) در غیبت و حجت سیزدهم پس از او است. این سخن یعنی این که امام مهدی (علیه السلام) تا آن هنگام که ظاهر شود و زمین را پس از آن که از ظلم و جور آکنده شده است، از عدل و داد پر کند، باقی می‌ماند؛ و این موضوعی است که ده‌ها و صدها روایت آن را بیان است.

عقیده به این که امام مهدی (علیه السلام) اوصیائی دارد، در کنار اعتقاد به وجود و حیات امام مهدی تا آن‌گاه که دولت عدل الهی را پایه‌گذاری می‌کند، عقایدی نیست که این روایت نافعی

آنها باشد؛ بلکه ده‌ها روایات، به این معنا تنصیب و اشاره دارد، یعنی ده‌ها روایت از وجود مهدیین از نسل امام مهدی (علیه‌السلام) سخن گفته است. اگر تمایل داشته باشی می‌توانی به کتاب «الرد الحاسم علی منکری ذریة القائم (علیه‌السلام)» از انتشارات انصار امام مهدی (علیه‌السلام) مراجعه نمایی. بنابراین روایت مزبور درباره‌ی موضوعی غیر از موضوع اوصیای امام مهدی (علیه‌السلام) صحبت می‌کند؛ یعنی این روایت درباره‌ی کسانی است که به مرگ امام مهدی (علیه‌السلام) در زمان غیبتش اعتقاد دارند و در عین حال به امام سیزدهم معتقدند؛ به عبارت دیگر، آن اعتقاد باطل، ایمان به وجود اوصیایی برای امام مهدی (علیه‌السلام) نیست بلکه عقیده‌ای باطل است که هم به اوصیا ایمان دارد و هم مرگ امام مهدی (علیه‌السلام) در زمان غیبتش را باور دارد. این از بحث — یعنی قضیه‌ی اعتقاد به اوصیای دوازده‌گانه از فرزندان امام مهدی (علیه‌السلام) — به طور تخصصی خارج است زیرا ما به آنها اعتقاد داریم ولی در عین حال به امامت امام مهدی (علیه‌السلام) در غیبت کبری معتقدیم و این که او حجت اصلی است تا آن‌گاه که قیام کند و زمین را از عدل و داد پر سازد.... لذا ما به مرگ امام مهدی (علیه‌السلام) در زمان غیبتش معتقد نیستیم تا این روایت بر ما منطبق باشد.... این کجا و آن کجا؟! در واقع کسانی که با این روایات با ما رویارو می‌شوند در نهایت نادانی و توهم‌اند.

دلیل دیگری بر آن چه که برای شما گفتم، سخنان بی‌پایه و باطلی است که امام صادق (علیه‌السلام) همه‌ی آنها را ذکر نموده است که جمله‌گی به عقیده‌ی عدم وجود امام مهدی (علیه‌السلام) یا وفات او دلالت دارد.... به گفتارهایی که در روایت آمده است بنگرید:

«فمن قائل بغیر هدی بانه لم یولد» (بعضی از هدایت‌نیافتگان می‌گویند او متولد نشده است)؛ یعنی آنها اصولاً به عدم ولادت امام مهدی (علیه‌السلام) اعتقاد دارند.

«و قائل یقول انه ولد و مات» (و برخی دیگر می‌گویند: او متولد شده ولی از دنیا رفته است)؛ اینها نیز معتقد به عدم وجود امام مهدی (علیه‌السلام) در غیبتش هستند.

«و قائل یکفر بقوله ان حادی عشرنا کان عقیماً» (و گروهی هم کافر می‌شوند، به دلیل این که می‌گویند یازدهمین نفر از ما، عقیم بوده است)؛ یعنی امام حسن عسکری عقیم بوده و امام مهدی (علیه‌السلام) را به دنیا نیاورده است، که این نتیجه نیز عدم وجود امام مهدی (علیه‌السلام) در دوران غیبتش می‌شود.

«و قائل یرمق بقوله انه یتعدی الی ثالث عشر فصاعداً» (و گروهی سرکش خواهند شد زیرا اعتقاد به امامت را به سیزده نفر و بیشتر سرایت می‌دهند)؛ اینجا نیز یعنی اساساً امامت به سیزده

و بیشتر کشیده شده است که نتیجه، انکار وجود و امامت مهدی علیه السلام در زمان غیبت او است. این روایت به طور کامل متوجه کسانی است که امام مهدی علیه السلام را در دوران غیبتش انکار می‌کنند.

«و قائل یعصی الله عزوجل بقوله ان روح القائم علیه السلام ینطق فی هیکل غیره» (و برخی هم نافرمانی خدای عزوجل می‌کنند و می‌گویند: روح امام قائم در پیکر شخص دیگری وارد شده است و سخن می‌گوید)؛ و این نیز یعنی روح قائم در بدن شخص دیگری حلول کرده است یا سخن می‌گوید. این عقیده نیز باطل بوده و به آن معنا است که حجت، کسی غیر از امام مهدی علیه السلام می‌باشد یعنی حجت، همان کسی است که روح قائم به وسیله‌ی او سخن می‌گوید.

علاوه بر این در برخی کتب، روایت مزبور با این عبارت آمده است: «و قائل یمرق بقوله انه یتعدی الی ثالث عشر و ما عدا» (و گروهی سرکش خواهند شد زیرا اعتقاد به امامت را به سیزده نفر و بیشتر سرایت می‌دهند)؛ و مفهومش آن است که امامت در زمان قائم علیه السلام به بعد از او منتقل نمی‌شود و به سیزدهمی جریان نمی‌یابد و قطعاً کسی که معتقد باشد که امامت به غیر از امام مهدی علیه السلام تسری یافته و آن حضرت در غیبتش فوت کرده، «مارق» (از دین خارج) است.

این سخن حضرت که «و ما عدا» یعنی امامت کماکان متعلق به امام مهدی علیه السلام در غیبت او است و او حجت اصلی بر خلائق است و طبیعتاً این به آن معنا نیست که حضرت نایب یا وصی ندارد زیرا اعتقاد به داشتن وصی به این معنا نیست که امامت به وصی او منتقل شده یا سرایت یافته است. علی بن ابی طالب علیه السلام در زمان حیات حضرت محمد صلی الله علیه و آله وصی او بود و هیچ کس نگفت که حجت بودن بر خلق به امام علی علیه السلام تسری یافته است، مگر بعد از وفات پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در مورد حسن و حسین علیهما السلام نیز همین گونه است. این‌ها اوصیای امام علی علیه السلام در زمان حیات او بودند لیکن این به آن معنی نیست که امامت از امام علی علیه السلام به این دو رسیده است، مگر پس از وفات امام علی علیه السلام بقیه‌ی ائمه علیهم السلام نیز همین گونه‌اند. اوصیای آنها موجود بوده‌اند ولی این، بر منتقل شدن امامت و حجیت از قبلی به بعدی دلالت ندارد مگر پس از وفات قبلی. به گمانم این قضیه جزو موارد روشنی است که از شرح و بسط بی‌نیاز می‌باشد.

ما نمی‌گوییم که اکنون امامت از امام مهدی علیه السلام به وصی‌اش سید احمد الحسن انتقال یافته است بلکه می‌گوییم حجت بر سید احمد الحسن و بر تمام خلائق همان امام مهدی

حجت بن الحسن علیه السلام می‌باشد، و حجیت سید احمد الحسن از آن جهت است که وی فرستاده و وصی امام مهدی علیه السلام و مبعوث از سوی آن حضرت است و هیچ‌گاه امکان ندارد که سید احمد الحسن با امر و نهی امام مهدی علیه السلام مخالفت ورزد، بلکه سید احمد الحسن به صراحت بیان داشته است که وی از امام مهدی علیه السلام نقل می‌کند و مردم را به سوی آن حضرت و برای زمینه‌سازی قیام مقدس او، دعوت می‌نماید.

واضح است که حسین علیه السلام در زمان حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و در زمان امام علی علیه السلام و در زمان امام حسن علیه السلام وصی و امام بود، طبق فرمایش پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به این معنا که: «**الحسن و الحسین امامان ان قاما وان قعدا**»^۱ (**حسن و حسین هر دو امام‌اند، قیام کنند یا قعود (صلح) کنند**)؛ اما اقرار به امامت حسین به این معنا نیست که حجیت بر خلق از حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم یا از امام علی علیه السلام یا از امام حسن علیه السلام به امام حسین علیه السلام انتقال یافته است، چرا که اصولاً حجیت فقط در دو حالت منتقل می‌شود: یا پس از وفات ایشان علیه السلام یا هنگامی که امام حسین علیه السلام به عنوان جانشین و فرستاده از سوی حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم یا امام علی علیه السلام یا امام حسن علیه السلام مکلف می‌شود.

روشن است که علی بن ابیطالب علیه السلام در زمان حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم حجت بوده است و این موضوع در غیاب پیامبر یا هنگامی که ایشان وی را به کار معینی تکلیف می‌فرموده -مانند ارسال به سوی مردم یمن- روی می‌داده است، ولی این، دلالت بر آن ندارد که حجیت به طور کامل از حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم به امام علی علیه السلام انتقال یافته است، بلکه این کار به صورت نیابت و جانشینی بوده است و حجیت به طور کامل انتقال نیافت مگر پس از وفات حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم. علاوه بر این، گروهی که می‌گویند امام مهدی علیه السلام فوت کرده و امامت به فرزند او منتقل شده است، مدت زمان مدیدی است که منقرض گشته‌اند؛ یعنی تقریباً بلافاصله پس از غیبت صغری. شیخ طوسی در کتاب «غیبت: ص ۲۲۸» خاطرنشان کرده که این فرقه منقرض شده و کارش به پایان رسیده است.

بنابراین کلام امام صادق علیه السلام تحقق یافته و سخن ایشان ناظر به این فرقه است که به مرگ امام مهدی علیه السلام و انتقال امامت به فرزندش در دوران غیبت معتقد بوده‌اند؛ سخن امام صادق علیه السلام ارتباطی با نفی یا رد فرزندان یا اوصیای امام مهدی علیه السلام ندارد.

تا اینجا فکر کنم قضیه مثل روز روشن شده است.

والله للرب العالمین، و صلوات الله علیهم و آله و سلم تسلیماً کثیراً.

هیأت علمی انصار امام مهدی (علیه السلام)
(خداوند در زمین تمکینش دهد)
شیخ ناظم العقیلی
محرم الحرام / ۱۴۳۲ ه. ق.

فسلام علیک ایها العبد الصالح و علی آباءک الطاهرین و أبناءک المهدیین و شیعتکم المستجبین

سلام خدا بر تو ای عبد صالح و بر پدران طاهر تو و بر پسران مهدیین تو و بر شیعیان تجب تو باد!

أَسْأَلُ اللَّهَ أَنْ يَنْصُرَكَ نَصْرًا عَزِيزًا وَيُمْكِنَ لَكَ فِي أَرْضِهِ

از خداوند مسئلت می‌نمایم که پیروزی شکست‌ناپذیری نصیب تو فرماید و تو را در زمین تسلط و توان عطا نماید!

و الحمد لله رب العالمین

و صلی الله علی محمد و آل محمد الاثمت و المهدیین و سلم تسلیماً کثیراً